



مجلة الدراسات الإيرانية
Journal for Iranian Studies
فصلنامه پژوهش های ایرانی

مجلة پژوهش های ایرانی

پژوهش های علمی متخصص

مجلة نیم سالانه علمی پژوهشی به سه زبان عربی، انگلیسی و فارسی

شماره نوزدهم

آوریل ۲۰۲۴ میلادی

صاحب امتیاز



RASANA

مؤسسه بین المللی مطالعات ایران
International Institute for Iranian Studies

مجله پژوهش های ایرانی

مجله نیم سالانه علمی پژوهشی به سه زبان عربی، انگلیسی و فارسی

پادشاهی عربستان سعودی، ریاض، الصحافة، خیابان التخصصی

صندوق پستی: ۱۲۲۷۵

کد پستی: ۱۱۴۷۳

جهت تماس با ما لطفا از طریق پست الکترونیکی زیر اقدام فرمایید:

JIS@rasanahiiis.com

ISSN 1658 – 7464

تمامی حقوق چاپ محفوظ است، نقل مطالب یا جزیی از آن بدون ذکر منبع تخلف محسوب می شود، همچنین باز نشر مطالب تنها با اجازه مدیر مسؤول جایز است

قوانین و مقررات

- مقاله ارسالی باید در زمینه تخصصی مجله باشد.
- مقاله ارسالی نباید در هیچ مجله ای دیگر منتشر یا همزمان برای سایر نشریه ها ارسال شده باشد.
- پژوهش ها باید به صورت علمی و منسجم مطابق استاندارد علمی نگاشته شوند
- منابع در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا بر اساس نام خانوادگی ارایه شود.
- بازنشر مطالب تنها با اجازه مدیرمسئول جایز است
- مقاله دریافتی برای چاپ مترد نخواهد شد. بهتر است مقاله ها از طریق پست الکترونیکی مؤسسه ارسال شود.
- نسخه ارسالی باید اصل باشد، و به صورت اسکن شده نباشد.
- مقاله ها توسط هیئت داوران ارزیابی می شود.

هیئت مشاوران

- استاد أحمد الشاذلی
- استاد رضوان السید
- استاد صالح الخثلان
- استاد عبد الحمید الأنصاری
- استاد محمد السعید جمال الدین
- استاد مهند المبیضین
- استاد یحیی بن محمود بن جنید
- دکتر سلطان النعیمی
- دکتر عبد الکریم جرادات

مدیر مسؤول

دکتر محمد بن صقر السلمي

هیئت تحریریه

سرلشکر بازنشسته احمد بن علی

المیمونی

دکتر معتصم صديق عبد الله

دکتر عبدالرؤوف مصطفى الغنيمی

دکتر محمد السيد الصياد

دکتر يحيى بوزیدی

احمد شمس الدين ليله

حشر مجاهد البدرانی

نوره السیعی

نوید احمد

سر دبیر

محمود حمدي أبو القاسم

مدیر اجرایی

أسماء المطیری

محمود جمعه

طراحی و صفحه آرایی

لطیفه الطلوحی

فهرست مطالب

- تأثیرات الگوی توسعه ای عربستان سعودی بر افکار عمومی داخل ایران
دکتر محمد بن صقر السلمی ۷
- عربستان سعودی سبز؛ صعود یک قدرت بزرگ در حوزه انرژی تجدیدپذیر
دمیتری زابلین..... ۴۴
- نقش ایران و بازیگران غیر دولتی در عملیات توفان الاقصی: ابزارها و پیامدهای سیاستها
علی بکر..... ۷۱
- آمریکای لاتین؛ بازار تازه ای برای پهپادهای ایرانی
امل مختار ۹۹
- فلسفه و سیاست در ایران معاصر
دکتر محمد السید الصیاد ۱۲۵
- اتیوپی محصور در خشکی و پیامدهای راهبردی تلاش برای دسترسی به آبهای آزاد
دکتر محمد الامین بن عوده ۱۵۸

تأثیرات الگوی توسعه ای عربستان سعودی بر افکار عمومی داخل ایران

دکتر محمد بن صقر السلمی

دانشیار مطالعات ایران شناسی- دانشگاه ام القرى

چکیده:

این پژوهش در تلاش است موضع نخبگان اجتماعی و فکری ایران در قبال مهمترین تحولات توسعه ای، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک پادشاهی عربستان سعودی و نیز واکنش آنان در قبال این تحولات، که با کامنت نوشتن در تارنماها و یا در شبکه های اجتماعی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم اوضاع داخلی کشور خود را با آنچه در پادشاهی عربستان سعودی می گذرد مقایسه می کنند، را مورد بررسی قرار دهد تا روشن شود که تصویر عربستان سعودی در اذهان ایرانیان تا چه اندازه تغییر کرده است و این امر بر فضای داخلی ایران چه تأثیراتی خواهد داشت؟ از این رو، پژوهش حاضر، مطالب متنوعی که بعد از توافق ماه مارس ۲۰۲۳ میان عربستان سعودی و ایران، انتشار یافت و نظرات خوانندگان در ذیل این مطالب و یا کلیپهای ویدئویی که در سایتهای داخلی و یا به طور کل در سایتهای فارسی زبان منتشر شده اند، را زیر ذره بین برده است و به واکنش نخبگان فکری ایران در قبال تحولات عربستان سعودی از طریق مقالات اندیشه ای در روزنامه ها و یا تارنماهای ایرانی توجه نشان داده است.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، ایران، چشم انداز ۲۰۳۰ پادشاهی عربستان سعودی، فقر، بیکاری، شبکه های اجتماعی، اقتصاد، افکار عمومی ایران

مقدمه

در طول یک دهه گذشته، رقابت منطقه ای بر روابط عربستان سعودی و ایران و مخصوصا نگاه مردم ایران به عربستان سعودی سایه انداخت. گفتمان رسمی ایران تلاش کرد در مورد پادشاهی عربستان سعودی سیاه نمایی کند. اما در چند ماه اخیر، با توجه تحولات داخلی و خارجی و با توجه به شاخصها و آمارهایی که پادشاهی عربستان سعودی را در سطح منطقه و بین الملل در جایگاه مهمی قرار می دهد، مورد توجه منطقه و جهان قرار گرفته است. ایران از جمله کشورهای است که مردم آن و مخصوصا نخبگان و بخشهای وسیعی از توده های مردم شیفته الگوی عربستان سعودی شده اند. و از آنجا که نظام ایران، به پادشاهی عربستان سعودی به چشم یک رقیب منطقه ای می نگرد، از این مسأله چندان دل خوشی ندارد؛ زیرا اگر مردم ایران شناخت درستی از عربستان سعودی پیدا کنند، قطعاً با سیاستهای نظام ایران و پروژه های منطقه ای آن مقایسه می کنند و این امر، نظام ایران را در تنگنا قرار می دهد و در نتیجه، مشروعیت نظام کم رنگ تر می شود و سیاه نمایی های رسانه های رسمی ایران در مورد پادشاهی عربستان نیز بر ملا می گردد.

در چارچوب همین تحولات، این پرسش مطرح می گردد که الگوی توسعه ای عربستان سعودی تا چه اندازه بر افکار عمومی داخل ایران تأثیرگذار بوده است؟ در کنار این پرسش اصلی، پرسشهای فرعی دیگری نیز مطرح می گردد که عبارتند از: واکنش نخبگان و افکار عمومی ایران در قبال تحولات کنونی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عربستان سعودی چیست؟ و

چگونه می توان تأثیر آن را بر فضای داخل ایران بازخوانی کرد؟ این پژوهش در صدد است برای پاسخ به این پرسش، به بررسی و تحلیل موضع نخبگان و افکار عمومی ایران در قبال تحولات اجتماعی و اقتصادی پادشاهی عربستان سعودی و نقش راهبردها و طرحهای توسعه ای که پادشاهی عربستان سعودی را به یک جهش توسعه ای و متمدانه سوق داده است و سطح زندگی شهروندان سعودی را بهبود بخشیده است، بپردازد. واقعیت این است که پادشاهی عربستان سعودی به سطحی رسیده است که عن قریب با کشورهای دارای اقتصاد نوظهور در سرتاسر جهان رقابت کند. موفقیت‌های پادشاهی عربستان سعودی در عرصه های مختلف، واکنش‌های نخبگان و ملت ایران را که از نظام خود رضایت ندارند برانگیخته است؛ زیرا نظام ایران از لحاظ امکانات، چیزی از عربستان سعودی کم ندارد اما با این همه، انزوا، تحریم و فشارهای گوناگون، شرایط اقتصادی و معیشتی اسفناکی برای ایران رقم زده است. با این تحلیل می توان دریافت که الگوی عربستان سعودی تا چه اندازه ای می تواند بر نظام ایران و تداوم سیاستهای داخلی و خارجی تأثیر بگذارد.

در این پژوهش به مطالبی که بیشترین بازدید و نظرات را به خود اختصاص داده و نیز مهمترین مقالات و تحلیل‌هایی که بعد از بازگشت روابط میان دو کشور منتشر شده، استناد شده است. محتوای این مطالب عبارتند از: (۱) نظرات خوانندگان ذیل بیانیه عربستان سعودی در مورد میدان گازی آرش. (۲) مقالات، نظرات و تحلیلها در مورد افزایش نقش پادشاهی عربستان سعودی در حل بحران اوکراین. (۳) نظرات کارشناسان، نخبگان و کاربران ایرانی شبکه های اجتماعی در مورد توسعه در پادشاهی عربستان سعودی و الگوی عربستان سعودی. (۴) نظرات کاربران ایرانی، ذیل ویدئویی که خالد الشنیف گزارشگر ورزشی عربستان سعودی از زمین

بازی ورزشگاه آزادی هنگام بازی تیم فوتبال النصر عربستان سعودی با تیم پرسپولیس در رقابتهای قهرمانی آسیایی انتقاد می‌کرد. محتوای این مطالب که در بازه زمانی ماه ژوئن و سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی منتشر شده، مورد تحلیل قرار گرفته است تا یک رهیافت واقعی تری در مورد موضع ایرانیان در قبال تحولات کنونی عربستان سعودی و تأثیر این نظرات و موضع‌گیریها در روابط میان دو کشور، ارائه گردد.

نخست: موضع‌گیریها و نظرات نخبگان ایران در قبال تحولات کنونی در عربستان سعودی

بعد از احیای روابط عربستان سعودی و ایران، نشانه‌هایی دیده شد مبنی بر اینکه دید مردم ایران نسبت به عربستان سعودی تغییر کرده است. نخبگان و افکار عمومی در ایران با دید مثبت تری به موضوعات مرتبط با عربستان سعودی توجه نشان دادند. با استناد به نظرات نخبگان و توده مردم در رسانه‌های گوناگون و مخصوصاً شبکه‌های اجتماعی می‌توان ماهیت تصویری که از عربستان سعودی در ذهن ایرانیان شکل گرفته است را مورد بررسی قرار داد.

یک. کارکرد سیاسی عربستان سعودی در داخل و خارج

از مطالب مورد مطالعه چنین بر می‌آید که کارکرد سیاسی عربستان سعودی در داخل و خارج از کشور مورد توجه و پسند نخبگان و همچنین توده مردم ایران قرار گرفته است و این مسأله واضح است که افکار عمومی به نحو قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر جوانب گوناگون کارکرد سیاسی عربستان سعودی قرار گرفته است که از مهمترین آنها عبارتند از

الف. نقش دیپلماتیک عربستان سعودی در حل و فصل مناقشات بین المللی: به خوبی می‌توان دریافت که دیدگاهی در ایران شکل گرفته است مبنی بر اینکه عربستان سعودی توانسته است در روابط گوناگون خود در

سطح بین الملل به گونه ای سرمایه گذاری کند که به نفع منافع ملی آن تمام شود. و این مهم به برکت بینش رهبری جوان پادشاهی عربستان سعودی یعنی ولیعهد محمد بن سلمان محقق شده است که تیمی از نخبگان علمی را در کنار خود دارد. در نظرات خوانندگان، بر شایستگی نخبگان عربستان سعودی و سطح دانش و سواد آنها تأکید شده است که آنها قادر ساخته است در محافل بین المللی حضور یافته و در خارج به بهترین وجه از کشور خود نمایندگی کنند. و این تمجید از نخبگان در واقع تمجید از سطح و جایگاه آموزش در عربستان سعودی در مقایسه با ایران است. از جمله مسائلی که نخبگان ایرانی به آن توجه نشان می دهند، عملگرایی جریان حاکم در عربستان سعودی است که نقش برجسته ای در تحول و پیشرفت عربستان سعودی دارد. به عنوان مثال، نخبگان ایرانی، از دیپلماسی عربستان سعودی و نقش برجسته آن در حل و فصل مناقشات بین المللی و همچنین نشست صلح جده برای حل بحران اوکراین که با حضور نمایندگان ۴۰ کشور از جمله برزیل، انگلستان، هند، چین، ایالات متحده، ترکیه، جنوب آفریقا و کشورهای اتحادیه اروپا برگزار شد، تمجید کرده اند. محمد مهدی مظاهری استاد دانشگاه برگزاری این نشست در جده را از چندین منظر بسیار مهم می داند: از جمله اینکه، این نشست از جمله نشستهای نادری است که یک کشور عربی با هدف میانجیگری در حل و فصل یک بحران بین المللی برگزار می کند. این در حالیست که در گذشته نقش این کشور عربی غالباً در بازیگری در سطح منطقه مانند جنگ فلسطین و اسرائیل، جنگ یمن، جنگ داخلی سوریه، انتقال قدرت در عراق و بحرانهای سیاسی در لبنان خلاصه می شد. به باور مظاهری، بر عهده گرفتن میزبانی یک نشست بین المللی برای پایان دادن به جنگ روسیه علیه اوکراین که از آن به نوعی جنگ کشورهای غربی با روسیه هم تعبیر می شود، یک نمونه جدید است و نشان از تلاش این کشور ع

ربی برای برجسته کردن نقش خود در عرصه بین المللی دارد^(۱). در عین حال، محمد حسینی سفیر پیشین ایران در عربستان سعودی، عنوان کرد که نشست جده هرچند که موفق به حل بحران روسیه و اوکراین نشده است، اما برای عربستان سعودی یک پیروزی بزرگ به شمار می رود و توانست قدرتهای بزرگی همچون چین و قدرت‌های نوظهور در نظام بین الملل از قبیل هند، برزیل، افریقای جنوبی را از بی طرفی منفی خارج کرده و به بازیگرانی با نقش بی طرف مثبت ارتقاء دهد. علاوه بر آن، نشست جده برای عربستان پرستیژ جهانی ایجاد کرد و منزلت ریاض را در نظام بین الملل افزایش داد؛ مخصوصاً که عربستان توانست چین را برای شرکت در این نشست قانع سازد؛ گفتنی است چین در نشست صلح دانمارک که برای خاتمه جنگ اوکراین تشکیل شده بود شرکت نکرد^(۲).

ب. الگوی مدرن گرایی و توسعه یافتگی: ایرانیان الگوی پیشرفت ایران یعنی برنامه های پنج ساله را با چشم انداز پادشاهی عربستان سعودی مقایسه کرده اند. برنامه های پنج ساله ایران نتوانسته است پیشرفت مورد نظر را محقق سازد در حالیکه چشم انداز عربستان، این کشور را در زمینه مدرنیزه شدن و توسعه چندین سال از ایران جلوتر قرار داده است؛ این در حالیست که هر دو کشور از ثروتهای کلانی برخوردارند. از نگاه نخبگان ایرانی، عربستان سعودی توانسته است درآمدهای نفتی خود را در خدمت پیشرفت و مدرنیزه شدن به کارگیرد در حالیکه ایران از درآمدهای کلان نفتی خود چنین استفاده نکرده و فرصت مهمی را از دست داده است. علی قنبری نائب رئیس پیشین مجلس، معاون پیشین وزیر جهاد کشاورزی و عضو هیأت علمی دانشگاه "تربیت مدرس" در این باره می گوید: "ما ۱۵ سال از کشورهای همسایه عقب هستیم. ما در بهترین حالت، ۱۰ سال و در واقع ۱۵ سال از کشورهای اطراف خود مانند عربستان سعودی و ترکیه و غیره، عقب هستیم. واقعیت این است

که تحولات در عربستان سعودی، سبب شده است که نخبگان ایرانی جریانهای محافظه کار را مورد انتقاد قرار دهند؛ این در حالیست که این جریانهای محافظه کار، همچنان درباره پادشاهی عربستان سعودی دست به سیاه نمایی می زنند و تلاش می کنند با وارونه جلوه دادن حقایق، پادشاهی عربستان سعودی را به عنوان یک کشور غیر پیشرفته و محافظه کار معرفی کنند

ج. سیاست خارجی متوازن میان شرق و غرب: نخبگان ایرانی به اقدامات عربستان سعودی در زمینه سیاست خارجی، توجه نشان دادند و سیاستهای متوازن، روابط متنوع و سازنده عربستان با تمام طرفهای بین المللی، تنوع حامیان سیاسی و اقتصادی از جمله حفظ روابط تأثیرگذار با تمامی طرفهای رقیب و درگیر مانند چین، روسیه، ژاپن، هند، ایالات متحده و کشورهای اروپایی را قابل تحسین دانستند. و به استفاده عربستان سعودی از شرایط کنونی بین الملل برای تقویت منافع و تحقق استقلال خود اشاره کردند. محمود سریع القلم مشاور وقت حسن روحانی و استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه شهید بهشتی در مقاله ای به این مطلب می پردازد و می گوید: " شش کشور جایگاه مهمی در میان قدرت های میانی پیدا کرده اند: برزیل، عربستان، هند، آفریقای جنوبی، ترکیه و اندونزی. هر شش کشور هم با شرق کار می کنند و هم با غرب. همه آنها با روسیه هم روابط حسنه ای را حفظ کرده اند و مبنای این سیاست خارجی، حداکثر بهره برداری از امکانات همه قدرت های بزرگ است ضمن اینکه به این شش کشور توان بازیگری، چانه زنی و فضا سازی می دهد." او همچنین به طور ناخودآگاه این سیاست خارجی عربستان را با سیاست خارجی ایران مقایسه می کند که با در پیش گرفتن نگاه به شرق، از غرب رویگردان شده است و به نظر می

رسد که این سیاست در حل مشکلات و بحرانهای ایران توفیق چندانی نداشته است. در حالیکه عربستان سعودی فعالیتهای دیپلماتیک و حوزه مانور دهی خود را افزایش داده است و به عنوان یک طرف بازیگر در نظام بین الملل کنونی وارد می شود، ایران در یک فضای محدود که با نظام بین الملل و ارزشها و مبادی آن سر ناسازگاری دارد، می تواند فعالیت کند. لذا، عربستان سعودی به عنوان یک میانجی مهم در درگیریها، به عنوان یک بازیگر در گروه بیست و یک بازیگر منطقه ای که روسیه و چین تلاش دارند آن را در کنار خود داشته باشند، ایفای نقش می کند. این در حالیست که رئیسی به برخی از کشورهای آمریکای لاتین و برخی کشورهای آفریقایی سفر می کند تا راهی برای برون رفت از این انزوای بین المللی بیابد و اندکی از فشارهای ناشی از تحریمها را کاهش دهد.^(۳)

د. تأثیرگذاری نقش منطقه ای عربستان سعودی: عربستان سعودی، به خاطر سیاست به صفر رساندن مشکلات و تنش زدایی و همکاری، مهمترین بازیگر منطقه ای از نظر ایران شد. علی بیگدلی کارشناس روابط بین الملل در روزنامه آرمان ملی می نویسد که «عربستان سعودی برای ایجاد تنوع و تعدد در منطقه می کوشد و تلاش دارد ساختار روابط در منطقه را نیز تغییر دهد»^(۴). کوروش احمدی دیپلمات پیشین نیز بر این باور است که عربستان سعودی این ظرفیت را دارد که به دروازه جهان عرب تبدیل شود. و از این رهگذر فرصت بی مانندی یافته است تا به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر خاورمیانه تأثیر بگذارد. بی تردید، سیاست داخلی و خارجی چنین کشوری بر تمام منطقه تأثیرگذار است. از سویی دیگر، نخبگان ایرانی، نظام را به خاطر نقش منطقه ای و هزینه کردن منابع کشور برای پروژه منطقه ای مورد انتقاد قرار می دهند و این نکته را یادآور می شوند که عربستان سعودی منابع کشور را به توسعه اقتصاد خود اختصاص داده است و به یک قدرت

منطقه ای تأثیرگذار بدل شده است. صادق زیبا کلام کنشگر سیاسی و استاد علوم سیاسی در دانشگاه تهران نیز می گوید: بعد از هفت سال جنگ در یمن و آن همه هزینه، تلفات یمنی ها و ویرانی کشورشان، عربستان مقتدرتر شده است. آیا نظام نباید پاسخگویی به هدر رفتن منافع ملی کشور در یمن باشد^(۵)؟

ه. افزایش اعتبار و تأثیر گذاری: نخبگان ایرانی به تلاشهای پادشاهی عربستان سعودی در زمینه قدرت نرم و بسیج تمامی امکانات در خدمت این هدف، به دیده تحسین می نگرند. و آن را با وضعیت ایران در سطح بین الملل مقایسه می کنند. از جمله موضوعات مورد بحث، دیپلماسی ورزش و تفریح است که به جذب ستاره های ورزش و برگزاری رخدادهای بین المللی ورزشی روی آورده است. علی فریدونی در روزنامه "ستاره صبح" به این مطلب می پردازد می گوید: "سعودی ها در تلاش برای تثبیت جایگاه خود به عنوان مقصد تفریحی - ورزشی پیشرو در منطقه خلیج فارس در حال رقابت با کشورهای همسایه هستند. او می افزاید: "سعودی ها در تلاشند تا از ورزش علی الخصوص فوتبال به عنوان ابزاری برای مشارکت در دیپلماسی با کشورهای جهان استفاده کنند".

و در مورد مقایسه هایی که میان دو کشور می شود می توان به اظهار نظر خالد الشنیف گزارشگر سعودی اشاره کرد که ورزشگاه آزادی را با باشگاههای سی سال قبل عربستان سعودی مقایسه کرده بود و تأیید گسترده ایرانیان در شبکه های اجتماعی را به دنبال داشت. الشنیف از کیفیت زمین بازی مسابقه که تیم ایرانی پرسپولیس و تیم سعودی النصر در رقابتهای دوره ای قهرمانی آسیا انتقاد کرده بود؛ زیرا کیفیت نامطلوب زمین موجب شد که به برخی بازیگران آسیایی وارد شود. جدول (۱) برخی از پاسخهای ایرانیان در مورد انتقاد الشنیف را آورده است.

جدول شماره (۱): نمونه هایی از نظرات کاربران ایرانی در تأیید گزارشگر

سعودی و انتقاد و تمسخر نسبت به نظام ایران

پاسخهایی در تأیید انتقادات الشنیف	پاسخهای کاربران ایرانی که در آن نظام ایران را به تمسخر گرفته اند
حقیقت چقدر تلخ است!	نظام ایران باید خجالت بکشد.
باید خون گریست.	من اصلا حرف او را قبول ندارم؛ ما ۱۰۰ سال به عقب برگشته ایم.
واقعا حرف درستی زده است.	ما هم واقعا تعجب می کنیم چطور قبول کردند که در این باشگاه بازی کنند؟ احتمالا مسأله سیاسی است زیرا آنها نخواستند که رابطه میان دو کشور بار دیگر تیره شود.
او به گوشه ای از درد ما اشاره کرده است.. هیچ چیز قابل قبولی وجود ندارد.	به محض اینکه پای تیم النصر و رونالدو به ایران رسید، بسیاری از عیبه‌ها برملا شد و باور کردیم که ما عقب مانده ترین کشور و ملت در همه زمینه ها هستیم.
اگر تنها ۳۰ سال عقب باشیم، بازهم چیزی نیست. ولی من باور دارم که ما خیلی بیشتر از اینها عقب مانده ایم.	اگر یک بازیکن که قیمتش چندین میلیون هست، فقط مچ پای او پیچ بخورد، تیم و کشورش به اندازه هزینه ساخت یک باشگاه برای درمانش مصرف می کنند.
در برابر حرف درست چه می توان گفت؟	واقعا عجیب است، چطور کنفدراسیون فوتبال آسیا اجازه داده است که در طویله آزادی بازی برگزار شود.
بیا و همه جای ایران را ببین، دلت خون می شود.	ای گزارشگر، هر روز، نه یک بار بلکه هزار بار خدا را شکر کن که در این خرابه زندگی نمی کنی.

<p>قسم می خورم، من دو هفته قبل به دوستم گفتم که من افسوس می خورم که چرا در کشوری مثل عربستان سعودی به دنیا نیامده ام که تمام دغدغه پادشاه، آسایش و رفاه ملت است. اینجا حکومت فقط به کشتن ملت فکر می کند. ای دریغ و هزاران افسوس.</p>	<p>دقیقا، شاید بیش از این. ما چیزی غیر از این ورزشگاه نداریم.</p>
<p>این گزارشگر چقدر با شخصیت است که می گوید ما فقط ۳۰ سال عقب هستیم. در واقع او خیلی به ما احترام گذاشته است.</p>	<p>کسی نباید ناراحت شود؛ چون او واقعا راست می گوید.</p>
	<p>او واقعیت را گفته است و ما نباید به او ناسزا بگوییم⁽⁶⁾.</p>

منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر

از آنچه بیان شد چنین بر می آید که تحولات داخلی و خارجی در سیاست عربستان سعودی، مورد توجه و پسند نخبگان ایرانی قرار گرفته است. پادشاهی عربستان سعودی در محافل بین المللی حضور تأثیرگذاری داشته است و در ارائه ابتکارهای بین المللی و منطقه ای همگام با رویکردهای جامعه بین الملل و در راستای مقابله دسته جمعی با تهدیدها، نقش مهمی ایفا کرده است و سیاستهای آب و هوایی و طرح خاورمیانه سبز شاهدهی بر این مدعا است. علاوه بر آن، عربستان سعودی به پایتخت دیپلماسی منطقه ای و میانجی برای حل و فصل مناقشات بدل شده است.

دو. کارکرد اقتصادی

ملاحظه می شود که ایرانیان به مسائل اقتصادی پادشاهی عربستان سعودی که توانسته است اقتصاد و توسعه داخلی عربستان را پوشش

دهد، توجه نشان داده اند و اقتصاد عربستان سعودی را با اقتصاد ایران مقایسه کرده اند که در موارد بسیاری با افسوس و ناامیدی همراه بوده است. در اینجا به مواردی که توجه ایرانیان را به خود معطوف داشته است اشاره خواهیم کرد

الف. رشد اقتصادی و توسعه سرمایه انسانی: محمود سریع القلم مشاور وقت رئیس جمهور و استاد برجسته دانشگاهی با مطالعه درباره مشارکت هیأت پادشاهی عربستان سعودی در مجمع سالانه اقتصادی داووس ۲۰۲۳ میلادی، در مورد اقتصاد عربستان سعودی نظرات مثبتی بیان کرده است^(۷) (۱) خوش بینی و نگاه اطمینان بخش و مثبت آنها به آینده اقتصادی.

(۲) سطح بالای زبان و تحلیل هیأت شرکت کننده که نشان دهنده کیفیت سرمایه انسانی و مخصوصاً آموزش در پادشاهی عربستان سعودی است. (۳) نرخ بالای رشد اقتصادی که در میان بالاترین میانگین های جهان قرار دارد (۸٫۷٪) و طرحهای سرمایه گذاری برای افزایش حجم دارایی و ذخایر پولی که در اوایل سال ۲۰۳۰ میلادی به ۲ تریلیون دلار رسیده است.

(۴) کسب جایگاه مهمی در بین قدرتهای میانی جهان که عبارتند از: برزیل، عربستان سعودی، هند، جنوب آفریقا، ترکیه و اندونزی؛ و در عین حال، حفظ روابط خوب با شرق و غرب

در همین زمینه، علی قنبری استاد دانشگاه و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی توسعه در کشورش را با عربستان سعودی مقایسه کرده و می گوید: “ ما حدود ۱۵ سال از کشورهای همسایه عقب هستیم. ما در بهترین حالت ۱۰ سال از آنها عقب هستیم و ولی اگر واقع بینانه تر بنگریم، ۱۵ سال از کشورهای اطرافمان مانند عربستان سعودی، ترکیه و غیره عقب مانده ایم”

وحید شقاقی کارشناس اقتصادی نیز می گوید: “ اگر در این دهه (۲۰۲۰-۲۰۳۰) نتوانیم یک رشد اقتصادی بالا را رقم بزنیم، دیگر رسیدن

به اقتصاد عربستان سعودی برایمان یک امر محال خواهد بود. او می افزاید: “عربستان سعودی وارد موج سوم دانایی شده است و دگرگونی های اساسی در اقتصاد دانش بنیان ایجاد کرده است. نظام ثروت آنها متحول شده و از مؤلفه های ثروت آفرین عصر دانایی نظیر اقتصاد مجازی، هوشمند، سبز و انرژی های تجدیدپذیر در حال بهره مندی است؛ این در حالیست که ما همچنان در تفکر موج دوم به سر می بریم. اما درباره کیفیت آموزش و اهتمام به سلامت، احسان بدایغی روزنامه نگار می گوید: بر اساس نتایج آزمون پرلز درباره کیفیت آموزش در مدارس، ایران در میان ۵۷ کشور شرکت کننده در قعر جدول جای گرفته است و بجز کشورهای اردن، مصر، مراکش و جنوب آفریقا، بقیه از ایران پیشی گرفته اند و عربستان سعودی در مقایسه با ایران، جایگاهی برتر را از آن خود کرده است. عربستان سعودی در حال برنامه ریزی است که تا سال ۲۰۳۰ میلادی جمعیت خود را به میزان ۵۰ درصد افزایش دهد؛ این در حالیست که ایران با اقداماتی چون ممنوعیت تستهای غربالگری جنین و مشکل ساختن دسترسی به امکانات کنترل باروری روی آورده است و در عین حال، بسیاری از سیاستگران ایرانی حاکمان عربستان سعودی را به واپسگرایی و جهالت متهم می کنند

از این نوع اظهار نظرها آشکارا از خشم نخبگان ایرانی نسبت به اوضاع اقتصادی و انسانی کشورشان حکایت دارد و در مقابل، آنان الگوی توسعه اقتصادی عربستان سعودی را پسندیده اند و به این باور رسیده اند که میان آنها و اقتصاد عربستان سعودی یک شکاف عمیقی وجود دارد و از اینکه به خاطر تداوم شرایط کنونی نمی توانند در کوتاه مدت به سطح عربستان سعودی برسند، افسوس می خورند. علاوه بر نخبگان، توده جامعه نیز همان دیدگاه را دارد. به عنوان مثال، برخی از پروژه های توسعه ای و پیشرو عربستان بیش از ۵۰۰ هزار لایک گرفته اند (به جدول ۲ رجوع شود).

جدول (۲) مهمترین طرحهای توسعه ای عربستان سعودی و موضوعات مرتبط با آن که تحسین ایرانیان را در شبکه های اجتماعی برانگیخته است.

موضوع	تعداد لایک ها
طرحهای توسعه ای در عربستان سعودی - مکعب طلایی ریاض	۴۷۶۰۰۰
شهر "لاین" عربستان سعودی، مدرن ترین شهر جهان	۱۱۲۱۲۵
ارزش دارایی های صندوق سرمایه گذاری عربستان سعودی به ۶۰۰ میلیارد دلار می رسد	۱۷۵۶۰
بیانیه عربستان سعودی درباره اینکه تنها عربستان سعودی و کویت در حوزه گازی آرش حق انحصاری دارند.	۱۴۴۸۲
مقاله دکتر محمد السلمي رئیس مؤسسه "رسانه" در تارنمای عصر ایران با عنوان (رقابت الگوها در منطقه خاورمیانه).	۱۴۵۰
نشست صلح جده در مورد اوکراین- صفحه اینستاگرامی دویچه وله ^(۸)	۴۷۷۳

منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر

ب. سیاستها و برنامه های اقتصادی برای آینده: حجت میرزایی عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد در دانشگاه طباطبایی بر اساس مقایسه کارکرد سیاستهای اقتصادی عربستان سعودی می گوید: "انتخاب درست در حکمرانی اقتصادی، باعث می شود ما در ۱۵ سال دیگر به عربستان کنونی برسیم و اگر اشتباه کنیم یک سال و نیم دیگر از وضعیت کنونی پاکستان بدتر می شویم"

سیامک قاسمی ضمن تأیید نظر میرزایی می گوید: اگر همین امروز

همه چیز در ایران تغییر کند، توسعه در اولویت کشور قرار گیرد و همه تحریمها هم لغو شود، بر اساس داده های بانک جهانی، اقتصاد ایران ۱۵ سال طول می کشد به اقتصاد امروز عربستان و ۱۳ سال طول می کشد به اقتصاد امروز ترکیه برسد. واقعیتش را بخواهید، این شکاف دیگر پر شدنی نیست!^(۹)

و در مورد تفاوتها در سیاستها و برنامه ریزی برای آینده، خبرگزاری ایرانی سحام نیوز تلاشهای وزیر گردشگری عربستان سعودی در زمینه توسعه بخش گردشگری و سرمایه گذاری ۸۰۰ میلیارد دلاری در این بخش در طی ۱۰ سال را اقدامی درخور ستایش دانست. این در حالیست که افکار و سیاستهای وزیر گردشگری ایران از اعطای اینترنت باز و بدون فیلتر به گردشگران خارجی فراتر نمی رود و تلاش می کند سپاه پاسداران را قانع سازد که از گروگان گرفتن گردشگران دست بردارد! جدول زیر، بخشی از نظرات مثبت ایرانیان درباره رهبران و سیاستهای عربستان سعودی در سایتهای ایرانی را نشان می دهد و از میزان استقبال ایرانیان از این موضوعات پرده بر می دارد (به جدول ۳ رجوع شود).

جدول (۳) بخشی از نظرات مثبت کاربران ایرانی در سایتهای ایرانی که شیفته رهبران و سیاستهای عربستان سعودی هستند.

نظرات	تعداد پسندها
او [ولیعهد] عربستان سعودی را به یک قدرت جهانی بدل کرده است اما ما همچنان دنبال فیلتر شکن هستیم.	۳۷۸۱
درود بر شاه وطن پرست آنها که به سرانجام و عواقب کارها فکر می کند.	۳۵۹
محمد بن سلمان یکی از بهترین دیپلماتهای روزگار ما است.	۱۴۳

۱۶	درود بر پادشاه عربستان سعودی که درست فکر می کند.
۳۰	خدایا! ما بن سلمان را دوست داریم و به او احترام می گذاریم ^(۱۰) .

در عین حال، مهدی پازوکی استاد اقتصاد در دانشگاه طباطبایی بر این باور است که ایران در دستیابی به اهداف اقتصادی دراز مدت توفیقی نداشته است. وی می گوید: “ بر اساس چشم انداز بیست ساله ما باید اکنون قدرت اول جنوب غرب آسیا باشیم. نه تنها به این هدف نرسیده ایم بلکه فاصله ما با قطر، عربستان سعودی، امارات، ترکیه و حتی آذربایجان نیز بیشتر شده است.” او با اشاره به موفقیت‌های سرمایه گذاری‌های صندوق توسعه ملی می گوید: “ اعضای صندوق توسعه ملی باید به کشورهای نروژ، عربستان سعودی و کویت بروند و ببینند آنها چگونه این صندوقها را مدیریت می کنند”^(۱۱).

این صندوقها، عملاً موفق ترین و بزرگترین صندوقها در مدیریت دارایی ها در جهان است. عربستان طرحی دارد تا دارایی صندوق توسعه ملی خود را تا سال ۲۰۳۰ میلادی به ۲ تریلیون دلار برساند. این در حالیست که علی رغم اینکه ایران یک کشور نفتی بزرگ است، اما صندوق توسعه آن هر سال به خاطر کمک به بودجه دولت کوچکتر می شود و اکنون چیزی جز چند میلیارد دلار در آن باقی نمانده است. این مسأله به روشنی تفاوت آشکار مدیریت و سیاستهای اقتصادی میان دو کشور را نشان می دهد.

ج. مبادلات تجاری با کشورهای بزرگ صنعتی: تعدادی از اقتصاد دانان و پژوهشگران ایرانی از حجم مبادلات تجاری کشورشان با کشورهای صنعتی بزرگ و صادر کننده فناوری مانند ژاپن و چین در مقایسه با حجم مبادلات تجاری عربستان سعودی با این کشورها، ابراز تأسف کرده

اند؛ تا چه رسد به مبادلات با کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا که بعد از بازگشت تحریمها در ۲۰۱۸ میلادی مبادلات تجاری با این کشور کاملاً قطع شد.

ابوالفضل کریمی پژوهشگر مسائل جهان عرب می گوید: حجم تبادلات اقتصادی میان عربستان سعودی و ژاپن از ۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ فراتر رفته است و با افزایش ۴۲ درصدی به رقم چشمگیر ۴۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است که حدود ۴۰ میلیارد دلار آن (۳۹,۷۸) مربوط به صادرات عربستان به ژاپن می باشد. در پایان و در مقام مقایسه به ذکر این حقیقت تکان دهنده و تلخ اکتفا می کنیم که مجموع صادرات ژاپن به ایران در سال ۲۰۲۲ کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است! و واقعاً چنین حجم ناچیزی در حد تبادلات اقتصادی میان دو شرکت اقتصادی بزرگ هم نیست»^(۱۲)

از دیگر کسانی که این مسأله را مورد توجه قرار داده اند، احسان سلطانی اقتصاد دان، پژوهشگر و مشاور اقتصادی است. او می گوید: «ایران در زمینه تجارت جهانی حتی از کشورهای منطقه نیز عقب مانده است. این روند از چهار دهه قبل شروع شده است. حجم تجارت خارجی ایران در سال ۲۰۲۲ میلادی از یک چهارم تجارت خارجی عربستان سعودی، ترکیه و امارات نیز کمتر بوده است.

اما درباره حجم تجارت با دومین اقتصاد بزرگ جهان بعد از ایالات متحده یعنی چین، روزنامه ایرانی پیام اقتصاد به این نکته اشاره می کند که «حجم تبادل تجاری میان ایران و چین از ۱۴,۸ میلیارد دلار در سال امضای تفاهمنامه ۲۵ ساله به ۱۶ میلیارد دلار افزایش یافته است.» این در حالیست که در این بازه زمانی حجم مبادلات تجاری میان عربستان سعودی و چین از ۸۷ میلیارد به ۱۱۴ میلیارد دلار رسیده است و دیگر جای هیچ سخنی نمی ماند».

در همین زمینه، محمود صدوری روزنامه نگار در روزنامه آرمان امروز تصریح می کند که مجموع مبادلات تجاری عربستان با چین از سیصد میلیارد دلار فراتر رفته و رقم آینده پانصد میلیارد پیش بینی شده است. این حجم از مناسبات با خرید انرژی و صدور کالا و خدمات و تکنولوژی همراه است که هم تأمین حداکثری منافع چین در نیاز به انرژی و هم احتیاج به بازار برای صدور کالاها را در بر دارد^(۱۳)

د. ثبات ارزش واحد پول و شاخص خوشبختی جامعه: یکی از کاربران شبکه اجتماعی ایکس، در شگفت از سقوط آزاد ارزش پول ایران و تأثیر آن بر کیفیت زندگی ایران در سالهای اخیر در پستی در شبکه ایکس با ذکر یک مثال نوشته است: با ۱۰۰ هزار ریال سعودی می توان ماشین بی ام دبلیو خرید اما با ۱۰۰ هزار ریال ایرانی فقط می توان باد لاستیک ها را تنظیم کرد”

محمود صدوری روزنامه نگار در روزنامه آرمان امروز نیز جایگاه کشورش از لحاظ شاخص جهانی خوشبختی با جایگاه عربستان سعودی مقایسه می کند و با تعجب از تفاوت زیاد میان ثبات و خوشبختی میان دو جامعه می گوید: “ بر اساس تازه ترین آمار شاخص جهانی خوشبختی، ایران در جایگاه ۱۰۱ قرار گرفت؛ در حالیکه عربستان سعودی جایگاه ۳۰ را از آن خود کرد”

ه. استقلال سیاسی و اقتصادی: مجید مرادی استاد دانشگاه می گوید: “ یک عمر است ما شعار مرگ بر آمریکا را سر می دهیم و به عربستان سعودی طعنه می زنیم که شما وابسته به آمریکا هستید؛ اما چون نیک بنگری می بینی ما شدیم وابسته امریکا و این عربستان است که عملاً برای آمریکا شاخ و شانه می کشد و چین را وارد خاورمیانه کرده است. آنچه به عربستان سعودی استقلال سیاسی بخشیده اقتصاد قوی است نه شعار مبارزه با استکبار جهانی و آنچه استقلال ما را در میدان عمل

خداشه دار کرده است همین اقتصاد ضعیف است"^(۱۴).

و. فضای سرمایه گذاری و تفاوت در بهره گیری از دارایی ها: داوود سوری کارشناس برجسته اقتصادی و استاد پیشین دانشگاه اصفهان بر این باور است که: " سرمایه گذاری خارجی تنها با پول نیست و این نوع سرمایه گذاری در عربستان بسیار است. سرمایه گذاری در علم، توانمند سازی، مدیریت و مشارکت در زنجیره تولید کالاها، خدمات و آسایش بین المللی است. منظور او فضای جذب سرمایه گذاری است. و این همان است که عربستان سعودی به دنبال آن است و این همانی است که ما نداریم و نمی خواهیم داشته باشیم. خداوند کشور ما را از شر نادانی و دروغ حفظ کند."

پیمان مولوی کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه نیز با تأکید بر این مطلب می گوید: " فروش نفت عربستان: ۳۲۶ میلیارد دلار در سال؛ ۲۷ میلیارد دلار در ماه، ۸۷۶ میلیون دلار در روز؛ این در حالیست که ما به دنبال پول خودمان در صندوق بین المللی پول نفس نفس می زنیم"^(۱۵). در مقابل، ایران به خاطر تحریمها ۴٫۵ تریلیون دلار را از دست داد. و در بخش معادن: عربستان سعودی در دو سال گذشته ۵۰ میلیارد دلار در بخش معدن سرمایه گذاری کرده است. ریاض در صدد درآمدهای خود را از صنعت معدن که هم اکنون به ۱۷ میلیارد دلار می رسد، تا سال ۲۰۳۰ میلادی به ۶۰ میلیارد دلار برساند.

در همین زمینه، سیامک قاسمی کارشناس اقتصادی می گوید: " در حالی که در ایران یک جماعت صف کشیده اند تا بالاخره بشارت آزادی ۷ میلیارد دلار پول در کره جنوبی را در بوق و کرنا کنند، در همین سال گذشته امارات و عربستان مجموعاً بیش از ۴۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم در کره جنوبی را شروع کردند. همچنین سال گذشته عربستان روزانه یک میلیارد دلار درآمد نفتی داشته است، یعنی این ۷ میلیارد دلار،

درآمد یک هفته عربستان است. ای ایران! چقدر فقیر شده ای که ۷ میلیارد دلار برایت دستاورد شده است»⁽¹⁶⁾.

مطالبی که بیان شد نشان می دهد که نخبگان ایرانی به اوضاع اقتصادی کشورهای همسایه و مخصوصاً پادشاهی عربستان سعودی توجه دارند و گاهی نیز افسوس می خورند که چرا ایران که یک کشور نفتی کهن است از همسایه غربی خود یعنی پادشاهی عربستان سعودی این قدر عقب مانده است و از تفاوت در نوع تفکر و برنامه ریزی دراز مدت که کشور را از لحاظ رفاه و خوشبختی به این وضعیت اسفبار رسانده است، ابراز تأسف می کنند. سخن به همینجا خلاصه نمی شود بلکه آنان وضعیت کنونی ایران که علی رغم دم زدن از سیاستهای مقاومتی و استقلال سیاسی و اقتصادی اما در واقع دنباله رو و نیازمند غرب است را با شرایط پادشاهی عربستان سعودی مقایسه می کنند که با حفظ استقلال به مرحله تأثیرگذاری در جامعه بین الملل گام نهاده است.

سه. نظرها و موضعگیریهای مربوط به مسائل دینی و فرهنگی

در این مورد به چند مسأله می پردازیم که عبارتند از:

الف. رویکردهای روحانیون: تا پیش از توافق عربستان سعودی و ایران، نخبگان دینی ایران همواره از سیاستهای عربستان سعودی انتقاد می کردند و آن را "نقشه های آمریکایی و صهیونیستی" می دانستند. اما بعد از توافق پکن، ادبیات روحانیون حوزه و خطبای جمعه به طور محسوسی تغییر کرد و آنها از نزدیکی ایران و عربستان سعودی به عنوان راهی برای وحدت امت اسلامی و کنار گذاشتن اختلافات یاد کردند.

در این مورد به عنوان نمونه به تغییر ادبیات خطبه های نماز جمعه اشاره می کنیم؛ زیرا محتوای خطبه های نماز جمعه برای همه ائمه جمعه در سراسر کشور از قبل تعیین می شود؛ در نتیجه می توان گفت که خطبه های نماز جمعه سیاست و رویکردهای نظام را بیان می

کند^(۱۷). حجت الاسلام حسن زومی در خطبه های نماز جمعه از توافق با عربستان سعودی استقبال و تأکید کرد که برنده اصلی از دشمنی ایران و عربستان سعودی آمریکا و اسرائیل بودند. او در عین حال، دولت پیشین یعنی دولت روحانی را به تخریب رابطه با این کشور همسایه متهم کرد. اما دولت رئیسی به عنوان یک دولت انقلابی با دیپلماسی همجواری این رابطه را ترمیم کرد. امام جمعه گلستان نیز توافق ایران و عربستان را ناشی از قدرت منطقه ای ایران اسلامی دانست که نشان داد تلاشهای اپوزیسیون خارجی به سنگ خورده است. وی تأکید کرد که این توافق به نفع ایران و عربستان سعودی و به نفع تمام منطقه و جهان اسلام است. حجت الاسلام حسن ترابی نیز در خطبه های نماز جمعه بر این مطلب تأکید کرد که توافق میان ایران و عربستان سعودی، شکست سنگینی برای آمریکا و اسرائیل است. حجت الاسلام اسماعیل کاظمی نیز با تأکید بر این نکته، این توافق را شکست خرابکاران داخلی و خارجی دانست^(۱۸). در عین حال، خطبای دیگری نیز به این مطلب اشاره کردند که اگر این توافق به طور کامل و مطلوب اجرا شود، می تواند بستری مناسب برای شکل گیری اتحادیه کشورهای اسلامی باشد^(۱۹). در کنفرانس امسال وحدت اسلامی حجت الاسلام شهریاری در سخنان خود به اهمیت همکاری ایران و عربستان اشاره کرد و گفت: «سومین اتفاق را می توان بازایجاد روابط سیاسی بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین تحول به سوی همکاری و دوستی بین کشورهای اسلامی قلمداد کرد که نور امیدی در دل بیدارگران جهان اسلام شد که دو مدرسه سیاسی عقیدتی از نزاع دست برداشته و به سوی همکاری، اقدامات مؤثری را به انجام رسانیدند». او همچنین از رویکردهای تازه عربستان سعودی در مورد گفتمان روشنفکری دینی تمجید کرد^(۲۰). حجت الاسلام محسن حیدری عضو مجلس خبرگان، نزدیکی عربستان سعودی و

ایران را به کنار گذاشته شدن - به قول او- جریان وهابی در عربستان ربط داد.^(۲۱)

لذا، می توان گفت که روحانیون موضعی همسو با حاکمیت اتخاذ کردند و این توافق را یکی از دستاوردهای “دولت انقلابی” دانستند و تأکید کردند که تخریب روابط با کشورهای همسایه به دلیل سوء مدیریت دولتهای گذشته بوده است. لذا، به احتمال زیاد تا زمانیکه نخبگان حاکم در ایران پشت این توافق باشند و راه حل بسیاری از مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در اجرای این توافق جستجو کنند، روحانیون نیز همچنان از این توافق حمایت خواهند کرد. و به احتمال زیاد اگر حاکمیت ایران از عملیاتی سازی این توافق منصرف شود آنگاه روحانیون نیز از حمایت این توافق عقب نشینی می کنند. چه هر مرحله اقتضائات خود را دارد

ب. توجه به اصلاحات صورت گرفته در امور زنان و جوانان: حاکمان ایران دریافته اند که عموم ملت ایران تحت تأثیر الگوی عربستان سعودی قرار گرفته اند؛ مخصوصاً اصلاحاتی که در حوزه جوانان و زنان در عربستان سعودی انجام گرفته است مانند موافقت با رانندگی زنان، ورود زنان به ورزشگاهها، عدم الزام به استفاده از چادر و یا پوشش خاص و نیز استخدام زنان در تمامی بخشها منبع الهام برای زنان ایران شد و زنان ایرانی با مقایسه وضعیت خود با وضعیت زنان در عربستان سعودی، به نخبگان حاکم فشار آوردند. و اینگونه بود که حاکمیت از طریق تنش زدایی با عربستان سعودی تلاش کرد این نارضایتی داخلی را کاهش دهد تا بتواند همان قرائت دینی و فرقه ای خود را حفظ کند. البته بعد از قتل حکومتی مهسا امینی و به راه افتادن سیل اعتراضات جوانان و زنان علیه سیاست نظام، تغییری اندک در ادبیات و راهبردهای گفتمانی ایجاد شد. جدول زیر بخشی از واکنشهای مردم در این مورد را

نشان می دهد (به جدول ۴ رجوع شود).

جدول (۴) قسمتی از نظرات ایرانیان که با مقایسه شرایط زندگی و اوضاع اقتصادی خود با عربستان سعودی، نارضایتی خود را ابراز می کنند.

نظرات	تعداد لایک ها
خواهرم! حجابت! [ریشخند]	۱۱۷۰
هم و غم ما شده حجاب و اینکه با کدام پا وارد دستشویی شویم.	۸۸۶
کاش من هم یک شهروند سعودی بودم	۷۴
ما الان به خاطر یک تار مو مبارزه می کنیم	۸
از دست این مسئولین، روزی هم می رسد که ما ایرانیها، شتر سوار بشویم ⁽²²⁾ .	۲۳

منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر

ج. مبارزه با افراط گرایی و تندروی: بر کسی پوشیده نیست که عربستان سعودی با تمام اشکال افراط گرایی فکری و دینی قاطعانه برخورد کرد و گفتمان نفرت پراکنی، تکفیر و حذف اقلیت های دینی و مذهبی را تا حد زیادی کم رنگ ساخت. لذا، این اقدام عربستان سعودی نیز منبع الهام ملت ایران قرار گرفت. این امر نخبگان دینی و روحانیون حوزوی ایران را که به تکفیر و حذف مخالفین خود کمر همت بسته اند، در تنگنا قرار داد. در نتیجه، حاکمان ایرانی ناچار ادبیات گفتمان خود را تغییر دادند و در بسیاری موارد ادبیات ملایم تری را در پیش گرفتند تا از عقل گرایی گفتمان جدید دینی عربستان سعودی عقب نمانند.

دوم: مهمترین جنبه های تأثیرگذاری در داخل ایران نظر به رقابت میان پادشاهی عربستان سعودی و ایران به عنوان دو

قدرت منطقه ای، تحولات داخلی هر یک از این کشورها در کانون توجه دیگری قرار می گیرد. و مردم این کشورها که از طریق رسانه های داخلی و بین المللی در جریان تحولات کشور رقیب قرار می گیرند، آن را با اوضاع کشور خود مقایسه می کنند و بدین سان افکار عمومی داخلی کشورها تحت تأثیر تحولات کشور رقیب قرار می گیرد. ایران و عربستان سعودی از برخی جهات مانند امکانات اقتصادی، مساحت جغرافیایی، هویت دینی و ماهیت محافظه کار هر دو جامعه شباهتهایی با یکدیگر دارند. این شباهتها سبب می شود که مباحثی در میان مردم مطرح شود مبنی بر اینکه شرایط زندگی در دو جامعه باید یکسان باشد. اما هر قدر تفاوت میان دو جامعه بیشتر باشد، این بحث ها سروصداهای بیشتری به راه می اندازد. از این رو، ایرانیان تمایل زیادی دارند که شرایط خود را با شرایط کشورهای همجوار خلیجی و مخصوصاً پادشاهی عربستان سعودی مقایسه کنند.

این فضای رقابتی میان ایران و عربستان سعودی سبب می شود که مردم ایران به اخباری که از ریاض و یا درباره ریاض دریافت می کنند، توجه نشان دهند. چون وضعیت مردم پادشاهی عربستان سعودی مشخص است؛ جامعه سعودی دهه هاست که از نعمت زندگی امن و باثبات برخوردارند و در سالهای اخیر نیز شاهد دستاوردهای بسیار بزرگی در چارچوب چشم انداز ۲۰۳۰ بوده اند. از این رو می توان گفت که تأثیر این رقابت خود را در داخل ایران نشان می دهد؛ زیرا از چندین دهه بدینسو، اوضاع زندگی در جامعه ایران وخیم و وخیم تر می شود. و ملت ناراضی ایران به خاطر وضعیتی که بدان مبتلا شده اند، و گزینه های سیاسی که آنها را در فاز تقابل و دشمنی با بسیاری از کشورهای جهان قرار داده است، تأسف می خورند

یک. بی اعتبار شدن روایت رسمی ایران درباره عربستان سعودی:

روایت رسمی در ایران برای مصرف داخلی و نیز روابط خارجی بر مقابله همیشگی با قدرتهای بیگانه به رهبری ایالات متحده که قصد ویرانی ایران را دارد و می خواهد با ساقط کردن نظام کنونی، یک حکومت دست نشانده مانند زمان شاه در ایران روی کار آورد، متمرکز است. طبق این روایت رسمی، ایران تحولات بزرگی را تجربه می کند و توانسته است علی رغم تحریمها خود را به عنوان یک قدرت در سطح منطقه و بین الملل معرفی کند. نظام ایران در این روایت خود فضای زیادی به پادشاهی عربستان سعودی اختصاص می دهد و آن را بخشی از توطئه غرب و منبع تروریسم می داند که توطئه ها علیه ایران در آنجا طراحی می شود. بر اساس روایت رسمی ایران، عربستان سعودی مزدور ایالات متحده است و علاوه بر اینکه از گروههای تندرو اپوزیسیون خارج نشین حمایت می کند، در تمام ائتلافهای ضد ایرانی مشارکت می کند.

واقعیت این است که روایت نظام درباره عربستان سعودی، عاری از حقیقت است و با واقعیت فاصله زیادی دارد. اما تحولات کنونی پادشاهی عربستان سعودی در تمامی زمینه ها، روایتی را که نظام ایران برای سیاه نمایی درباره عربستان به کار برده است، بی اعتبار ساخته است؛ به ویژه اینکه این روایت با نظرات و مقالاتی که نخبگان ایرانی در داخل منتشر می کنند، دستخوش تغییر می شود. و این به معنای پایان سلطه نظام بر افکار عمومی ایرانیان است و نظام دیگر نمی تواند افکار عمومی را در راستای سیاستهای خود علیه پادشاهی عربستان سعودی بسیج کند.

پادشاهی عربستان سعودی در سالهای اخیر و مخصوصا بعد از جنگ روسیه و اوکراین، با برداشتن چندین گام عملا ثابت کرد که روابط خود

با آمریکا یک شکاف آشکاری دارد. از مهمترین این اقدامات می توان به مخالفت با خواست بایدن مبنی بر افزایش سقف تولید نفت و همچنین موافقت با امضای توافقنامه با ایران اشاره کرد که با میانجیگری چین یعنی بزرگترین رقیب آمریکا به بار نشست. اینگونه اقدامات نشان داد که پادشاهی عربستان سعودی در تمام رویکردهای خود منافع ملی واقعی خود را در اولویت قرار می دهد نه اینکه تنها از منافع ملی دم بزند. این مسأله، روایت رسمی ایران را بی اعتبار ساخت که همواره برای سرپوش گذاشتن بر ناکامیهای خود، عربستان سعودی را دنباله رو آمریکا می خواند و برای اینکه دستاوردهای عربستان سعودی را کم اهمیت جلوه دهد، آنها را صرفا حاصل کمک غربیها می داند. از سویی دیگر، توقف سیاه نمایی های رسانه ای که از ثمرات توافق با عربستان سعودی بود، تهران را بر آن می دارد که دیگر مشکلات داخلی خود را به حاصل توطئه بیگانگان و مخصوصا عربستان سعودی نداند. در مقابل، موفقیتهای عربستان سعودی در عرصه های مختلف از این واقعیت پرده برداشت که مشکلات ایران ناشی از سیاستهای نادرست داخلی و خارجی است. و واقعیت با روایت رسمی ایران که تمام مشکلات را به گردن خارجی ها می اندازد، فاصله بسیار دارد

دو. برگ فشار غیر مستقیم علیه نظام ایران:

معمولا شرایط نامساعد جوامع، مردم را به سوی نارضایتی سوق می دهد. اما مقایسه وضعیت یک جامعه با جوامع دیگری که از لحاظ امکانات و توانمندیها در یک ردیف قرار دارند اما از شرایط بهتری برخوردارند، این نارضایتی را بیشتر می کند و مردم خشمگین، رهبران خود را مسئول این همه مشکلات می دانند. حال، هر قدر که موفقیتهای عربستان سعودی ادامه یابد، به همان اندازه نارضایتی مردمی در ایران افزایش می یابد؛ به ویژه اینکه در سایه سرازیر شدن اخبار مربوط به موفقیتهای

عربستان سعودی که در کانون توجه جهانیان قرار گرفته است و در عصر پیشرفت فناوری و تعدد کانالهای ارتباطی، برای نظام ایران بسیار سخت است که همچنان درباره عربستان سعودی به سیاه نمایی ادامه دهد و یا اینکه تلاش کند بر موفقیت‌های عربستان سعودی سرپوش گذارد. و از همه مهمتر اینکه برخی از ایرانیان که برای ادای مناسک حج و عمره به عربستان سفر می‌کنند، با چشم خود بازتاب این موفقیتها را در نحوه مدیریت و ارائه خدمات می‌بینند. همچنین، بازتاب این تحولات در رخدادهای ورزشی که تیمهای دو کشور به مصاف هم می‌روند و ستاره های جهانی در آن شرکت دارند، نیز خود نمایی می‌کند. مثلا، در مسابقه میان تیم النصر سعودی و تیم ایرانی پرسپولیس شاهد بودیم که ایرانیان چگونه به استقبال کریستیانو رونالدو ستاره جهانی شتافتند. شبکه های اجتماعی بزرگترین پنجره ای است که ایرانیان از راه آن به تحولات عربستان سعودی نگاه می‌کنند و بیشترین نظرات آنها حاوی انتقاد از رهبران نظام ایران است. در این زمینه، مهمترین مشکل نظام ایران این است که همچنان در خم یک کوچه بعد از پیروزی انقلاب ۱۹۷۹ مانده است. یعنی همان زمان که فضای انقلابی در اوج خود بود و انقلابیون، الگویی برگرفته از ارزشهای اخلاقی و دینی ارائه کردند که با بیدادگری و فساد مبارزه می‌کند و به مردم ایران وعده داد که آینده ای بهتر از وضعیت زمان شاه را تجربه خواهند کرد. اما بعد از گذشت چهار دهه، مشخص شد که نظام در تحقق تمام وعده هایش ناکام مانده است. و نسلهای نو نیز چیزی جز فلاکت نظام کنونی را تجربه نکرده اند. و حتی نسلی که زمان شاه را دیده بود، اکنون برای آن روزها افسوس می‌خورند و آرزو می‌کنند که آن دوران بازگردد. این بدان معنا نیست که در ایران هیچ کسی نسبت به پادشاهی عربستان سعودی انتقاد ندارد. اما در میان ملت ایران، مخالفین عربستان در مقایسه با افرادی که شیفته الگوی توسعه عربستان هستند

بسیار کم هستند. جدول زیر گوشه ای از این انتقادهای را نشان می دهد که بسیار کم مورد پسند کاربران قرار گرفته است. این در حالیست که در جدولهای قبلی که به نظرات مثبت ایرانیان اختصاص داشت، بسیار زیاد مورد پسند کاربران قرار گرفته بود.

جدول (۵) گوشه ای از نظرات ایرانیان مخالف عربستان سعودی و میزان

همراهی آن را نشان می دهد

تعداد لایک ها	نظرات منفی
۱۶۸	حجاج به عربستان سعودی می روند و بودجه مورد نیاز آن را تأمین می کنند.
۸۳	عربستان سعودی توانست با مکعب تاریخی خود [کعبه] دارایی های مسلمانان را غارت کند و اکنون برای غارت اموال غیر مسلمانان برنامه ریزی می کند.
۲۲	برای بستن سفارت اقدام خواهیم کرد
۳	عربستان سعودی باز هم جسارت کرد.
۱	هر قدر هم که پیشرفت کند، بازهم پرورشگاه تروریسم و داعش است.
۱۴	به جایی رسیدیم که حسرت شرایط یک کشور کوچک در نقشه جغرافیا را می خوریم
۳۶۰	سعودی ها بهشت جاویدان نمی سازند بلکه یک قفس خوب می سازند.
۱۷	ما اصلاً به عربستان سعودی حسادت نمی کنیم. آنها فقط کعبه و حرم پیامبر را دارند. به کوری چشم آنها دو هزار تا سه هزار ضریح می سازیم. ⁽²³⁾

منبع: تهیه شده توسط پژوهشگر

با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت که توجه ایرانیان به الگوی عربستان سعودی یکی از عوامل خارجی بود که به طور غیر مستقیم در شکل گیری اعتراضات نقش داشت. و اگر نخبگان حاکم همچنان به ادامه رهیافت شکسته خورده خود اصرار ورزند و برای برون رفت از تنگنای اقتصادی چندین ساله دست به یک تغییر واقعی نزنند، هیچ بعید نیست که در آینده نیز شاهد چنین اعتراضاتی باشیم. همین وضعیت یعنی رقابت الگوها در طول جنگ سرد میان اتحادیه جماهیر شوروی و ایالات متحده نیز روی داد. در حالیکه چشم انداز ۲۰۳۰ آرزوی سعودی را جامه عمل می پوشاند، ایرانیان با سختیهای زندگی دست و پنجه نرم می کنند و از آینده ای نامعلوم نگرانند.

سه. نیروی پیشرانی برای اصلاح سیاستها و تغییر رویکردها:

تحولات کنونی عربستان سعودی، به افزایش مطالبات اصلاح گرایانه داخل ایران منجر شده است؛ منظور ما مشخصا به جریان اصلاح طلب محدود نمی شود بلکه همه افرادی که خواهان اصلاح طلبی حتی از داخل جریان محافظه کار هستند را نیز شامل می شود. شرایط رقت بار و وخیم تر شدن مشکلات سبب می شود که فریادهای اصلاح طلبانه مردم بلند شود که خواهان سیاست خارجی متوازنی هستند تا با عادی سازی روابط با غرب برای برداشتن تحریمها تلاش کند و ایران بتواند با پیوستن به اقتصاد جهانی بسیاری از برنامه های اقتصادی و طرحهای توسعه ای که به حالت تعلیق در آمده را دنبال کند. مسلما، جریان اصلاح طلب از تغییراتی که پادشاهی عربستان سعودی در سیاست خارجی خود و مخصوصا در قبال ایالات متحده در پیش گرفته است، غفلت نخواهد کرد و در بگومگوها با جریان محافظه کار به الگوی عربستان سعودی استناد خواهد کرد. و احتمالا واکنشهای اخیر مقدمه ای برای روی دست گرفتن این گزینه ها است تا همانطور که قبلا نیز رخ داد، آن را به نام خود

تمام کند. و یا اینکه برای تحکیم سلطه و تداوم روایت خود که مسئولیت تمام شکستها را متوجه قدرتهای خارجی می دانند، سیاستهای محافظه کارانه را تشدید کند که این امر می توان در دراز مدت به خشونت منجر شود. به هر روی، بازتاب الگوی عربستان سعودی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در فضای داخلی ایران همچنان طنین انداز خواهد بود چهار. تقلید از الگوی سعودی و امکان استفاده از آن:

در حالیکه نظام به خاطر وخامت اوضاع معیشتی، با یک بحران داخلی بغرنجی دست به گریبان است و همچنین در روابط با کشورهای جهان و قدرتهای منطقه ای نیز با یک بحران دست و پنجه نرم می کند، این امکان وجود دارد که در پی افزایش خشم مردمی و مطالبات داخلی روز افزون مبنی بر اینکه عربستان سعودی از ایران در همه زمینه ها چندین گام جلوتر رفته است و نباید ایران از آن عقب بماند، نظام مخصوصاً در زمینه اتخاذ سیاستهای حکیمانه، حکومتداری، برنامه ریزی اقتصادی، تحت تأثیر الگوی واقع گرایانه عربستان سعودی قرار گیرد. و این امکان نیز وجود دارد که تحت فشارهای دیدگاههای اصلاح طلبانه داخلی طرحهای علمی و دقیقی را روی دست گیرد و برای برون رفت ایران از مخمصه کنونی برنامه ریزی کند. هرچند که از چندین جنبه این امر بعید به نظر می رسد، اما شاید نظام ایران به حکم ضرورت از الگوی اقتصادی پادشاهی عربستان سعودی پیروی کند. اما نباید از یاد برد که لازمه چنین امری این است که نظام باید بهای آن را بپردازد. ایران در سایه سیاستهای خصمانه شانس تنوع بخشیدن به شرکای خود را ندارد و در سایه تحریمها از دسترسی به دانش و فناوریهای روز که پیشران تمام طرحهای توسعه ای مدرن هستند، محروم است. همچنین، سایه ایدئولوژی همچنان بر تصمیم سازیهای ایران سنگینی می کند و این کشور را از رسیدن به پیشرفت و تحول باز می دارد.

پنج. امکان تأثیر گذاری بر گفتمان تندروانه:

الگوی "الهام بخش" و تجربه دینی اخیر عربستان سعودی در فرم تازه اش، و اصلاحات همه جانبه اجتماعی همچنان بر ملت و دولت ایران تأثیرگذار خواهد بود و این امر، حوزه و نخبگان دینی را تحت فشار قرار می دهد تا در گفتمان دینی مشی عقل گرایی را در پیش گیرد و با اصلاحات ریشه ای و عمیق همانند اصلاحات عربستان سعودی که توسعه، رنسانس، رفاه ملت و حقوق زن را بر تندوریهای دینی و فرقه گرایی مذهبی اولویت داده است، موافقت و همراهی کند.

برآیند

پر واضح است که علی رغم برخی صدهای تندرو که با دید ایدئولوژی و مذهبی به این رابطه می نگرند، اما در کل، دیدگاه نخبگان ایرانی و همچنین افکار عمومی در ایران در مورد عربستان سعودی مثبت است. در این زمینه به مهمترین نتایج اشاره می کنیم که عبارتند از:

یک. جذابیت و تأثیرگذاری الگوی سعودی: در دهه اخیر، الگوی عربستان سعودی تا حد زیادی مورد توجه کشورهای منطقه و به طور خاص ایران قرار گرفته است. پادشاهی عربستان سعودی در مسیر توسعه داخلی و تقویت پرستیژ منطقه ای و بین المللی گامهای مثال زدنی برداشته است. و انتظار می رود که در آینده الگوی عربستان سعودی همچنان الهام بخش نخبگان و توده مردم در ایران باشد؛ زیرا عربستان سعودی الگویی برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای مهم در آینده روی دست دارد. این برنامه، عربستان را به عنوان یک مرکز مهم در سطح بین الملل مطرح می سازد که قدرتهای جهانی منافع خود را در آنجا می بینند. و اگر زمینه ورود جوانان ایرانی با ویزای گردشگری و یا دعوت از برخی فعالان پر مخاطب ایرانی شبکه های اجتماعی (اینفلوئنسرها)

به عربستان سعودی برای حضور در برخی جشنواره‌ها مانند جشنواره ریاض و بازدید از شهر تاریخی العلا و غیره فراهم گردد، انتظار می‌رود که دیدگاه اқشار جامعه ایرانی نسبت به عربستان سعودی به طور قابل توجهی تغییر کند. و احتمالاً، زمان لازم است تا بازتاب این تصویر مثبت از پادشاهی عربستان سعودی در آثار ادبی و فرهنگی مانند داستان کوتاه، فیلم و سریالها خود را نشان دهد؛ البته به شرطی که نظام در مقابل این صداها اندکی مماشات از خود نشان دهد.

دو. تغییر تصویر کلیشه‌ای عربستان سعودی در ایران: به نظر می‌رسد که تصویر کلیشه‌ای از عربستان سعودی در میان نخبگان ایرانی در حال تغییر است. بررسی دیدگاه‌های نخبگان ایرانی حکایت از آن دارد که ایرانیان به الگوی عربستان سعودی توجه نشان داده و آن را پسند کرده‌اند. نخبگان ایرانی پادشاهی عربستان سعودی را یک کشور مدرن توصیف کرده‌اند که در مدیریت کشور و در تدوین برنامه‌های راهبردی طبق معیارهای روز رفتار می‌کند. و احتمالاً این تصویر است که بدون دخالت و سلطه نظام در ذهن آنها شکل گرفته است. بی تردید، احیای روابط میان دو کشور، برای ایرانیان این امکان را فراهم ساخت تا با آزادی بیشتری و به دور از محدودیت‌های نظام و به دور از تأثیر تبلیغات رسانه‌ای نظام که همواره علیه عربستان سعودی دست به سیاه‌نمایی زده است، دیدگاه‌های خود را بیان کنند. به ویژه اینکه بسیاری از ایرانیان خواستار مدرن‌گرایی هستند و می‌خواهند که سایه سنگین ایدئولوژی از سر جامعه و مردم رخت بریند.

سه. رسانه‌های غیر رسمی قدرت تأثیرگذاری بیشتری دارند: بی تردید شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های غیر رسمی نقش مهمی در انتشار اخبار مربوط به پادشاهی عربستان سعودی و مقایسه آن با سیاست‌های نظام ایران ایفا کرده است. نظر به اینکه نظام بر اکثر شبکه‌های اجتماعی و

رسانه های غیر رسمی کنترلی ندارد، و این شبکه های اجتماعی، کانالی برای ارتباط میان داخل و خارج است و ارتباط میان نخبگان ایران با نخبگان عربستان سعودی را فراهم می سازد، دیدگاهها به طور گسترده ای توسط این شبکه ها منتشر می شود. و انتظار می رود که این ارتباط در فضای مجازی گسترده تر شود؛ زیرا از یک طرف، تحولات در پادشاهی عربستان سعودی فضای مجازی را درنوردیده و مورد استقبال گسترده کاربران شبکه های مجازی قرار گرفته است. و از سوی دیگر، ایرانیان برای کسب اطلاع از الگوی عربستان سعودی و تحولات کنونی آن تمایل زیادی نشان می دهند. این امر این امکان را فراهم ساخته است که مردم ایران از طریق شبکه های مختلف اجتماعی و رسانه های غیر رسمی نظام را تحت فشار قرار دهد.

چهار. معتبر و پرمخاطب: علاوه بر مردم عادی، کارشناسان و مسئولین پیشین نظام و همچنین کنشگران ایرانی هم نظرات و دیدگاههای خود را در شبکه های مجازی منتشر می کنند. این امر نشان می دهد که این دیدگاهها درباره عربستان سعودی در دسترس طیف گسترده ای از افکار عمومی قرار می گیرد. و از آنجا که این دیدگاهها و نظرات مربوط به کشوری است که رقیب عربستان سعودی است، می تواند تأثیر شگرفی در مخاطبین داشته باشد؛ به ویژه اینکه این نظرات به نوعی بازتاب تحولات پادشاهی عربستان سعودی در دهه اخیر است. پادشاهی عربستان سعودی در مسیر توسعه داخلی و تثبیت جایگاه منطقه ای و بین المللی پیشرفتهای چشمگیری داشته است. وانگهی، دیدگاهها و نظراتی که درباره عربستان سعودی مطرح می شود با استناد به آمار و شاخصها و معیارهای واقعی است و همین امر که دلیلی بر درستی این دیدگاهها است، سبب می شود که این دیدگاهها هرچه بیشتر در میان مردم منتشر شود.

پنج. بر ملا شدن شکاف توسعه میان عربستان سعودی و ایران: کارشناسان و نخبگان ایرانی در بیان دیدگاه‌های خود در مورد پادشاهی عربستان سعودی، تحولات کنونی این کشور را با اوضاع داخلی ایران مقایسه کرده‌اند. این امر از یک واقعیت مهم پرده برداشته است و آن اینکه علی‌رغم اینکه هر دو کشور از منابع سرشار طبیعی و جایگاه مهم منطقه‌ای برخوردارند، اما در زمینه توسعه یافتگی تفاوت معناداری میان دو سوی خلیج خود را به وضوح نشان می‌دهد. در حالیکه پادشاهی عربستان سعودی گام‌های بلند و پرشتابی به سوی آینده بر می‌دارد و خواسته‌ها و رفاه ملت خود را تأمین می‌کند و برای سوق دادن منطقه به سوی ثبات و پیشرفت نقش مهمی ایفا می‌کند، نظام ایران با پافشاری بر سیاست‌های غیر واقع‌گرایانه ملت را در شرایط اسفبار معیشتی گرفتار کرده است. از سویی دیگر، عربستان سعودی به خاطر سیاست‌هایی که روی دست گرفته است، توانسته جایگاه منطقه‌ای و وجهه بین‌المللی خود را ارتقا دهد. تا جاییکه به قبله‌ای برای برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی بدل شده است. اما سیاست‌های ایران، این کشور را در انزوا قرار داده و ره‌آوردی جز تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی برای آن نداشته است؛ امری که اعتراضات مردمی و در نتیجه، عدم ثبات سیاسی را به دنبال داشته است. وانگهی، سیاست‌های خارجی ایران بر بودجه این کشور فشار آورده و بار مضاعفی بر بودجه این کشور تحمیل کرده است.

در پایان، می‌توان گفت که احیای روابط میان عربستان سعودی و ایران، این شرایط را فراهم ساخت که ایرانیان با دید واقع‌بینانه‌تری به عربستان سعودی بنگرند و این‌گشایش فرصتی را فراهم ساخت تا مردم ایران با دید واقع‌بینانه و بدون تعصب به تحولات کنونی پادشاهی عربستان سعودی نگاه کنند و آن را با اوضاع سخت و بغرنج معیشتی در ایران مقایسه کنند. با توجه به علاقه‌ای که مردم ایران

به الگوی عربستان سعودی و دستاوردهای آن نشان می دهند، عربستان سعودی یک فاکتور مهم تأثیرگذاری غیر مستقیم بر ایران در اختیار دارد. واقعیت این است که سیاستها و موفقیت‌های داخلی و خارجی عربستان، نظام ایران را به طور معنا داری در تنگنا قرار داده است. در طی سالیان اخیر، پادشاهی عربستان سعودی توانسته است با ارتقای جایگاه اقتصادی و سیاسی خود، به بزرگترین بازیگر منطقه ای و مهمترین بازیگر و شریک مورد نظر قدرتهای بزرگ بدل شود. همچنین در سطح خارجی، عربستان سعودی توانسته است ضمن حفظ استقلال، شراکتهای خود را تنوع بخشد. این در حالیست که ایران تمام تخم مرغهای خود را در سبد روسیه و چین گذاشته است. حال، نظر به اینکه نخبگان و توده مردم ایران به سیاست عربستان سعودی توجه نشان داده اند این امکان وجود دارد که نظام ایران به تغییر سیاست خود و الهام گرفتن از الگوی عربستان سعودی در زمینه به صفر رساندن مشکلات و تحقق اهداف اقتصادی و علمی رغبت نشان دهد. پس می توان گفت که الگوی توسعه ای عربستان سعودی به منزله یک برگ فشار قدرتمندی بر نظام ایران است و احتمالاً بتواند نظام را وادار سازد تا نسبت به برخی سیاستها و رویکردهای تدریجی و داخلی و خارجی خود تجدید نظر کند؛ در غیر این صورت نظام در آینده با بحران بسیار بزرگی روبرو خواهد شد که به جایگاه منطقه ای و بین المللی آن نیز آسیب می زند.

پی نوشت ها

- صد آتلاین، حاشیه‌هایی مهمتر از متن، پیام نشست صلح به ایران (17 مرداد 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 25 (1) <https://2u.pw/hJqt5Cy>، ژانویه 2024 م
- دیپلوماسی ایرانی، پیروزی بزرگ برای عربستان: گفت‌وگوها؛ دستاورد نشست جده برای جنگ اوکراین، (17) (2) <https://2u.pw/NxILUm1>، مرداد 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 25 ژانویه 2024
- وبسایت دکتر محمود سریع القلم، در داوس چین 2023 چه گذشت؟، (3 جولای 2023 م)، تاریخ بازدید: 24 (3) <https://2u.pw/SIKigMR>، ژانویه 2024
- آفتاب، می خواهد پایان جنگ اوکراین به نام بن سلمان تمام شود، (10 مرداد 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 23 (4) <https://2u.pw/AOJ9ITI>، ژانویه 2024
- <https://2u.pw/YUVbNrv>، حساب کاربری صادق زیبا کلام در شبکه اکس، (19 ژوئن 2023 م)، تاریخ بازدید: 23 ژانویه 2023 (5) <https://2u.pw/CSfYYtQ>، سپتامبر 2023)، تاریخ بازدید: 1 اکتبر 2023 (20) @Hatricknews، پلتفرم اینستاگرام
- وبسایت دکتر محمود سریع القلم، در داوس چین 2023 چه گذشت؟، همان (7) ژوئن 2023)، تاریخ بازدید: 1 اکتبر 2023 (13) @picopry، پلتفرم اینستاگرام
- ژوئن 2021)، تاریخ 21) @mohamad.baztab، همچنین: حساب کاربری اینستاگرام <https://2u.pw/GxUW4Mr>، بیانیه یکجانبه @akharinkhabar، ر.ک: حساب کاربری اینستاگرامی، <https://2u.pw/dvQ2uYn>، بازدید: 1 اکتبر 2023 ر.ک: صفحه <https://2u.pw/Ru0XIFC>، (عربستان: «میدان آرش» صرفاً متعلق به ما و کویت است، (3 اگست 2023 اگست 2023)، تاریخ 5) @dw_persian، ر.ک: حساب کاربری اینستاگرامی، <https://2u.pw/g3uaPFC>، اینستاگرامی <https://2u.pw/cs00rp2>، بازدید: 1 اکتبر 2023
- یک واقعیت غم‌انگیز/ قاسمی: اقتصاد ایران 15 سال طول می‌کشد به اقتصاد امروز عربستان برسد» (12) (9) <https://2u.pw/AbSEyAR>، تیر 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 23 ژانویه 2023 م
- <https://2u.pw/GxUW4Mr>، ژوئن 2023)، تاریخ بازدید: 29 نوامبر 2023 (13) @picopry، حساب کاربری اینستاگرامی (10)
- دریا کنار، پازوکی، اقتصاددان: از فروردین 1401 تا الان ارزش پول ملی نصف شده (23 ژوئن 2023 م)، تاریخ (11) <https://2u.pw/RWPvugM>، بازدید: 24 ژانویه 2024
- انصاف، ژاپن - عربستان و دستان پر از هیچ ما، (7 مرداد 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید 24 ژانویه 2024 (12) <https://2u.pw/0lrcAmO>
- <https://2u.pw/Nes0mxi>، آرمان امروز، دیپلماسی محدود، (25 تیر 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید 23 ژانویه 2024 (13)
- صدای جویا، میان ریال ما و ریال عربستان تفاوت از زمین تا آسمان، (29 اردیبهشت 1402 ه.ش)، تاریخ (14) <https://2u.pw/gSOXDv9>، بازدید: 24 ژانویه 2024
- بهار نیوز، این متن کوتاه فرق ایران و عربستان را نشان می‌دهد، (12 مرداد 1402 ه.ش)، تاریخ بازدید: 23 (15) <https://2u.pw/9potXhi>، ژانویه 2024
- @، (تاریخ آخرین به روز رسانی 10:48 م - 30 می 2023 م)، تاریخ بازدید: 24 ژانویه 2024 (16) <https://2u.pw/emlwuLO>، پلتفرم ایکس
- دکتر معتمد صدیق، و دکتر محمد الصیاد، خطبة الجمعة في إيران.. تدین السياسة وتسييس الدين، رصانة، (17) <https://bit.ly/3F0mQpe>، (05 مارس 2020 م) (تاریخ بازدید: 29 اکتبر 2023 م
- قطره، واکنش ائمه جمعه شهرستان های استان تهران به توافق ایران و عربستان، 15 مارس 2023 م (تاریخ (18) <https://bit.ly/3ZmuZYK>، (بازدید: 26 اکتبر 2023 م
- مهر نیوز، امام جمعه گرگان: توافق ایران و عربستان موجب شکل‌گیری اتحادیه ممالک اسلامی می‌شود، 14 (19) <https://bit.ly/3JNcORg>، (مارس 2023 م) (تاریخ بازدید: 25 اکتبر 2023 م
- خبرگزاری ایسنا، حجت الاسلام شهریار در سی و هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی: آغاز روابط (20) بین ایران و عربستان نویدبخش صلحی پایدار و همکاری بادوام در منطقه است، 01 اکتبر 2023 م (تاریخ بازدید: 31 اکتبر 2023 م) <https://bit.ly/3FAH3hL>

- حوزه نیوز، عضو مجلس خبرگان رهبری: وهابیت و سلفیت حتی در عربستان هم کنار گذاشته شد، 01 اکتبر (21) <https://bit.ly/40lAlAo> (تاریخ بازدید: 31 اکتبر 2023م)
- (22) <https://2u.pw/GxUW4Mr>، ژوئن 2023)، تاریخ بازدید: 29 فوریه 2023 (13 @picopry، حساب اینستاگرامی @mohamad.baztab، همچنین: حساب اینستاگرامی مدرنترین شهر جهان!!! عربستان سعودی دنیا رو شوکه کرد!!!، نظر، (21 جولای 2023)، تاریخ بازدید: 29 فوریه 2024 <https://2u.pw/dvQ2uYn>
- (23) رفتن کریس رونالدو و کریم بنزما به عربستان بخشی از همین پروژه عربستان، @picopry، حساب اینستاگرامی @mohamad.baztab، همچنین: حساب اینستاگرامی مدرنترین شهر جهان!!! عربستان سعودی دنیا رو شوکه کرد!!!، نظر، (21 جولای 2023)، تاریخ بازدید: 29 فوریه 2024 <https://2u.pw/dvQ2uYn>

عربستان سعودی سبز؛ صعود یک قدرت بزرگ در حوزه انرژی تجدیدپذیر

دمیتری زابلین

پژوهشگر مطالعات ژئوپلیتیک و بنیانگذار شرکت مشاوره ژئوپلیتیک باننتون اینسایتس

چکیده:

این پژوهش به بلندپروازیهای پادشاهی عربستان سعودی و تلاشهای آن برای کسب جایگاه خود در نقشه جهانی انرژی می پردازد و ویژگیهای اصلی راهبرد عربستان سعودی در دوره پسانفت از جمله رو آوردن به انرژی خورشیدی، هیدروژن، استخراج فلزات و فرآوری آنها و بهره گیری از این منابع برای تقویت نفوذ ژئوپلیتیک خود، را مورد بررسی قرار می دهد. مخصوصاً که فضای جهانی در سایه تلاش قدرتهای ژئوپلیتیک برای اعمال نفوذ در تصمیم سازی اقتصادی میان طرفهای بازیگر در کشورها، تحولات پرشتابی را تجربه می کند. اکنون نیاز به سازماندهی مجدد زنجیره های تأمین تنها به عنصر کارآیی خلاصه نمی شود بلکه آنچه در این میان نقش عمده دارد، همانا مسأله امنیت است. هرچند که بهبود اقتصاد یک هدف است، اما امنیت سیاسی در مرتبه اول قرار دارد. این تحول پیامدهای مالی، سیاسی و اقتصادی پررنگی به دنبال دارد؛ زیرا حرکت جهان به سوی انرژی تجدیدپذیر

به منابع زیادی مخصوصاً فلزاتی چون لیتیوم، کبالت و نیکل نیاز دارد. نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه، تخمین می‌زنند که تا سال ۲۰۴۰، تقاضا برای این فلزات در مقایسه با سال ۲۰۲۰ به میزان ۷ تا ۵۱ برابر افزایش یابد. از این رو، پادشاهی عربستان سعودی در تلاش است تا در زمینه زنجیره تأمین انرژی‌های تجدیدپذیر جایگاه پیشتازی در جهان کسب کند. تلاش‌های عربستان سعودی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر در زمانی صورت می‌گیرد که اقتصاد جهانی به خاطر تنش‌های ژئوپلیتیک، تحولات انرژی و پیشرفت فناوری در یک پیچ سرنوشت‌سازی قرار دارد. عربستان سعودی برای تحقق ابتکارهای خود در زمینه انرژی‌های پاک، چشم‌انداز ۲۰۳۰ را سرلوحه خود قرار داده و ضمن تعیین اهداف بلندپروازانه‌ای، در صدد مهیا ساختن فضایی برای جلب سرمایه‌گذارها و ابتکارهای تازه است. موفقیت پادشاهی عربستان سعودی در تغییر مسیر به سمت انرژی پاک یک گام اساسی برای تحقق اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیک در چارچوب چشم‌انداز ۲۰۳۰ به شمار می‌رود و با مطرح شدن به عنوان یک قدرت پیشتاز در دوره تازه انرژی‌های پاک، در صحنه جهانی از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار می‌گردد.

کلید واژگان:

عربستان سعودی، انرژی تجدیدپذیر، توسعه، هیدروژن سبز، منابع متعدد انرژی، فلزات واسطه، خاورمیانه، دوران پسانفت

مقدمه

پادشاهی عربستان سعودی برای اینکه جایگاه خود را در زنجیره تأمین جهانی انرژی‌های تجدیدپذیر تثبیت کند، برای تقویت جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود در این زمینه از طریق ابتکارهای بلندپروازانه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر همچنان به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود ادامه می‌دهد. این تلاش‌ها در زمانی صورت می‌گیرد که اقتصاد جهانی از

لحاظ ژئوپلیتیک، انرژی و فناوری در مرحله سرنوشت سازی قرار گرفته است. کشورهایی که نگران جایگاه و نقش خود در این تحولات هستند، برای اینکه از قافله جهانی عقب نمانند به افزایش سرمایه گذاری های دولتی روی می آورند که اصطلاحاً به آن «سیاست صنعتی | Industrial Policy» اطلاق می شود. و این یک حرکت راهبردی است که دولت برای پیشبرد توسعه در بخشها و صنایع مشخصی در داخل اقتصاد خود به آن دست می زند.

و از آنجا که امنیت اقتصادی در رأس اولویتها جای دارد، دولتها تلاش می کنند برای توسعه صنایعی که دارای اهمیت ژئوراهبردی هستند، تسهیلات مالی و غیره ارائه کنند. رهبران جهان تلاش می کنند برای بهبود وضعیت خود در این مسابقه چندوجهی از ابزارهای سیاست یعنی پرداخت وامهای بدون بهره و یا مشوقهای مالیاتی بهره گیرند. در صنایع هزینه بر که درآمدزایی و بازگشت سرمایه نیاز به زمان طولانی دارد، در فضایی که نرخ بهره بالا است، استفاده از فاکتورهای تنبیهی و تشویقی یک ضرورت است. تدابیر قانونگذاری مانند «کاهش تورم» در ایالات متحده و «قانون تراشه ها در اتحادیه اروپا» دو نمونه از سیاستهای صنعتی هدفمند هستند. صندوقهای سرمایه ملی یک مجرای شناخته شده ای هستند که دولتها می توانند برای تقویت سیاستهای صنعتی خود از آن استفاده کنند. به عنوان مثال، در عربستان سعودی دولت برای پیشبرد اهداف ژئوراهبردی خود از صندوق سرمایه گذاری عمومی بهره می گیرد. اساسنامه این صندوق تصریح دارد که سرمایه گذاریهای بین المللی «با این هدف صورت می گیرد که جایگاه عربستان سعودی در آینده، به عنوان یک قدرت پیشتاز در اقتصاد جهانی تقویت گردد. از این رو، این صندوق با هدف ایجاد شراکتهای راهبردی از طریق سرمایه گذاریهای مستقیم و غیر مستقیم، در چندین طرح سرمایه گذاری بلند مدت وارد شده است.

که این امر علاوه بر تمرکز روی بخشهای مرتبط با صنایع آینده نگر، گستره تأثیرگذاری عربستان سعودی در سطح جهان را نیز افزایش می دهد»^(۱)

چشم انداز ۲۰۳۰ از طریق مدیریت بلندپروازیهایی مرتبط با ژئوپلیتیک و انرژی نقش عمده ای در جهت دهی سرمایه و جذب سرمایه گذاری خارجی داشته است. صندوق سرمایه گذاری عمومی در نظر دارد تا پایان این دهه، ۷۰ درصد زیرساخت مربوط به انرژی های تجدیدپذیر عربستان را توسعه دهد. و «برنامه ملی انرژی تجدیدپذیر» که بخشی از چشم انداز ۲۰۳۰ است، به منزله یک برنامه عملیاتی است که بلندپروازیهایی انرژی تجدیدپذیر را به اقدامات و طرحهای ملموس در روی زمین پیاده سازی می کند. و در همین پژوهش توضیح خواهیم داد که چگونه این اهداف می تواند تلاشها برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی در عربستان را به ثمر برساند. در فضای کنونی تعیین یک هدف روشن و راهبردی یک ضرورت است؛ به ویژه اینکه اکنون بنیانهایی اصلی ژئوپلیتیک در حال تغییر است. و بر اثر بی ثباتی های جدید اقتصادی، زنجیره های تأمین نیز نه به خاطر تأمین بیشترین سود اقتصادی بلکه برای رسیدن به بهترین وضعیت ژئوپلیتیک تغییر شکل می دهند. این بدان معنا نیست که اقتصادها عمداً و برخلاف میل خود به سوی ناکارآمدی تمایل دارند بلکه به این معنا است که اقتصادها به گونه ای بسیار واضح تر از گذشته، امنیت سیاسی را در اولویت قرار می دهند. و این دگرگونی پیامدهای مالی، سیاسی و اقتصادی بزرگی به دنبال دارد

مسئله «فلزات واسطه | Transition Metals» مانند لیتیوم، کبالت، نیکل و مس از منابع مورد نیاز برای پدید آوردن چنین تحولی در حوزه انرژی به حساب می آیند. از این رو، انتظار می رود با آغاز سیاستهای مبتنی بر تحول در حوزه انرژی، تقاضا برای این فلزات نیز به شدت

افزایش یابد. و افزایش شدید تقاضا برای این منابع و عدم پاسخگویی به تقاضاها در بحبویه تحول و دگرگونی زنجیره های تأمین به افزایش چشمگیر خطرات تورم و مشخصا «تورم سبز| Greenflation» منجر می شود. این امر سبب می شود که در پی دگرگونی سریع در بخش انرژی، بازارها و اقتصادها و کشورها نیز به نوعی دچار بی ثباتی شوند. برای جلوگیری از چنین خطراتی، پادشاهی عربستان سعودی برای محافظت از خود در برابر بی ثباتی های مرتبط با سیاستهای تحول و دگرگونی در حوزه انرژی اقدامات پیش دستانه ای را روی دست گرفته است. و اگر این سیاستها به درستی پیاده شود، نه تنها جایگاه منطقه ای عربستان را تقویت می کند بلکه این کشور را به حلقه وصل مرکزی در نقشه نوین انرژی جهانی بدل می کند. و چنین اقدامی علاوه بر دستاوردهای ژئوپلیتیک آن، سبب می شود که در دوره پسانفت، جایگاه عربستان برای مدتهای مدیدی به عنوان واسطه ای در حوزه انرژی در سطح جهان همچنان حفظ شود.

نخست: انقلاب انرژی های تجدیدپذیر در عربستان سعودی؛ دوران تازه ای از راهبرد ژئوپلیتیک

تحولات اخیر از نشانه هایی پرده بر می دارد که از ورود پادشاهی عربستان سعودی به دوران تازه ای در زمینه انرژی های تجدیدپذیر حکایت دارد. در اینجا به برخی از این شاخصها و نشانه ها در چندین زمینه می پردازیم

یک. مواد معدنی خام، فلزات و معدنکاری

هرچند که آینده تحول و دگرگونی در حوزه انرژی کاملا مشخص نیست، اما یک واقعیت کاملا شفاف است و آن اینکه لازمه این فرآیند دگرگونی، همانا فراهم بودن منابع مورد نیاز است. صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده است که بیشترین پیامد تحول جهانی در زمینه انرژی، نصیب

فلزاتی چون مس، نیکل، کبالت و لیتیوم می شود. در حالیکه انتظار می رود فلزاتی چون نیکل، اندکی کاهش عرضه (حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد) را تجربه کند، اما عنصرهای مهمی مانند «دیسپروزیوم» | «dysprosium» که یک عنصر شیمیایی به صورت فلز در زمین یافت می شود، برای تقویت نیروی مغناطیس در موتورهای برقی استفاده می شود، انتظار می رود که عرضه آنها تا ۷۰ درصد نسبت به تقاضا کاهش یابد^(۲). البته این تقاضای احتمالی و تأثیر آن بر بهای آن، در گرو آینده و سناریوهای احتمالی در آینده است. اگر تا اوایل سال ۲۰۴۰ و یا ۲۰۵۰ سناریوی برآیند صفر گازهای گلخانه ای محقق شود، این امر می تواند تأثیرات معناداری بر بهای فلزات واسطه داشته باشد. دامنه تخمینها متفاوت خواهد بود. بانک جهانی پیش بینی کرده است که تا سال ۲۰۴۰ تقاضا برای لیتیوم در مقایسه با سال ۲۰۲۰، هفت برابر افزایش خواهد یافت^(۳). صندوق بین المللی پول نیز با فرض تحقق سناریوی برآیند صفر گازهای گلخانه ای، انتظار دارد که تقاضا برای لیتیوم تا سال ۲۰۵۰ در مقایسه با سال ۲۰۲۰، حدود ۲۵ برابر افزایش یابد^(۴). «آژانس بین المللی انرژی» نیز چندین سناریوی احتمالی را برای آینده ارائه کرده است. در سناریوی توسعه پایدار، تقاضا بسیار بیشتر از عرضه خواهد بود. به گونه ای که تا سال ۲۰۴۰ تقاضا برای لیتیوم از ۵۱ برابر سطح فعلی نیز فراتر خواهد رفت. لذا، می بینیم که طبق سناریوی توسعه پایدار آژانس بین المللی انرژی، تقاضا برای لیتیوم در مقایسه با دیگر فلزات واسطه مانند کبالت، نیکل، مس و غیره به طور معنا داری بیشتر خواهد بود که به شرح زیر است

- افزایش تقاضا برای کبالت تا سال ۲۰۴۰ در مقایسه با سطح کنونی، ۲۱ برابر خواهد بود.
- افزایش تقاضا برای نیکل تا سال ۲۰۴۰ در مقایسه با سطح کنونی، ۹,۷ برابر خواهد بود.

■ افزایش تقاضا برای مس تا سال ۲۰۴۰ در مقایسه با سطح کنونی، ۶,۲ برابر خواهد بود.

بخش اعظم فلزات و مواد شیمیایی مورد نیاز برای ایجاد تحول در حوزه انرژی در مناطق و کشورهای قرار دارد که خطرات سیاسی بالایی دارند. در سال ۲۰۲۲ استرالیا حدود ۶۱ هزار تن متریک لیتیوم تولید کرد که ۴۹,۹۱ درصد تولید جهانی را شامل می شود. این در حالیست که شیلی با تولید ۳۹ هزار تن متریک لیتیوم ۳۱,۸۱ درصد تولید جهانی به خود اختصاص داد. اندونزی بیشترین ذخیره نیکل را در اختیار دارد و سالانه ۱,۶ میلیون تن متریک از این فلز تولید می کند که ۶۱,۰۷ درصد تولید جهانی را به خود اختصاص می دهد. فیلیپین با تولید سالانه ۳۳۰ هزار تن متریک یعنی ۱۲,۶۰ درصد تولید جهانی با اندونزی فاصله زیادی دارد. از دیگر فلزات واسطه ای و بسیار مهم کبالت است که بیشتر در جمهوری دموکراتیک کنگو وجود دارد. این کشور در وسط آفریقا قرار دارد، و سالانه با تولید حدود ۱۷۵ تن متریک ۷۸,۸۳ درصد تولید جهانی را به خود اختصاص داده است. فیلیپین با تولید سالانه ۳۰ هزار تن متریک یعنی ۱۳,۵۱ درصد تولید جهانی، در جایگاه دوم قرار دارد. و در نهایت، شیلی در سال ۲۰۲۲ با تولید حدود ۵,۹ میلیون تن متریک مس ۲۷,۴۵ درصد تولید جهانی این فلز را به خود اختصاص داد و پرو نیز با تولید ۲,۷ میلیون تن متریک، ۱۲,۵۹ درصد از تولید جهانی را از آن خود کرد^(۵). پادشاهی عربستان سعودی به جای اینکه مواد مورد نیاز را از طریق زنجیره تأمین در زمانی اندک و با بهای گزاف به دست آورد، راهبرد بهره برداری از ذخایر هنگفت مواد شیمیایی و فلزات گرانبهای خود را روی دست گرفته است تا زمینه را برای آینده ای بدون وابستگی به نفت فراهم سازد. در این راستا، اخیراً عربستان سعودی ارزش معادن خود را مجدداً مورد ارزیابی قرار داده و از ۱,۳ تریلیون دلار به ۲,۵ تریلیون

دلار ارتقا داده است^(۱). پادشاهی عربستان سعودی سرمایه‌گذاریهای کلانی برای آینده خود انجام می‌دهد. به عنوان مثال، ۲۰۰ میلیون دلار به طرح جامع نقشه‌های ژئوپلیتیک و ایجاد یک دیتابیس برای منابع اختصاص داد که بر اساس مطالعات دقیق قبلی در مورد سرمایه‌گذاری به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار صورت گرفت^(۲). این ارزیابی تازه از وجود ذخایر هنگفت طلا، مس و روی خبر می‌دهد که انتظار می‌رود در تحول پرچالش انرژی در آینده نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند؛ تحول انرژی از آن جهت پرچالش است که احتمالاً تقاضا برای این منابع بیش از عرضه آن باشد.

اما در مورد چشم‌انداز استخراج معادن - چه از لحاظ تئوری و چه عملی- باید گفت که مسأله بسی سخت‌تر از آن است که انتظار می‌رفت. نشریه اکونومیست با اشاره به این واقعیت آورده است: «شوربختانه، دست‌اندرکاران معادن اکنون بسیار کمتر از گذشته در این امر سرمایه‌گذاری می‌کنند. همچنین تازه‌ترین ارقام سود آنها که این هفته منتشر شد، نیز همین مسأله را تأیید می‌کند؛ زیرا رقم سرمایه‌گذاری بزرگترین شرکت معدنی در جهان یعنی شرکت بی‌اچ پی (BHP) در سال ۲۰۲۳ بسیار کمتر از نصف رقم سرمایه‌گذاری یک دهه قبل آن بود. البته این اقدام آنها تا جایی هم منطقی به نظر می‌رسد زیرا معدنچیان به خوبی می‌دانند که صنعت معدن همانطور که دوره‌ای شکوفا می‌شود، در دوره‌ای نیز با کساد روبرو می‌گردد. آخرین باری که این بخش دچار نوسان شد، ۲۰ سال قبل بود که چین به این صنعت رونق داد اما پس از آن، یک دوره رکود فاجعه‌باری بر این صنعت حاکم شد^(۳). به احتمال زیاد، عدم انعطاف‌پذیری زنجیره تأمین به اضافه فشاری که بر شرکتهای معروف معدن درباره رعایت استانداردهای محیط زیست، جامعه و حاکمیت وارد می‌شود، افزایش بهای فلزات را به دنبال خواهد

داشت؛ چرا که عرضه‌کننده سبب افزایش تقاضا بر عرضه می‌گردد. همچنین حمایت از پروژه‌های سبز مشکلات چند وجهی لجستیک را نیز به دنبال دارد که به احتمال زیاد به افزایش بهای محصولات شرکت‌های معدنی منجر می‌شود. همچنین نقشه برداری جغرافیایی و ژئوپلیتیک روند استخراج را پیچیده‌تر ساخته و در نهایت به افزایش بهای کالاهای اساسی و همچنین افزایش سهام شرکت‌های دست‌اندرکار استخراج، منجر می‌شود. نشریه اکونومیست در مقاله‌ای با عنوان «دولتها به صنایعی که در تحول انرژی نقش دارند، کمکی نمی‌کنند» به این مسأله اشاره می‌کند. اما واقعیت این است که این ادعا کاملاً هم درست نیست.

امیر محمد بن سلمان کشورش را چنان هدایت می‌کند که به کانون منابع انرژی تبدیل شود؛ همانگونه که در بازار جهانی نفت نقش محوری دارد. عربستان سعودی از طریق برخی اقدامات اساسی سرمایه‌گذاری در بخش استخراج معادن را تشویق می‌کند. در رأس توافقنامه‌های عربستان، ایفای نقش این کشور به عنوان سهامداران اقلیت یا سهامداران کوچک (سهامداران با سرمایه اندک حق رأی ندارند) در ابر شرکت معدنی واله برزیل است که ارزش آن به ۲۶ میلیارد دلار می‌رسد. بر اساس گزارش روزنامه فایننشال تایمز «پروژه مشترک میان شرکت معادن عربستان سعودی و صندوق سرمایه‌گذاریهای عمومی عربستان ۱۰ درصد سهام شرکت تأمین‌کننده مواد لازم برای گذار به انرژی پاک را به خود اختصاص می‌دهد»^(۹) همچنین پادشاهی عربستان سعودی در صدد است با ایجاد مراکز فرآوری لیتیوم، جایگاه خود را به عنوان قطب اصلی زنجیره تأمین باتری مطرح کند. پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارد که تا سال ۲۰۳۰ نیاز جهانی به لیتیوم در مقایسه با سال ۲۰۲۲ به بیش از چهار برابر افزایش یابد. چرا که، از ۷۲۰ تن متریک به حدود ۳٫۱ میلیون تن متریک افزایش یافته است^(۱۰). از این رو، احتمالاً در سال ۲۰۳۰

عرضه لیتیوم نتواند این حجم رو به رشد تقاضا را برآورده سازد. در این زمینه می توان به برتری سیاست صنعتی پادشاهی عربستان سعودی اشاره کرد که از تخصیص های کلان از صندوق سرمایه گذاریهای عمومی به خوبی پیداست. همچنین، عربستان سعودی یک وزارت مخصوص صنعت و منابع معدنی دارد. این کشور هزینه های صدور مجوز و همچنین مالیات بر درآمد معادن را کاهش داده است. با اصلاح قوانین مربوط به استخراج معادن، تلاش کرده است تا با چارچوبهای مناسب سرمایه گذاری در کشورهای چون استرالیا، بوتسوانا و کانادا سازگار گردد. با این اصلاحات، زمان صدور مجوز بهره برداری از معادن تنها به دو ماه کاهش یافته است. این امر می تواند به افزایش ۲۰ درصدی مجوزهای فعال از سال ۲۰۲۲ منجر شود که هم اکنون تعداد آنها به ۲۳۰۰ مجوز می رسند^(۱۱).

دو. هیدروژن

تلاشهای پادشاهی عربستان سعودی برای دستیابی به منابع جایگزین سوختهای فسیلی نتیجه بخش است. نتایج بررسیها حاکی از آن است که عربستان سعودی می تواند با سرمایه گذاری در تولید هیدروژن میزان وابستگی به نفت را کاهش دهد. و با توجه به اینکه هم اکنون برای تولید برق از گاز طبیعی استفاده می کند می تواند برای گسترش دامنه تولید و توزیع، در زیرساختهای فعلی گاز طبیعی و شبکه های توزیع از هیدروژن آبی استفاده کند. عربستان سعودی می تواند در پرتو «راهبرد ملی هیدروژن» که تولید و صادرات سالانه ۴ میلیون تن هیدروژن پاک را هدف گذاری کرده است، احتمالا در بخش هیدروژن در جایگاه پیشتازی قرار گیرد. صندوق سرمایه گذاریهای عمومی از این دیدگاه کاملا حمایت می کند که سرمایه گذاریهای قابل توجه در این زمینه از جمله شراکت ۵ میلیارد دلاری با شرکت "ایر پروداکتس" برای احداث خط تولید

هیدروژن سبز در پادشاهی عربستان سعودی، بهترین شاهد این مدعا است. علاوه بر آن، در اکتبر ۲۰۲۲، صندوق سرمایه گذاریهای عمومی با فروش ۱,۴ میلیون تن کربن از طریق مزایده، به یک ابتکار مهمی دست زد. این امر به ایجاد اولین بازار داوطلبانه کربن در منطقه منجر شد که گام مهمی در زمینه پایداری محیط زیست به شمار می رود و با راهبرد هیدروژن پادشاهی عربستان سعودی و همچنین با اهداف محیط زیست جهانی مخصوصا اهداف توافق پاریس که مکمل تلاشهای چند جانبه برای کنار گذاشتن سوختهای فسیل است، نیز سازگاری دارد.

اساسا دو نوع هیدروژن وجود دارد: نوع اول همان هیدروژن آبی است که از گاز طبیعی با به کار گیری فناوری جذب، استفاده و ذخیره کربن (CCUS) به دست می آید. در این روش در طی فرآیند تولید هیدروژن بخارهای کربن گرفته می شود. از این رو، این محصول یک گزینه ای پاک تر از گاز طبیعی است. و در مقایسه با روش سنتی تولید هیدروژن از گاز طبیعی (که گاز دی اکسید کربن CO₂ | تولید می کند) هیدروژن آبی قسمت زیادی از بخارها را می گیرد. این امر سبب می شود که این محصول پاک تری باشد. بخش اعظم فرآیند تولید هیدروژن یعنی بیش از ۹۰ در آن، از سوختهای فسیلی حاصل می شود که برای تولید یک کیلوگرم هیدروژن، ۱۰ کیلوگرم دی اکسید کربن نیز تولید می شود^(۱۳). نوع دوم هیدروژن نیز هیدروژن سبز است که از طریق تجزیه آب با روش الکترولیز به دست می آید. در این روش از منابع انرژی تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و یا بادی استفاده می شود.

فناوری تولید هیدروژن آبی و سبز هنوز هم در اولین مراحل خود قرار دارد. چین در زمینه هیدروژن در جهان جایگاه نخست را دارد. و به عنوان بزرگترین تولید کننده و مصرف کننده هیدروژن در جهان معروف است. از سال ۲۰۱۰ تولید هیدروژن آن به طور چشمگیری افزایش یافته و به

طور میانگین سالانه به ۶,۸ درصد رسید^(۱۳) و تا سال ۲۰۲۰ تولید آن به شدت افزایش یافت و به ۳۳ میلیون تن رسید. وقتی به این مسأله با دقت بیشتری بنگریم می بینیم که روشهای سنتی همچنان کاربرد دارد. اکنون بیش از ۶۰ درصد تولید هیدروژن در چین با روش «تبدیل زغال سنگ به گاز | Coal Gasification»^{۱۴*}، صورت می گیرد که بخارهای کربن زیادی از آن متصاعد می شود. چین در تولید بخش قابل توجهی یعنی ۲۰ درصد هیدروژن، از روش «ریفرمینگ متان با بخار | Steam Methane Reforming Process» استفاده می کند. این در حالیست که ۱۸ درصد هیدروژن تولیدی، با روش صنعتی تولید می شود. هیدروژن سبز پاک ترین شیوه تولید هیدروژن است که کمتر از ۱ درصد تولید چین را شامل می شود. با این همه، تولید هیدروژن هر چند به مقدار اندک، کشور تولید کننده را در لیست پیشقراولان این بخش قرار می دهد.

ورود پادشاهی عربستان سعودی به بازار هیدروژن، تنها به تلاش برای تنوع بخشیدن به منابع اقتصادی خلاصه نمی شود بلکه این اقدام عربستان سعودی در راستای تلاشهای راهبردی ژئوپلیتیک صورت می گیرد. در زمانیکه جهان به سوی منابع انرژی پاک تری رو آورده است، هیدروژن نقش تعیین کننده ای در این تحول در نظام جهانی انرژی بازی می کند. بازار هیدروژن آبی در سال ۲۰۲۴ به حدود ۲۴,۲۹ میلیارد دلار رسیده است و انتظار می رود با نرخ رشد مرکب سالانه ۱۱,۸۲ درصد، در سال ۲۰۳۰ به ۴۷,۷۴ میلیارد دلار برسد^(۱۵). اما باید گفت که این دستاوردها از صفر شروع نمی شود. بلکه کشورهای دیگری چون ایالات متحده و کانادا که ذخایر گازی هنگفتی دارند، برای تحقق هدف کاهش گازهای گلخانه ای، از منابع سرشار خود برای تولید هیدروژن بهره می گیرند. آنچه چرخ بازار را به گردش در می آورد، سیاست صنعتی و طرحهای بازاریابی است که هم اکنون در جریان است. به عنوان مثال، هند قرار است

خودرویی تولید کند که با سلولهای سوخت هیدروژنی با قابلیت شارژ مجدد کار می کند. هوندا اولین شرکت خودروسازی ژاپنی است که این فناوری را به بازار ارائه می کند.^(۱۶)

پروژه های بلندپروازانه هیدروژن به مانند پروژه نیوم که یک ابر پروژه با هزینه ۵۰۰ میلیارد دلار است، مثالی زنده از عزم عربستان سعودی است. قرار است در پروژه نیوم تمام انرژی مورد نیاز این شهر از منابع تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی تأمین شود. و سبب می شود که این شهر به سمبل تولید هیدروژن سبز تبدیل شود. کاربرد این پروژه تنها به تولید هیدروژن خلاصه نمی شود بلکه ضمن اثبات فایده هیدروژن سبز، دامنه تولید آن را گسترش می دهد تا به عنوان سنگ بنای توسعه پایدار مطرح گردد. انتظار می رود که تولید کارخانه هیدروژن سبز نیوم، روزانه به ۶۵۰ تن برسد. این امر می تواند انرژی مورد نیاز بخشهای گوناگون مانند حمل و نقل و حتی صنایع سنگین را برآورده سازد. و این امر کاربردهای چندگانه هیدروژن را بیان می کند که در کاهش گازهای کربنی در طیف وسیع فعالیتهای اقتصادی نقش به سزایی دارد

موقعیت راهبردی جغرافیایی پادشاهی عربستان سعودی به منزله پل ارتباط شرق و غرب، یک امتیاز بی نظیری برای آن در بازار هیدروژن رقم می زند. زیرا امکان دارد که پادشاهی عربستان سعودی به کانونی برای زنجیره تأمین هیدروژن و صادرات آن به بازارهای آسیایی و اروپایی بدل شود. چرخش اروپا به سوی انرژی پاک و تقاضای بالا برای انرژی پاک در آسیا، بازار بزرگی را برای صادرات هیدروژن سبز عربستان فراهم می سازد. علاوه بر هیدروژن سبز، رویکرد عربستان سعودی برای تولید هیدروژن آبی از همان درجه اهمیت راهبردی برخوردار است. این کشور برای افزایش تولید هیدروژن آبی از ذخایر عظیم گاز طبیعی و زیر ساختهای کنونی خود بهره می گیرد و تلاش دارد با روش جذب،

استفاده و ذخیره کربن (CCUS)، هیدروژن آبی را از جمله پاک ترین و رقابتی ترین مواد بازار قرار دهد.

در حال حاضر، بخش اعظم نفت توسط نفتکشهای بزرگ و یا از طریق خطوط لوله انتقال داده می شوند. اما خطوط لوله هیدروکربن های مایع یعنی نفت خام را نمی توان مستقیماً برای انتقال گاز هیدروژن به کار برد؛ زیرا حجم اندک و سرعت جریان و انتشار آن می تواند در هنگام ذخیره سازی مشکلاتی را به بار آورد که ضعیف بودن فلزات مورد استفاده در مخازن احتمال نشت گاز هیدروژن را افزایش می دهد. با این همه، می توان با انجام تغییراتی در سیستم لوله های انتقال گاز طبیعی، برای انتقال گاز هیدروژن و مخصوصاً هیدروژن آبی نیز استفاده کرد یعنی هیدروژن آبی را در لوله ها با گاز طبیعی مخلوط کرد به گونه ای که تغییرات زیادی رخ ندهد. اما در مورد انتقال هیدروژن سبز با کشتی، ترجیحاً به صورت مایع انتقال داده شود یا اینکه در مایعات دیگری همچون آمونیاک ذوب شود و یا از روشهای دیگری مانند «حامل های هیدروژن ارگانیک مایع (Liquid Organic Hydrogen Carriers (LOHCs)» استفاده شود. مسلماً، لازمه این امر انجام برخی تعدیلات در نفتکشها است. به عنوان مثال، برای حمل هیدروژن به عنوان آمونیاک مایع (با توجه به اینکه ذوب شدن آمونیاک از ذوب شدن گاز مایع آسانتر صورت می گیرد، این بهترین روش است) کشتیهای باری مخصوص آمونیاک لازم است که دارای مخازن مجهز به یخچال هستند. به عبارت دیگر، تغییرات در بازارهای تازه انرژی و زنجیره های تأمین که نیاز بازارها را بر آورده می سازد، تنها با تغییر نوع موادی که مرزها را در می نوردد، محقق نمی شود بلکه برای تحقق چنین هدفی، باید وسایل حمل و نقل آنها نیز باید تغییرات لازم را ببینند.

سه. انرژی خورشیدی

پادشاهی عربستان سعودی در راستای راهبرد خود مبنی بر تنوع بخشیدن به منابع انرژی و کاهش انتشار کربن، تلاشهای زیادی برای توسعه توانمندیهای خود در زمینه انرژی خورشیدی انجام می دهد. در این زمینه، «برنامه ملی انرژی تجدیدپذیر» عربستان سعودی در نظر دارد تا سال ۲۰۳۰، ۵۰ درصد برق مورد نیاز کشور را از منابع انرژی تجدیدپذیر تأمین کند. در ۳۰ نوامبر، شرکت آکوا پاور ACWA Power، که یک شرکت خدمات رسانی محلی است، قراردادی را با شرکت آب و برق هلدینگ (بدیل) برای ساخت بزرگترین نیروگاه خورشیدی جهان در الشعیبه واقع در استان مکه مکرمه امضا کرد^(۱۷). انتظار می رود این نیروگاه انرژی خورشیدی با ظرفیت تولید ۲۰۶۰ مگاوات تا پایان سال ۲۰۲۵ شروع به کار کند. منطقه خلیج و مخصوصاً پادشاهی عربستان سعودی افتخار دارد که کمترین تعرفه برق خورشیدی در جهان را دارد. مهمترین علل کاهش تعرفه های برق خورشیدی منطقه خلیج در مقایسه با کشورهای چینی و هند همانا هزینه های پایین است که به صورت بلند مدت و با دلار تأمین مالی شده است و نرخ پایین بازگشت سرمایه (ROI)، و افزایش منابع تولید انرژی است که به افزایش ضریب بهره وری (CUFs) منجر می شود. علاوه بر آن، هیچگونه مالیاتی بر تجهیزات و فروش برق تعلق نمی گیرد و هزینه زمین برای پروژه های خورشیدی بسیار ناچیز است^(۱۸). در این زمینه، حمایت دولت تأمین شرایط تسهیلات مالی برای تولید داخلی و گسترش دامنه آن از طریق جذب سرمایه های خارجی بسیار تعیین کننده است.

۴۴ درصد سهام شرکت آکوا پاور متعلق به صندوق سرمایه گذاری عمومی است. ولی این شرکت که وامهای بدون بهره دریافت کرده است، درصد است سهام خود را به میزان بالایی افزایش دهد. در نتیجه، این اقدامات

حمایتی دولت از طریق وام‌های صندوق‌های ذخیره ملی سبب کاهش هزینه مشتریان و در عین حال سبب افزایش توانمندی آنان می‌شود. این امر سبب شده است که هزینه انرژی خورشیدی در عربستان سعودی اندک باشد و احداث و راه اندازی نیروگاه برق خورشیدی در شمار کم هزینه ترین در جهان قرار گیرد.^(۱۹) کما اینکه سرمایه گذاری‌های عربستان در حوزه انرژی خورشیدی به نحوی تکمیل کننده ابتکار هیدروژن سبز به شمار می‌رود و استفاده از انرژی تجدیدپذیر در فرآیند الکترولیز موجب کاهش معنادار انتشار کربن می‌شود و به تکمیل پروژه‌های تحول در حوزه انرژی از طریق ابتکارها کمک می‌کند. کم هزینه بودن انرژی خورشیدی گسترش دامنه این صنعت را ممکن ساخته و پنل‌های خورشیدی نسبت به قبل بسیار ارزانه‌تر شده است به گونه ای که در فاصله سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ قیمت این پنلها تا ۸۵ درصد کاهش یافته است.^(۲۰) حدود ۱۴ سال قبل، میانگین قیمت پنل‌های خورشیدی - هر یک وات- ۲ الی ۳ دلار قیمت داشت. اما در سال ۲۰۲۰ بهای پنل خورشیدی یک وات به ۰٫۲۰ الی ۰٫۶۰ دلار رسید.^(۲۱) مجموع ظرفیت تجهیزات مورد استفاده انرژی خورشیدی عربستان سعودی از ۱۴ مگاوات در ۲۰۱۲ به ۴۳۹ مگاوات در اواخر سال ۲۰۲۱ افزایش یافت و این به معنای افزایش ۳۰٫۶۴ درصدی انرژی خورشیدی در کمتر از یک دهه است.^(۲۲) پادشاهی عربستان سعودی در نظر دارد تا سال ۲۰۳۰ ظرفیت تولید انرژی خورشیدی را به ۴۰ گیگاوات برساند.

کشورها و شرکتها از مزایای اقتصادی دراز مدت انرژی خورشیدی و تحولاتی که در حوزه امنیت انرژی ایجاد می‌کند، کاملاً آگاهی دارند. از این رو، اهمیت انرژی خورشیدی و نقش محوری آن در راهبردهای ملی انرژی بیش از پیش روشن شده است. این امر افزایش ابتکارها و کاهش هزینه ها در این حوزه را به دنبال داشته که در نهایت، زمینه انتقال به

نظام انرژی جهانی پایدارتر و انعطاف پذیرتر را فراهم ساخته است. گسترش مداوم بازار انرژی خورشیدی از یک دگرگونی ریشه ای در تولید انرژی حکایت دارد؛ زیرا انرژی خورشیدی از لحاظ تأمین نیازهای روز افزون انرژی در جهان، در جایگاه نخست قرار دارد. عربستان سعودی برای دستیابی به منابع پایدار و متنوع انرژی نیاز به سیستم ذخیره سازی انرژی دارد تا ثبات شبکه برق و عرضه همیشگی انرژی را مخصوصاً در دوره هایی که تابش خورشید کم می شود، تضمین کند. یکی از اقدامات اساسی عربستان سعودی در این زمینه گنجاندن باتری های ذخیره برق در طرحهای انرژی خورشیدی است. هرچند که پلتفرمهای مربوط به ذخیره سازی انرژی همچنان در حال تحول هستند، اما «شرکت برق سعودی» و «سازمان تنظیم مقررات و تولید برق» مقدمات لازم برای گنجاندن ذخیره سازی برق در شبکه ملی را آغاز کرده اند. به عنوان مثال در پروژه برق خورشیدی الجوف، الگوهایی برای ذخیره برق در باتری نیز لحاظ شده است که از تعهد عربستان سعودی به ثبات تولید در انرژی تجدیدپذیر حکایت دارد. این پروژه از راهبرد گسترده ای حکایت دارد که در آن برای کاهش چالشهای ناشی از ماهیت متغیر انرژی خورشیدی، از سیستمهای ذخیره انرژی کار گرفته می شود تا عرضه برق، با ثبات و کارایی بیشتری صورت گیرد. در این زمینه، شراکتهای راهبردی و سیاستهای دولت نیز در سرعت تحول به سوی انرژی خورشیدی نقش به سزایی دارند. ابتکارهایی که با هدف کاهش انتشار کربن و در راستای تحقق اهداف برآیند صفر انتشار گازهای گلخانه ای روی دست گرفته می شود، می تواند به این تحول شتاب بیشتری ببخشد. و اینگونه است که این الگوی فراگیر، سبب رشد بازار انرژی خورشیدی در عربستان می شود و نقش محوری عربستان در گرایش و تحول جهانی به سوی انرژی تجدیدپذیر را تضمین می کند.

علاوه بر آن، دولت برای جذب سرمایه در بخش انرژی تجدیدپذیر مشوق‌های زیادی اختصاص داده است که از جمله آنها می‌توان به «قراردادهای بلند مدت خرید برق | PPAs» با شروط دلخواه تولیدکننده انرژی تجدیدپذیر اشاره کرد که با تشویق سرمایه‌گذاری به ثبات مالی در این بخش می‌انجامد. علاوه بر آن، دولت روند صدور مجوزهای لازم برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر را بسیار آسان ساخته و بسیاری از مشکلات اداری که سرمایه‌گذاران با آن مواجه می‌شدند، را از میان برداشته است. از مهمترین مقرراتی که در راستای تسهیل استقبال از انرژی خورشیدی صادر شده است، می‌توان به میکانیزم مترینگ خالص (Net Metering) اشاره کرد. این میکانیزم به تولیدکنندگان انرژی خورشیدی - چه مسکونی و چه تجاری - امکان می‌دهد در مقابل تزریق مازاد برق تولیدی خود در شبکه برق، اعتبار دریافت کنند. با این روش، افراد و شرکتها به استفاده از برق خورشیدی تشویق می‌شوند؛ چرا که از لحاظ اقتصادی نیز بسیار به صرفه است. از دیگر مقررات مهم در این زمینه می‌توان به ارائه دستور العملهای «سازمان استاندارد، اندازه‌گیری و کیفیت» عربستان سعودی در خصوص تجهیزات مربوط به انرژی خورشیدی اشاره کرد. بر اساس این دستور العمل، تمامی پنل‌های خورشیدی و تجهیزات آن باید از استاندارد، کیفیت و کارایی بالایی برخوردار باشند. این امر پایداری طولانی مدت سرمایه‌گذاری انرژی خورشیدی در کشور را تضمین می‌کند.

دوم: بازسازی روابط منطقه‌ای

اهتمام پادشاهی عربستان سعودی به افزایش سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی تجدیدپذیر، نقش منطقه‌ای و جهانی عربستان را ارتقا می‌دهد و دستاوردهای کلان سیاسی و اقتصادی در چندین حوزه را به ارمغان می‌آورد:

یک. دستاوردهای اقتصادی

انتظار می رود که سرمایه گذاریهای پادشاهی عربستان سعودی در این فناوری پیشرفته، دستاوردهای اقتصادی و ژئوپلیتیک به ارمغان داشته باشد. بسیاری از کشورهای منطقه مانند عراق، کویت و ایران که از تولید کنندگان بزرگ نفت و گاز هستند، احتمالاً با تحول انرژی در عربستان، الگوی ریاض را سرمشق خود قرار خواهند داد و یا ناچار به این روش رو خواهند آورد. عربستان سعودی با حمایت از محیط زیست فناورانه ثابت کرد که از ابتکار، جذب شرکتهای بین المللی فناوری و رشد شرکت های نوپای داخلی حمایت می کند. در عین حال، انتظار می رود شرکتهای جهانی که برای استفاده از ظرفیت بازار منطقه ای در کمین نشسته اند، سرمایه های مستقیم خود را بیش از پیش سرازیر کنند. در راستای تلاشها برای نوسازی و مدرن گرایی، پادشاهی عربستان سعودی برای محاسبه «سرمایه گذاری مستقیم خارجی» داده های مورد نیاز را مستقیماً از گزارشهای مالی شرکتهای و سرمایه گذاران جمع آوری کرده است. علی رغم اینکه بیشترین سرمایه گذاری های خارجی در سال ۲۰۲۲ در منطقه نفت خیز الشرقیه صورت گرفته است، اما در سالهای اخیر سرمایه گذاری در بخشهای غیر نفتی نیز رشد داشته است^(۳۳). اصلاح بخش انرژی و تنوع بخشیدن به منابع انرژی و همچنین پایبندی به پروتکل های نظارتی استاندارد و مسئولیت پذیری، بازار عربستان سعودی را شفاف تر می سازد و «سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی» بیشتری جذب می کند. وانگهی، شهرت و پرستیژ کشور بزرگ تولید کننده نفت که مأموریت تولید هیدروژن را در منطقه ای رهبری می کند که چرخهای اقتصادی آن با سوختهای فسیلی می چرخد، جایگاه پادشاهی عربستان سعودی را در سطح جهان ارتقا می دهد. همچنین، پیشتاز بودن پادشاهی عربستان سعودی در توسعه فناوری های پیشرفته و مدرن سازی سیستم های اطلاعاتی و نظام اداری، می تواند قدرت نرم این کشور را نیز تقویت کند

دو. نفوذ ژئوپلیتیک

از منظر ژئوپلیتیک- راهبردی، تمرکز روی تولید هیدروژن و سرمایه گذاری و ابتکار می تواند جایگاه ژئو انرژی فوق العاده ای برای ریاض رقم بزند. با تبدیل شدن عربستان به یک قطب فناوری پایدار و فضایی برای تأمین مالی و شراکتهای راهبردی، ریاض می تواند از این جایگاه به عنوان کارتی برای امتیاز گیری از کشورهای منطقه استفاده کند و در مورد روابط پیچیده و رقابتی با کشورهایی مثل ایران نیز باید گفت که به همان اندازه که تنوع بخشی به منابع انرژی یک راهبرد دفاعی علیه نظام کهنه انرژی (ناپایدار) در داخل عربستان محسوب می شود، به همان میزان می تواند به عنوان یک سیاست پیشدستانه پادشاهی عربستان سعودی علیه یک نظام متکی به نفت مطرح گردد. هرچند که ممکن است روند تحول در حوزه انرژی با تأخیر و یا مشکلاتی روبرو شود، اما کشوری که در این زمینه گوی سبقت را بریاید، دستاوردهای مهم ژئوپلیتیک را از آن خود خواهد کرد و تک تاز این میدان خواهد بود. به احتمال زیاد، اقدام پادشاهی عربستان سعودی به سرمایه گذاری در بخشهای متنوع انرژی، نقش این کشور را در میان « سازمان کشورهای صادر کننده نفت اوپک» و قدرت تأثیرگذاری آن را در بازارهای جهانی نفت تقویت می کند. در حالیکه پادشاهی عربستان سعودی وابستگی خود به درآمدهای نفتی را کاهش می دهد، می تواند به عنوان بزرگترین تولید کننده نفت در جهان همچنان در راهبردهای تأمین جهانی نفت و قیمت گذاری آن، نقش محوری داشته باشد. با این همه، احتمال دارد سرمایه گذاری در انرژی تجدیدپذیر به تغییر راهبرد بلند مدت اوپک نیز منجر شود که این مسأله می تواند به تمرکز بیشتر بر ثبات و پایداری انرژی کمک کند. همچنین، تحول پادشاهی عربستان سعودی در حوزه انرژی می تواند محاسبات ژئوانرژی در منطقه را تغییر دهد. از

لحاظ تاریخی، روابط عربستان سعودی و ایران تا اندازه ای تحت تأثیر نقش آنها به عنوان دو تولید کننده بزرگ نفت قرار می گیرد. بدون شک، پافشاری ریاض برای پیشگام شدن در حوزه انرژی تجدیدپذیر و هیدروژن سبز، می تواند معیارهای قدرت منطقه ای را تغییر دهد. این ضرورتا به معنای پایان دادن به تنشها نیست اما می تواند به بازسازی سیاست منطقه ای و تأثیر منابع انرژی بر آن منجر شود. به عنوان مثال، ممکن است به جای اینکه قدرتهای منطقه فقط بر تولید و قیمت گذاری نفت با یکدیگر رقابت کنند، در زمینه پیشرفت فناوری در حوزه انرژی تجدیدپذیر و اتخاذ تدابیر پایدار با یکدیگر وارد رقابت تنگاتنگ شوند. در سطح راهبردی، سرمایه گذاری پادشاهی عربستان سعودی در انرژی تجدیدپذیر و تنوع منابع اقتصادی حاصل از آن می تواند وضعیت امنیتی آن را تقویت کند؛ چرا که در این صورت کمتر در معرض نوسانات بازار نفت و یا اقدامات خرابکانه ای قرار می گیرد که زیرساختهای نفتی را هدف قرار می گیرند. گفتنی است که اکنون بی گمان بیم این خطرها می رود. قبلا چندین رشته حمله منتسب به ایران تأسیسات نفتی عربستان سعودی را هدف قرار داده است. از این رو، عربستان سعودی تلاش دارد توان ایران در آسیب زدن به این حوزه را کاهش دهد. پادشاهی عربستان سعودی در عین حال که زیر ساختهای انرژی تجدیدپذیر را توسعه می دهد، تأمین امنیت این تجهیزات و ایجاد پویایی های امنیتی تازه در منطقه را نیز همچنان دنبال می کند.

سه. نفوذ جهانی

پادشاهی عربستان سعودی به عنوان بزرگترین تولید کننده نفت، با سرمایه گذاری در انرژی تجدیدپذیر و فناوریهای مرتبط می تواند به عنوان کشوری پیشگام در تحول جهانی در حوزه انرژی مطرح شود. از این رو، همانطور که در سیاستهای قیمت گذاری و سیاستهای نفتی حرف

اول را می‌زند، می‌تواند در تعیین مقررات و استانداردهای بین‌المللی انرژی تجدیدپذیر نقش محوری داشته باشد. سرمایه‌گذارهای عربستان سعودی در انرژی تجدیدپذیر توانایی این کشور در دفاع از سیاستها در حوزه انرژی جهانی را افزایش می‌دهد و این به منافع اقتصادی و راهبردی آن کمک می‌کند و بر قواعد تجارت بین‌المللی و استانداردهای زیست‌محیطی و حتی ائتلافهای امنیتی تأثیر مثبتی دارد. این امر نه تنها امنیت انرژی عربستان را در دراز مدت تأمین می‌کند بلکه در ایجاد بازارهای انرژی جهانی در آینده، دست عربستان را باز می‌گذارد؛ همانطور که بیش از نیم قرن در بازار نفت نقش تعیین‌کننده دارد.

در میان اقتصادهای نوظهور و پیشرفته، پادشاهی عربستان سعودی می‌تواند برای ایجاد شراکت با کشورهای نوظهور و پیشرفته مخصوصاً با کشورهای آفریقایی و جنوب شرق آسیا از توانمندیهای خود در حوزه انرژی تجدیدپذیر بهره‌گیرد و فناوری انرژی پاک را با بهای مناسب در اختیار آنان قرار دهد و بدین سان، نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی آنان بازی کند؛ در مقابل، آن کشورها با تضمین شروط مناسب مبادلات تجاری، در محافل بین‌المللی نیز حمایت خود را از پادشاهی عربستان سعودی دریغ نکنند. کشورهایی چون جمهوری دموکراتیک کنگو که ۷۰ درصد ذخایر کبالت جهان را در اختیار دارد، می‌تواند از طریق امضای قراردادهای تجاری روابط خود را با عربستان سعودی ارتقا دهد. به ویژه اینکه، قاره آفریقا با داشتن محور راهبردی در حوزه انرژی تجدیدپذیر توجه ریاض را بیش از پیش به خود جلب کرده است. این امر، امکان ایجاد روابط دوجانبه سازنده میان عربستان سعودی و کشورهای آفریقایی که سرشار از فلزات حیاتی و امکانات انرژی تجدیدپذیر هستند را تقویت می‌کند.

در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، ژاپن و کره جنوبی تلاشهایی را برای

چرخش به سوی انرژی پاک با استفاده از فناوری هیدروژن آبی روی دست گرفته اند. سرمایه گذاریهای بخش خصوصی و ابتکارهای پیشدستانه دولتی در منطقه می تواند به این رویکرد شتاب بیشتری بدهد. ارزش صادرات پادشاهی عربستان ۳۶۲ میلیارد دلار است که حدود ۸۰ درصد آن از روغنهای معدنی و سوختها و فرآورده های تقطیری حاصل می شود. از این میان، حدود ۱۰ درصد آن سهم ژاپن و کره جنوبی است^(۲۴). عربستان سعودی بعد از روسیه، دومین صادر کننده نفت به چین است و در سال ۲۰۲۳ حجم صادرات نفت عربستان به چین به ۸۵,۹۶ میلیون تن رسیده است. روند تقویت شبکه های تجاری کنونی و گشایش اقتصادی و مالی پادشاهی عربستان سعودی شکل های تازه ای از انرژی را در درون منطقه ترویج می کند و در عین حال، روابط ژئوپلیتیک را در چارچوب الگوی تازه انرژی تثبیت می کند. ناآرامیهای منطقه ای و تنش در دریای جنوبی چین همچنان به عنوان یک تهدید امنیتی و اقتصادی جهانی مطرح است

در تمامی مناطق اروپا، خاورمیانه و آفریقا، اروپا تلاش خستگی ناپذیری را در راستای توسعه هیدروژن آبی به عنوان اصلی ترین راهبرد برای تحقق اهداف سوخت کم کربن، روی دست گرفته است. «راهبرد هیدروژن» اتحادیه اروپا بر ضرورت مبرم تولید هیدروژن سبز و آبی برای تحقق اهداف کربن زدایی و ایجاد بازار قدرتمند هیدروژن تأکید دارد. با توجه به اینکه ۴۵ میلیارد دلار از صادرات عربستان سعودی به اروپا (۴۴٪ به کشورهای فرانسه، ایتالیا و هلند) صورت می گیرد^(۲۵). در نتیجه، این امکان وجود دارد که راهبرد هیدروژن در اروپا و تلاشهای عربستان سعودی با یکدیگر هم افزایی کنند که این امر به چندین شیوه امکان پذیر است. اول: تمرکز اروپا بر هیدروژن سبز با منابع هنگفت گاز طبیعی پادشاهی عربستان سعودی سازگار است. و می توان با استفاده از فناوری «جذب و ذخیره کربن | CCS» و فناوری

« ریفرمینگ گاز متان با بخار | SMR»، برای تولید هیدروژن از منابع گازی عربستان سعودی بهره گرفت. در نتیجه، زیر ساخت کنونی بخش انرژی عربستان سعودی این پتانسیل را دارد که این کشور را به مهمترین صادر کننده هیدروژن به اروپا تبدیل کند.

پادشاهی عربستان سعودی می تواند با استفاده از این شراکت، به دور از وابستگی شدید به صادرات نفت منابع اقتصاد خود را تنوع بخشد. و با استفاده از ظرفیت بازار رو به رشد هیدروژن در اروپا، از وابستگی خود به درآمدهای نفتی و همچنین خطرات مرتبط با نوسان قیمت نفت و یا کاهش تقاضا بکاهد. علاوه بر آن، تقویت روابط با اروپا از رهگذر همکاری در حوزه هیدروژن و همچنین تبدیل شدن عربستان به صادر کننده مورد اعتماد هیدروژن کم کربن می تواند موجب تقویت نفوذ ژئوپلیتیک و ثبات این کشور شود. ریاض می تواند روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای اروپایی مخصوصا کشورهایی که با آنها رابطه تجاری قوی دارد و نیز کشورهایی چون فرانسه که به عنوان بازیگران اصلی در سیاست منطقه ای مطرح هستند، تقویت نماید. این امر علاوه بر ایجاد ائتلافهای سیاسی قدرتمند، فرصتهای عربستان سعودی برای سرمایه گذاری در ابتکارهای تحول در حوزه انرژی پاک در اروپا را افزایش می دهد. علاوه بر آن، با تحول صحنه انرژی جهانی به گزینه های پاک تر، مشارکت پادشاهی عربستان سعودی در بازار هیدروژن و ایفای نقش پیشدستانه در مبارزه با تغییرات اقلیمی، می تواند جایگاه عربستان سعودی را در صحنه بین الملل تقویت نماید.

برآیند:

جا دارد که اقدامات پادشاهی عربستان سعودی در حوزه انرژی پاک در سطح جهان، از سوی محافل علمی و پژوهشی مورد توجه قرار گیرد. عربستان سعودی در صدد است با پیوستن به نقشه زنجیره های تأمین

انرژی تجدیدپذیر قدرت منطقه ای خود را تثبیت کند و خود را به عنوان یک بازیگر اصلی در دوران پسا نفت مطرح کند. با این همه، این تحول راهبردی یک فضای پیچیده را نشان می دهد که آکنده از فرصت و چالشها است. با اجرای موفقیت آمیز چشم انداز ۲۰۳۰ و تحقق اهداف انرژی تجدیدپذیر، می توان اقتصاد عربستان را تا حد زیادی تنوع بخشید و وابستگی آن به یک منبع ناپایدار مانند نفت را کاهش داد و در عین حال، روی دست گرفتن تدابیر آینده نگر برای تدارک جای پای در بازار پررونق انرژی پاک می تواند جایگاه پادشاهی عربستان سعودی را به عنوان قطب اصلی نقشه جدید انرژی تثبیت کند. و این امر به نوبه خود می تواند با تقویت نفوذ ژئوپلیتیک عربستان، جایگاه این کشور را به عنوان واسطه ای در آینده در حوزه انرژی در سطح جهان تضمین کند

با این همه، گام نهادن در این مسیر با مشکلاتی نیز همراه است و موفقیت پادشاهی عربستان سعودی در سیاست انرژی پاک در گرو عبور از چالشهای اصلی است. اول: ضمانت اجرایی طرحهای گسترده انرژی تجدیدپذیر به صورت فعالانه و شفاف بسیار حائز اهمیت است. دوم: تقویت نظام قدرتمند زیست محیطی در سطح داخلی برای انرژی پاک برای پایداری در دراز مدت، از اهمیت بالایی برخوردار است و این مهم جز با بهره گیری از نیروی کار خیره و پژوهش و توسعه میسر نمی گردد. و در نهایت، تعامل با مشکلات فضای ژئوپلیتیک که به سرعت در حال تحول است و مدیریت آشفتگی های احتمالی ناشی از "تورم سبز" نیازمند یک چشم انداز راهبردی انعطاف پذیر است؛ به ویژه اینکه جهان با جدیت این مسأله را از نزدیک دنبال می کند که آیا این سیاست راهبردی یک آینده پایدار را برای پادشاهی عربستان سعودی رقم خواهد زد یا اینکه عربستان سعودی ممکن است با چالشهای پیش بینی نشده ای در حوزه جدید انرژی روبرو شود

پی نوشت ها

- (1) وبسایت صندوق الاستثمارات السعودية، «المحافظ الاستثمارية»، تاریخ بازدید: 21 آوریل 2024، <https://2h.ae/kcdy>
- (2) Lukas Boer, Andrea Pescatori, Martin Stuermer, Nico Valckx, Soaring Metal Prices May Delay Energy Transition, International Energy Agency, (November 10, 2021), accessed: April 24, 2024, <https://2h.ae/YCwi>
- (3) International Energy Agency, The Role of Critical Minerals in Clean Energy Transitions,
- (4) The Role of Critical Minerals in Clean Energy Transitions, (May 2021), accessed: April 24, 2024, <https://2h.ae/FJcq>
- (5) Pantheon Insights, Why Geopolitics Will Matter for the Energy Transition, (FEB 05, 2024), accessed: April 24, <https://2h.ae/yTeb>
- (6) Wael hamdi, Saudi mineral wealth could top \$1.3 trillion amid Kingdom's aggressive exploration plan, Arab , (January 10, 2022), accessed: April 24 , 2024, <https://2h.ae/VsTu>
- (7) TradeArabia, Saudi Arabia launches \$207m geological mapping project, (May 28, 2023), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/YhtE>
- (8) The Economis, “The world needs more critical minerals. Governments are not helping,” (February 22, 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/vfGx>
- (9) Michael Pooler, Saudi Arabia makes mining bet with stake in Vale's base metals division, Financial Times, (JULY 28 2023), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/qLuR>
- (10) Statista, Demand for lithium worldwide in 2020 and 2021 with a forecast from 2022 to 2035, accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/ZoQb>
- (11) Saudi Arabia wants to be the Saudi Arabia of minerals, The Economist, (Jan 11th 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/PFMf>
- (12) by Half, Hydrogen Central: Cuts costs for capturing carbon dioxide, essential for producing blue hydrogen, (March 7, 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/zyWw>
- (13) International PtX Hub, Factsheet on China, the world's largest Hydrogen producer and consumer, accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/ukbG>
- (14) * یک واکنش شیمیایی است که هدف از آن، تبدیل کربن زغال سنگ به ترکیبات گازی قابل اشتعال است.
- (15) Research and Markets, Global Blue Hydrogen Market by Technology, Global Market Insights Inc, (December 2023, accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/HLrr>
- (16) Auto Finance News, Honda to sell plug-in hydrogen vehicle in North America, Japan, (February 28, 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/XAJz>
- (17) Economist Intelligence, Saudi Arabia launches world's largest solar-power plant, (17th Feb 2023), accessed April 22, 2024, <https://www.eiu.com/n/about/>
- (18) JMK Research and Analytics Pvt, India Unable to Compete With Record Low Solar Tariffs

in Gulf Region accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/pMvm>

(19) The Economist, Saudi Arabia has an unlikely solar star, (Jan 4th 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/BNtF>

(20) depending on the technology and the scale of the solar power installation.

(21) YCC TEAM, Solar panel prices are dropping without sacrificing quality, Yale Climate Connections Research, (OCTOBER 18, 2023), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/BrSG>

(22) Regan Slaymaker, Kingdom of Saudi Arabia Solar Market Report, Solar&StorageXtra, (Mar 6, 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/ZiWe>

(23) Pasha Magid, Saudi FDI data overhaul to use financial statements not estimates, Reuters, (February 1, 2024), accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/Elps>

(24) the Observatory of Economic Complexity (OEC), Saudi Arabia, accessed April 22, 2024, <https://2h.ae/nrgu>

(25) Ibid.

نقش ایران و بازیگران غیر دولتی در عملیات توفان الاقصی: ابزارها و پیامدهای سیاستها

علی بکر

استاد دانشگاه و پژوهشگر در حوزه روابط بین الملل

چکیده

عملیات اخیر حماس که توفان الاقصی نام گرفت، یک عملیات زود گذر و آنی نبود که بدون برنامه ریزی و حمایت راهبردی تأثیرگذار و کارآمد انجام شده باشد؛ زیرا این عملیات نبرد بازیگر مسلح و خشن "حماس" با اسرائیل را وارد مرحله تازه و متفاوتی کرد و سبب شد که پس از توفان الاقصی نگاه به مسأله فلسطین بسی متفاوت از دوره قبل باشد. برای بررسی موضوع پیچیده نقش ایران در عملیات توفان الاقصی، این پژوهش به مهمترین تبعات امنیتی و راهبردی این عملیات می پردازد و به تمهیدات و ارتباطات قبلی حماس توجه نشان می دهد؛ به ویژه اینکه تهران از این عملیات استفاده راهبردی کرد و با استفاده از نیابتی های خشن خود در عراق، سوریه، یمن و لبنان تلاش کرد از لحاظ نقش آفرینی منطقه ای در صدر قرار گیرد. و توانست با استفاده از این بازیگران خشن راهبرد تنش افزایی کنترل شده علیه ایالات متحده و اسرائیل را مدیریت کند. و با این کار چندین پیام را مخابره کرد از جمله اینکه ایران با در اختیار داشتن ابزارهای تأثیرگذاری یعنی گروههای شبه نظامی در منطقه، می تواند با توجه اهداف خود در منطقه آنان را به تشدید یا توقف تنش ها سوق دهد.

کلید واژگان:

ایران، توفان الاقصی، جنگ غزه، شبه نظامیان ایران، حماس، اسرائیل، ایالات متحده، حزب الله، حوثی ه

مقدمه

عملیات توفان الاقصی یک رخداد بی نظیر، تازه و پیشرفته در چارچوب جنگ اعراب و اسرائیل و مشخصاً جنگ فلسطین و اسرائیل مخصوصاً در سطح درگیری مسلحانه به شمار می رود. این عملیات با توجه به پیامدهای گسترده ای که بر اوضاع فلسطین، کشورهای عرب و جهان دارد، تحول بزرگی است که از سال ۱۹۷۳ میلادی تا کنون فلسطین مانند آن را ندیده است. شاید بتوان گفت که مهمترین نکته این عملیات در دو عنصر یعنی امکانات جنگی حماس، و آمادگی آن در غافلگیری، ابتکار و اتخاذ این راهبرد بزرگ خلاصه شده است. و این مسأله، اذهان را مستقیماً به رابطه جنبش حماس و سایر گروههای مقاومت فلسطینی با ایران و بازوهای نیابتی آن در منطقه هدایت می کند. خود این جنبش ها نیز اعتراف کرده اند که در گذشته کمکهای مالی و نظامی زیادی از ایران دریافت کرده اند. و ایران یا مستقیماً و یا از طریق بازیگران غیر دولتی وفادار در عراق، سوریه و لبنان تلاش کرده است با آموزش و توانمند ساختن نیروهای حماس، سطح توانمندیهای آن را ارتقا دهد. بی تردید این آمادگی و توانمندی حماس برای انجام عملیات گسترده در داخل سرزمینهای اشغالی که در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی در غلاف غزه صورت گرفت، مدیون کمکهای ایران است. علی رغم اینکه حماس بدون مشورت با ایران تصمیم به انجام عملیات گرفت، اما ایران از این عملیات برای تقویت جایگاه و نفوذ خود استفاده کرد. همچنین، این عملیات پیامدهایی برای ایران به دنبال داشت و ایران خود را درگیر یک جنگ منطقه ای دید که در دیگر سوی آن ایالات متحده و اسرائیل قرار

دارد. و این وضعیت، ایران را میان شعارهای حمایت از فلسطین و خطرات جنگ پرهزینه با اسرائیل در سردرگمی قرار داده است. این پژوهش در تلاش است ابعاد نقش ایران در عملیات توفان الاقصی را روشن سازد. و به این مطلب پردازد که چگونه ایران تلاش کرد از این عملیات در چارچوب راهبرد منطقه ای خود بهره برداری کند. پیامدهای عملیات توفان الاقصی بر نفوذ منطقه ای ایران چیست و این عملیات چه فرصتها و چالشهایی را فراروی نفوذ منطقه ای ایران قرار می دهد؟

نخست: رابطه ایران با گروههای فلسطینی و حماس در چارچوب راهبرد منطقه ای ایران

مسأله فلسطین در گفتمان ایدئولوژیک ایران جایگاه محوری دارد و ایران در طی چندین دهه مسأله فلسطین را یکی از محورهای سیاست خارجی خود قرار داده است. و در عین حال، به عنوان برگ فشار مهمی برای خدمت به بلندپروازیهای خود بر اساس معیارهای واقع گرایانه و عملگرایانه بهره برداری می کند. در اینجا به جایگاه این مسأله و رابطه ایران با آن می پردازیم و نقش ایران و شبه نظامیان آن در تجهیز گروههای مقاومت فلسطینی را مورد توجه قرار می دهیم

یک. اهمیت مسأله فلسطین برای ایران

ایران در همان هفته های اول اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به این نتیجه رسید که راهبرد توازن قدرت منطقه بعد از فروپاشی یکی از ارکان توازن قوا یعنی عراق دیگر جوابگوی جاه طلبی ها و تمایلات امنیت ملی ایران نیست.

فروپاشی عراق یک خلأ راهبردی در منطقه بر جای گذاشت و همین امر ایران را به توسعه طلبی در منطقه ترغیب کرد. ایران راهبرد تازه خود را مبنی بر تشکیل نهادهای موازی در خارج از مرزها روی دست گرفت. این نهادها از سوی سپاه پاسداران مأموریت یافتند تا در مدیریت

پرونده های امنیتی، اقتصادی و سیاسی کشورها مشارکت کنند و بدین سان ایران در این کشورها نفوذ نظامی و سیاسی خود را رقم زد. علاوه بر آن، ایران با شعار حمایت از مسائل متعددی چون آرمان فلسطین در منطقه، از فاکتورهای اجتماعی و مذهبی نیز مدد جست. بعلاوه، ایران با بهانه قرار دادن مسأله جفای نظامهای سیاسی حاکم در عراق، بحرین، عربستان سعودی، لبنان و یمن به شیعیان، با حضور در اغلب این کشورها تلاش کرد برای تأثیرگذاری سیاسی بیشتر در سطح راهبردی، به تأثیر گذاری اجتماعی روی آورد^(۱)

نمی شود درباره مسأله فلسطین در سطح منطقه و بین الملل مخصوصا بعد از سال ۲۰۰۳ میلادی سخن گفت ولی به نقش پیچیده و بحث برانگیز ایران اشاره ای نکرد. ایران در چندین مناسبت از مسأله فلسطین و از عملیات نظامی اسرائیل علیه فلسطینیان و حمایت بی دریغ قدرتهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده از اسرائیل استفاده ابزاری کرد تا جایگاه خود و محور مقاومت را تثبیت و نیز قدرت نرم خود را در جهان عرب و جهان اسلام تقویت کند. ایران به بهانه حمایت از آرمان فلسطین به جنگ پر دامنه منطقه ای علیه نظامهای سیاسی و جوامع عربی گام نهاد که از نگاه ایران با نوکری برای اسرائیل و غرب به آرمان فلسطین خیانت کرده اند. علاوه بر آن، ایران با استفاده از اندیشه مقاومت در چارچوب نظریه ام القری تحت بهانه های مختلف از جمله آزادسازی فلسطین، یک محور راهبردی همه جانبه تأسیس کرد. ایران با تشکیل گروههای شبه نظامی مسلح، عملیات وسیع گمراه کننده رسانه ای و سیاسی راه انداخت و برخی از جوامع عربی که ایران آنها را حامیان مقاومت می خواند، تحت تأثیر این عملیات روانی قرار گرفتند. همچنین ایران با استفاده از مسأله فلسطین برای خود جایگاه اجتماعی کسب می کند تا برای خود مشروعیت بخرد؛ زیرا آرمان فلسطین که همان تلاش برای احقاق

حق ملت مظلوم فلسطین است به ایران این امکان را داد دستاوردها و جایگاه ویژه ای برای خود رقم بزند.

با این همه، وقتی از رابطه ایران با گروههای مقاومت فلسطینی و مخصوصا حماس سخن می گوئیم باید دو معیار را جداگانه در نظر بگیریم. اول: معیار ایدئولوژی عقیدتی است که رابطه ایران با گروههای شیعه وفادار به ولایت فقیه و پیرو مرجعیت علی خامنه ای رهبر ایران بر اساس آن تنظیم می گردد. یعنی این گروهها برای عقیده و مذهب خود می جنگند و از علی خامنه ای دستور می گیرند. و حمایت از کشور و سرزمین خودشان در عقیده آنها جایگاهی ندارد بلکه آنها در خدمت یک ایدئولوژی هستند که مرزهای کشورها را در نوردیده است. اما هدف واقعی ایران خدمت به آن عقیده نیست بلکه ایران با استفاده ابزاری از این عقیده در تلاش است نفوذ خود را در این کشورها گسترش دهد. و وضعیت ناگوار شیعیان در این کشورها بهترین گواه این مدعاست.

معیار دوم: معیار عملگرایی و مصلحت گرایی است که رابطه طرفهایی که ایدئولوژی و عقیده مشترکی با ایران ندارند، بر اساس آن تنظیم می شود. اما ایران از این معیار به طور گسترده ای استفاده کرده و با این معیار با گروههای عملگرای غیر ایدئولوژیک مانند حماس و جهاد اسلامی و تا حدودی حوثی های یمن وارد تعامل شده است. در نتیجه می توان گفت که ایران برای تأثیرگذاری در این کشورها چندین اهرم را در اختیار دارد. زیرا با فروپاشی نهادهای امنیتی رسمی در این کشورها و پیدایش خلأ امنیتی و هرج و مرجی که به رشد گروههای افراطی انجامید، ایران توانست با استفاده از ابزارهای تأثیرگذاری از فرصتهای همکاری با طرفهای عملگرا در خدمت امنیت ملی ایران بهره گیرد⁽²⁾

دو. حمایت مستقیم ایران از حماس

ایران هم مستقیما حماس را مورد حمایت خود قرار می دهد و هم به

طور غیرم مستقیم و از طریق گروههای شبه نظامی در عراق، سوریه و لبنان به حماس مدد می رساند. به احتمال قریب به یقین، حماس این حجم از امکانات موشکی و هوافضایی را تنها با اتکا به تلاش خود کسب نکرده است؛ بلکه حماس به برکت شراکتهای راهبردی با گروههای مسلح، نظامهای سیاسی و برخی کشورها توانست ضمن توسعه توانمندیهای خود، از فرصت مناسب برای آموزش کادر انسانی خود استفاده کند و اینگونه بود که بسیاری از نیروهای انسانی حماس در دانشگاههای ایران، سوریه، عراق، مصر، ترکیه، مالزی، اردن، لبنان، تونس، گرجستان، روسیه، ارمنستان و حتی در ایالات متحده تحصیلات عالی را به پایان رساندند. جدول زیر حاوی اطلاعاتی درباره موشکها و پهپادهای حماس است و نشان می دهد که چگونه این موشکها در داخل و یا خارج غزه و با حمایتهای طرفهای دیگر و در رأس آنها ایران، توسعه داده شده اند.

جدول (۱) توانمندیهای موشکی حماس و نقش ایران را نشان می دهد

نام موشک	برد	ساخت	وضعیت توسعه
فجر ۳	۴۳ کیلومتر	ایران	توسعه داده نشده
فجر ۵	۷۵ کیلومتر	ایران	توسعه داده نشده
M302	۱۸۰ کیلومتر	سوریه	توسعه داده نشده
قسام ۱۲	۱۲ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده
قسام ۲۰	۲۰ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده
S 55	۵۵ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده
J 80	۸۰ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده
M 75	۷۵ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده
J 90	۹۰ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده
A 120	۱۲۰ کیلومتر	غزه با حمایت خارجی	توسعه داده شده

توسعه داده شده	غزه با حمایت خارجی	۸۵ کیلومتر	SH 85
توسعه داده شده	غزه با حمایت خارجی	۲۵۰ کیلومتر	عیاش ۲۵۰

منبع: صواریخ حماس "أذهلت" إسرائيل.. ما أنواعها وقدرتها العسكرية؟، (۸ اکتبر ۲۰۲۳)، تاریخ بازدید: ۳۰ آوریل ۲۰۲۴ <https://2h.ae/GfCp>

یکی از مهمترین نمونه های رابطه همکاری میان ایران و حماس در زمینه توسعه توانمندیهای پهپادی، همان برنامه پهپادی ابابیل بود که یک مهندس تونسی بنام محمد الزاوی بعد از سال ۲۰۰۵ دوره های آموزشی فشرده ای درباره صنعت پهپاد در ایران را گذراند. او در سال ۲۰۰۸ موفق به تولید بیش از ۳۰ پهپاد شد که به خاطر مسائل فنی استفاده آنها تا بعد از سال ۲۰۱۴ علیه اسرائیل به تأخیر افتاد. به دنبال آن، اسرائیل در سال ۲۰۱۶ محمد الزاوی را در تونس ترور کرد. اسرائیل همچنین در سال ۲۰۱۸ فادی البطش را در مالزی ترور کرد و تأسیسات توسعه پهپادی در داخل غزه را مورد هدف قرار داد که بیش از ۱۵ مهندس متخصص که در ایران، ترکیه، عراق و جاهای دیگر دوره دیده بودند، در آنجا مشغول فعالیت بودند^(۳)

جدول (۲) پهپادهای حماس و رابطه ایران با آنها

نام پهپاد	مأموریت	کشور تولید کننده	توسعه و مونتاژ
ابابیل ۱ یا A1A	اکتشافی	قطعات اصلی در ایران تولید شده اند	غزه
ابابیل ۱ یا A1B	تهاجمی	قطعات اصلی در ایران تولید شده اند	غزه
ابابیل ۱ A1C	انتحاری	قطعات اصلی در ایران تولید شده اند	غزه

غزه	غزه با حمایت خارجی	انتحاری	شهاب
غزه	غزه با حمایت خارجی	انتحاری	الزاوي

منبع: وب سایت العربي، من بينها الزواري.. تعرف على ترسانة المسيرات لدى كتائب القسام، ٩) ديسمبر ٢٠٢٣)، تاریخ بازدید: ٣٠ آوریل ٢٠٢٤، <https://2h.ae/>

سه. نقش بازیگران غیر دولتی در تقویت توانمندی حماس

شیوه ارسال کمکهای نظامی ایران به گروههای مقاومت چندان معلوم نیست. شاید بتوان گفت که بسیاری از امکانات فنی مربوط به ساخت و توسعه موشکها و پهپادها و قایقهای شناور که حماس در عملیات توفان الاقصی علیه اسرائیل استفاده کرد، توسط نیابتی های محلی ایران از طریق مرزهای عراق و سوریه وارد شده باشد. این فرض، ذهن ما را متوجه اظهارات امیر علی حاج زاده فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران می کند که در سال ٢٠٢١ میلادی گفت: “ غزه و لبنان در خطوط مقدم این جبهه قرار دارند و توانمندیهای موشکی آنها به برکت حمایت جمهوری اسلامی ایران روز به روز بیشتر می شود”^(٤).

از سویی دیگر، این احتمال نیز وجود دارد که بخش اعظم موشکها، پهپادها و بمبهای حماس در کارخانه هایی که ایران در مناطق نفوذ در سوریه و عراق احداث کرده است، ساخته شده باشند. علاوه بر آن، ایران مجموعه بزرگی از کمکهای لجستیک مورد استفاده در ساخت پهپادها را به مناطق مرزی عراق و سوریه می فرستد که از آنجا از طریق تونلها و یا از طریق دریا به غزه انتقال داده می شود^(٥).

برخی گزارشها نیز حکایت آن دارد که ایران از طریق مرزهای سوریه و عراق، کمکهای مالی را مستقیماً به حزب الله لبنان و جنبش حماس می رساند. و ایران ماهانه بیش از ٣٠ میلیون دلار به حماس کمک کرده است که در احداث شبکه پیچیده تونلها در داخل غزه مورد استفاد قرار گرفته است. گفتنی است که حماس در عملیات توفان الاقصی از این

تونلها استفاده کرد و تا کنون نیز در مبارزه با اسرائیل از آنها استفاده می کند^(۱)

جا دارد به این نکته نیز اشاره کنیم که ایران در مصالحه ای که بعد از سال ۲۰۱۷ میلادی میان نظام سوریه و جنبش حماس به وجود آمد، نقش بسیار پر رنگی داشت. در نتیجه ایران تلاش کرد در اردوگاههای آموزشی که گروههای مسلح در داخل سوریه ایجاد کرده بودند، توانمندیهای رزمی فردی و گروهی نیروهای حماس را ارتقا دهد. ایران با استفاده از راه زمینی عراق، حماس را به تازه ترین تاکتیکهای رزمی مربوط به نبرد هوا به زمین مجهز کرد. این نبرد، که به نبرد پاراگلایدر معروف است و "در عملیات توفان الاقصی مورد استفاده قرار گرفت"^(۷).

و احتمالاً ایران از اهمیت نفوذ عمیق در نوار ساحلی دریای مدیترانه یعنی بنادر لاذقیه، بانیا، حمیدیه، طرطوس و بیروت برای تکمیل طرح توسعه فرامرزی غافل نبوده است. از این رو، شرکت خاتم الانبیاء که یک شرکت پیمانکاری ایرانی و بازوی اقتصادی سپاه پاسداران است، به احداث اسکله های اضافی و توسعه برخی تأسیسات ساحلی مربوط به صادرات نفت، فسفات و گاز وارد عمل شد. علاوه بر آن، این شرکت با همکاری روسیه در طرحهای حفاری و اکتشاف گاز نیز دست دارد^(۸). در کل، هدف ایران از سیطره بر بنادر و مناطق ساحلی در سوریه و لبنان تنها به اموری چون حمل و نقل، تأمین انرژی، تحقق توازن منطقه ای و ایجاد بازدارندگی در مقابل اسرائیل خلاصه نمی شود بلکه ایران از این امکانات خود برای ارتقای توانمندیهای حماس نیز استفاده کرده است^(۹). در اینجا به احداث کارخانه های تولید زیردریایی های کوچک در سوریه و لبنان اشاره می کنیم که در انتقال فناوری، موشکها و تجهیزات لجستیک دیگر از ساحل سوریه و لبنان به غزه نقش بسیار پر رنگی داشته است. ایران از ده ها دانشجو حمایت کرد تا در رشته مهندسی و ارتباطات

و دیگر تخصص‌های مرتبط در ترکیه، مالزی و تهران تحصیلات خود را سپری نمایند. این نیروی انسانی متخصص بعد از بازگشت از محل تحصیل مستقیماً با حمایت ایرانی‌ها در طرح‌های نظامی حماس مشغول به کار شدند^(۱۰).

همچنین، سیطره ایران بر فعالیت کشتیهای تجاری که نفت، فسفات و کالاها را از ساحل سوریه به آن سوی دریا انتقال می‌دهند، در تقویت توانمندی نظامی حماس نقش داشته است. سپاه پاسداران پایگاههای عملیات دریایی را به منظور بارریزی در عمق دریا (داخل آبهای بین‌المللی)، تا ده‌ها کیلومتر در ساحل غزه توسعه داده است. از اهداف این پایگاهها ارتقای عملیات بارریزی، تقویت توانمندیهای نظامی و موشکی حماس است. در این مأموریتها نیروهای سپاه پاسداران و یا نیروهای سوریه و یا نیروهای حزب الله بسته‌های نظامی را توسط کشتیهای ظاهراً تجاری در عمق دریا رها می‌کنند. تا کشتیهای جنگی نیروهای دریایی حماس «نیروی نخبه» آنها شکار کند و بعد از باز کردن بسته‌ها در داخل دریا، آنها را توسط کشتی‌ها و شهپادها و یا توسط گلایدرهای کوچک به مناطق مختلف و مخصوصاً به تونلهای دریایی که تا نوار ساحلی غزه و یا به نزدیک رفح امتداد دارد، می‌برند. و از آنجا از طریق تونلها به داخل غزه انتقال داده می‌شوند^(۱۱).

از دیگر مأموریتهای بنادر موجود در ساحل سوریه و لبنان توسعه توانمندیهای حماس در زمینه استفاده از گلایدر، انتقال تجهیزات حفر تونل، انتقال ابزارهای جنگ سایبری، تمرین برای عملیات بارریزی دریایی و نبرد با استفاده از قایقها است و حماس در انجام عملیات توفان الاقصی این تاکتیکها را به کار برد. اکثر تحلیل‌های نظامی و اطلاعاتی به این مطلب اشاره دارند که این عملیات که حماس در آن از تمام روشهای جنگی (هوا به زمین)، (دریا به خشکی)، و (هوا به دریا) استفاده کرد،

از قبل، بسیار ماهرانه برای آن آمادگی گرفته شده بود^(۱۲).

دوم: نقش ایران در حمله حماس و بهره برداری ایران از عملیات توفان

الاقصی

بی تردید، حماس به مدد کمکهای نظامی ایران توانست به عملیات هفتم اکتبر دست بزند. حماس در همان ساعات اولیه عملیات توفان الاقصی بیش از ۵ هزار موشک پرتاب کرد که در مناطق مختلف سرزمینهای اشغالی از جمله در منطقه غلاف غزه و یا در اطراف تل آویو فرود آمد. همانطور که این موشک بارانها ادامه داشت، حماس برای حمله به پایگاهها و تأسیساتی که در مناطقی مانند زدیروت، عسقلان و دیگر نواحی غلاف غزه معین کرده بود، دست به حملات هماهنگ زمینی، دریایی و هوایی زد. همزمان با پرتاب موشک، به طور گسترده ای از پهپادها نیز استفاده شد. این پهپادها دو مأموریت عمده داشتند^(۱۳): اول: شناسایی و آگاهی از تحرکات ارتش اسرائیل، دوم: عملیات پهپادی انتحاری علیه نیروهای اسرائیل و مخصوصا به برجهای دیدبانی در منطقه غلاف غزه با هدف حفظ وضعیت غافلگیری که ارتش اسرائیل را سردرگم ساخت.

واقعیت این است که بدون داشتن تجهیزات فنی، تجهیزات هوافضایی و نیروی انسانی که بتواند پرونده پیچیده پهپادها و موشکها را به دقت مدیریت کند، حماس قادر به انجام عملیات الاقصی نبود. تولید برخی از قطعات این پهپادها در داخل غزه صورت می گیرد و برخی از قطعات آن نیز از خارج و از طریق دریا و یا از مسیر تونلها به شکل بسته بندی به داخل غزه می رسد و توسط مهندسين متخصص در این زمینه، مونتاژ می گردد^(۱۴).

همچنین، یکی از مهمترین عوامل موفقیت عملیات توفان الاقصی حملات سایبری بود که دوربینهای حرارتی و دوربینهای نظارتی نصب شده بر روی دیوار حائل میان نوار غزه و شهرکهای اسرائیلی را از کار انداخت.

افزون بر آن، حملات دی داس (DDos) به دهها سرور دولتی و امنیتی اسرائیل نیز در این امر نقش داشت. جنبش حماس از سال ۲۰۱۴ به تأسیس لشکر سایبری روی آورد که ده ها برنامه نویس و متخصص در حوزه فناوری و هک در داخل غزه و در کشورهای دیگری چون تونس، مصر، ایران، ترکیه و اردن به فعالیت مشغولند که مستقیماً در موفقیت عملیات توفان الاقصی نقش داشتند⁽¹⁵⁾. همچنین، کمک ایران به تقویت توانمندیهای حماس در زمینه نیروی انسانی و لجستیک و نیز تجهیزات نبرد دریایی، نبرد ساحلی، نفوذ در عمق اسرائیل، نصب کمینها و اجرای عملیات سریع و ناگهانی که در عملیات توفان الاقصی به کار گرفته شد، تأثیر زیادی در موفقیت این عملیات داشت. گزارشهای منابع اطلاعاتی اسرائیل حکایت از آن دارد که نیروی نخبه دریایی جنبش حماس به عنوان نیروی پیشاهنگ در عملیات توفان الاقصی بودند که در ساحل زیکیم به پایگاه نظامی (بهاد ۴) یورش بردند. حتی بخش اعظم توفان الاقصی را این مجموعه بر عهده داشت که با فرود دریایی سریع، ارتش اسرائیل را شدیداً غافلگیر و سردرگم ساخت⁽¹⁶⁾.

مسئله مجموعه ای که عملیات توفان الاقصی را انجام داد (حداقل بخشی از این مجموعه) در زمینه های عملیات چتربازی، نبرد انسانی (زمین به هوا)، نقشه برداری، تحلیل اطلاعاتی و جنگ تن به تن در یک کشور نزدیک (مانند سوریه، لبنان، عراق و یا ایران) در سطوح بسیار پیشرفته ای آموزش دیده بودند. و شاید هم مجموعه مهاجم برای بالا بردن توانمندیهای خود در کشورهای دیگری نیز آموزش دیده و تمرین کرده باشند و این تمرین نقش بسیار پر رنگی در موفقیت عملیات بسیار دقیق نفوذ به داخل عمق اسرائیل داشت.

بعد از اینکه اسرائیل با هدف از بین بردن حماس به نوار غزه یورش برد، گروههای مسلح در عراق، سوریه، لبنان و یمن به تشدید تنش کنترل

شده علیه اهداف آمریکایی و اسرائیلی روی آوردند. در پاسخ به این تنش زایی، اسرائیل چندین بار پایگاههای نظامی و شبه نظامی ایران و گروههای وابسته در داخل این کشورها را هدف حملات هوایی قرار داد. حمایت کامل گروه حوثی ها از عملیات توفان الاقصی و اعلام آمادگی برای ورود به جنگ مستقیم با اسرائیل گوشه ای از این تنش افزایشی ها بود. حوثی ها در حمایت از مسأله فلسطین و عملیات توفان الاقصی تنها به حمایت کلامی اکتفا نکرد بلکه ساز و برگ نظامی و نیز بازوهای دریایی و تجهیزات فنی خود را به میدان آورد تا کشتیها و شناورهای مربوط به اسرائیل، ایالات متحده و متحدان اسرائیل را در منطقه دریای عرب هدف قرار دهد. همچنین حوثی ها با بسیج مردمی توانست گردانهایی را برای آموزش داوطلبان تشکیل دهد تا در صورت لزوم در جنگ فلسطین شرکت کنند و حداقل تأثیر این اقدام حوثی ها جنبه تبلیغاتی آن بود. علاوه بر آن، حوثی ها تهدید به بستن تنگه باب المندب کردند. همچنین حوثی ها با استفاده از امکانات رسانه ای به تبلیغ و حمایت از عملیات توفان الاقصی پرداختند. و این نیز یک واقعیت است که گروه حوثی ها که از کمکهای نظامی و لجستیک ایران برخوردارند، در هنگام حملات پهپادی به سوی کشتیهای در حال گذر از آبراهه های نزدیک یمن، از لحاظ فنی از ایران مدد می گیرند. علاوه بر آن، نیروهای ویژه حوثی ها در عملیات دزدی دریایی و فرود دریایی مستقیما توسط ایران آموزش دیده اند. تحرکات حوثی ها با موضع تنش زای ایران در قبال این مسأله راهبردی هماهنگ است. ایران نیز از وضعیت ناامنی که حوثی ها در منطقه ایجاد کرده اند، برای ادامه فشار بر اسرائیل و نیروهای غربی استفاده کرد. ایران از این تحرکات تنش زای کنترل شده در چانه زنی و ادامه فشار بر طرفهای مقابل استفاده کرد⁽¹⁷⁾.

ایران در راستای بهره بردای راهبردی از مسأله فلسطین، از عملیات

توفان الاقصی نیز کمال استفاده را برد. ایران با استفاده از عملیات توفان الاقصی چندین پیام را مخابره کرد که مهمترین آنها عبارتند از⁽¹⁸⁾ یک. تبلیغات امنیتی برای نفوذ ایران:

چندین سال است که ایران خود را حامی رسمی و شاید هم تنها حامی جنبش حماس معرفی می کند. در گزارشهای پیاپی که از رسانه های رسمی و نیمه رسمی و نیز مراکز مطالعاتی و نشریات ایرانی منتشر می شود، ایران مستقیم یا غیر مستقیم به این نکته تصریح می کند که علاوه بر کمکهای مالی، از نظر آموزش، بالا بردن توانمندیهای رزمی و لجستیک و نیز فناوریهای نظامی، به حماس کمک می کند. این در حالیست که ایران با این حمایتها، از حماس برای تحقق اهداف اصلی خود، به صورت راهبردی استفاده می کند. از مهمترین اهداف ایران فشار بر اسرائیل و غرب است تا از طریق شبه نظامیان محلی متحد خود این پیام را برساند که ایران همچنان پرونده امنیت راهبردی منطقه و از جمله امنیت اسرائیل نیز به دست ایران است.⁽¹⁹⁾

دو. متحد کردن مناطق مقاومت و تقویت موضع چانه زنی در مقابل غرب

رابطه حماس با ایران پیچیدگی های خاصی دارد و نمی توان آن را از نوع رابطه تابع و متبوع دانست؛ زیرا این رابطه بیشتر جنبه همکاری راهبردی دارد و حماس از این رابطه به دنبال تقویت و توسعه توانمندیهای خود است و در مقابل، ایران نیز از حماس به عنوان یک برگ برنده منطقه ای برای تحقق اهداف راهبردی خود استفاده می کند. ایران با حمایت از توفان الاقصی چنین وانمود کرد که محور مقاومت در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین قادر است همانطور که قبلا نیز هشدار داده است، عمق اسرائیل را هدف قرار دهد. همچنین ایران همواره کوشیده است تا ایده و پیشگویی های رهبر در مورد حذف اسرائیل از نقشه

جهان را به اثبات برساند. همه این تبلیغات با هدف ترویج این ایده در میان ملت‌های منطقه صورت می‌گیرد که ایران حامی مسائل انسانی و عادلانه است. و از محور عدالت و انسانیت در مقابل محور شرارت و کشتار جهانی حمایت می‌کند. این در حالیست که ایران در چندین مناسبت از برگ حماس در مذاکرات هسته‌ای استفاده کرده است تا در مقابل کاهش تنش با اسرائیل، فشارهای غربی و حلقه تحریمها بر ایران، نیز کاسته شود. وانگهی، ایران تلاش دارد تا با وقت خریدن، برنامه هسته‌ای خود را به مرحله پختگی برساند و واقعیتی بنام ایران هسته‌ای را به جهان تحمیل کند.⁽²⁰⁾

سه. مانع تراشی بر سر طرح دو کشوری و ناکام ساختن آن:

ایران که به مسأله فلسطین به عنوان حق مطلق در مقابل باطل مطلق می‌نگرد، با راه حل دو کشوری به شدت مخالفت می‌کند. از نگاه ایران، تنها راه حل همان نابودی اسرائیل و تشکیل کشور فلسطین است و دیگر طرحها را مستقیماً رد می‌کند. در واقع، اگر ایده دو کشوری در مورد مسأله فلسطین تحقق یابد، ایران یک برگ فشار مهم در محور مقاومت را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از دست می‌دهد. همانطور که قبلاً نیز گفتیم، ایران از مسأله فلسطین بهره‌برداری راهبردی می‌کند. از این رو، ایران همچنان از نبرد و مقاومت گروههای مسلح محلی در برابر اسرائیل حمایت می‌کند. و حمایت ایران از عملیات توفان الاقصی نیز در راستای تداوم همین راهبرد و ناکام ساختن طرح دو کشوری صورت گرفت که اگر این طرح عملی شود، ایران دیگر نمی‌تواند از مسأله فلسطین استفاده ابزاری کند.⁽²¹⁾

چهار. هرج و مرج منطقه‌ای و جنگ محدود:

ایران با بهره‌برداری از عملیات توفان الاقصی قدرت خود را در ایجاد هرج و مرج منطقه‌ای به رخ کشید و ثابت کرد با استفاده از گروههای

شبه نظامی در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین می تواند جنگ افروزیهای کنترل شده ای را مدیریت کند. علی رغم اینکه ایران از تصمیم و زمان اجرای عملیات توفان الاقصی اظهار بی اطلاعی کرده است، اما نمی توان تلاشهای ایران برای استفاده از این عملیات را نادیده گرفت. همچنین نمی توان نقش ایران را در ایجاد گروههای مسلح در عراق، سوریه و لبنان نادیده گرفت برای بالا بردن سطح توانمندی حماس و ارسال سلاح به آن با یکدیگر همکاری کردند و نتیجه این شد که حماس عملیات توفان الاقصی را با مهارت بسیار بالایی انجام داد به گونه ای که بدون وجود گروههای دیگر و حامیان خارجی به هیچ عنوان نمی توانست با امکانات محدود خود این عملیات را با این دقت انجام دهد.⁽²²⁾

پنج. دخالت در منطقه به بهانه عادی سازی روابط:

ایران از عملیات توفان الاقصی برای تکرار اتهام زنی به نظامهای سیاسی که روند عادی سازی روابط با اسرائیل را در پیش گرفته اند، استفاده کرد. و به تکرار سخنانی پرداخت که بعد از عملیات توفان الاقصی از زبان مقامات رده بالا و از جمله رهبر بیان شد مبنی بر اینکه بسیاری از کشورها به اسرائیل در کشتار فلسطینیان کمک کردند و عادی سازی روابط با اسرائیل به نحوی کمک به اسرائیل است و منظور ایران همان کشورهای عربی است که به عادی سازی روابط با اسرائیل روی آورده اند. همچنین ایران با استفاده از عملیات توفان الاقصی تلاش کرد هر نوع روند صلحی که ممکن است در آینده میان کشورهای عربی و اسرائیل و حتی ایده دو کشوری را غیر ممکن معرفی کند و در راستای ناکام ساختن روند صلح و طرح دو کشوری تلاش نماید. و بدین سان ایران با توسل به دروغ پراکنی های رسانه ای و تأثیر در افکار عمومی خود را به عنوان حامی و مدافع آرمان فلسطین معرفی کرد و چنین وانمود کرد که برخی از کشورهای عربی بر ضد آرمان فلسطین فعالیت

می کنند؛ هدف ایران از این نوع تبلیغات این است که این کشورها را که به فکر عادی سازی روابط هستند، توسط ملت‌هایشان در تنگنا قرار دهد⁽²³⁾.

سوم: پیامدهای عملیات توفان الاقصی بر ایران و بازیگران شبه نظامی
عملیات توفان الاقصی از ماهیت نبرد پیچیده ای که ایران و نیابتی های آن در منطقه درگیر آن هستند، پرده برداشت. از این رو، جنگ تنها در داخل مرزهای فلسطین محدود نماند بلکه تمام منطقه و مشخصا مناطقی که ایران از نفوذ قوی و تأثیرگذار برخوردار است، را درگیر خود کرد. می توان بازتابها و پیامدهای این عملیات را برای ایران و گروه‌های شبه نظامی مورد حمایت ایران اینگونه بیان کرد

یک. به نام فلسطین به کام ایران

الف. ناکام ساختن راه حل دو کشوری و خلق چالش در مسیر عادی سازی: در سطح منطقه ای، علاوه بر ناکام ساختن روند عادی سازی که چالشهای راهبردی، ژئوپلیتیک و اقتصادی برای ایران به دنبال می داشت، عملیات توفان الاقصی و جنگی که به دنبال آن در غزه در گرفت، ایده دو کشوری را نیز با بن بست رو به رو کرد. تعدادی از کشورهای خلیج و ایالات متحده و ترکیه تلاشهای زیادی به خرج می دهند تا سازوکار تازه ای تعریف کنند که تشکیل کشور مستقل فلسطین را تضمین کند و بدین سان مقدمه امضای توافقنامه های صلح فراهم گردد. بدون شک، راه حل دو کشوری مانع بزرگی بر سر بهره برداری ایران از مسأله فلسطین به شمار می رود. از این رو، پیامدهای ناشی از عملیات توفان الاقصی امکان ادامه کار روی ایده دو کشوری را در آینده نزدیک و حداقل در شرایطی که حماس همچنان به ادامه نبرد تمایل دارد و یک جریان تندرو به رهبری نخست وزیر نتانیاهو بر اسرائیل حکومت می کند، با مشکل روبرو ساخته است. علاوه بر آن، روند عادی سازی روابط کشورهای

عربی با اسرائیل در معرض یک آزمون تازه اخلاقی قرار گرفت. زیرا در سایه حوادث کنونی که اسرائیل غیر نظامیان را در غزه هدف بمباران و حملات بی رحمانه قرار می دهد، ملتها و جوامع عربی کشورهای را که به عادی سازی روابط با اسرائیل روی آورده اند، سرزنش می کنند. در نتیجه، منطقه و مشخصا کشورهایی که در صدد عادی سازی با اسرائیل هستند، در آینده با یک چالش اخلاقی تازه روبرو خواهند شد⁽²⁴⁾.

ب. ایران همواره خارج از محدوده درگیری است: سیاست ایران همواره چنین بوده است که از اینگونه عملیات و رفتارها حمایت می کند اما مستقیما مسئولیتی نمی پذیرد. فعالیت راهبردی ایران در عراق نیز بر این شیوه است که توسط شبه نظامیان وابسته، به پایگاهها و منافع آمریکایی حمله کند و در سوریه نیز همین الگو را تکرار می کند ولی رسما هیچ یک از این عملیات را به عهده نمی گیرد و برخی اوقات نیز دست داشتن مستقیم در این عملیاتها را رد می کند. علی رغم اینکه ایران و اسرائیل در حملات متقابل پا را از قاعده معمول جنگ سایه فراتر نهادند اما به احتمال زیاد طرفین وارد جنگ مستقیم نخواهند شد و بعد از اینکه با حملات متقابل پیامهای بازدارنده ای ارسال کردند، بار دیگر به شیوه جنگ غیر مستقیم باز می گردند. ایران با استفاده از گروههای شبه نظامی به حملات غیر مستقیم خود شدت می بخشد و اسرائیل نیز همچون گذشته در داخل ایران و یا در مناطق نفوذ دست به عملیاتی می زند که مسئولیت آنها را بر عهده نگیرد. همچنین اسرائیل به آمریکا فشار خواهد آورد تا فشارهای اقتصادی و نظامی بر ایران را شدت بخشد و یا به عملیاتی که اسرائیل در داخل عراق انجام داد و پایگاههای سپاه پاسداران را در مناطق مرزی عراق و سوریه بمباران کرد، ادامه دهد⁽²⁵⁾.

ج. ضربه کاری به اسرائیل: هرچند که احتمالا ایران در تصمیم عملیات توفان دخالتی نداشت، اما از آنجا که هم قبل و هم بعد از عملیات

توفان الاقصی از گروههای مقاومت حمایت کرده و می کند، یک طرف اساسی در این عملیات به شمار می رود. این عملیات در سطح راهبردی ثابت کرد که اسرائیل از دو مشکل اساسی یعنی جغرافیای محدود و کمبود نیروی انسانی به شدت رنج می برد. و این دو مشکل سبب می شود که اسرائیل نتواند همه تاکتیکها و راهبردها را به کارگیرد و از تمام گزینه های بازدارندگی بهره گیرد. به عنوان نمونه اسرائیل نمی تواند وارد جنگی شود که بیش از ۸ تا ۱۲ هفته به طول انجامد. همچنین اسرائیل نمی تواند با حمله زمینی گسترده به غزه در آنجا باقی بماند و دست به پاکسازی بزند. علاوه بر آن، به دلیل وسعت اندک جغرافیایی و ارزش بالای نیروی نظامی و امنیتی اسرائیل، در جنگ نیز نمی تواند از همه گزینه های لازم استفاده کند.

در سطح راهبردی، عملیات نفوذ پیامدهایی را به دنبال داشت که مهمترین آنها فلج شدن اقتصاد اسرائیل و تبدیل شدن آن به اقتصاد جنگی و توقف فعالیتهای کشاورزی، صنعتی، تجاری، گردشگری، آموزشی و سازندگی است. ضمن اینکه تداوم جنگ افزایش تورم را نیز به دنبال دارد. از دیگر پیامدهای این عملیات، پیامدهای اجتماعی مانند مهاجرت معکوس، حالت رعب و ترسی است که جامعه اسرائیل را فراگرفته است و جامعه اسرائیل اعتماد خود را به دولت نتانیا هو و توانمندیهای ارتش و دستگاههای امنیتی از دست داده است.

پر واضح است که گروههای مسلح فلسطینی که این عملیات را انجام دادند در همان روزهای اول عملیات توفان الاقصی نسبت به ارتش اسرائیل دست بالاتری داشتند؛ زیرا این گروهها علاوه بر اینکه آغازگر حمله غافلگیرانه بودند، با در اختیار گرفتن اسیران و گروگانها یک برگ چانه زنی مهمی را نیز به نفع خود رقم زدند. وجود گروگانهای اسرائیلی در غزه سبب شد که اسرائیل در حمله نظامی به آنجا گزینه ها و

ابزارهای کمتری پیش رو داشته باشد. و این مسأله- حداقل- ایده عملیات گسترده زمینی به غزه را با مشکل بزرگی روبرو ساخت. همچنین حمله به غزه می توانست به جنگ خیابانی منجر شود که به خاطر تلفات انسانی بالایی که دارد، اسرائیل تاب آن را ندارد. از این رو، گروههای مسلح مهاجم ضرب آهنگ درگیری را به گونه ای تعیین کردند که گزینه های اسرائیل را محدود کرد و کاهش داد.

دو. چالشها و چشم اندازهای آینده

عملیات توفان الاقصی به همان اندازه که برای ایران فرصت خلق کرد، به همان اندازه ایران و شبه نظامیان وابسته را با چالشهایی روبرو ساخت که در اینجا به آنها نگاهی می اندازیم:

الف. محدود کردن قدرت مانوردهی ایران: در روزهای نخست عملیات توفان الاقصی، تنشها بالا گرفت که هدف از این تنش افزایشی ها این بود که حمایتهای گسترده بین المللی از اسرائیل در مبارزه با حماس جلب شود و فرصتی برای اسرائیل خلق شود که به تنهایی با حماس مبارزه کند و هیچ یک از دوستان و متحدان اسرائیل به این جنگ ورود نکند. این امر نشان می دهد که ایالات متحده و حتی طرفهای متحد حماس نیز تمایلی ندارند که به یک جنگ تمام عیار منطقه ای وارد شوند. زیرا ورود رزمناوهای آمریکایی و اروپایی و برگزاری رزمایشها در منطقه خلیج عربی، دریای مدیترانه و دریای سرخ و حضور پرنرنگ ناوگان دریایی و ناوهای هواپیمابر یک پیام واضح را در برداشت که تحقق بازدارندگی سخت در برابر ایران، حزب الله، نظام سوریه، شبه نظامیان عراقی، گروه حوثی ها و هر گروه دیگری بود که قصد ورود به جنگ در کنار حماس را داشت. البته گروهها نیز دست به رزمایشها و قدرت نمایی زدند و برای ورود احتمالی به جنگ آمادگی گرفتند. اما ایالات متحده تلاش کرد دامنه جنگ را محدود نگهدارد⁽²⁶⁾

ب. تقویت راهبرد ضربات هوشمند به شبه نظامیان مورد حمایت ایران: علی رغم حالت توازن و تشدید تنش کنترل شده از سوی همه طرفهای حامی اسرائیل و حماس، اما این احتمال همچنان وجود دارد که اسرائیل به عنوان بخشی از راهبرد حملات مداوم و پیش دستانه علیه گروههای مسلح منطقه، دست به عملیات هوشمند بزند. زیرا به باور اسرائیل، اگر این گروهها به حال خودشان رها شوند، درنده تر می شوند و ممکن است در آینده به حملات بی رحمانه تری دست بزنند. در نتیجه، اقدام به حملات هوشمند و تار و مار کردن این گروهها از طریق حمله به پایگاهها، مراکز برنامه ریزی و آموزشی آنها و نیز ترور فرماندهان آنها در عراق، ایران، سوریه و لبنان یکی از مهمترین پیامدهای ناشی از تحولات بعد از جنگ غزه است⁽²⁷⁾

ج. احتمال از دست رفتن نفوذ ایران در داخل فلسطین: به احتمال زیاد اسرائیل بعد از جنگ غزه نیز همچنان سازوکارهای خود برای مقابله با حماس را توسعه می دهد. و در این راستا ممکن است راهبرد همه جانبه اتخاذ کند و یا اینکه تاکتیکهایی چون عملیات برق آسا، ترور فرماندهان حماس در کشورهای مختلف و حملات پیشگیرانه به اهداف و پایگاههای حماس در داخل و خارج غزه را روی دست گیرد تا قبل از اینکه حماس دست به اقدامی همچون توفان الاقصی بزند، اسرائیل با حملات خود توان آن را فلج کند. و از آنجا که اسرائیل به بهانه دفاع از خود و با حمایت آمریکا و غرب به چنین حملاتی دست می زند، برای جامعه جهانی نیز سخت است که اسرائیل را از انجام این حملات بازدارد. و اگر اسرائیل موفق به نابودی حماس و گروههای مقاومت شود، ایران یک متحد مهم را در فلسطین از دست می دهد. در نتیجه، برگ فشار مهمی را در جنگ مستقیم با اسرائیل از دست می دهد⁽²⁸⁾.

علی رغم مخالفت برخی طرفها از جمله جریان راستگرای اسرائیل، جنبش

حماس و ایران با راه حل دو کشوری، اما احتمال می رود که این راه حل بار دیگر در چارچوب ابتکارها و توافقنامه های بین المللی صلح در منطقه مطرح شود. در نتیجه، ایران که از مسأله فلسطین برای دامن زدن به اختلافات و دخالت در منطقه استفاده می کرد، دیگر نخواهد توانست با مسأله فلسطین کاسبی کند. با اینکه مسأله فلسطین یک مسأله عادلانه است، اما نمی توان گفت که ایران خالصانه از مسأله فلسطین حمایت می کند بلکه به طور قطع انگیزه های قومی فارسی ایران را به توسعه طلبی وا می دارد و در این راه از ابزار شیعه گری و مظلومیت شیعه و مسلمانان در جهان استفاده می کند.

د. افقی تازه در جنگ میان اسرائیل و ایران: انتظار می رود که اسرائیل بعد از عملیات غزه و یا در حین این عملیات - البته اسرائیل نمی تواند همزمان در دو جبهه درگیر شود - در پاسخ به محور مقاومت فراتر از غزه یعنی به نظام سوریه و حزب الله لبنان حمله کند که در این صورت، ممکن است مستقیماً به این دو کشور حمله کند و یا به ترور فرماندهان سوری، لبنانی، فلسطینی و ایرانی در سوریه و لبنان و حمله به مراکز نظامی، سیاسی، آموزشی و مراکز متعدد فرماندهی در این دو کشور روی آورد. و احتمال دارد به خاطر ارتباط غیر مستقیم سوریه با عملیات توفان الاقصی، بار دیگر با حمایت بین المللی ایده سرنگونی نظام سوریه جان بگیرد. این احتمال نیز وجود دارد که اسرائیل در مقام پاسخ علیه ایران و منافع و متحدان ایران دست به حملاتی به عمق ایران و عراق بزند. زیرا همانطور که قبلاً نیز گفتیم، گزارشهای منابع اطلاعاتی اسرائیل حکایت از آن دارد که ایران از مناطق مرزی عراق و سوریه برای انتقال سلاح، فناوری، تجهیزات جنگی و موشکی استفاده می کند و این تجهیزات از راه دریا و یا خشکی به غزه می رسد. در نتیجه، ممکن است که اسرائیل در پاسخ به این اقدام، به بمباران مراکز هسته

ای ایران و پایگاههای سپاه پاسداران روی آورد و یا اینکه با استفاده از تجهیزات پهپادی دست به ترور بزند. حملات سایبری و انتقامی و نیز حملات بر مناطق مرزی عراق و سوریه و تلاش برای جلب حمایت بین المللی از انزوای بیشتر ایران و هر کشوری که با آن تعامل کند، از دیگر اقدامات اسرائیل است.

از نگاه ایران گروههای شبه نظامی وابسته به تهران، گروههای محلی هستند که برای خدمت به اهداف ایران به مسائل خاصی دامن می زنند و به تنش افزایی روی می آورند تا ایران با استفاده از وضعیت موجود بر کشورهای خلیج، اسرائیل و غرب فشار آورد. بر این اساس، می توان از روندهایی سخن گفت که این گروهها به عنوان اقدامات تاکتیکی روی دست گیرند. یعنی ممکن است ایران به این گروهها مأموریت دهد که در حمایت از نظامهای سیاسی در عراق، سوریه و یمن نبرد کنند؛ زیرا این نظامهای سیاسی بسیار به ایران نزدیک هستند. در نتیجه، در صورت بروز هرگونه تلاش برای تغییر معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی در این کشورها، این گروهها برای حفظ نفوذ خود قاطعانه با این تلاشها برخورد خواهند کرد. و شاید سرکوب اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹ در عراق و اقدام دستگاههای قضایی و گروههای مسلح برای قبضه کردن امور کشور، و همچنین نقش این گروهها در حمایت از نظام سوریه و حمایت از نفوذ حزب الله در لبنان از نمونه های باز این رفتار است. به عبارت دقیق تر، این گروهها در فضای منطقه ای نقش آفرینی می کنند.

تا جایی که به عملیات توفان الاقصی مربوط می شود، به احتمال زیاد ایران، حزب الله یا نظام سوریه و یا گروههای شبه نظامی که در نزدیکی مرزهای اسرائیل مستقر هستند را به دخالت مستقیم در این جنگ سوق نخواهد داد. اما پرهیز ایران از دخالت در درگیری یک موضع موقتی است و بعد از پایان جنگ غزه، بار دیگر مرحله تشدید تنشها آغاز خواهد

شد. یعنی ایران گروه‌های متحد خود را چه آنان که از لحاظ عقیدتی متحد ایران هستند مانند حزب الله و چه آنان که از باب مصلحت با ایران همپیمان شده اند مانند حماس همچنان مورد توجه قرار می دهد تا در مرحله آینده برای فشار بر اسرائیل از آنها استفاده کند.

و این احتمال نیز وجود دارد که ایران توسط این گروه‌های شبه نظامی بر غرب و متحدان منطقه ای آن فشار آورد. زیرا هر قدر که عرصه بر ایران تنگ تر شود، ایران نیز به همان اندازه در عراق، سوریه و لبنان بر غرب و متحدان منطقه ای آن فشار می آورد. به عبارت دیگر، ایران این گروه‌ها را برای حمله به اهداف راهبردی مانند پایگاه‌های آمریکایی و غربی، سفارتخانه های غربی، شرکت‌های نفتی، فرودگاه‌ها، بسترهای اقتصادی در خلیج و هر نوع منافعی که به غرب مربوط باشد ترغیب می کند. اگر فشارهای غرب بر ایران در موضوع پرونده هسته ای و یا تحریم‌های اقتصادی غرب بر ایران شدت گیرد، عملیات گروه‌های شبه نظامی نیز افزایش می یابد. علاوه بر آن، اسرائیل طرح‌هایی برای انجام حملات برق آسای نظامی و یا حملات سایبری علیه اهداف ایرانی و یا اهدافی مربوط به دوستان ایران در منطقه را در نظر دارد. در نتیجه، ایران به طور مستقیم از طریق نیابتی های خود در عراق، سوریه، لبنان، یمن و حتی در غزه نیز پاسخ خواهد داد.

ایران از طرح راه حل دو کشوری در آینده نگران است؛ زیرا با تحقق راه حل دو کشوری ایران دیگر نمی تواند آنطور که از عملیات توفان الاقصی بهره برداری کرد، از مسأله فلسطین استفاده ابزاری کند و در نتیجه، مهمترین بهانه ای که برای دخالت در منطقه داشت را از دست می دهد. اما با این حال، این احتمال نیز وجود دارد که ایران نیابتی ها و گروه‌های وابسته را برای ایجاد هرج و مرج و برهم زدن آرامش فضای منطقه ای بسیج کند؛ به ویژه اینکه برخی متحدان ایران یعنی

نیروهای دموکراتیک سوریه کنترل اردوگاه الهول در سوریه را در اختیار دارند که ۵۳ هزار خانواده از خانواده های گروه داعش را در خود جای داده است. علاوه بر آن، نیروهای دموکراتیک سوریه کنترل زندان غویران در سوریه را نیز در اختیار دارند که بیش از ۱۵۰۰ تن از جنگجویان داعش را در خود جای داده است. پس هرگونه رها سازی و یا فرار از این دو مرکز، می تواند به هرج و مرجی منجر شود که تبعات آن عراق، سوریه، لبنان و شاید هم خلیج و صحرای سینا و دیگر مناطق نزدیک را درگیر خواهد کرد.

برآیند

عملیات توفان الاقصی یک فرصت طلایی برای ایران به ارمغان آورد تا در روندهای تعامل بین المللی و منطقه ای با غرب و متحدان آن در خاورمیانه از آن بهره برداری کند. هرچند که تصمیم، اجرا و تبعات عملیات توفان الاقصی تنها به حماس مربوط می شود اما ایران و نیروهای دیگر مانند گروههای مسلح در عراق، سوریه و نظام سیاسی در سوریه و همچنین گروههای مسلح در لبنان توانمندیهای حماس را ارتقا دادند و حماس را به سطح بالایی از آمادگی رساندند که بتواند به چنین عملیاتی دست بزند. ایران قبل از عملیات توفان الاقصی از گروههای مسلح در عراق، سوریه و لبنان برای افزایش توان تاب آوری حماس استفاده کرد. و بعد از عملیات توفان الاقصی، ایران تلاش کرد از طریق این گروهها به تشدید تنش روی آورد. اما طولی نکشید که در اثر فشارهای بین المللی و نزدیک شدن رزمناوها و ناوهای هواپیمابر اتمی آمریکایی ایران دست از جنگ افروزی کشید و حماس را در مرحله بعد از توفان الاقصی مقابل اسرائیل تنها گذارد و صرفا به حمایتهای رسانه ای و تبلیغاتی از مردم غزه اکتفا کرد. و همزمان با بهره گیری از حماس در کانالهای گفتگوی غیر رسمی، “کانالهای دیپلماتیک سری و مذاکرات

اطلاعاتی” اکتفا کرد. بدون شک، این فشارها در آینده بر ایران بیشتر خواهد شد؛ زیرا این جنگ بسیاری از مضامین دکترین ارتش اسرائیل را تغییر خواهد داد و انتظار نمی رود که اسرائیل به پاسخ در داخل غزه اکتفا کند بلکه احتمالاً اسرائیل در پاسخ به جنگ افروزی های چندین طرف و چند کشور مانند لبنان و حزب الله و گروه های مسلح در عراق و سوریه وارد عمل خواهد شد. علاوه بر آن، احتمالاً رشته حملات برق آسا و اعلام نشده میان اسرائیل و ایران در چارچوب جنگ دیرینه سایه یعنی جنگ ترور، جنگ پهبادی و سایبری همچنان ادامه یابد. و شاید هم عراق که به نحوی با عملیات توفان الاقصی درگیر بود، کلید واژه ای برای پایان نفوذ منطقه ای ایران باشد. و شاید ایالات متحده و اسرائیل به این نتیجه رسیده باشند که هیچ اقدامی برای از کار انداختن شبکه بازیگر خشن که بنام شبه نظامیان مسلح در منطقه شناخته می شوند، مؤثر نخواهد بود مگر اینکه عملاً در عراق تحرکاتی در این راستا صورت گیرد؛ زیرا عراق برای ایران حکم کلید منطقه را دارد. و متوقف کردن توسعه طلبی ایران در منطقه از عراق آغاز می شود. برای فراهم کردن زمینه چنین تغییری باید مستقیماً از تلاش های دولت عراق حمایت کرد و به دولت عراق کمک کرد تا نگذارد ایران از گروه های مسلح در خاورمیانه استفاده ابزاری کند.

پی نوشت ها

- (1) کریسبین سمیث و مایکل نایتس، إعادة تشکیل العراق: كيف استولت الميليشيات المدعومة من إيران على البلاد، معهد واشنطن لسياسات الشرق الأدنى، (20 مارس 2021)، تاريخ بازديد: 22 . همچنين: محمد البازي، طوفان الاقصی: كيف نفهم العلاقة بين r8syq/https://n9.cl/ فوریه 2024، ایران وحماس؟، وب سایت الجزيرة للدراسات (16 أكتوبر 2024)، تاريخ بازديد: 15 مارس 2024، <https://n9.cl/lum2p>
- (2) وب سایت الجزيرة نت، الفصائل العراقية الموالية لإيران: دروع "الثورة الإسلامية" في بلاد . همچنين: rafidin/https://n9.cl/ (22 فوریه 2024)، تاريخ بازديد: 26 مارس 2024، محمد السلمي، ایران وعسكرة التشيع في الداخل والخارج، مجلة السياسة والاقتصاد، (أسيوط: كلية العلوم السياسية، المجلد 12، العدد 11، سال 2021)، ص 6 و بعد از آن.
- (3) وب سایت القدس الإسرائيلي للشؤون العامة، أسلحة حماس المتطورة: الصواريخ والمدفعية والطائرات بدون طيار والسيابر، (1 أغسطس 2021)، تاريخ بازديد: 2 مارس 2024، <https://n9.cl/uhz68>
- (4) المعهد الدولي للدراسات الإيرانية، توظيف الحرس الثوري وحماس لصراع غزة، تقدير موقف . منشور في بتاريخ 6/7/2021، تاريخ بازديد 16/3/2024 لينك: <https://n9.cl/uk0ni>
- (5) المعهد الدولي للدراسات الإيرانية، حماس تطلب صواريخ بالستية من طهران، (30 جولای 2019)، تاريخ بازديد: 12 مارس 2024، <https://n9.cl/m0ubt>
- (6) وب سایت المركز العربي لدراسة التطرف، قطر – إيران – تركيا: شبكة حلفاء حماس، (22 فوریه 2024)، <https://n9.cl/163r4>
- (7) محمد سرميني، عودة العلاقات بين حماس والنظام السوري، وب سایت مركز جسر للدراسات، <https://n9.cl/hzvpz> (22 جولای 2022)، تاريخ بازديد: 26 فوریه 2024،
- (8) رسول آل حائفي، هل توسع ضربات أميركا لأهداف إيرانية رقعة الحرب في المنطقة؟، وب <https://n9.cl/0y0yx> سایت الجزيرة، (3 فوریه 2024)، تاريخ بازديد: 20 فوریه،
- (9) ضياء قدور، وثائق مسربة: النظام السوري اعطى ميناء اللاذقية لإيران، وب سایت شبكه صدا <https://n9.cl/gdwp4> و سيمای سوریه، (27 سبتمبر 2023)، تاريخ بازديد: 20 فوریه 2024،
- (10) صحيفة الشرق الأوسط، إيران تعزز وجودها العسكري والاقتصادي في الساحل السوري، (22 مارس 2019)، <https://n9.cl/3nwhp> تاريخ بازديد: 10 فوریه 2024،
- (11) المعهد الدولي للدراسات الإيرانية، مخاطر سيطرة الحرس الثوري الإيراني على موانئ الساحل السوري ومدى فاعلية استراتيجية الضغوط القصوى الأمريكية، (21 أكتوبر 2019)، تاريخ بازديد: 10 فوریه 2024، <https://2u.pw/6tfBqT30>
- (12) سعد الوحيدي، القسام في البحر: من العمليات الاستشهادية الى الضفادع البشرية، كزارش وب <https://n9.cl/68o2d> سایت الجزيرة، (23 أكتوبر 2023)، تاريخ بازديد: 18 فوریه 2024،
- (13) وب سایت الشرق، كيف امتلكت حماس صواريخ ومسيرات وطائرات شرعية؟، (13 أكتوبر 2023)، <https://n9.cl/ql6zxx> تاريخ بازديد: 27 فوریه 2024،
- (14) همان.
- (15) وب سایت مدونة كلاود فليبر، عمر اوجام وجورج باجكو، الهجمات السيبرانية الدائرة بين

- ، برای <https://n9.cl/xq2J6r> اسرائیل و حماس، (23 اکتبر 2023)، تاریخ بازدید: 13 مارس 2024، "الفضاء السيبراني: ساحة معركة اخرى بين إسرائيل وحماس" (DW14) اطلاع بیشتر: وب سایت <https://n9.cl/ca9rz> (23 اکتبر 2023)، تاریخ بازدید: 13 فوریه 2024، (16) همان.
- (17) The Sacred Republic: Power and Institutions in Iran ,By Mehran Kamrava (ed.), (August 15, 2023 on the Oxford Academy of Studies website, accessed: February 3, 2024, <https://n9.cl/yh9y2>
- (18) وب سایت المعهد الدولي للدراسات الإيرانية "رصانة"، عملية طوفان الاقصى: الاسباب <https://n9.cl/526ls> والتداعيات والسيناريوهات المتوقعة، (13 اکتبر 2023)، تاریخ بازدید: 10 مارس 2024،
- (19) Haleh Esfandiari, Hamas And Israel: Iran's Role , An article published on the Wilson Center, October 10, 2023, accessed: April 3, 2024 , <https://n9.cl/eya3ot>.
- (20) Colin P. Clarke , Iran and the 'Axis of Resistance' Vastly Improved Hamas's Operational Capabilities , An analytical article published on the Foreign Policy Research Foundation, (October 27, 2023), accessed: May 3, 2024, <https://n9.cl/q2ysg>
- (21) مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، محسن محمد صالح، الدلالات الاستراتيجية لعملية جهت <https://n9.cl/x8wbh> طوفان الاقصى، (13 اکتبر 2023)، تاریخ بازدید: 11 مارس 2024، لقاء حصري مع خالد مشعل على قناة العربية "الهجوم على AlArabiya اطلاع بیشتر: يوتيوب، @ <https://n9.cl/io3jb> إسرائيل كان مغامرة وإيران وحزب الله دعمونا بالسلح والتكولوجيا،
- (22) موقع الجزيرة للدراسات، طوفان الاقصى: انهيار الردع الإسرائيلي ومحاولات استعادته، (8) همچنين نگاه كن: فاطمة <https://n9.cl/gn59h> (نوامبر 2023)، تاریخ بازدید: 15 مارس 2024، الصمادي، طوفان الاقصى: كيف يدير محور المقاومة المواجهة؟، مركز الجزيرة للدراسات، (21) <https://n9.cl/yzc5jt> فوریه 2024)، تاریخ بازدید: 15 مارس 2024،
- (23) حسن البراري، التداعيات الجيوسياسية للحرب على غزة، مركز الجزيرة للدراسات، (21 فوریه 2024، <https://n9.cl/7fusv>)، 25 فوریه 2024،
- (24) هشام جعفر، حل الدولتين: غير قابل للتحقيق لكنه قابل للحياة، موقع الجزيرة، (3 مارس 2024، <https://n9.cl/fwrf9>)، تاریخ بازدید: 10 اکتبر 2024،
- (25) محمد محسن ابو النور، لماذا لم تدخل إيران المواجهة بعد العدوان الإسرائيلي على قطاع غزة؟، موقع المنتدى العربي لتحليل السياسات الإيرانية، (5 دسامبر 2023)، تاریخ بازدید: 9 مارس 2024، <https://n9.cl/gnf7b>
- (26) مركز مجموعة الحوار الفلسطيني، التداعيات والمآلات المحتملة لعملية طوفان الاقصى، (20) <https://n9.cl/1j4wj8> (مارس 2024) تاریخ الاطلاع: 21 مارس 2024،
- (27) رسول آل حائي، هل توسع ضربات أميركا لأهداف إيرانية رقعة الحرب في المنطقة؟، همان.
- (28) عمر التيس، مصير غزة بعد الحرب، موقع فرنسا 24، 16 نوامبر 2023، تاریخ بازدید: 9 همچنين: موقع فرنسا 24، "ما هي الحلول المطروحة لإدارة <https://n9.cl/fqg89> (مارس 2024، غزة ما بعد الحرب في حال الاطاحة بـ حماس"، (21 نوامبر 2023)، تاریخ بازدید: 11 مارس 2024، <https://n9.cl/d099a>

آمریکای لاتین؛ بازار تازه ای برای پهپادهای ایرانی

امل مختار

پژوهشگر امور آمریکای لاتین

چکیده

پهپادهای ایرانی در چندین جنگ از جمله، جنگ اوکراین و نیز درگیریهای غیر مستقیم میان ایران و دشمنان آن در خاورمیانه یعنی ایالات متحده و اسرائیل، عملاً امتحان خود را پس می دهند. همین امر سبب می شود که تقاضا برای صنایع پهپادی پیشرفته ایران افزایش یافته و به توسعه و رونق این صنعت مهم ایران کمک شایانی می کند. این مسأله مخصوصاً در سایه رفع محدودیتهای فروش تسلیحاتی ایران، یک منبع تهدید جدی به شمار می رود. در این میان، یکی از بازارهای پرتقاضا برای این پرنده های بی سرنشین کشورهای آمریکای جنوبی هستند؛ مخصوصاً کشورهایی که دولتهای چپگرای آنها با ایران رابطه خوبی دارند. در اینجا سؤالات چندی مطرح است از جمله اینکه: پرنده های بی سرنشین ایرانی در بازار پهپادی جهان دارای چه امتیازاتی هستند؟ دلیل افزایش تقاضای کشورهای آمریکای لاتین برای این پهپادها چیست؟ همکاری در این زمینه چه منافع متقابلی برای طرفها به ارمغان دارد؟ و در نهایت، این همکاری چه پیامدهایی برای ایران و این کشورها به دنبال دارد؟

کلید واژگان

ایران، آمریکای لاتین، پهپادهای ایرانی، ائتلاف نظامی، ونزوئلا، کوبا،

بولیوی، برزیل

به نظر می‌رسد دیپلماسی فعال ایران در فضای منطقه ای و خارج از آن مخصوصاً در هر جایی که برای برقراری روابط با هدف مقابله با آمریکا و کاهش فشار تحریمها فرصتی وجود داشته باشد، یک الگوی ثابت و تغییرناپذیری در سیاست خارجی ایران است. نفوذ ایران و تقویت روابط با کشورهای آمریکای لاتین و مخصوصاً دولتهای چپ‌گرای ضد آمریکایی، مسأله ای تأمل برانگیز است. امروز همکاری میان ایران و متحدان آن در آمریکای لاتین از سطح مناسبات دیپلماتیک، فرهنگی و تجاری فراتر رفته و به امضای قراردادهای نظامی رسیده است و ایران سازوبرگ نظامی و مخصوصاً تجهیزات پهبادی به کشورهای این منطقه می‌فروشد.

قبلاً، ایران تنها به چندین متحد خود در خاورمیانه پهباد می‌فرستاد اما اکنون دامنه فروش پهبادها را افزایش داده و به کشورهای و گروههای دیگری در مناطق مختلف جهان پهباد می‌فروشد؛ به ویژه بعد از اینکه پهبادهای ایرانی امتحان خود را در جنگ اوکراین پس داده اند و پیشرفته تر شده اند. اکنون دیگر ایران فقط صادر کننده منطقه ای نیست بلکه در سطح جهان به عنوان منبعی برای صادرات سلاحهای پیشرفته مطرح است و می‌بینیم که پرنده های بی سرنشین با برد بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر را به کشورهای متعددی از بلاروس در اروپای شرقی گرفته تا ونزوئلا در آمریکای جنوبی صادر می‌کند.

افزایش تقاضا برای جنگ افزارهای ایرانی و مخصوصاً افزایش همکاری نظامی و تقاضا برای خرید سازوبرگهای نظامی ایران از سوی کشورهای آمریکای لاتین نگرانیهای ایالات متحده را برانگیخته است؛ چرا که این کشورها حیاط خلوت منافع و امنیت ملی آمریکا به شمار می‌روند. در طول پنج سال گذشته پهبادهای ساخت ایران در تمامی جنگها مورد استفاده قرار گرفته و نتیجه جنگ را تغییر داده اند. در این پژوهش، به

تحول در تولید و فروش پهپادهای ایرانی و همچنین دلایل گسترش گستره حضور پهپادهای ایرانی پرداخته می شود. افزایش سطح روابط ایران با آمریکای لاتین و روند سریع ارتقای روابط به همکاری نظامی در سایه ایدئولوژی جریان چپگرای حاکم در بسیاری از کشورهای منطقه مورد بررسی قرار می گیرد. و منافع هر دو طرف از تقویت همکاری نظامی را مشخص می کند و در نهایت، پیامدهای این رشد سریع در تولید و توزیع پهپادها در درگیریهای مسلحانه - مخصوصا در مورد پهپادهای ایرانی - را مورد کنکاش قرار می دهد.

نخست: علت و اهمیت پیشرفت ناوگان پهپادی ایران

بر اساس گزارش سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا ایران در اوایل سال ۲۰۲۲ میلادی، بزرگترین زرادخانه موشکی و پهپادی در خاورمیانه را در اختیار داشته است و بنابراین در هر جنگی که وارد شود می تواند به طور تعیین کننده ای تأثیرگذار باشد. همچنین ایران برای افزایش صادرات تجهیزات پهپادی خود، برای یافتن مشتریان بیشتر از منطقه خاورمیانه فراتر رفته و حتی از محدوده دولتها نیز فراتر رفته و در میان بازیگران غیر دولتی نیز مشتریانی دارد. مؤسسه مطالعات جنگ که مقر آن در واشنگتن است، در گزارشی در ۲۰ جولای ۲۰۲۳ میلادی نوشت که یک فرمانده پیشین سپاه پاسداران در اکتبر ۲۰۲۲ میلادی با افتخار اعلام کرد که ۲۲ کشور از جمله الجزایر، ارمنستان، صربستان، تاجیکستان و ونزوئلا رسماً درخواست خرید پهپاد از ایران کرده اند. همچنین احداث کارخانه های تولید پهپادهای ایرانی در کشورهای متحد ایران نیز به سرعت در حال افزایش است^(۱)

آنچه دسترسی ایران به این فناوری پیشرفته را ممکن ساخت و ایران توانست موشکهای بالستیک و پرنده های بی سرنشین پیشرفته را با قیمت ارزان در داخل کشور تولید کند، همانا شرایط سختی بود که ایران در طول هشت

سال جنگ با عراق در دهه هشتاد میلادی تجربه کرد. ایران در طول این جنگ نتوانست سلاحهای پیشرفته ای به دست آورد، و تنها از نظام اسد در سوریه و نظام قذافی در لیبی موشک های قدیمی می خرید. و با استفاده از نیروی متخصص بومی، توانست جنگ افزارهای خاص خود را با هزینه کمتری در داخل تولید کند که در رأس آنها خط تولید پهپادهای ایرانی قرار دارد تا جایکه بنا بر گزارش ناتو، امروز ایران در صادرات اسلحه از کشورهای چون روسیه نیز پیشی گرفته است^(۲)

جیمز راجرز مدیر اجرایی مؤسسه سیاست گذاری فناوری کرنل می گوید: “تقاضاها برای پرنده های بی سرنشین ایرانی به طور بی سابقه ای در حال افزایش است.” جنگ روسیه و اوکراین فرصتی بود که فناوری پهپادی ایران توجه و تقاضای بسیاری از کشورها را به خود جلب کرد. پهپادهای شاهد ۱۳۶ و ۱۳۱ در تحقق اهداف نظامی، از خود توان بالایی نشان دادند.

در پی ممنوعیتی که از سوی ایالات متحده بر مبادلات تجاری میان روسیه و ایران و مخصوصا در زمینه صادرات تسلیحات اعمال شده است، خط تولید پهپادهای ایرانی در داخل کشورهایی چون روسیه و بلاروس راه اندازی شده است یعنی ایران به جای صادرات محصول نهایی پهپاد، فناوری پهپاد و تیم متخصص ایرانی در زمینه تولید و آموزش ساخت تجهیزات پهپادی را به کشورهای مقصد می فرستد. در ونزوئلا، این رویکرد از ۱۲ سال قبل یعنی از اواخر دوره هوگو چاوز آغاز شد و یک خط تولید پهپادهای ایرانی در داخل ونزوئلا راه اندازی شد. ایران از سال ۲۰۲۱ سامانه هواپیماهای بی سرنشین را در اختیار اتیوپی قرار داده است. بعد از شعله ور شدن جنگ داخلی میان ارتش و نیروهای واکنش سریع سودان، پهپادهای ایرانی به این کشور نیز راه یافت. و ما اکنون شاهد افزایش حضور سامانه های پهپادی ایرانی در کشورهای آمریکای لاتین هستیم^(۳)

با اینکه ایران تنها کشوری نیست که پهپادهای تولیدی خود را به دیگر کشورها صادر می کند، اما دیپلماسی فعال ایران برای بازاریابی محصولات خود در مناطق وسیع جغرافیایی و خارج از محدوده خاورمیانه به گونه ای که حتی بازیگران غیر دولتی را نیز به این سلاح مجهز می کند، می تواند درگیرهای نظامی در مناطق مختلف جهان را وارد فاز تازه ای کند. در اینجا این سؤال مطرح می شود که نقطه قوت و کارآیی تهدید پهپادهای ایرانی کجاست؟ برای پاسخ به این سؤال به موارد زیر می پردازیم

یک. تاکتیک زنبوری (سوارم)

وجه تمایز هواپیماهای بی سرنشین ایرانی در مقایسه با پهپادهای مشابه غربی کم هزینه بودن آنها و همچنین گستردگی نقشه پراکندگی آنها است که مناطق، کشورها و بازیگران متعددی این تجهیزات ایرانی را خریداری کرده اند.

به طور خلاصه می توان گفت که بخشی از سیاست دفاعی ایران در رویارویی گسترده با ایالات متحده همان تاکتیک زنبوری (Swarming Tactic) است که با به کارگیری پهپادهای تولیدی متنوع خود دنبال می کند. از این رو، ایران برای بازاریابی پرنده های بی سرنشین خود در گستره جغرافیایی وسیعی مخصوصا در میان کشورها و بازیگران غیر دولتی که برای آمریکا و اسرائیل تهدید مستقیم به حساب می آیند، دیپلماسی فعالی در پیش گرفته است.

دو. تنوع پرنده های بی سرنشین ایرانی

از مهمترین پهپادهای ایرانی می توان به ابابیل-۳، مهاجر-۶، صاعقه، شاهد، اچ-۱۱۰، فطرس، کرار، کمان-۲۲ اشاره کرد. از این میان، پهپاد شاهد به خاطر نقش آفرینی در جنگ جاری اوکراین، بیش از سایر پهپادهای ساخت ایران توجه رسانه های بین المللی را به خود جلب کرده است. گزارشهای صادره از نیروی هوایی اوکراین در اواخر ۲۰۲۳

حکایت از آن دارد که روسیه در طول دو سال جنگ تعداد ۳۷۰۰ فروند از پهپادهای شاهد را علیه اوکراین استفاده کرده است.

روزنامه های امریکایی و اسرائیلی نیز گزارش داده اند که گروه انصار الله حوثی در حملات خود به دریای سرخ و ایلات از پهپاد شاهد- ۱۳۶ کار گرفته اند. همچنین در پی حمله اسرائیل به غزه، شبه نظامیان شیعی مسلح در منطقه، در حملات خود به پایگاههای آمریکایی در عراق، سوریه و اردن از پهپاد ایرانی شاهد استفاده کرده اند^(۴)

سه. فروش پهپادهای ایرانی از نگاه قانون

بعد از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ میان ایران و کشورهای ۱+۵ (ایالات متحده به علاوه روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه، آلمان)، شورای امنیت قطعنامه ۲۲۳۱ را صادر کرد که به موجب آن صادرات موشکهای بالستیک و پهپادهای ایران که توانایی برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر و حمل بیش از ۵۰۰ کیلوگرم را دارند، تا سال ۲۰۲۰ ممنوع شد. یعنی اینکه تمام معاملات در این زمینه که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ میان ایران و کشورهای و گروههای شبه نظامی انجام شده، بر خلاف قطعنامه سازمان ملل صورت گرفته است. اما بعد از اکتبر ۲۰۲۰ تمامی معاملات ایران در این زمینه کاملاً قانونی است^(۵). ولی از آنجا که ایران و بسیاری از خریداران این سازوبرگ نظامی مانند روسیه و ونزوئلا همچنان تحت تحریمهای آمریکا هستند، ایران به خاطر محدودیتهای مالی بین المللی در تعاملات مالی این معاملات و دریافت درآمد حاصل از صادرات با مشکل روبرو است.

چهار. جنگ روسیه و اوکراین میدان جولان پهپادهای ایران

روسیه مهمترین صادر کننده تسلیحات به بسیاری از کشورهای جنوب جهان بود. اما جنگ اوکراین علاوه بر تحریمهایی که برای روسیه به دنبال داشت، سبب شد که انبارهای تسلیحاتی روسیه نیز تهی شود. از این رو، در یک شرایط بی ثبات، جهان شاهد خلأ در بازار اسلحه و

سازوبرگ نظامی بود. در نتیجه، کشورهای که قبلاً تجهیزات تسلیحاتی خود را از روسیه تأمین می کردند، اکنون ایران را بهترین گزینه می دانند. علاوه بر آن، ممکن است ایران و روسیه که هر دو از ظرفیت بالایی در زمینه تولید سلاحهای متعارف برخوردارند، با توجه به شرایط کنونی، طرحی مبنی بر فروش متقابل تسلیحات میان خود را روی دست گیرند^(۱)

با ورود پهپادهای ایرانی به میدان جنگ، این پرنده ها عملاً آزمون خود را پس داده اند تا هم نقاط ضعف آنها برطرف گردد و هم اینکه زمینه برای معرفی و فروش آنها به کشورهای بیشتری فراهم گردد. بعد از حمله روسیه به اوکراین، ایران با صادرات پهپادهای شاهد ۱۳۶ به روسیه موافقت کرد و برای اولین بار در پاییز ۲۰۲۲ میلادی بود که این پهپادها در جنگ علیه اوکراین مشاهده شد. در ظرف چند هفته، پهپادهای شاهد به طور گسترده ای در جنگ علیه اوکراین استفاده شد. پهپادهای شاهد ۱۳۶ با بدنه ای سبک وزن ساخته شده از الیاف کربن، قابلیت پرواز تا ۱۵۰۰ مایل را نیز دارند. و روسیه می تواند برای حمله به شهرهای اوکراین، این پهپادها را از بلاروس در شمال و یا از شهرهای اشغالی در جنوب به پرواز در آورد. این پهپادها می توانند ۲۰ تا ۴۰ کیلوگرم یعنی دو برابر شاهد- ۱۳۱ مواد منفجره با خود حمل کنند که این مقدار برای تخریب ساختمانها و سازوبرگ نظامی کاملاً کارساز است. در ماه نوامبر ۲۰۲۲ روسیه با ۷۵ فروند پهپاد شاهد- ۱۳۶ به کی یف حمله کرد که پدافند هوایی اوکراین توانست اکثر آنها یعنی ۷۱ فروند را شکار کند. ذکر این نکته نیز لازم است که ایران با تحلیل نتایج عملیات پهپادی در جنگ روسیه و اوکراین پهپاد شاهد را ارتقا داد و با بهره گیری از موتور جت، در نوامبر ۲۰۲۳ از نسخه ای پیشرفته تر با نام شاهد- ۲۳۸ رونمایی کرد. این کلاس جدید قادر است با سرعتی فراتر از شاهد- ۱۳۶ پرواز کند.

گفته می شود که در ماه ژانویه ۲۰۲۴ از این کلاس جدید شاهد در جنگ اوکراین استفاده شده است^(۷)

از آنچه بیان شد چنین برداشت می شود که جنگ جاری روسیه و اوکراین نه تنها زمینه رونق بازار پهپادهای ایرانی را فراهم ساخت بلکه به ایران امکان داد تا با مطالعه عملکرد تجهیزات پهپادی خود در یک جنگ واقعی، در صدد توسعه این صنعت برآید.

دوم: دولتهای چپگرا به عنوان دروازه ای برای ائتلافهای نظامی با ایران در نیمکره غربی

در طی سالیان درازی، ایالات متحده همواره تلاش می کرد تا جلوی نفوذ نظامی کشورهای دیگر در آمریکای لاتین را بگیرد. بحران موشکی کوبا در اکتبر ۱۹۶۲ در دوران جنگ سرد، نزدیک بود به جنگ هسته ای میان ایالات متحده و اتحادیه جماهیر شوروی منجر شود. بحران موشکی کوبا به خاطر مقاومت ایالات متحده در برابر حضور نظامی اتحادیه جماهیر شوروی در آمریکای لاتین و مشخصا در کوبا به وجود آمد. بعد از تحولات دموکراتیک که احزاب چپگرا در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین کرسی ریاست جمهوری را در اختیار گرفتند، امروز ایران در نزدیکی ایالات متحده آمریکا حضور تجاری، فرهنگی و نظامی خود را رقم زده است^(۸)

پس از آنکه هوگو چاوز در سال ۱۹۹۹ در ونزوئلا به ریاست جمهوری رسید، جریانهای چپگرا در کشورهای آمریکای لاتین نیز یکی پس از دیگری قدرت گرفتند. و در سال ۲۰۰۳ دولت لولا داسیلوا در برزیل و نستور کرشنر در آرژانتین به قدرت رسیدند. و بدین سان دولتهای چپگرا در کشورهای چیلی، نیکاراگوئه، بولیوی، اکوادور و غیره به قدرت رسیدند به گونه ای که دهه اول قرن بیست و یک به رنگ سرخ^(۹) کشورهای آمریکای لاتین شهرت یافت. این دوره با دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در ایران همزمان بود. با توجه به سیاست خارجی فعال احمدی

نژاد و همچنین، رویکرد چپگرایانه آمریکای لاتین در مقابله با سلطه آمریکا و سرگرم بودن ایالات متحده در جنگهای خاورمیانه، این دوران، برای تعمیق روابط همکاری و حضور ایران در کشورهای منطقه آمریکای لاتین یک دوران طلایی بود. همکاری تجاری، حضور فرهنگی و هماهنگی سیاسی در بالاترین سطح برقرار شد. و در طول این بیست سال، زمینه های همکاری در حوزه نظامی میان ایران و برخی از کشورهای آمریکای لاتین فراهم شد که البته این همکاری با همه کشورها در یک سطح نبوده است. اکنون همکاری نظامی ایران با کشورهای آمریکای لاتین و مخصوصاً همکاری در زمینه فناوری پهپادی ایران را مورد بررسی قرار می دهیم:

یک. ونزوئلا

در اواخر سال ۲۰۲۲ و در جریان سفر نیکولاس مادورو به تهران، هر دو کشور تأکید کردند که در بخش دفاعی در جبهات بزرگی با یکدیگر همکاری دارند. مادورو در جریان این سفر خطاب به همتای ایرانی خود گفت: "به باور من دوستی خدشه ناپذیر میان ما، برای آینده دو ملت تقویت خواهد شد"^(۱)

با وخامت بحران اقتصادی و سیاسی در ونزوئلا که در سال ۲۰۱۹ به اوج خود رسید، خوان گوایدو رئیس پارلمان ونزوئلا خود را به جای رئیس جمهور منتخب مادورو رئیس جمهور قانونی کشور اعلام کرد و ایالات متحده نیز او را به رسمیت شناخت و دارایی های ونزوئلا در خارج بلوکه شد، از آن تاریخ به بعد ونزوئلا و ایران که عملاً روابط مستحکمی داشتند، وارد فاز تازه ای یعنی وارد یک شراکت راهبردی شدند که برای هر دو طرف سودمند باشد. و از این طریق تلاش کردند مانع از آن شوند که بحران کمر شکن اقتصادی، کمبود کالاهای اساسی، ناتوانی دولت و نهادهای دولتی در انجام وظایف خود و همچنین افزایش شمار آوارگان

فراری از ونزوئلا و پافشاری دولت ترامپ بر حمایت از کودتای گوایدو برای شکست مادورو و چاوزیسم، منجر به فروپاشی نظام مادورو شود. سال ۲۰۲۰ شاهد همکاری تجاری بزرگی میان تهران و کاراکاس بود به گونه ای که ایران ۲,۳۵ میلیون بشکه بنزین را در مقابل دریافت ۹ تن طلا به قیمت ۵۰۰ میلیون دلار برای نظام مادورو فرستاد. در آن زمان بسیاری از تحلیلگران بر این باور بودند که این همکاری تجاری، یک بُعد نظامی نیز دارد.

در ۶ نوامبر ۲۰۲۰ مادورو از تشکیل یک کمیته علمی نظامی در درون نیروهای مسلح ونزوئلا برای به روز رسانی سامانه های تسلیحاتی این کشور خبر داد. هرچند که مادورو مشخص نکرد که کدام سامانه های نظامی به روز رسانی می شوند، اما او گفت که این کمیته از مستشاران چینی، روسی و ایرانی مدد می گیرد. به احتمال زیاد، توافق راهبردی ۲۵ ساله تهران و پکن و همچنین تمدید قرارداد تسلیحاتی با مسکو به مدت ۲۰ سال دیگر، به سود کمیته دفاعی جدید ونزوئلا است و زمینه ایجاد یک نیروی نظامی چند ملیتی در ونزوئلا را فراهم می کند تا از نظام مادورو محافظت کند. به نظر می رسد که ایران ستون فقرات این نیروی نظامی چند جانبه است که هم از طریق هوایی و هم دریایی با این کشور ارتباط دارد. و این امر سبب می شود که شراکت راهبردی با نظام مادورو موفق ترین سرمایه گذاری ایران در خارج از خاورمیانه باشد^(۱۱)

در سال مالی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ بیشترین حجم صادرات ایران به آمریکای لاتین به ونزوئلا صورت گرفت که ارزش این صادرات به ۱۱۸ میلیون دلار آمریکایی رسید. در مقابل، ارزش واردات ایران از ونزوئلا نیز به ۸۱۶ هزار دلار آمریکایی رسید. این ارقام نشان می دهد که حجم تجارت دوجانبه میان طرفین نسبت به یک سال قبل از آن، به میزان ۲۰۰ درصد افزایش

داشته است^(۱۲). داده های شرکتهای کامودیتی اینتلیجنس و کیپلر حاکی از آن است که ایران تا ژانویه ۲۰۲۳ میزان ۲۸ میلیون بشکه گاز فشرده به ونزوئلا فرستاده است^(۱۳)

هرچند که این شرکتهای تجاری و نظامی، تحریمهای آمریکایی و بین المللی علیه ایران را به دنبال داشت، اما به شرکتهای مرتبط با سپاه پاسداران فرصت داد تا علی رغم تحریمها، حضور خود را در خارج از مرزهای ایران تثبیت کنند. به عنوان مثال، شرکت صنایع شیمیایی پارچین در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت به عنوان یک نهادی که در توسعه سلاحهای هسته ای ایران نقش دارد، معرفی شد. و شرکت ایرانی هوایی قدس Qods Aviation اکنون در جوار پایگاه هوایی ال لیبرتادور در ماراکای در استان آراگوا ونزوئلا به آموزش ارتش ونزوئلا و آموزش در زمینه مونتاز پهپاد فعالیت دارد^(۱۴)

و تاکنون ونزوئلا تنها کشوری است که پهپادهای رزمی را در اختیار دارد. در ماه مارس ۲۰۲۱ نیروهای مسلح ونزوئلا با استفاده از این پهپادها، مقر شورشیان نیروهای مسلح انقلابی کلوبیایی در استان ابوری هم مرز با کلمبیا را بمباران کرد.

هرچند که مقامات ونزوئلا هرگز استفاده از پهپادهای جنگی را در این واقعه تأیید نکرده اند اما چند ماه بعد از این ماجرا و در یک رژه نظامی دولت مادورو از پهپادهای تهاجمی رونمایی کرد.

در این رژه نظامی از چندین نوع پهپاد ارتش ونزوئلا رونمایی شد که مراحل طراحی و ساخت آنها در داخل ونزوئلا صورت گرفته است که در اینجا به آنها اشاره می کنیم

- آنتونیو خوزه دو سوکره ۱۰۰ (ANSU ۱۰۰)، با توانایی در زمینه های رصد، شناسایی و حمله با قابلیت ضد تانک و ضد نفر.

- آنتونیو خوزه دو سوکره (200 ANSU)، با قابلیت رادارگریزی، رصد دقیق، شناسایی و تهاجم که توانایی تخریب پدافند هوایی دشمن را دارد. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که پهپاد (100 ANSU) در واقع، نسخه پیشرفته‌ای از پهپاد مهاجر- 2 است که ونزوئلا توانست در سال 2007 در زمان چاوز بر اساس یک توافقنامه با ایران تعداد 12 فروند پهپاد را مونتاژ کند. در سال 2010 تصاویر ماهواره‌های آمریکایی از خط تولید پهپاد مهاجر- 2 در درون شرکت تولید اسلحه و مهمات ونزوئلا (Cavim) پرده برداشت. در ژوئن 2012، چاوز در یک برنامه تلویزیونی برای اولین بار از پهپادهای مهاجر 2 رونمایی کرد که تمامی کادر فنی این پروژه در ایران آموزش دیده بودند

در سال 2020 مادورو در یک سخنرانی تلویزیونی گفت که ونزوئلا پهپادهای رزمی چند منظوره تولید خواهد کرد. او گفت که در ساخت بدنه این تجهیزات از آلومینیوم ونزوئلایی استفاده می‌شود و این تجهیزات با هدف صادرات تولید می‌شود⁽¹⁵⁾

از سوی دیگر، در جریان تنش مرزی میان ونزوئلا و گویان بر سر منطقه مورد مناقشه اسکیبو⁽¹⁶⁾ در 28 دسامبر 2023، مشخص شد که ونزوئلا شناورهای جنگی ساخت ایران موسوم به شناور ذوالفقار را در اختیار دارد. این شناورهای گشت زنی تندروری هستند که سرعت آنها به 52 نات در ساعت می‌رسد.

با اینکه رؤسای جمهور ونزوئلا و گویان در اواسط دسامبر 2023 از توافق خود مبنی بر عدم به کارگیری زور علیه یکدیگر خبر دادند، اما مادورو در 28 همان ماه با برگزاری رزمایش نظامی حدود 5600 سرباز را به منطقه اسکیبو اعزام کرد و این اقدام را پاسخی به رفتار تحریک آمیز انگلیس خواند که کشتی جنگی اچ ام اس ترند را به گویان فرستاده است⁽¹⁷⁾

دو. بولیوی

پایان تحریم تسلیحاتی تهران در اکتبر ۲۰۲۰ با بازگشت اوو مورالس رئیس جمهور سوسیالیستی پیشین بولیوی از تبعید به کشور خود، همزمان شد. او به نمایندگی از لویس آر سه رئیس جمهور سوسیالیست کنونی برای امضای توافقنامه دفاعی کنونی میان تهران و لاپاز با مقامات ایرانی در کاراکاس دیدار کرد^(۱۸)

مورالس یک سوسیالیست و شدیداً ضد آمریکایی بود به گونه ای که خود را "کابوس واشنگتن" خوانده بود. او در جریان اولین سفر خود به تهران در سال ۲۰۰۸، ایران و بولیوی را دو کشور دوست و انقلابی خواند که با سلطه آمریکا مخالف هستند. در دوران مورالس، بولیوی در محافل بین المللی آشکارا از ایران حمایت می کرد. رویکرد لاپاز در سازمان ملل برای دو دهه این بود که یا از قطعنامه های سالانه علیه ایران حمایت می کرد و یا به آن رأی ممتنع می داد، اما از سال ۲۰۰۹ این رویکرد را تغییر داد و با تمامی قطعنامه های ضد ایرانی مخالفت کرد. از سال ۲۰۱۰ بولیوی از برنامه هسته ای ایران نیز حمایت کرد. اما در فاصله سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ که جنین آنیز رئیس جمهور راستگرای طرفدار ایالات متحده به جای مورالس به قدرت رسید و سفارت بولیوی در ایران را بست، روابط دو کشور به سردی گرایید. اما با به قدرت رسیدن لویس آر سه رئیس جمهور سوسیالیست روابط دو کشور به سرعت بهبود یافت. در سال ۲۰۲۳ تهران و لاپاز شراکت خود را تقویت کرده و توافقنامه دفاعی مشترک امضا کردند^(۱۹)

در ۲۰ جولای ۲۰۲۳، وزرای دفاع ایران و بولیوی در خصوص همکاری در زمینه های مشترک یادداشت تفاهمی امضا کردند. نظر به اینکه طرفین محتوای این یادداشت تفاهم را علنی نکرده اند، تمامی اظهار نظرها و یا انتقادهایی که در مورد آن شده، از روی حدس و گمان صورت گرفته است.

امضای یادداشت تفاهم بیش از همه، نارضایتی ایالات متحده و اسرائیل را به دنبال داشت. البته در بین کشورهای منطقه، کشور آرژانتین از این امر ابراز نارضایتی کرد. در زمان امضای این یادداشت تفاهم میان ایران و بولیوی، جریان راستگرا در آرژانتین که هنوز قدرت را در اختیار نگرفته بود، همچنان در جایگاه اپوزیسیون قرار داشت. از این رو، جریان راستگرایی آرژانتین این توافقنامه را "توهین و تجاوز به آرژانتین" خواند و از دولت بوئنوس آیرس خواست ضمن محکومیت این توافقنامه خواهان لغو آن شود. علت چنین موضعی را می توان در دشمنی سرسختانه جریان راستگرایی آرژانتین با ایران جستجو کرد که در چندین مورد دولتهای پرونیستی (چپگرایی آرژانتین) را به ائتلاف و یا همدستی با ایران متهم می کردند. و عملاً دولت چپگرایی وقت آرژانتین از بولیوی خواست که در مورد دامنه و میزان این قرار داد توضیحاتی ارائه کند^(۲۰).

یک هفته بعد از امضای توافقنامه کلی میان دو کشور، ادموند نویو وزیر دفاع بولیوی اظهار داشت بر اساس این توافقنامه، دسترسی بولیوی به تجهیزات پهپادی و شناورها ممکن می گردد که برای رصد مرزها، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و محافظت در برابر حملات سایبری و استفاده از فناوری ژئوماتیک کاربرد دارند. اما وی به جزئیاتی در این باره اشاره ای نکرد.

وزیر دفاع بولیوی گفت که تردیدها و نگرانیهای ایالات متحده و آرژانتین در مورد این توافقنامه ناشی از انبوه اطلاعات نادرست است؛ زیرا بولیوی از این امکانات نه برای تهاجم به همسایگان و یا هر هدف دیگری بلکه در درجه اول برای تأمین امنیت مرزی و مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر استفاده می کند؛ مخصوصاً که ایران تجهیزات پیشرفته ای را به بولیوی پیشنهاد داده است که برای کوههای صعب العبور و با ماهیت جغرافیای بولیوی سازگار باشد. نوبیلو همچنین افزود: ایرانی ها یک

نمونه پهپاد را به ما پیشنهاد کردند که از ارتفاع بالا نیز می تواند مرزها را رصد کرد. وی همچنین گفت که کشورش تلاش دارد برای مأموریت‌های گشت زنی در آب‌های کشور برای مبارزه با قاچاق و تجارت مواد مخدر، از فناوری پیشرفته ایران مانند شناورها و تجهیزات دریا نوردی استفاده کند. وی همچنین گفت که کشورش تمایل دارد در زمینه ترمیم و نگهداری هواپیماها و بالگردهای بولیوی با ایران قرارداد امضا کند؛ چرا که خود ما این فناوری را در اختیار نداریم.

از سویی دیگر، کارلوس سانشز بیرازین وزیر پیشین بولیوی این توافق را یک خیانت بزرگ در حق کشور خواند؛ چرا که به گفته او بولیوی در مقابل این تجهیزات جنگی معدن لیتیوم کشور را در اختیار ایران قرار می دهد^(۲۱)

در مقابل، نوبیلو در پاسخ به همه این انتقادات و نگرانیهای داخلی، منطقه ای و بین المللی گفت که: " این توافق در چارچوب تلاشهایی برای مقابله با عقب ماندگی علمی و فناوری صورت می گیرد و به هیچ عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه به شمار نمی رود"^(۲۲).

دو روز بعد از اظهارات نوبیلو، جان کیربی سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا در یک مصاحبه ای گفت: " اداره بایدن نگران است که مبادا صدور فناوری ایرانی ثبات منطقه را برهم بزند"^(۲۳).

سه. برزیل

بعد از آنکه لوئیس ایناسیو لولا دا سیلوا بر کرسی ریاست جمهوری برزیل تکیه زد، این کشور به دو ناو جنگی ایرانی یعنی ناوبندر مکران، و ناوبندر دنا اجازه داد که در فاصله ۲۳ تا ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳ در بندر ریو دو ژانیرو لنگر اندازند. ناوبندر مکران در واقع یک نفتکش قدیمی است که بعد از بازسازی به یک پایگاه دریایی شناسایی بدل شده است این ناو، بزرگترین کشتی در ناوگان دریایی ایران به شمار می رود. این ناوبندر

در سفر دریایی به جنوب اقیانوس اطلس در سال ۲۰۲۱ شرکت داشت که پس از آن راه شمال را در پیش گرفت و به سوی دریای بالتیک به سوی سن پترزبرگ روسیه رهسپار شد. دومین کشتی، دنا نام دارد. دنا یک شناور جنگی از کلاس موج و مجهز به سامانه های سلاحهای پیشرفته ای مانند موشکهای ضد کشتی و توپخانه های دریایی و پرتابگر اژدر است. هر دو کشتی بخشی از ناوگان دریایی واحد ۸۶ نیروی دریایی ایران است.

این دو کشتی در نزدیکی آبهای ساحلی شیلی و قبل از ورود به آبراه دریک رصد شدند. گذرگاه دریک بخش جنوب شرقی اقیانوس آرام را با بخش جنوب غربی اقیانوس اطلس در نزدیکی قاره قطب جنوب پیوند می دهد. گفته می شود که شیلی مانع ورود ناوگان دریایی ایران به آبهای منطقه ای شده است. آبراه دریک تنها کانال ارتباطی میان اقیانوسها در نیمکره غربی است که از آبهای منطقه ای مستقل نمی گذرد. این دو کشتی ایرانی در فاصله ۲۳ تا ۳۰ ژانویه در بندر ریو دی ژانیرو لنگر انداختند. سپس کشتی های جنگی ایرانی که در جنوب اقیانوس اطلس حرکت می کردند، در اوایل فوریه و هنگامی که به منطقه انحصاری اقتصادی آرژانتین نزدیک می شدند و در فاصله ۲۰۱ مایل دریایی، ناپدید شدند. اما چند روز بعد در نزدیکی آبهای منطقه ای اروگوئه ظاهر شدند. برخی تحلیلگران آمریکایی بر این باورند که میان چین و ایران در مورد تردد کشتیهای جنگی ایرانی در آبهای اقیانوس اطلس و نزدیکی بنادر و سواحل آمریکای جنوبی، هماهنگی صورت گرفته است. بر اساس داده های سازمانهای دریایی که صید غیر قانونی را رصد می کنند، ۴۳۳ کشتی چینی در نزدیکی ۲۰۱ مایل دریایی آرژانتین شناسایی شده اند. و از ژانویه ۲۰۱۸، حدود ۷۰۰ هزار ساعت فعالیت مخفیانه مجموعه کشتیهای ماهیگیری چینی در منطقه انحصاری اقتصادی آرژانتین گزارش شده

است. تحلیلگران آمریکایی بر این باورند که این حجم از کشتیهای چینی پوششی برای کشتیهای جنگی ایرانی فراهم کرده است تا قبل از ورود به آبهای منطقه ای برزلی، فعالیت خود را مخفی کند^(۲۴).

احتمالاً رویکرد دولت دا سیلوا که بیشتر به کشورهای جنوب و به استقلال از ایالات متحده تمایل دارد و همچنین تجربه دولت پیشین او در زمینه رابطه با ایران، موجب پیشرفت همکاری با ایران شود. و در حالیکه پرنده های بی سرنشین ایرانی در کشورهای اتحادیه بولیواری حضور دارند، احتمالاً این مسأله نظر مساعد دولت برزیل را جلب کند و زمینه همکاری با ایران را در حوزه پهپادی فراهم سازد.

سوم: منافع ایران و کشورهای آمریکای لاتین از توسعه ائتلافهای نظامی
ابراهیم رئیسی رئیس جمهور وقت ایران در جریان سفر به کاراکس در سال ۲۰۲۳ در مصاحبه با رسانه های ونزوئلا دیدگاه و انگیزه های خود در مورد رابطه ایران با آمریکای لاتین را بیان کرد. او صحبت های خود را در این جمله خلاصه کرد که آمریکای لاتین یک عنصر مهمی در رأس کشورهای است که می خواهند زندگی مستقل و به دور از سلطه آمریکا داشته باشند. وی همچنین افزود: «همکاری ایران با کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای دیگر در جنوب جهانی، می تواند گام مؤثری در تغییر نظام ژئوپلیتیک جهانی به نفع کشورهای باشد که اراده مستقل دارند». همچنین وی، تحریمهای اقتصادی آمریکا را به حمله نظامی به کشورها تشبیه کرد و گفت که کشورهای که تحت این تحریمها قرار دارند، می توانند با تقویت روابط و همکاری میان یکدیگر این تحریمها را خنثی کنند و یا از شدت تأثیر این تحریمها بکاهند».

از این رو، کاملاً طبیعی است که کشورهای اتحادیه بولیواری آمریکای لاتین مانند کوبا، نیکاراگوئه، بولیوی، ونزوئلا که روابط آنها با واشنگتن تنش آلود است، به تقویت روابط با ایران تمایل نشان دهند. نقطه

اشتراک آنها با ایران تنها به رویکرد ضد آمریکایی آنها خلاصه نمی شود بلکه همه آنها عملاً تحت تحریمهای آمریکا قرار دارند و یا مانند بولیوی احتمال تحریم شدن آن وجود دارد^(۲۵)

در چارچوب این رویکرد روشن در سیاست خارجی نظام ایران و دولتهای چپگرای لاتین و در رأس آنها کشورهای ائتلاف بولیواری، همکاری نظامی میان نظام ایران و برخی از کشورهای لاتینی و حتی افزایش این روند همکاری - همانطور که در این پژوهش بیان شد - کاملاً قابل درک است. از این رو، همکاری طرفین در انتقال تولیدات و فناوری صنعت پهبادی ایران به متحدان خود در آمریکای لاتین، برای هر دو طرف منافی به ارمنان دارد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم

یک. منافع ایران:

در ابتدا، پر واضح است که سیاست ایران در تولید و صادرات پهباد با هدف کسب دستاوردهای اقتصادی صورت می گیرد و درآمدهای زیادی نصیب ایران می شود. هزینه یک فروند پهباد شاهد ۱۳۶ بین ۲۰ هزار تا ۴۰ هزار دلار برآورد شده است. حال، با توجه به برخی گزارشها مبنی بر اینکه ایران تنها به روسیه ۲۰۰۰ پهباد فروخته است، می توان حدس زد که این قراردادهای، میلیونها دلار نصیب ایران می سازد^(۲۶)

از سویی دیگر، ایران در لیست کشورهای قرار دارد که در صنعت پهبادی و ساخت کلاسهای مختلف پهبادی از قدرت و توانمندی بالایی برخوردار است به گونه ای که در زمینه صادرات فناوری پهبادی به کشورهای مختلف با کشورهای غربی و اسرائیل نیز رقابت می کند. به عنوان نمونه، بر اساس ارزیابی های مؤسسه بین المللی مطالعات صلح استکلهم در فاصله سالهای ۱۹۸۵ و ۲۰۱۴ اسرائیل با داشتن ۵۰ کارگزار در آفریقا، آسیا، اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی ۶۰ درصد صادرات پهبادی در جهان را به خود اختصاص داده است^(۲۷). اما اکنون که روسیه بعد از

سال ۲۰۲۲ در جنگ علیه اوکراین به پهپادهای ایرانی تکیه دارد، وضعیت بسی متفاوت از گذشته است

علاوه بر آن، فروش و یا ارسال پهپادهای ایرانی به برخی کشورها و گروههای مورد حمایت ایران در راستای منافع سیاست خارجی ایران و برنامه سیاسی منطقه ای و بین المللی آن صورت می گیرد. اما در مورد ایران، صنعت پهپادی و تسلیحات بومی ایرانی نه تنها یک منبع سودآور اقتصادی است بلکه ایران با استفاده از این امکانات، در ایجاد و تقویت آنچه "محور مقاومت" علیه ایالات متحده و غرب و اسرائیل می خواند، بهره می گیرد^(۲۸)

علاوه بر آن، فروش پهپادهای ایرانی به کشورهای مختلف جهان می تواند جای خالی فناوری غربی و اسرائیلی را پر کند و بدین سان ایران می تواند انزوای ناشی از تحریمهای اقتصادی را بشکند همچنین رسیدن فناوری نظامی ایران به نزدیکترین منطقه جغرافیایی به ایالات متحده آمریکا به مدیریت کشمکش با ایالات متحده کمک می کند.

دو. منافع کشورهای لاتین

کشورهای چپگرای امریکای لاتین برای شکستن انزوای ناشی از تحریمهای ایالات متحده و کاهش حجم و شدت آثار تحریمها، به تعمیق روابط تجاری و نظامی با ایران روی می آورند.

با توجه به اوضاع نابسامان اقتصادی کشورهای بولیواری که ناشی از سوء مدیریت پرونده های سیاسی و اقتصادی و دشمنی با ایالات متحده است و همچنین تلاشهای پیاپی ایالات متحده برای سرنگونی نظامهای چپگرای این کشورها، تنها گزینه این کشورها این است که برای کاهش شدت پیامدهای نابسامانی اقتصادی خود از کشورهای رقیب و دشمن ایالات متحده مانند روسیه، ایران و کشورهای بزرگی که آمریکا بر آن

سلطه ندارد، مدد گیرند.

همچنین، کشورهای اتحادیه بولیواری به خاطر اوضاع نابسامان داخلی، قادر به توسعه و بهسازی تجهیزات و امکانات فنی پیشرفته در حوزه های نظامی، صنعت و معدن نیستند. از این رو، آنان تلاش می کنند نیازهای خود را به فناوری پیشرفته و نیز نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده برای توسعه حوزه های مختلف و از جمله در حوزه نفت از ایران تأمین کنند. به عنوان نمونه، ونزوئلا علی رغم اینکه بیشترین ذخایر نفت در جهان را در اختیار دارد، اما در زمینه حفاری، استخراج و پالایش نفت با مشکل روبرو است و با کمبود نیروهای متخصص در این زمینه دست و پنجه نرم می کند. از سویی دیگر، استفاده از فناوری پهپادی در عملیات شناسایی و رصد مرزی و همچنین تعقیب و مبارزه با باندهای تبهکار سازمان یافته فرامرزی یک ضرورت است. گفتنی است که کارتل های مواد مخدر اکنون به یک چالش واقعی برای کشورهای آمریکای لاتین بدل شده است

و نکته آخر اینکه، مبادلات کشورهای چپگرای آمریکای لاتین - چه مبادلات صرفا تجاری باشد و یا همکاریهای نظامی را نیز شامل شود - با ایران بسی آسانتر از مبادلات با کشورهای غربی است. زیرا مبادلات با ایران هم ارزانتر تمام می شود و هم با توجه به اینکه طرفین تحت تحریمهای آمریکا قرار دارند، امکان معاملات پایاپای با ایران فراهم است و می تواند بهای کالاهای ایرانی را به جای دلار با فلزات گرانبها پرداخت نماید.

چهارم: دسترسی گسترده کشورهای آمریکای لاتین به فناوری پهپادی ایران چه پیامدهای منطقه ای و بین المللی به دنبال خواهد داشت؟
پر واضح است که در طول بیش از دو دهه، جریانهای چپگرای آمریکای لاتین و برخی از کشورهای ضد آمریکایی و در رأس آنها ایران و روسیه،

در آمریکای لاتین منافع مشترکی داشته اند. این امر، همکاری در حوزه هایی چون مبادلات تجاری، سرمایه گذاری، هماهنگی سیاسی در محافل بین المللی، اعلام موضع در سازمان ملل، و همچنین همکاری در زمینه های فرهنگی، اطلاعاتی و نظامی را به دنبال داشته است. این همکاری در دوره های متفاوت بسته به اینکه دولت چپگرا باشد یا راستگرا، گاهی آشکار و گاهی پنهان و گاهی مستحکم و گاهی نیز کم رنگ بوده است. اما آنچه مسلم است سیاست خارجی ایران بر دنبال کردن دیپلماسی فعال، مداوم و پایدار جهت تقویت و تعمیق حضور خود در نیمکره غربی جهان تأکید دارد و کشورهای چون کوبا، ونزوئلا، بولیوی و نیکاراگوئه بازیگران اصلی در این حوزه هستند. زیرا این کشورها که برای چندین سال تحت تسلط جریانهای چپگرا بوده اند به یک الگوی ثابت و پایداری در رابطه با ایران دست یافته اند که بر پایه همکاری و کمک در مقابله با سیاستهای آمریکا در قبال این کشورها و ایران استوار است.

این در حالیست که رابطه ایران با کشورهای چون برزیل، آرژانتین و شیلی با توجه به دولتی که در این کشورها روی کار می آید، حائلی از شدت و ضعف را تجربه می کند. از سال ۲۰۰۳ و در طول دو دوره ریاست جمهوری لولا داسیلوا، برزیل از ایران و پرونده هسته ای آن حمایت می کرد. اما در فاصله سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ که بولسونارو راستگرای افراطی قدرت را به دست گرفت، وضعیت به گونه ای کاملاً متفاوت رقم خورد. همین مسأله در مورد آرژانتین و دولتهای چپگرای کریشنرز و دولت راستگرای ماکری مخصوصاً در مورد اتهام ایران و افرادی از دولت ایران و سپاه پاسداران به دست داشتن در انفجار انجمن یهودی آمیا AMIA در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴ نیز صدق می کند

برخی از تحلیلگران که حضور و نفوذ ایران را تهدیدی برای منافع آمریکا می دانند، نسبت به این مسأله هشدار می دهند که در مرحله پیش رو،

شبکه بنادر چینی در قاره های آمریکای جنوبی و قاره آمریکای مرکزی نگران کننده خواهد بود؛ زیرا چین اقدام به احداث ۴۰ بندر کرده است که بیشتر آنها در اقیانوس آرام قرار دارند. به باور این تحلیلگران، این بنادر صرفاً به جریان تجارت در آبراه ها منجر نمی شود بلکه زمینه ر برای تحرکات نظامی مخفیانه ایران فراهم می سازد

در ۸ سپتامبر ۲۰۲۳، نیکولاس مادورو با سفر به پکن با شی جین پینگ همتای چینی خود دیدار کرد. در جریان این سفر که یک هفته به طول انجامید طرفین یک سند "ائتلاف راهبردی علیه تمام سختی ها" امضا کردند. در عین حال، شی جین پینگ بر حمایت از کاراکاس برای پاسداری از استقلال خود، تأکید کرد^(۲۹)

قبلاً گفتیم که آرژانتین در خصوص دسترسی بولیوی به پهپادهای ایرانی ابراز نگرانی کرده بود و ایالات متحده نیز نسبت به این مسأله و نیز به خاطر اینکه ونزوئلا عملاً پهپادهای ایرانی در اختیار دارد، ابراز نگرانی کرد. شایان ذکر است که آرژانتین نیز به داشتن ناوگان پهپادی تمایل نشان داد اما برای این منظور به سراغ اسرائیل رفت. در ۲۷ دسامبر ۲۰۲۲، آرژانتین و اسرائیل قراردادی در مورد پهپادهای اسرائیلی Hero-۱۲۰ و Hero-۳۰ به امضا رساندند. بنابراین آرژانتین اولین کشور آمریکای لاتین است که این کلاس پهپادها را در اختیار دارد^(۳۰)

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می رسد که احتمالاً آمریکای لاتین به میدان نبرد ایران و آمریکا و به میدانی برای رقابت میان چین و آمریکا بدل شود. و احتمال خطرناک تر این است که نسخه تازه ای از جنگ تاریخی در خاورمیانه، در آمریکای لاتین شعله ور شود. و اهتمام زیاد دولت و نهادهای آکادمی و تحقیقاتی اسرائیل در مورد افزایش نفوذ ایران در منطقه آمریکای لاتین بهترین گواه این مدعا است.

به طور کل، پر واضح است که در سالهای اخیر روند تولید و فروش

پهپادهای ایرانی سرعت گرفته است و نگاه به آمریکای لاتین بخشی از سیاست بزرگتر ایران است. در اوایل سال ۲۰۲۴، چندین هزار پهپاد پیشرفته با قابلیت‌های رصد، شناسایی و رزمی، در تأسیسات نظامی ایران تولید شدند. این پهپادها که علاوه بر برخی کشورها به گروه‌های شبه نظامی یعنی بازیگران غیر دولتی فروخته و یا ارسال شدند، در چندین جنگ مشارکت کردند. به عنوان مثال، در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ با همین پهپادهای ایرانی به پایگاه آمریکایی البرج ۲۲ واقع در مناطق مرزی عراق و سوریه حمله شد که به کشته شدن سه سرباز آمریکایی و مجروح شدن ۴۰ تن دیگر انجامید. همچنین در ژانویه ۲۰۲۴، حوثی‌های یمن ۱۸ فروند پهپاد ایرانی را به سوی کشتیها در دریای سرخ شلیک کردند. پیش از آن، شبه نظامیان مورد حمایت ایران در سال ۲۰۲۱ در حمله علیه اهداف نظامی و دیپلماتیک آمریکا در عراق و سوریه از پهپادهای ایرانی استفاده کردند. در طی سالهای ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، حدود ۲۰ درصد حملات شبه نظامیان مورد حمایت ایران با استفاده از تجهیزات پهپادی صورت گرفت. همچنین ایران از ابتدای سال ۲۰۲۲، صدها فروند پهپاد در اختیار روسیه قرار داده است^(۳۱)

برآیند

به طور خلاصه می توان گفت که پرنده های بی سرنشین ایران در هر درگیری مسلحانه کنونی، یک تهدید جدی به شمار می رود؛ زیرا علاوه بر هزینه اندک و امکان دسترسی به طیف گسترده و پر تعداد آنها، از طریق استفاده از مسیرهای پر پیچ و خم امکان انکار کشور مبدا نیز وجود دارد. به طور کل، پراکندگی بی ضابطه پهپادهای نظامی یک تهدید فرامرزی است که در تغییر شکل و روند درگیریها در مناطق مختلف جهان یک عامل مهم و تعیین کننده به شمار می رود. بدون شک، ایران در زمینه فناوری و تولید موشکهای بالستیک و پهپاد به پیشرفتهای چشمگیری دست

یافته است. امتیاز بزرگ پهپادهای ایرانی این است که در جنگ روسیه و اوکراین عملاً آزمون خود را پس دادند و کشور سازنده آن توانست با تحلیل عملکرد این پهپادها و یافتن نقاط ضعف آنها در میدان جنگ، نسخه های پیشرفته تر آن را نیز تولید کند. وانگهی، حجم هماهنگی و همکاری میان ایران و روسیه در این زمینه را نیز نباید از نظر دور داشت که اکنون پهپادهای ایرانی در کارخانه هایی در داخل روسیه و بلاروس تولید می شوند. نکته دیگر، میزان هماهنگی میان ایران و چین است که محموله های صنایع نظامی ایران را به عنوان محموله های تجاری پوشش می دهند. همه این موارد می توانند ایران را در روند جنگهای کنونی و آینده -نه تنها در خاورمیانه بلکه در نقاط مختلف جهان و از جمله در آمریکای لاتین- به یک عامل تعیین کننده تبدیل کنند.

پی نوشت ها

- (1) Natasha Turak, "Iran's drones could reach a new South American market as Bolivia expresses interest", CNBC, (31-07-202), accessed March 22, 2024, <https://2u.pw/MQrEp8XCl>
- (2) Mona Hojat Ansari, "Why the West is worried about the growing use of Iranian weapons", Tehran Times, (03-02-2024), accessed March 22, 2024, <https://2u.pw/bP9coCn5>
- (3) Michael Lipin, "Why Iranian Drones Are Appealing to Belarus, Bolivia", VOA, (12-08-2022), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/OKSg>
- (4) Ata Şahit, "What role would Iranian drones play in any regional crisis?", TRT World, (February 2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/UDPA>
- (5) Emanuel Fabian, "Gallant says Iran in talks with 50 countries to sell missiles and drones", Times of Israel, (17-02-2023), accessed March 21, 2024, <https://2h.ae/nlBJ>
- (6) Danny Citrinowicz, "Iran is on its way to replacing Russia as a leading arms exporter. The US needs a strategy to counter this trend.", Atlantic Council, (02-02-2024), accessed March 20, 2024, <https://2h.ae/juVk>
- (7) Dan Sabbagh, "Deadly, cheap and widespread: how Iran-supplied drones are changing the nature of warfare", The Guardian, (02-02-2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/zDMY>
- (8) Ardalan Mohammadzadeh, "Iranian drones; now in the Western Hemisphere", Tehran Times, (09-09-2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/STZd>
- (9) رنگ سرخ به جریان چپ‌گرای آمریکای لاتین اطلاق می شود.
- (10) Sabina Nicholls, "Iran's Stealthy Steps in the Region: Latin America under Threat – PART I", Diálogo Americas, (07-02-2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/ttHW>
- (11) JOSEPH HUMIRE, "Iran and Venezuela: A Strategic Partnership", Dialogo Americas, (10-06-2021), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/uheV>
- (12) Andrew Lumzden, "Media Guide: Iran in Latin America", American Iranian Council, (27-01-2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/xJPP>
- (13) Umud Shokri, "Iran Nurtures Ambitions For The Venezuelan Oil Market", (16-04-2015), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/UhDZ>
- (14) JOSEPH HUMIRE, "Iran and Venezuela: A Strategic Partnership", Dialogo Americas, (10-06-2021), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/uheV>
- (15) Ángel Bermúdez, "Cómo Venezuela se convirtió con la ayuda de Irán en el "único país latinoamericano que cuenta con drones armados"", BBC News Mundo, (30-11-2022), accessed March 17, 2024, <https://2h.ae/lGDo>
- (16) اسیکیبو منطقه ای به مساحت 160 هزار کیلومتر مربع و بخشی از کشور گویان همسایه ونزوئلا است. این منطقه که سرشار از نفت و منابع طبیعی است، یک سوم کل مساحت کشور گویان را به خود اختصاص داده است. و حدود یک پنجم جمعیت گویان در این منطقه مورد مناقشه زندگی می کنند. بعد از آنکه ونزوئلا

در 3 دسامبر 2023 برای ضمیمه کردن این منطقه به خاک خود، همه پرسی برگزار کرد، اوضاع وخیم تر شد. مادورو همچنین به شرکت دولتی نفت دستور داد تا مجوزهایی صادر کند که ونزویلا بتواند از منابع منطقه مورد مناقشه بهره داری کند.

(17) Alijani Ershad, "Venezuela's Zolfaghar boats are just the latest military equipment provided by Iran", France24, (10-01-2024), accessed March 19, 2024, <https://2h.ae/jnOl>

(18)- Joseph Humire, "Iran's Weapons Now Reach the Western Hemisphere", The Heritage Foundation, (17-08-2022), accessed March 15, 2024, <https://2h.ae/LrKy>

(19) Andrew Lumzden, "Media Guide: Iran in Latin America", American Iranian Council, (27-01-2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/xJPP>

(20) Eldar Mamedov, "Fresh Hysteria Over Detail-Less Bolivia-Iran Security Deal", Responsible Statecraft, (01-08- 2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/HPtu>

(21) Luis Marcelo Tedesqui Vargas, "Novillo dice que acuerdo con Irán incluye drones, lanchas y "protección cibernética", EDICIÓN IMPRESA,(26-07-2023)), accessed March 12, 2024, <https://2h.ae/yhuF>

(22) Edwin Condori, "Ministro boliviano cree que hay "show político" en Argentina tras polémica por su viaje a Irán", El Deber, (25-07-2023), accessed March 12, 2024, <https://2h.ae/hjXj>

(23) Natasha Turak, "Iran's drones could reach a new South American market as Bolivia expresses interest", CNBC, (31-07-2023), accessed March 20, 2024, <https://2h.ae/hmqw>

(24) SFS Team, "VRIC MONITOR NO. 29 | LATIN AMERICA BETWEEN WAR AND PEACE", SFS, (03-03- 2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/SlIp>

(25) AIC Senior , "Media Guide: Iran in Latin America", (27-01-2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/xJPP>

(26) Danny Citrinowicz, "Iran is on its way to replacing Russia as a leading arms exporter. The US needs a strategy to counter this trend", (02-02-2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/juVk>

(27) Garrett Nada, "Explainer: Iran's Drone Exports Worldwide", (12-06-2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/bfbT>

(28) Natasha Turak, "Iran's drones could reach a new South American market as Bolivia expresses interest", CNBC, (31-07-2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/hmqw>

(29) SABINA NICHOLLS, "Iran's Stealthy Steps in the Region: Latin America under Threat – PART II", Diálogo Americas, (23-02-2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/FhTa>

(30) Paul Iddon, "Iran And Israel Are Selling South America Drones. Could Others Soon Follow?", Forbes, (28-07-2023), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/FFeN>

(31) Iran primer, Roster of Iran's Drones, (02-02-2024), accessed March 22, 2024, <https://2h.ae/fYUc>

فلسفه و سیاست در ایران معاصر

دکتر محمد السید الصیاد

پژوهشگر موسسه بین المللی مطالعات ایران (رسانه)

چکیده

پژوهش حاضر با موضوع فلسفه و سیاست در ایران معاصر، به دنبال شناسایی تأثیر فلسفه بر سیاست است تا چند و چون تئوری پردازی نخبگان دینی حاکم در مورد شکل حکومتداری و اداره کشور را زیر ذره بین ببرد و نقش اندیشه و فلسفه در تحکیم پایه حاکمیت - که از لشکر و نهادها نیز مهمتر است - را مورد بررسی قرار دهد. مهمترین هدف این پژوهش ارائه یک درک درست از موضوع مورد بحث است. یعنی فهم ماهیت حکومت معاصر ایران، و درک نقاط قوت و ضعف تئوری پردازی، بررسی تئوری حکومت و نقدهایی که بر آن شده است. در نتیجه، این پژوهش در صدد است به چندین سؤال در مورد نقش مباحث فلسفی در تئوری پردازی سیاسی، فرجام مباحث فلسفی و فلسفه اصلاح طلبان در مقابل فلسفه ولایتمداران پاسخ دهد.

کلید واژگان:

فلسفه، ایران، ملا صدرا، طباطبایی، خمینی، شریعتی، سروش، حکمت متعالیه، غزالی

مباحث فلسفی در ایران از سیاست ورزی و ایجاد الگوها و رهیافتهای خوانشهای مختلف دینی فاصله بسیار نداشت و فلسفه برای تقویت جایگاه نخبگان سیاسی به خدمت گرفته شده بود. جنجالهایی که از سال ۱۹۷۹ میلادی تا کنون محافل دینی و سیاسی جریان دارد، قبل از هر چیزی یک بحث فلسفی است و یا اینکه ناشی از اختلاف در دیدگاههای فلسفی دو جریان مخالف است. مباحث فلسفی در ایران صرفاً به بعد از انقلاب مربوط نمی شود بلکه فلسفه در سرزمین فارس قدمتی دیرینه دارد که حتی پیش از آنکه صفوی ها با تسلط بر سرزمین فارس، مذهب این سرزمین را به مذهب شیعه امامیه تبدیل کنند، و بلکه حتی قبل از اسلام نیز فلسفه فارس وجود داشته است. همانطور که رضا حکیمی بینانگذار مکتب نوین تفکیک در مورد اجزای تشکیل دهنده فلسفه صدرایی قائل است، برخی آن فلسفه ایرانی قبل از اسلام را با فلسفه های دیگر آمیخته اند.^(۱) رونق فلسفه در "سرزمین فارس" به یک جریان خاص محدود نبود بلکه مکاتب و جریانهای گوناگون فلسفی وجود داشتند که هر کدام در دوره ای رونق داشتند و در دوره ای دیگر به افول گراییدند.

لذا، در این پژوهش به تأثیر فلسفه ورزی بر سیاست ورزی یعنی تأثیر مباحث فلسفی در ایران معاصر بر فضای سیاسی به طور کل، پردازیم. پس می توان گفت که امروزه فلسفه با حکومتداری در ایران رابطه ناگسستنی دارد. نخبگان دینی عموماً پیرو آرای ملا صدرا هستند و بی تردید این فلسفه در تعیین ماهیت حکومت ایدئولوژی محور و مباحث مذهبی آن نقش داشته است. البته این بدان معنا نیست که چون خط ولایتمدار به مکتب حکمت متعالیه چنگ زده است، پس کلاً مباحث فلسفی در ایران به این مکتب خلاصه می شود.^(۲) بلکه جریانهای فلسفی مهم دیگری نیز هستند که با توسل به فلسفه ورزی و سیاست ورزی از تقابل

با جریان حکمت متعالیه، به عنوان ابزاری برای مخالفت با نظام بهره می‌گیرند. بنابراین، فلسفه‌گرایی به عنوان بخشی از صف بندی‌های سیاسی در کشور درآمده است. لذا، بررسی این پدیده و بیان اشکال و رویکردهای متفاوت و احیاناً متضاد آن یک ضرورت است.

نخست: حوزه و ماهیت فلسفه

در تمامی مذاهب، در داخل نهادهای دینی جریانهای متفاوتی هستند که برخی رهیافتهای فلسفی اصلاح طلبانه را روی دست می‌گیرند و برخی دیگر فلسفه را بدعت دانسته و با آن سرسازش ندارند. منظور از فلسفه در اینجا در کل فن فلسفه است و به فلسفه الهیات خلاصه نمی‌شود. برخی از کسانی که به فلسفه روی آوردند مانند ابو حامد غزالی از فلسفه فقط جنبه الهیات آن را زیر سؤال بردند. او کتاب "تهافت الفلاسفة" یعنی "تناقض‌گویی فیلسوفان" را تألیف کرد که ابن رشد نیز در کتاب "تهافت التهافت" به اشکالات او جواب داد. اما باید گفت که غزالی صرفاً در حوزه الهیات بر فیلسوفان ایراد می‌گیرد و می‌گوید: "و چون این رگِ کودنی را در این گمراهان در جنبش دیدم، تصمیم به تحریر این کتاب گرفتم تا ضمن رد فیلسوفان پیشین، تناقض سخنان و تضاد آرای آنها در مورد الهیات را بر ملا سازم."⁽³⁾ او ابتدا علت اختلاف با فلاسفه را به سه بخش تقسیم می‌کند. اول، آنچه نزاع در آنها تنها به لفظ مربوط است. دوم، مواردی که مذهب و روش فیلسوفان به هیچ اصلی از اصول دین صدمه نمی‌زند. سوم: مواردی است که نزاع در آن به اصلی از اصول دین مربوط می‌شود. سپس می‌گوید که در مورد اول و دوم اصلاً نباید با فیلسوفان اختلاف داشت و حتی او در مورد دوم از فیلسوفان دفاع می‌کند و می‌گوید: "هر کس بر این گمان باشد که مناظره در ابطال این امر به دین خدمت می‌کند، در واقع در حق دین جفا کرده است"⁽⁴⁾. اما بخش سوم که به اصلی از اصول دین مربوط

می شود، تنها موردی است که “ باید تباهی روش آنان بر ملا شود؛ نه موارد دیگر”⁽⁵⁾. غزالی در کتاب “مقاصد الفلاسفة” در تأیید این موضع خود می گوید که تنها هدف او، نقد فلاسفه در حوزه الهیات است⁽⁶⁾. علی رغم اینکه غزالی به فلسفه و فیلسوفان تاخته است، اما فیلسوفان قدیم ایرانی مانند ملا صدرا و فیلسوفان معاصر مانند سروش در چندین مناسبت از غزالی تمجید کرده و از او تأثیر پذیرفته اند. گویا آنها به هدف او از نقد فیلسوفان در برخی مسائل پی برده اند.

اما نزاع میان فقیهان و فیلسوفان از زمان غزالی تا کنون ادامه دارد. به عنوان مثال، در ایران فقیهان، فیلسوفان را به بدعت و کفرگویی متهم می کردند. اما وقتی درست بررسی کنیم می بینیم که این اختلافات ریشه در اختلافات سیاسی دارد و یا اینکه رد پای دستگاه سیاسی در این اختلاف دیده می شود. اما برخلاف آنچه برخی می گویند، غزالی اولین کسی نبود که به نقد فلسفه متافیزیک روی آورد باشد⁽⁷⁾. بلکه فیلسوفان پیشین و معاصر و حتی برخی از فیلسوفان غربی نیز به نقد فلسفه متافیزیک روی آورده اند. هرچند این نقدها با روشها و اهداف متفاوتی صورت گرفته است، اما اصل نقد صورت گرفته است⁽⁸⁾.

پس نمی توان ادعا کرد که غزالی ضربه کاری را بر پیکر فلسفه وارد کرد؛ زیرا فلسفه به عنوان یک فرآیند اندیشه و نظر و استدلال نمی میرد. و با یک هجوم و نقد نیز از بین نمی رود؛ وگرنه، دیگر اثری از فلسفه باقی نمی ماند. آنچه درباره غزالی گفته می شود ممکن است درباره ابن سینا هم صدق کند که برخی در انتقاد به برخی فیلسوفان آنان را ملحد و بی دین خوانده بود: “ برخی از بی دینان همان فیلسوف نما و آدمهای احمق هستند”⁽⁹⁾. به هر حال، در مورد غزالی آنچه اهمیت بیشتری دارد، فلسفه سیاسی اوست. و این جنبه به خاطر نبرد او با فیلسوفان، چندان مورد توجه قرار نگرفته و نتوانسته بر فیلسوفان بعد

از وی - چه شیعه و چه سنی - تأثیرگذار باشد. البته که فیلسوفان شیعه تحت تأثیر غزالی قرار گرفته اند تا جایی که ملا صدرا از او به عنوان "دریای بخشنده، شهره مردمان، پیشوا و حجت الاسلام" یاد می کند⁽¹⁰⁾. اینجاست که شیفتگی ملا صدرا به غزالی عیان می شود. و به نظر می رسد که ملا صدرا در تصوف غزالی سندی برای عرفان گرایمی یافته و آن را به فلسفه و کلام در آمیخته است و این همان کاری است که غزالی قبلاً انجام داده بود؛ زیرا غزالی یک متکلم، صوفی و فیلسوف است اما با این همه، اختلاف مذهبی میان این دو عمیق است. غزالی از بزرگان و بلکه مهمترین متفکر اشعری است که تفکر شیعی را به باد انتقاد می گیرند. در نتیجه، ما با یک منطقه خاکستری، مسائل نگران کننده و حیرت آوری روبرو هستیم که نیاز به پژوهش و تأمل دارد

هر فیلسوف و یا مکتب فلسفی یک گرایش سیاسی نیز دارد که باعث غنای نظریه معرفتی او می شود. فارابی اولین فیلسوف مسلمان است که آثاری در حوزه فلسفه از خود برجای گذاشت و فیلسوفان بعد از خود را تحت تأثیر قرار داد. اما او به کار حکومتداری اهتمامی نداشت و سیاست زمان خود را نیز نقد نمی کرد بلکه صرفاً به هدف نهایی انسان توجه داشت. و از این منظر، به مباحث مربوط به شهرها و قوانین مختلف پرداخت. او در تعریف "آرمان شهر می گوید که هدف از گرد هم آمدن در آن، همکاری در اموری است که خوشبختی واقعی را به دنبال دارد"⁽¹¹⁾. او فراگرفتن علوم نظری را شرط امام/ رئیس می داند و او را به پدر خانواده و یا سرپرست کودکان تشبیه می کند؛ کودکانی که خواه ناخواه باید آموزش ببینند. تأثیر این نظریه، بعدها در تفکر خمینی خود را نشان داد و او ولی فقیه را سرپرست مردم قرار داد؛ درست مانند کسی که سرپرستی کودکان را بر عهده دارد. اما ابن سینا وظیفه های امام را در نظریه تشریحی سنی خلاصه کرد. وی همچنین ویژگیهایی که

در دین اسلام برای خلیفه آمده با فضائل چهارگانه افلاطون مطابقت داد. به نظر او امام باید عقیده راستین داشته باشد و آگاه ترین مردم نسبت به شریعت باشد⁽¹²⁾. و همانطور که بیان خواهیم کرد، این افکار فلسفی، بر فیلسوفان ایرانی مانند طوسی و مکتب متعالیه تأثیر گذار بود

دوم: فیلسوف و مرد سیاسی در میراث ایران

عرفان در سرزمین فارس قدمت طولانی دارد و به موازات فلسفه ادامه حیات داده است تا جاییکه برخی آن دو را ملازم یکدیگر دانسته اند. شهاب الدین سهروردی مقتول (وفات: ۱۱۹۱ م = ۵۸۷ هـ) از اولین عرفای ایرانی است. درباره او گفته اند که تصوف را به فلسفه وارد کرد⁽¹³⁾. سهروردی فلسفه ابن سینا " فلسفه مشائی " را فرا گرفته بود و گفته شده است که او در اصفهان فلسفه آموخت. اما ماجرای کامل سفر او - که در نهایت به دمشق ختم شد - نامشخص است. همچنین او فلسفه افلاطونی را نیز فراگرفت و این دو مکتب را با هم درآمیخت و یک مکتب دیگری به نام "فلسفه اشراق" را بنیان نهاد. جان والبریج بر این باور است که ریشه های فلسفه اسلامی پساکلاسیک به سه چیز باز می گردد: ارسطویی ابن سینا، افلاطونی سهروردی و وحدت وجود ابن عربی. به باور فیلسوفان ایرانی، مسأله در اختلاف میان پیروان اول بودن جوهر "سهروردی" و پیروان اول بودن وجود "ابن عربی" به همراه دیگر فیلسوفان مشایی است⁽¹⁴⁾. برای اطلاع از مراحل اصلی کاوشهای فلسفی ایران در عصر صفویان و قبل از آن، به این موضوعات می پردازیم

یک. طوسی و سردرگمی سیاسی:

نصیر الدین طوسی (وفات: ۱۲۳۷ م = ۶۲۷ هـ.ق) پیش از روی کار آمدن صفویان و به مدت سه دهه در قلعه های نزاری اسماعیلی زیست. محققان در مورد عقیده او اختلاف نظر دارند که آیا شیعه اثنا عشری بوده است یا شیعه اسماعیلی؟ برخی بر این باورند که او شیعه دوازده

امامی بوده است اما در تمام دوره حضورش در سرزمین فارس و تحت حکومت نزاری تقیه پیشه کرده و چندین اثر در مذهب اسماعیلی تألیف کرده تا جان خود را نجات دهد. اما برخی دیگر بر این باورند که هرچند او در خانواده شیعی به دنیا آمده و نشو و نما یافته است. اما بعدها او حدود سه دهه از عمر خود را در میان اسماعیلیان در سرزمین فارس گذرانده است. او در این دوره که بیشترین تألیفات را داشته، به مذهب اسماعیلیه گراییده است⁽¹⁵⁾. او زمانی کتابهای مهم فلسفی خود از جمله "اخلاق نصیری"، "اخلاق محتشمی" و "شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا" را تألیف کرد که در میان اسماعیلیه در فارس زندگی می کرد. اما بعد از آنکه بساط حکومت نزاری توسط مغول برچیده شد و طوسی به دربار هولاکو روی آورد، به مذهب شیعه دوازده امامی بازگشت و مهمترین آثار خود در کلام امامیه مانند "قواعد العقائد" و "تجرید العقائد" را تألیف کرد. دفتری بر این باور است که طوسی از نادر کسانی است که میان فلسفه و علم کلام جمع کرده است و او اولین عالم شیعی دوازده امامی است که چنین کرده است⁽¹⁶⁾.

اما اختلاف در مورد مذهب طوسی، به مسائل شخصی و مصلحتی او ورود نکرده است. و ممکن است او از کسانی باشد که منافع و آرزوهای شخصی خود را بر مذهب و اعتقاد و اندیشه مقدم می دارد. و یا اینکه او ترجیح داده است تا برای خود فضایی تدارک ببیند و برای انجام طرح خود با همه از روی تقیه درآمدن است. لذا، می بینیم که او در قلعه های نزاری بر اساس مذهب آنان تألیف می کرد و به اعتقاد آنها ایمان داشت و اما وقتی قدرت از دست شان رفت روزگارشان به سر رسید، طوسی به سرایش در مدح اعتقاد شیعه دوازده امامی روی آورد. و ممکن است گفته شود که چه عاملی او را در مذهب اسماعیلیه و مذهب اثنا عشری قرار می دهد؛ زیرا شیعیان دوازده امامی قدرت و حکومت را

در اختیار نداشتند که طوسی به مدح آنان پردازد. جواب این است که در آن زمان شیعیان اثنا عشری فرقه ای انتظارگرا بودند و بیش از همه فرقه های شیعه، از سیاست و تدبیر امور دور بودند. اما اسماعیلیه در آن زمان دارای مملکت و دولت بودند. حکمرانی آنان پابرجا و افکارشان رایج بود و همواره دشمنان خود را با چوب تهدید می راندند. وقتی دوران حکومت آنان به سر رسید، طوسی ترجیح داد که در سایه مذهب انتظارگرایی باشد که تا زمان ظهور امام معصوم نه طمعی به حکومت دارد و نه دخالتی در سیاست. و همین امر سبب شد که در نزد حاکمان جدید مغول جایگاهی کسب کند و آنان نیز نسبت به او امنیت احساس کنند و فعالیت‌هایش را زیر نظر نداشته باشند. طوسی به عنوان یک شیعه دوازده امامی نشو و نما یافت و در پایان عمر خود نیز بر همین مذهب بود. اما خدمت او به هولاکو خان و مغول جای اشکال است؛ زیرا فقه سنتی شیعی یک فقه سنتی انتظارگرا است. ولی می توان اینگونه توجیه کرد که او از جمله علمای دوازده امامی بوده است که خدمت سلطان را جایز می دانند. و یا اینکه او به خاطر اختلاف با عباسیان سنی و دشمنی با آنان، به همکاری با مغول علیه عباسیان روی آورده است و یا اینکه ممکن است او در طمع جایگاه و مقام و منصب به همکاری با مغول پرداخته و شاید هم همه این عوامل در این امر نقش داشته اند. دو. ملا صدرا و دوری از سیاست:

صدر الدین شیرازی بعد از استاد خود میر محمد باقر استرآبادی (وفات: ۱۶۳۱=۱۰۴۱ هـ) دومین فیلسوف مکتب اصفهان است. از آنجا که پدر میر محمد باقر استرآبادی داماد شیخ کرکی صاحب قدرت و نفوذ بود، او به میر داماد مشهور شد. از مهمترین فیلسوفان ایرانی، نامور به معلم سوم و از ارکان مکتب فلسفی اصفهان است. او در اصفهان به مقام شیخ الاسلامی رسید. او مبانی فلسفه مشایی را که تلفیقی از فلسفه ارسطویی و

افلاطونی جدید است را همانند فارابی و ابن سینا با عقاید اسلامی و فلسفه اشراق شهاب الدین سهروردی و عرفان صوفیانه ابن عربی در آمیخت. یعنی او تمام این جریانهای فلسفی را با اعتقادات شیعه دوازده امامی تلفیق کرد. شاید مهمترین ویژگی فلسفه میرداماد یا مکتب فلسفی اصفهان همان پیراستن عناصر افلاطونی نوین در این فلسفه یعنی میراث فلسفی فارس از ناخالصی های مشایی یونانی و برجسته کردن عناصر افلاطونی نوین در اندیشه فارابی و ابن سینا است. ملا صدرا از مهمترین شاگردان میر داماد و معروفترین فیلسوف ایرانی و بنیانگذار مکتب حکمت متعالیه است⁽¹⁷⁾.

صدر الدین شیرازی ملقب به آخوند (وفات: ۱۶۴۰ م = ۱۰۵۰ هـ) در زمان شاه عباس صفوی (وفات: ۱۶۲۹ م = ۱۰۳۸ هـ) نشو و نما یافت. شاه عباس صفوی روابط بسیار نزدیکی با کاتولیک و غرب برقرار کرد تا جایکه دربار او آکنده از تاجران و دیپلمات های اروپایی بود و به آنان مهربانی می کرد و میدان می داد. در آن زمان در زمینه های مادی و رفاه و شهر سازی اسراف و تجمل زیادی صورت گرفت. و گفته شده است که ملا صدرا با رویکرد شاه مبنی بر نزدیکی با کاتولیک اروپایی مخالفت کرد و سپس از اصفهان رخت بر بست و در روستایی دوردست به عبادت و تأمل پرداخت. لذا، صدر الدین شیرازی در چندین مناسبت از “رفت و آمد علما به دربار شاهان و تحمل خواری به امید دست یافتن به بخشی از اموال نامشروع و حرام” انتقاد کرده است⁽¹⁸⁾. و شاید این مهمترین موضع گیری صریح شیرازی علیه حکومت سختگیرانه و ظالمانه شاه عباس بوده است. از مهمترین اساتید صدر شیرازی می توان به میرداماد، شیخ بهایی، بهاء الدین عاملی (وفات: ۱۶۲۱ م = ۱۰۳۰ هـ) و ملا محسن فیض کاشانی (وفات: ۱۶۸۰ م = ۱۰۹۱ هـ) اشاره کرد.

اما در مورد فلسفه او باید گفت که ملا صدرا مکاتب فلسفی، عرفانی و کلامی مختلف را درهم آمیخت. او چهار گرایش اصلی یعنی علم کلام،

فلسفه مشایی، فلسفه اشراق سهروردی و سنت های عرفانی مخصوصاً آداب صوفیانه ابن عربی را درهم آمیخت و همه اینها را در یک قالب شیعی باطنی به نام " حکمت متعالیه " عرضه کرد. در واقع او عقل، وحی و شهود را در هم آمیخت. برخی بر این باورند که مکتب فلسفی اصفهان از فلسفه اسماعیلیه تأثیر پذیرفته است که مبلغان اسماعیلیه در دوران حکومت فاطمی به ترویج و تبلیغ آن می پرداختند⁽¹⁹⁾

خلاصه اینکه، شیرازی ترجیح داد که از دربار حکومت فاصله بگیرد. و آشکارا سخن به انتقاد حکومت نگشود که جان و یا درسهای علمی خود را در معرض تهدید قرار دهد؛ بلکه اولاً، خودش از دربار حکومت دوری گزید و ثانیاً، علمایی که به دربار تقرب می جستند را به باد انتقاد گرفت و شاید همین رفتار او سبب شد که بعدها عرصه بر فیلسوفان مکتب اصفهان، تنگ شود. در اواخر قرن هفدهم میلادی فقیهان شیعه دوازده امامی علیه فیلسوفان و عقل گرایان با دربار ائتلاف کردند و اینگونه بود که عرصه بر مکتب فلسفی و تصوف اصفهان تنگ شد اما علی رغم این ستمها، این مکتب همچنان به حیات خود ادامه داد. برخی از فیلسوفان نامی این مکتب، مباحث فلسفی را بار دیگر احیا کردند که در آنها می توان از ملا هادی سبزواری (وفات: ۱۸۷۳ م) ملقب به الحاج و اسرار نام برد. او با فقیهان و اصولیون مانند صاحب الجواهر و مرتضی انصاری رابطه بسیار خوبی داشت⁽²⁰⁾

خلاصه اینکه، مکتب فلسفی رایج در زمان صفویان همان حکمت متعالیه بود. هرچند که رهبر این مکتب یعنی صدر الدین شیرازی از دربار حاکم فاصله گرفت، اما این مکتب چند دهه بعد از سقوط صفویان، در قلب حکومت جای گرفت. اما درباره نظریه امامت از نظر صدرای باید گفت که او نظریه سنتی شیعه را دارد و قائل به نصب و عصمت امامان است. و روش فیلسوفان پیشین مانند فارابی و ابن سینا را ادامه نداد.

سوم: طباطبایی و میراث ملا صدرا؛ شورا و عرفان

می توان گفت که مباحث فلسفی در ایران از رونق افتاد و رو به انحطاط نهاد تا اینکه محمد حسین طباطبایی (وفات: ۱۹۸۱ م=۱۴۰۲ هـ ق) صاحب تفسیر المیزان ظهور کرد و در میانه حوزه سنتی فقه محور فلسفه ورزی را بار دیگر رونق بخشید. این در حالی بود که فقیه جایگاه بسیار بلندی داشت به گونه ای که با وجود فیلسوفان و متکلمان اما مرجعیت در تاریخ شیعه در انحصار فقیهان بوده است و این رویکرد سایر رشته های علوم را نیز تحت تأثیر قرار داد.

یک. طباطبایی و احیای فلسفه:

علامه طباطبایی اولین کسی در ایران معاصر است که به فلسفه توجه نشان داد و برای احیای آن تلاش کرد. او زمانیکه خواست شرح اسفار ملا صدرا را در درسهای حوزوی خود آغاز کند، با اعتراضات گسترده ای از داخل حوزه و مخصوصا از سوی مرجع دینی آیت الله بروجردی روبرو شد که در آن زمان والاترین مرجع زمان خود بود. در آن زمان حوزه رسمی، سنتی و محافظه کار بود و با مباحث فلسفی سر سازگاری نداشت و با آن مخالفت و مقابله می کرد. البته این موضع منفی تا هنوز هم در حوزه نجف و برخی جریانهای حوزه قم باقی است. در قم با جریانهای شیرازی، حجتیه، جریان تفکیک و شاخه های جریان اخباری و برخی اصولیون روبرو هستیم که علی رغم اینکه در جزئیات با یکدیگر اختلاف دارند، اما همه آنها با فلسفه سر سازش ندارند و با آن به شدت مخالفت می ورزند. در مجموع، فضای حوزه در آن زمان برای آغاز مباحث فلسفی و رونق دادن به فلسفه در داخل حوزه مهیا نبود تا چه رسد به اینکه بتوان فلسفه را بر فضای علمی مدارس علمیه مسلط کرد. دلیل این امر نیز اهمیت فقه به عنوان علمی اجتهادپرور است که فقیه اعلم روزگار خود بود و در محافل علمی و سنتی جایگاه

مهمی داشت. همچنین، مجتهد جایگاه اجتماعی والایی داشت و مقلدین وجوهات شرعی همچون خمس اموال خود را به او می سپردند. مرکزیت فقیه نه تنها بر مباحث فلسفی و رونق آن سایه انداخت بلکه رشد علوم دیگری چون علم تفسیر و علوم قرآنی را نیز تحت تأثیر قرار داد. از این رو، بزرگترین دایرة المعارف علوم قرآنی حاصل تلاش یکی از معاصرین یعنی علامه هادی معرفت است؛ در حالیکه سابقه پژوهشهای قرآنی در میان اهل سنت به زمان بنیانگذاری منظومه علوم باز می گردد. لذا، می بینیم که آیت الله خویی تفسیری را که آغاز کرده بود، به اتمام نرساند و تألیف رساله عملیه و تألیف در مسائل فقهی را بر تکمیل تفسیر ترجیح داد. زیرا امروزه در جهان تشیع - چه در ایران که به قول هاشمی رفسنجانی اسلام فقهاتی حاکم است و چه در نجف که خواستگاه سنتی شیعیان در قدیم و امروز است - تنها فقیه جایگاه محوری دارد. گفتنی است که رفسنجانی در پاسخ به سؤال شبستری مبنی بر تفاوت میان آنها و مخالفین، به اسلام فقهاتی اشاره می کند. مرتضی مطهری نیز در چندین جا انتقاد می کند که حوزه آن قدر سرگرم فقه شده که از قرآن غافل مانده است او می گوید: "قرآن در میان ما مهجور است و انتظار می رود که نسل جدید به قرآن توجه نشان دهد. من به شما ثابت می کنم که چگونه قرآن در میان ما مهجور است. اگر کسی علمش علم قرآن باشد؛ یعنی در قرآن زیاد تدبر کرده باشد، تفسیر قرآن را کاملاً بداند، این آدم چقدر در میان ما احترام دارد؟"⁽²¹⁾. همانطور که گفتیم، طباطبایی به خاطر گرایش به فلسفه و تفسیر در فقه سرآمد نبود و از آنجا که مرجعیت در انحصار فقه و فقیهان است، او نتوانست به مقام مرجعیت برسد. و این مشکلی است که بسیاری از علمای شیعه برای رفع آن تلاش کردند تا معیارهایی چون درک از شرایط، آشنایی با تفسیر و فلسفه را برای "اعلم بودن" تعیین کنند. به نظر می رسد که

طباطبایی خود نیز بر این مشکل واقف بود و نسبت به جایگاه خود که در میان شیعیان مهجور مانده بود، افسوس می خورد. او به شیعیان یاد آور شد که در صدر اسلام به کسی فقیه اطلاق می شد که به تمامی علوم دینی اعم از اصول، فروع و اخلاق احاطه داشته باشد؛ برخلاف زمان ما که این اصطلاح به کسی اطلاق می شود که به فروع احاطه داشته باشد⁽²²⁾. به هر حال، طباطبایی مباحث فلسفی را به قم بازگرداند به گونه ای که بعد از او، این شهر مهد مکتب فلسفی عرفانی شد. او به مانند حلقه ”انجمن وین“ که دیدگاه اثبات گرایی منطقی را ارائه داد و نیز مانند مکتب فرانکفورت، یک رویکرد فلسفی بنیان نهاد. در حلقه او شاگردان معروف او مانند مرتضی مطهری، حسین منتظری، بهشتی، موسی صدر، ابراهیم امینی، جعفر سبحانی، مهدی حائری و جوادی آملی حضور داشتند. در تهران با حضور هانری کربن و مشارکت طباطبایی جلسات هفتگی دایر می شد. و به قول شریعتی: ”شاگردان طباطبایی همانند شاگردان سقراط، گرداگرد او را فرا می گرفتند“⁽²³⁾. می توان گفت که حاصل تلاش طباطبایی و مکتب او بیش از آنکه به نوآوری در مباحث فلسفه منجر شود، صرف تدریس و احیای مکتب حکمت متعالیه شد. اما بعدها، شاگردان طباطبایی برخی مباحث را به فلسفه افزودند و با دیگر جریانهای فلسفی مغایر با حکمت متعالیه مخصوصاً بعد از صعود حلقات فلسفی و جریانهای سیاسی، درگیری هایی داشتند که از جمله آن جریانها می توان به جریان تفکیک اشاره کرد که امروز در ایران طرفداران زیادی دارد. اگر طباطبایی بر این باور است که ملا صدرا فلسفه را بعد از انحطاط احیا کرد، همین گفتار در مورد خود طباطبایی صدق می کند که مکتب ملا صدرا را از رکود بار دیگر احیا کرد. و زمانیکه طباطبایی خواست ”اسفار اربعه“ را در قم برای صدر شیرازی تدریس کند، آیت الله بروجردی از این اقدام انتقاد کرد و به او توصیه کرد که یا از این

تصمیم صرف نظر کند و یا اینکه اگر صدر اصرار دارد، مخفیانه برایش اسفار را تدریس کند. " زیرا تدریس علنی اسفار در حوزه رسمی، به هر طریقی به صلاح نیست و باید ترک شود"⁽²⁴⁾.

دو. نظریه حکومت و ساختار حاکمیت:

مشهور است که طباطبایی قائل به شوری است. یعنی در نظر او، در زمان غیبت حکومت اسلامی باید بر اساس شورا اداره شود"⁽²⁵⁾. یعنی او همان شیوه فقهای مشروطیت را دنبال می کند. اما به نظر می رسد که او نیز مانند بنیانگذار مکتب ملا صدرا، از سیاست دوری گزید. و در این زمینه به مخالفت با ولایت مطلقه فقیه و همچنین، ضرورت شورا در حکومت اکتفا کرد. اما بعدها برخی از شاگردان او مانند جوادی آملی و مصباح یزدی و برخی دیگر، از ارکان خط ولایتمداری شدند که همان نظریه ولایت مطلقه ای که خمینی از سال ۱۹۸۸ میلادی در ایران اجرایی کرد، را ترویج می کنند. طباطبایی در تبیین فرم حکومت در اسلام، آن را از نظامهای دموکراتیک مدرن کاملاً جدا می کند و بر این باور است که اسلام با "دموکراسی" فاصله زیادی دارد. به باور او اسلام دو نوع احکام و قانون دارد: ثابت و متغیر؛ همچنین جوامع دموکراتیک نیز دو نوع قانون دارند: قانون اساسی که به آسانی تغییر نمی کند و دیگر قوانینی که هر از چندگاهی تغییر می کند و توسط پارلمان و سنا و یا دیگر نهادهای حاکمیت به تصویب می رسد؛ این قوانین به گونه ای تفسیر قانون اساسی است و نباید از چارچوبی که در قانون اساسی تعیین شده است، عدول کند. اما علامه طباطبایی روش حکومت در اسلام را با روش دموکراسی کاملاً جدا می کند. زیرا اصول ثابت در اسلام از جانب خداوند است و " حکم تنها از آن خداوند است" اما اصول ثابت در جامعه دموکراتیک توسط خود بشر تعیین شده است. و اختلاف دیگر اینکه، قوانین متغیر در نظامهای مدرن بر اساس رأی اکثریت (نصف بعلاوه) قابل تغییر است اما در اسلام این تغییر حاصل رأی شورا است. یعنی بر

اساس حق و منافع واقعی تغییر می کند؛ نه بر اساس رأی اکثریت⁽²⁶⁾. پس طباطبایی بر این عقیده است که دموکراسی و شورا، هیچ اصول اسلامی و احکام مسلم دین، هیچ محلی از اعراب ندارد اما در قوانین تغییرپذیر و ظنیات ممکن است حرفی برای گفتن داشته باشند. اما او حتی در این جا نیز با دموکراسی غربی سر سازش ندارد. او روش اسلام در حکومتداری را با روش دموکراسی مخصوصا در مورد رأی اکثریت (نصف بعلاوه ۱) کاملا متفاوت می داند. او در برابر رأی شورا سکوت اختیار می کند و به آنان حق می دهد که رأی اکثریت را نادیده انگاشته و بر اساس صلاح دید خود تصمیم گیری کنند! اما او در جایی دیگر، ولایت را متعلق به فقیه می داند نه به انسانهای عادل و جماعتی از مسلمانان. سپس او تلاش می کند به این اشکال پاسخ گوید که در صورت تعدد فقیهان، ولایت از آن کدام یک می شود. آیا رفتار هر کدام از فقهاء در قلمرو نفوذ و اقتدار خودش، نافذ است؟ یا اینکه ولایت متعلق به اعلم فقیهان است؟ اما او جوابی به این مسأله نمی دهد و می گوید که جواب نهایی در این مورد نیاز به مباحث و پژوهشهای فقهی دارد. گویا او این مسأله را قابل اجتهاد می داند که باید در مورد آن بحث و تبادل نظر شود. او به ذکر معیارهای کلی در مورد شخصی که ولایت به او تعلق می گیرد، اکتفا می کند و می گوید: “ با تقواترین فرد باشد و از لحاظ شایستگی و تدبیر و آگاهی بر دیگران برتری داشته باشد”⁽²⁷⁾. او همچنین به مسأله دیگری در مورد شکل حکومت در جوامع مختلف اسلامی امروز می پردازد که در کشورهای مختلف با مؤلفه های متعدد فرهنگی چون زبان، نژاد و ملیت زندگی می کنند. آیا هر جامعه ای در چارچوب ولایت حکومت خاص خود زنگی کند؟ یا اینکه چندین مجموعه حکومتهای ملی و محلی باید زیر چتر یک حکومت مرکزی گردهم آیند؟ او در جواب، این مسأله را از باب ظنیات می داند که اسلام حکم روشنی

درباره آن صادر نکرده است. بلکه «اسلام به عنوان یک دین ثابت، یک چارچوب مشخصی برای حکومت تعیین نکرده است که پیروی از آن را واجب و گونه های دیگر را مردود بداند. زیرا شریعت اصول دینی ثابتی دارد. لذا، از نگاه دین مسأله شکل و چارچوب حکومت، یک مسأله قابل تغییر است که از یک جامعه به جامعه دیگر بنا به میزان پیشرفت تمدنی که حاصل کرده است، می تواند تفاوت داشته باشد»⁽²⁸⁾.

اما جای تعجب است که طباطبایی هیچ سازوکاری برای نظارت و حسابرسی سیاسی یعنی ابزارهای نظارتی خارجی بر حکومت تعریف نمی کند. و تنها به ابزارهای کنترلی داخلی مانند تقوا، عدالت، پیروی از رسول خدا و سنت او، اکتفا می کند. او به این آیه استشهاد می کند که می فرماید: ﴿لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة﴾ (همانا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست)⁽²⁹⁾. اما در مورد اعتقاد او به شورا، منظور او این است که همه احکامی که از مرکز ولایت و حکومت صادر می شود باید از طریق شورا صورت گیرد و منافع اسلام و مسلمین را در نظر گرفته باشد. اما او حکم شورا را برای حکومت و فقیه الزام آور نمی داند. و در مورد شیوه ها و منابع مشورت و گروهی که با آنها مشورت صورت می گیرد نیز توضیحی نمی دهد. و از نهادهای مشورتی مانند پارلمان و نهادهای قانونی منتخب و مانند آن نیز سخنی به میان نمی آورد. از این رو، او فضا را در مورد مهندسی روند سیاسی و عبور از مفاهیم اسلامی شورا، را باز می گذارد؛ مخصوصا که او به ذکر ابزارهای بازدارنده داخلی فقیه حاکم اکتفا می کند و از نهادهای نظارتی و مشورتی قانونی سخنی به میان نمی آورد.

چهارم: دوره انقلاب؛ ولایت مطلقه فقیه

فلسوفان ایرانی در طول تاریخ شیعه بجز در دوره های اندک و موارد ضروری، از سیاست فاصله گرفتند؛ به عنوان مثال، صدر الدین شیرازی

از سیاست فاصله گرفت و به دربار حکومت نیز نزدیک نشد؛ زیرا او روش سنتی شیعه انتظارگرا را قبول داشت و با دیدن ظلم و ستم حاکمان صفوی نتوانست به آنان مشروعیت ببخشد. همچنین سبزواری نیز سراغ سیاست نرفت. از فیلسوفان معاصر، طباطبایی نیز سراغ سیاست نرفت و غرق در آن نشد به گونه ای که سیاست او را از مباحث فلسفی بازدارد. او حتی آن چنان به فلسفه سیاسی پرداخت که بتوان او را با فلسفه سیاسی شناخت. اما تحول بزرگ در فلسفه سیاسی با آمدن خمینی رخ داد. او در نظریه سیاسی خود از مباحث فلسفی و عرفان استفاده کرد. او دیدگاه سیاسی و نظریه ولایت فقیه که در مذهب شیعه جایگاه محوری نداشت، را با فلسفه و کلام توجیه کرد. اما با این همه، نمی توان او را فیلسوفی هم سنگ طباطبایی دانست تا چه رسد به اینکه بخواهیم با حکیمانی چون میرداماد و ملا صدرا مقایسه کنیم.

یک. فلسفه خمینی میان عرفان و حکمت متعالیه:

خمینی طرفدار مکتب مشایی نبود؛ از این رو، او بیشتر به مکتب اشراق تمایل داشت. مهدی حائری درباره فلسفه خمینی می گوید: «خمینی برای فلسفه مشایی اهمیت چندانی قائل نبود اما حکمت اشراقی سهروردی را دوست داشت و حکمت متعالیه را با ذوق عرفانی تفسیر می کرد. امام خمینی به علوم طبیعی قدیم و علم فلک نوین علاقه داشت و علوم فلکی قدیم را خرافات می پنداشت»⁽³⁰⁾. هرچند او شیفته مشرب مشایی نبود اما احترام زیادی برای ابن سینا قائل بود. آشتیانی در این باره می گوید که خمینی صراحتاً گفته است که در کتاب حکمت الهیه، اشکالات زیادی بر ابن سینا وارد است. اما با این همه، در میان افرادی که در مباحث فلسفی حرفی برای گفتن داشتند، هیچ کسی به پای او نمی رسید»⁽³¹⁾. به باور خمینی مکتب حکمت متعالیه با فلسفه یونان که به اعتقاد او جهل خالص است، هیچ ارتباطی ندارد. اما در عین حال او منکر اهمیت

فلسفه یونانی نیز نبود. و بر این باور بود که "آن در ذات خود اهمیت بالایی دارد"⁽³²⁾. گویا خمینی در اینجا منشأ و ایده مکتب مشایی را یونانی می‌داند. این مقوله در میان فیلسوفان معاصری مانند طه عبد الرحمن مشهور است که ریشه فلسفه اسلامی به فلسفه یونان می‌رسد. او می‌گوید از اشکالات فلسفه اسلامی این است که هنگام نقل و ترجمه از زبان یونانی، درست ترجمه نشده است"⁽³³⁾. اما شیخ عبد الحلیم محمود (۱۹۱۰-۱۹۷۸م) فیلسوف الازهر و معاصر با خمینی، با این نظر مخالف است. و آن را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد زیرا به باور او:" مشکلات فلسفه در فضای اسلامی و قبل از عصر ترجمه به وجود آمده است"⁽³⁴⁾. اما می‌توان به این نظر خمینی که فلسفه حکمت متعالیه را - برخلاف فلسفه مشایی- یونانی نمی‌دانست، از زاویه دیگری نگریست. شاید هدف او این بوده است که اصالت مباحث فلسفی شیعی را به اثبات برساند. از این رو، او بر این باور است که دیگر مکاتب فلسفی مانند مشایی، اسماعیلی، سنی و غیره، از مکتب یونانی تأثیر پذیرفته و یا اینکه افکار، مسائل و مشکلاتی را از فلسفه یونانی به ارث برده‌اند. به هر روی، حتی اگر بپذیریم که ریشه‌های فلسفه به یونان باز می‌گردد، اما فلسفه اسلامی در فضای اسلامی و میان فیلسوفان اسلامی به بحث گذارده شده و پرورش یافته است. و این امر در مباحث الهیات که فیلسوفان به آن پرداختند نیز بازتاب یافت.

خمینی و مکتب او که به عرفان صلح طلب و مسالمت آمیز حافظ شیرازی نزدیک بود، کم‌کم به یک الگوی خاص عرفانی که می‌توان آن را عرفان قزلباشی نامید، گرایید. این الگو، همان الگوی قزلباشی در زمان صفویان را تداعی می‌کند. یعنی همان عرفان انقلابی و سرکش که خمینی به آن باور داشت و برخی بر این باورند که همین عرفان خمینی بود که جرقه انقلاب را زد؛ نه نظریه نص ولایت فقیه که خمینی آن را مطرح

کرد. فرهاد دفتری به این کلاف سردرگم در عصر صفویان پرداخته است که: چگونه فکر صوفیانه ابن عربی که اندکی با افکار فلسفی و لاهوتی زاویه دارد، با نظریات شاگردان ارسطو مانند ابن سینا و یا روشنگرانی مانند شهاب الدین سهروردی درهم آمیخته است! میرداماد و ملا صدرا با هدف پرورش این افکار تلاش کردند این مقوله های متضاد را با یکدیگر وفق دهند. هرچند که تلاش آنها در این زمینه به ثمر نشست اما با مخالفت‌هایی از جانب فقهاء نیز روبرو شد.³⁵ از اینجا می فهمیم که چگونه خمینی این آمیزه ای از افکار را که ویژگی بارز حکمت متعالیه است، به ارث برد. آنچه درخور توجه است این است که خمینی هرچند به فلسفه روی آورد اما در عین حال، او یک فقیه سنتی بود که به میراث فقه شیعی پایبند بود و بر خلاف فلاسفه، بر فقه تمبر نکرد. در نتیجه، خمینی به یک آمیزه دیگری دست یافت و فقه، فلسفه و عرفان را که اموری متضاد و غیر قابل جمع هستند، با یکدیگر درآمیخت

برخی پژوهشگران تلاش کردند نقش او را در فلسفه پرننگ کنند. به عنوان مثال، حمید پارسانیا می گوید: "خمینی اولین پرچمدار احیای علوم عقلی بود که مکتب حکمت متعالیه نامیده می شود و آمیخته ای از فلسفه و عرفان است. علی رغم اینکه جامعه به علوم عقلی توجهی نشان نمی داد و برای چندین دهه آن را کنار گذاشته بود، اما خمینی چون نیاز مبرم حوزه های علمیه به این علوم را تشخیص داد، تدریس علوم فلسفی و عرفانی در حوزه قم را آغاز کرد. و سپس طباطبایی این راهی را که خمینی آغاز کرده بود، ادامه داد"⁽³⁵⁾. در اینجا از دیدگاه پارسانیا در مورد جایگاه خمینی و طباطبایی در آن زمان که کدامیک در فلسفه قوی تر بودند، صرف نظر می کنیم؛ چون این نوع سؤالات با پاسخهای ایدئولوژی زده روبرو می شوند. اما مسلماً، در ایران معاصر تمام تلاشهای فلسفی اعم از تألیف آثار، تربیت شاگردان و برگزاری حلقات تدریس و مباحثه

تحت نظر طباطبایی صورت می‌گرفت نه خمینی. وانگهی، طباطبایی به بنیانگذار " انجمن فلسفی قم مشهور است". هرچند اصفهان، خراسان و یا شهر دیگری از قدیم به عنوان مهد مباحث فلسفی شهرت داشت، اما شهرت فلسفی قم مرهون طباطبایی است⁽³⁶⁾.

در مجموع، نمی‌توان گفت که خمینی یک جریان فلسفی مغایر با جریان طباطبایی بنیان گذاشت؛ بی‌تردید هر دو یک جریان فلسفی یعنی حکمت متعالیه را دنبال کردند. این مکتب عرفانی فهمی تازه از تشیع ارائه داد و منظومه معرفتی آن را به گونه‌ای دگرگون کرد که فهم آن به آسانی مقدور نیست. بله، فهم این مکتب آسان نیست؛ زیرا در عین حال که از جنبه فقهی اصولی است و در مباحث حوزوی به قواعد سنتی تکیه دارد، اما در درجه اول، یک مکتب عرفانی است! چگونه درگیری تاریخی و دیرینه میان فقیهان و صوفیان حل و فصل شد؟ و چگونه فقیهان به عرفان گراییدند و عارف گشتند؟ این سؤال بس جای درنگ دارد؛ زیرا در طول تاریخ، روابط میان فقیهان و صوفیان یا تیره و تار و یا شاهد اختلافات علمی بوده است⁽³⁷⁾. خمینی ابن عربی را قبول داشت؛ از این رو توانست میان عرفان، فلسفه و فقه چنان انسجام ایجاد کند که به آسانی موانع سنت فقهی را پشت سر گذاشت. اما او این امور را در انحصار ولی فقیه قرار داد. یعنی حتی فقیه عادی هم حق ندارد که اسلام را با عینک عقل‌گرایی تفسیر کند و به توسعه طلبی در منافع نامحدود - و وهمی - پردازد. بلکه این امر صرفاً در انحصار ولی فقیه است. لذا، می‌بینیم که در اثبات ولایت فقیه، به ادله‌ای پرداخته می‌شود که بیشتر جنبه فلسفی و عقلانی دارد.

دو. ولایت فقیه و فلسفه سیاسی:

اگر علت روی آوردن طباطبایی به فلسفه اثبات‌اینکه در زمان غیبت، فقیه و یا فقیهان بر مردم ولایت دارند - البته به شرط شورا - است، اما از نظر

خمینی ولایت فقیه یک امر بدیهی است و برای کسی که نسبت به احکام و عقاید اسلامی آگاهی داشته باشد، نیازی به دلیل و برهان ندارد؛ اما او شرط شورا را نیز ذکر نکرد. خمینی شیعیان را قانع ساخت که تشکیل حکومت حتی در زمان غیبت نیز یک ضرورت است. به باور او: “به ضرورت شرع و عقل ثابت شده است همانطور که در زمان رسول (ص) و در زمان امام علی (ع) وجود حکومت یک ضرورت بود، این مسأله همچنان امروز نیز یک ضرورت است”⁽³⁸⁾. خمینی رأی اکثریت را قبول ندارد و بر این باور است که حکومت اسلامی بر اساس قرآن و سنت پیامبر اداره می شود نه رأی اکثریت⁽³⁹⁾. سپس او علاوه بر شروط کلی مانند عقل و بلوغ و تدبیر، دو شرط دیگر یعنی عدالت و آگاهی نسبت به قوانین اسلامی را برای حاکم ذکر می کند. لذا، وقتی فقیهان داناترین مردم نسبت به قانون اسلامی هستند، پس حاکمان اصلی همان فقیهان هستند و فرمانروایان کارگزاران فقیهان هستند⁽⁴⁰⁾. در نتیجه، در زمان غیبت، ولایت از آن فقیه است و حکومت در اختیار اوست. و منظور از ولایت حکومت بر مردم و اداره کشور و اجرای احکام شرع و تعیین سیاست کشور است. او فقیه را قیم و سرپرست مردم می داند همانطور که کودکان نابالغ سرپرست نیاز دارند. ولایت فقیه بر همه شامل است و محدودیتی هم ندارد⁽⁴¹⁾. خمینی بر اساس فلسفه عرفانی خود، امامان معصوم را برتر از فرشتگان و انبیای الهی می داند: “از ضروریات مذهب ما این است که امامان ما مقامی دارند که فرشته مقرب و نبی مرسل نیز به آن مقام نمی رسند”. خمینی بر این باور است که پیامبر و امامان معصوم نورهایی هستند که قبل از این جهان نیز وجود داشته اند و خداوند آنها را گرداگرد عرش خود قرار داد⁽⁴²⁾.

سه. مطهری و فلسفه شک:

مرتضی مطهری (وفات: ۱۹۷۹م = ۱۳۹۹هـ ق) از شاگردان طباطبایی و خمینی بود. او که توانست بین حوزه و دانشگاه جمع کند، از مهمترین

فیلسوفان شیعه و حوزه در قرن بیستم بلکه از مهمترین فیلسوفان تاریخ شیعه به شمار می رود. مطهری تلاش کرد در حوزه دینی که متون دینی و مسائل مذهبی را مقدس و مبرا از هرگونه شائبه می داند که نباید نسبت به آن تردید روا داشت، فلسفه شک را ترویج کند. از نگاه مطهری شک و تردید کمک می کند تا حقیقت بیشتر و بیشتر آشکار شود. شک مقدمه یقین است و تردید نردبان تحقیق و کاوش است. او برای توجیه شک به کلام حجت الاسلام غزالی در کتاب "میزان العمل" استناد می کند: "اگر تنها ثمره این کلمات این باشد که سبب شود در اعتقادات موروثی خود تردید کنی و در تکاپوی حقیقت برآیی، همین فایده کافی است؛ زیرا شک قطب نمایی به سوی حقیقت است"⁽⁴³⁾. در این استدلال، یک واقعیت مهمی نهفته است و آن اینکه علی رغم انتقاد مطهری از اشاعره، اما او با غزالی و بزرگان اشاعره یک وجه مشترک دارد و آن عرفان و تصوف است. غزالی از اخباریون نیست بلکه از بزرگان و نظریه پردازان اصولیون است و مطهری نیز رابطه خوبی با اخباریون شیعه ندارد⁽⁴⁴⁾. اما این دو با یکدیگر اختلافات زیادی دارند؛ زیرا علاوه بر اختلافات مذهبی میان مطهری و غزالی، دید مطهری نسبت به اشعریه و معتزله یک دید منفی است. پس می توان گفت اینکه مطهری در مسأله شک به نظریه غزالی استناد می کند تنها برای این است که نظریه خود را به فضای اسلامی ارجاع دهد تا نگویند که او تحت تأثیر شک دکارتی قرار گرفته است. اگر مطهری در موارد زیادی به ترویج فلسفه شک می پردازد، او قبل از هر چیزی تأیید می کند که او از ایجاد شک و شبهه در مسائل اسلامی هراسی ندارد. اما از نگاه او شک نه برای رسیدن به حقیقت بلکه برای اثبات حقیقت است. ویژگی حقیقت این است که شک و تردید کمک می کند تا حقیقت بیشتر و بیشتر روشن شود. شک مقدمه یقین و تردید نردبان جستجو و کاوش است"⁽⁴⁵⁾.

علی‌رغم اینکه مطهری از فلسفه و شک سخن می‌گوید و تردید را حق پژوهشگران و جویندگان برای رسیدن به مرتبه یقین می‌داند، اما او نه تنها در عمل در هیچ مسأله‌ای از فروغ و اصول مشهور مذهب شیعی عدول نکرد بلکه بارها شریعتی را به خاطر اختلافات فکری او مورد حمله و انتقاد قرار است. و قبل از انقلاب، خمینی را از شریعتی به خاطر سرپیچی از مذهب و سنت شیعی، برحذر داشت. مطهری وحدت اسلامی که به بهای نادیده گرفتن مسأله‌ای از مسائل مذهب اثنا عشری باشد، را مردود می‌داند. او در سیاست و دین نیز اینگونه است و اکثریت را به عنوان معیار حقیقت قبول ندارد. او استدلال می‌کند که بسیاری از فقیهان از بیم توده و عامه مردم آشکارا اعلام موضع نمی‌کنند و سپس به نتیجه‌ای می‌رسد که مانند استادش شیخ طباطبایی رأی اکثریت را ملاک قرار نمی‌دهد. به نظر او نمی‌توان در مسأله سیاسی به رأی اکثریت رجوع کرد. در نتیجه او نیز طرفدار ولایت فقیه است؛ هرچند که او به ولایت مطلقه فقیه که بعد از وفاتش اجرایی شد، تصریح نکرده است. اما فلسفه شک نتوانست او را از دایره سنت شیعی خارج کرده و به بازنگری افکار فلسفی سنتی مخصوصاً در مورد مسأله امامت و تدبیر وادارد.

پنجم: فلسفه مقابل؛ الگوی جایگزین و اصلاحات سیاسی

مباحث فلسفی امروز ایران به مکتب حکمت متعالیه محدود نمی‌شود بلکه مکاتب فلسفی دیگری نیز هستند که فیلسوفانی چون عبدالکریم سروش که با مباحث فلسفی معاصر غرب آشنایی دارند از آن نمایندگی می‌کنند، و این جریان به لیبرال‌ها نزدیک است. و برخی دیگر به اصلاح طلبان نزدیک هستند و این جریانها همچنان در داخل حوزه‌ها و دانشگاهها فعال هستند. اما اکثر آنها ترجیح داده‌اند با دوری از سیاست بر مباحث فلسفی تمرکز کنند و از طریق الگوهای فلسفی به اصلاح طلبی روی آورند و بنیان تازه‌ای را پی‌نهند. از نقاط قوت این جریان مدرن این است که از دل سنت و از داخل

حوزه برون آمده است. بلکه اکثر بزرگان این جریان، همان پرچمداران سنت انقلابی هستند که از همان ابتدا با جریان انقلاب همراه بودند. و به متون و میراث شیعه آشنایی کامل دارند و آن را خوب فهمیده اند. این ویژگی جریان مدرن ایرانی موجبات نگرانی نخبگان حاکم را فراهم ساخته است. از این رو، حاکمیت تلاش کرده است تا فعالیت این جریان را زیر نظر قرار دهد و محدودیت هایی بر آن اعمال کند. و در پاسخ، این جریان از نظام سیاسی می خواهد که در امور فرهنگی و شیوه های کسب معرفت برای مردم تعیین تکلیف نکند.^(۴۶) و همان طور که سروش می گوید ولایت بر امور فرهنگی از سوی حکومت “ساختاری کردن خشونت و تجویز استفاده از ابزارهای زور است. پس نباید حکومت به امر فرهنگ سازی اجتماعی مبادرت ورزد؛ زیرا سپردن فرهنگ به دوش حکومت به معنای قربانی کردن دموکراسی در قربانگاه قدرت است. به باور او دخالت حکومت در فرآیند فرهنگ سازی مردم یعنی به دار آویختن فرهنگ و نابود ساختن آن است”^(۴۷). احتمالاً، منظور سروش نظریه پردازیهای فیلسوفان نظام است که مانند گفتمان آیت الله مصباح یزدی خشونت را ترویج می کند. مصباح که یکی از بزرگترین فیلسوفان و نظریه پردازان حکومت اسلامی است، استفاده از زور برای حفظ حکومت اسلامی را واجب می داند حتی اگر بیش از نیمی از ملت با این اقدام مخالف باشند. او می گوید: “در پاسداری از حکومت کمیت معیار نیست بلکه معیار این است که تعدادی از پیروان امام علیه السلام و یا پیروان ولایت مشروعه فقیه، برای پاسداری از حکومت اسلامی اعلام حمایت کنند. که تعداد این افراد می تواند متفاوت باشد یعنی ممکن است گاهی ۹۰ درصد ملت، و گاهی ۵۰ درصد و گاهی نیز ۴۰ درصد مردم باشند. تا زمانی که افرادی برای پاسداری و حمایت از حکومت اسلامی اعلام آمادگی کند، ولی فقیه مکلف به حفاظت و پاسداری از حکومت اسلامی است. لذا، در اینجا کمیت و تعداد، ملاک و معیار نیست”. لذا، حتی اگر تنها ۱۰ درصد

مردم طرفدار آن باشند، واجب است که به هر شکل و وسیله ای از حکومت اسلامی محافظت و پاسداری شود^(۸). او به همینجا اکتفا نمی کند بلکه برای حمایت و پاسداری از ارزشهای اسلامی کشور، "کشتن" خارج از چارچوب قانون و بدون رجوع به دستگاه قضاء را نیز واجب می داند

اما مکاتب فلسفی مخالف با قرائت "حکومت اسلامی" همچنان به نظریه پردازیهای خود ادامه داد و گاهی درباره حکومت دموکراتیک، گاهی نیز درباره شورای اسلامی نظر می دادند و گاهی نیز درباره عمل به قانون اساسی کنونی و تعدیل برخی مواد آن سخنی می گفتند تا از این طریق در میان نخبگان حاکم یک پوست اندازی صورت گیرد. لذا، می توان گفت که فلسفه در ایران معاصر هیچگاه از فضای کلی سیاسی به دور نبوده است. و قرائت فلسفی که نخبگان حاکم در تهران ترویج می کنند، از جمله عواملی بود که به فلسفه ورزی رونق داد. این رقابت متقابل میان سنت و اصلاح طلبی، میان حوزوی ها و مدرن گرایان، میان محافظه کاران و میانه روها، بر گسترش و فربه تر شدن مباحث فلسفی اثر مثبت گذاشت؛ به گونه ای که موضوعات و رهیافتهای تازه ای پدیدار گشت. در اینجا با دو فیلسوف آشنا می شویم که هر کدام نماینده یک انجمن بودند و برای جریان بعد از خود یک الگو شدند. یکی، علی شریعتی است که با روشنگری و مدرنیسم به مخالفت برخاست. او در خارج با غرب به ستیز برخاست و در داخل با نهاد دینی و روحانیون در افتاد و در سخنرانیها و تألیفات خود از آن انتقاد کرد و ضمن مخالفت با تسلط فقیهان بر سیاست، مدل حکومت مشروطه شورایی را پیشنهاد کرد. فیلسوف دیگر عبد الکریم سروش است که از بزرگترین فیلسوفان مدرن امروز ایران به حساب می آید. طرفداران او یک جریان عظیم لیبرال هستند که راه حل مشکل ایران را در دموکراسی می بینند و بر این باورند که تنها راه برون رفت از این تنگنا که از سال ۱۹۷۹ میلادی تا کنون کشور در آن قرار دارد، همانا مدرنیسم و دنبال کردن راه غرب است.

یک. شریعتی و شکل حکومت:

اهمیت فلسفه شریعتی از آنجا ناشی می شود که او از محدوده سنت شیعی پا را فراتر نهاد و ضمن پیشنهاد مدل دموکراسی و شورا، با حکومت و سرپرستی فقیهان مخالفت کرد. شریعتی هرچند که یک انقلابی بود اما از آنجا که خاستگاه او حوزه نبود، اندیشه سیاسی او از سایر هم عصرانش پخته تر و متفاوت بود. و او به واکنش حوزه در مقابل نظریاتش وقتی نمی نهاد. او با سنت شیعی در افتاد تا جاییکه حسینیه اش تحریم شد و تعدادی از روحانیون با یورش به حسینیه او آن را تصرف کردند، از مهمترین این روحانیون مرتضی مطهری بود که بعد از مرگ شریعتی از خمینی خواست که کتابهای او را ممنوعه اعلام کند و خودش در یک سخنرانی از او به عنوان شخص ملعون یاد کرد. مهمترین علت اختلاف میان شریعتی از یک سو و خمینی و یارانش در دیگر سو، مسأله حکومت و نحوه کشورداری بود. نظر شریعتی این بود که حکومت باید بر اساس شورا باشد. دشمنانش از جمله مکارم شیرازی در پاسخ او گفتند که در مذهب شیعه اصلاً شورا محلی از اعراب ندارد. این عده تلاش کردند شریعتی را بدنام سازند که او اصل عترت که لازمه ولایت علی و فرزندان او است را قبول ندارد. مکارم شیرازی چنین استدلال کرد که شورا نه تنها از اصول شیعه نیست بلکه همین مسأله شورا بود که علی را از حق خلافت کنار زد؛ پس چگونه ممکن است که شورا یکی از ارکان مذهب شیعه باشد⁽⁴⁹⁾!. از مهمترین تهمت هایی که به او زدند، این بود که گفتند او سنی است که مذهب خود را پنهان داشته است زیرا نظر او در مورد اولین اختلاف میان صحابه، با بقیه شیعیان متفاوت است. و بر این باور است که اگر علی بعد از وفات پیامبر، خلافت را بر عهده می گرفت، یک نظام دموکراسی بر اساس بیعت و شورا تأسیس می کرد⁽⁵⁰⁾. شریعتی نه تنها غرب زده نبود بلکه روشنفکران و مدرن گرایانی که می خواستند

در هر چیزی به غرب اقتدا کنند، را مورد انتقاد قرار می داد. لذا، نظر او در مورد دموکراسی و شورا به خاطر این بود که او تلاش داشت جامعه را از داخل اصلاح کند نه اینکه از غرب تأثیر پذیرفته باشد. اما مخالفت روحانیون با او به این خاطر بود که او نهاد دینی را مورد انتقاد قرار می داد و برای اصلاح آن تلاش می کرد. از این رو، فقهاء در پاسخ، او را مرتد، سنی و تجدد خواه خواندند و مطهری نیز از وی به عنوان یک شخص ملعون یاد کرد. شریعتی امامت که اعتقادات شیعه است را به طور کل رد نکرد بلکه آن را یک دوره انتقالی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و سلم دانست تا اینکه مردم به مرحله پختگی برسند و جامعه به مرحله ای از رشد برسد که دیگر نیازی به امام سیزدهم و چهاردهم نداشته باشد: "زیرا خود جامعه بر اساس بیعت، دموکراسی و شورا که نظر اهل سنت است، و نیز بر اساس اصول اساسی اسلام پیشرفت می کند اما نه بلافاصله بعد از پیامبر؛ بلکه بعد از سپری شدن دوران امامت، جامعه اسلامی به مرحله استقلال و رشد سیاسی می رسد"⁽⁵¹⁾. اما نظریه شریعتی یعنی شورا و دموکراسی با مخالفت حوزه سنتی و انتظارگرا روبرو شد. در همان زمان خمینی و یاراناش که به ولایت فقیه باور داشتند نه به شورا و دموکراسی، با شریعتی به مخالفت برخاستند

دو. سروش و فلسفه سیاسی:

عبد الکریم سروش در حوزه سیاست چندان نظریه پردازی نکرده اما در مباحث الهیات و فلسفه با نهاد دینی درافتاده است. گویا او خواسته است به طور غیر مستقیم برای تغییرات سیاسی تلاش کند⁽⁵²⁾. ولایتمداران با استفاده از بستر فلسفه، عرفان و کلام مبانی حکومت خود را تثبیت کرده اند. و سروش نیز به این نتیجه رسیده است که لازمه آسیب زدن به این بستر و درگیر شدن با آن، ایجاد یک تغییر سیاسی و یا ایجاد یک تغییر رفتاری تدریجی است. او در جایی به این مسأله تصریح می

کند و می گوید: گرایش‌های فلسفی و عرفانی خمینی، نظریه سیاسی او را شکل داده اند: "آرای عرفانی امام راحل در باب ولایت، چارچوب کلی و مضمون نظر وی در باب ولایت فقیه را ترسیم کرده است"⁽⁵³⁾.

اما در عین حال، او به حکم اوضاع سیاسی ایران و الزامات آن، در مورد فلسفه سیاسی نیز به صورت جسته گریخته نظرهایی دارد. او حکومت را مظهر ملت و جامعه می داند. یعنی حکومت دینی با جامعه دینی تناسب دارد و حکومت استبدادی با ملت جاهل، ستمگر، عقب مانده، غیر صنعتی و بسته تناسب دارد⁽⁵⁴⁾. از نگاه سروش، در حالتی که شورای نگهبان مشروعیت خود را از رهبری کسب می کند، حتی اگر بخواهد به خاطر فساد و یا عدم صلاحیت رهبری، او را عزل کند، چنین امری رخ نخواهد داد. اما اگر مجلس خبرگان مشروعیت خود را از توده مردم کسب کند، در این صورت می تواند هرگاه عدم صلاحیت رهبری را تشخیص دهد، او را عزل کند. از این رو، سروش بحران عدم وجود نهادهای نظارتی و بازدارنده را مورد توجه قرار می دهد که از بیرون از بدنه حکومت اسلامی بر آن نظارت و آن را کنترل کند

سروش به موضوع مهمی توجه می کند و آن فقر تئوری پردازی در مورد "انقلاب اسلامی" است. به غیر نظریه ولایت فقیه، حوزه هیچ طرح و نظریه دیگری در مورد انقلاب اسلامی ارائه نداده است و حتی همان نظریه ولایت فقیه که چون با قدرت قرین گشته است، دیگر قابل نقد نیز نیست. هیچ کس از دانشگاهیان و روحانیون قصد آن ندارد که این نظریه را پالایش و یا نقد کند⁽⁵⁵⁾. انتقاد سروش از حکومت دینی این است که از نگاه حکومت دینی، منشور حقوق بشر به دین توجهی ندارد و با انسان به عنوان یک انسان جامعه غربی برخورد می کند⁽⁵⁶⁾.

خلاصه اینکه، بستری که فیلسوفان ایرانی غیر حوزوی و غیر حکومتی، افکار خود را بر آن بنیان نهاده اند با بستر فیلسوفان و نظریه پردازان

نظام فرق دارد. اهتمام آنها به فلسفه مدرن و جریانهای آن به مراتب از مباحث فلسفی کلاسیک و مکتب حکمت متعالیه بیشتر و عمیق تر است و نتیجه این امر در فلسفه سیاسی ظاهر می شود. کلاسیکی ها امامت را در مرکز توجه قرار می دهند و سپس در روشهای تدبیر سیاسی از طریق امامت به اجتهاد روی می آورند. اما فیلسوفان غیر حوزوی اعم از مکاتب لیبرالی و چپ گرا با تمام اختلافاتی که با یکدیگر دارند، همگی به شورا و دموکراسی نظر دارند.

پایان

در ایران قبل از انقلاب، مباحث فلسفی بخشی از درسهای حوزوی بود و یا بهتر بگوییم توسط طباطبایی در درسهای حوزوی گنجانده شده بود. اما فلسفه چندان به حوزه سیاست ورود نکرده و در خدمت سیاست به کار گرفته نشده بود و بیشتر به حوزه نظری و اندیشه مربوط می شد که در مسائل متافیزیک و مباحث وجود، عرفان و کلام می پرداخت و گاهی با فیلسوفان یونان سر ستیز داشت و گاهی نیز با دشمنان حکمت متعالیه در می افتاد. اما ”انقلاب اسلامی“ روش و اندیشه حوزه دینی را کلاً متحول ساخت و مباحث فلسفی نیز از این تأثیر بی نصیب نماند و فلسفه بخشی از فعالیتها و رقابتهای سیاسی و ابزار نظریه پردازی سیاسی شد. و به مدد فلسفه، عرفان و کلام فقهی، نظریه ای مطرح شد به نام ولایت مطلقه فقیه که هیچ یک از فیلسوفان قبلی از نصیرالدین طوسی گرفته تا فیلسوفان حکمت متعالیه چنین چیزی را نگفته بودند. در مقابل ما شاهد بروز یک جریان فلسفی مخالفی هستیم که حوزوی های سابق میدان دار آن بودند. آنان علیه ”سنت“، ”انعطاف ناپذیری“، ”عدم استقلال“ و ”نقد ناپذیری“ شورش کردند. و در درجه اول با حوزه به عنوان یک نهادی که بخشی از پروژه های نظام سیاسی و رهیافتهای آن و نیز خاستگاه و حافظ سنت ها است، درگیر شدند و بعد، به نظریه

ولایت فقیه و سرپرستی مطلق فقیه بر جامعه تاختند. فقر فلسفه ورزی و نظریه پردازی در ایران پس از ” انقلاب اسلامی “ ناشی از سلطه نظریه ولایت فقیه بر فضای سیاسی ایران و گنجاندن آن در قانون اساسی است که هرگونه نظریه پردازی مخالف ولایت فقیه را عملی خلاف قانون اساسی می داند. در نتیجه، نظریه پردازی مخالفان رهیافتهای جایگزینی است که در فضایی از جمود و سنت و اجبار پرسش های دغدغه مند فلسفی را مطرح می کند

پی نوشت ها

- (1) در اینجا منظور از تفکیک، مکتب ایرانی تفکیک است که توسط اندیشمندی به نام شیخ رضا حکیمی از مهمترین شاگردان شریعتی بنیان گذاشته شد. این جریان معرفت شناختی در مشهد نشو و نما یافت و به عنوان واکنشی در برابر جریان عرفان تبلور یافت. جریان عرفان در فهم متون، از فلسفه، منطق، علم کلام و عرفان بهره می گرفت. در حالیکه جریان تفکیک حوزه این علوم را از یکدیگر جدا می داند و خواهان خالص سازی فهم متون دینی از ناخالصی ها است.
- (2) مقصود از مکتب حکمت متعالیه، همان مکتب فلسفی است که توسط ملا صدرا بنیان نهاده شد.
- (3) أبو حامد الغزالي، تهافت الفلاسفة، تحقیق: دکتر سلیمان دنیا، (القاهرة: الهيئة العامة لقصور الثقافة 2017م)، ص 75.
- (4) همان، ص 80.
- (5) همان، ص 81.
- (6) ر. ک: الغزالي، مقاصد الفلاسفة، (السعودية- جدة: دار المنهاج، 2023م)، ص 17.
- (7) متافیزیک امور مربوط به مسائل غیب و ماوراء الطبیعه است.
- (8) ر.ک: دکتر توفیق الطویل، أسس الفلسفة، (القاهرة: دار النهضة العربية 1964م)، ص 260.
- (9) ابن سینا، الإشارات والتنبيهات، مع شرح نصیر الدین الطوسی، تحقیق العلامة: سلیمان دنیا، (القاهرة: دار المعارف، 2018م)، ص 15 / 2.
- (10) مقام أبو حامد الغزالي عند ملا صدرا، السيد کمال الحیدري، حلقة منشورة على يوتيوب بتاريخ: 02 نوامبر 2022م.
<https://bit.ly/3TiDy5T>
- (11) إرفن روزنتال، الفكر السياسي الإسلامي في العصور الوسطى، (بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات، 2020م)، ص 289.
- (12) همان، ص 335.
- (13) جون و البريدج، الله والمنطق في الإسلام، (بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات، 2018م)، ص 143. او را سهروردی مقتول می گویند تا از دیگر صوفیان هم نام خود مانند شهاب الدین عمر سهروردی (وفات: 632 هـ = 1234 م) و ابی النجیب سهروردی (وفات: 563 هـ = 1167 م) تمیز داد شود. ر.ک: دانکن بلک مکدونالد، تطور الدولة والفقہ والكلام في الإسلام، (بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات، 2018م)، ص 235.
- (14) همان، ص 150.
- (15) فرهاد دفتری، تاريخ الإسلام الشيعي، (بيروت: دار الساقی 2017م)، ص 105.
- (16) همان. همچنين ر.ک: زابینه شميتکه ”تحرير“، المرجع في علم الكلام، ترجمه مرحوم أسامة شفيح، مقدمه: حسن الشافعي، (بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات، 2018م)، ص 760-761.
- (17) فرهاد دفتری، تاريخ الإسلام الشيعي، ص 115.
- (18) القوسي، الفلسفة الإشرافية عند صدر الدين الشيرازي، ص 34-35.
- (19) ر.ک: فرهاد دفتری، تاريخ الإسلام الشيعي، ص 116، وفضل الرحمن، الإسلام، ترجمة حسون السراي، تقديم عبد الجبار الرفاعي، (بيروت: الشبكة العربية للأبحاث والنشر، 2017م)، ص 208.

- (20) توشيهيكو إيزوتسو، أصول فلسفة السبزواري، ترجمة بلال لزيق، (بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي، 2019م)، ص 44، 45.
- (21) ر.ك: نقد الفكر الديني عند مطهري، مقدمه محمد عمارة، چاپ المعهد العالمي للفكر الإسلامي.
- (22) ر.ك: محمد حسين الطباطبائي، مقالات تأسيسية في الفكر الإسلامي، ترجمه: خالد توفيق، (بيروت: مؤسسة أم القرى للتحقيق والنشر، 1415هـج)، ص 185.
- (23) شريعتي، العودة إلى الذات، ص 126.
- (24) ر.ك: محمد الصياد: العرفانية والانقلاب على مسار الحوزة في قم. سقوط النظرية وصعود الأيدولوجيا، مجلة الدراسات الإيرانية، السنة الثانية، العدد الخامس، دسامبر 2017 ميلادي.
- (25) يحي محمد، فهم الدين: الشيعة بين ولاية الفقيه والشورى، د.ت. <http://www.fahmaldin.net/> 300=index.php?id
- (26) ر.ك: محمد حسين الطباطبائي، مقالات تأسيسية في الفكر الإسلامي، تعريب: خالد توفيق، (بيروت: مؤسسة أم القرى للتحقيق والنشر، 1415هـج) ص 170 به بعد.
- (27) همان، ص 186.
- (28) همان.
- (29) سورة أحزاب، آيه 21.
- (30) مركز نصوص معاصرة، محمد فنائي الإشكوري، الفلسفة الإسلامية في إيران المعاصرة، 21 سبتمبر 2017م (تاريخ بازديد: 19 فوريه 2024م) <https://bit.ly/3ULbr1z>.
- (31) همان.
- (32) همان.
- (33) طه عبد الرحمن، ثغور المرابطة، ص 243.
- (34) الإمام الأكبر عبد الحليم محمود، التفكير الفلسفي في الإسلام، (القاهرة: دار المعارف، 2021م)، ص 179.
- (35) حميد بارسانيا، الخريطة الفكرية الإيرانية عشية الثورة، (بيروت: مركز الحضارة لتنمية الفكر الإسلامي، 2012م)، ص 398.
- (36) ر.ك: عبد الجبار الرفاعي، تطور الدرس الفلسفي في الحوزة العلمية، ص 171.
- (37) ر.ك: جلال الدين السيوطي: قمع المعارض في نصرة ابن الفارض، مجموعة مقامات السيوطي، تحقيق الدروبي، چاپ الهيئة العامة لقصور الثقافة 2007م، جلد 2 / 901-928. برای جزئیات ببشتر نگاه كن: الحر العاملي، رسالة الاثنا عشرية في الرد على الصوفية، (قم- إيران، دار الكتب العلمية د.ت)، ص 169، 177، 178.
- (38) الخميني، الحكومة الإسلامية ص 26.
- (39) الحكومة الإسلامية، ص 42.
- (40) همان، ص 46.
- (41) همان، ص 51.
- (42) همان، ص 52.
- (43) مهدي جهرمي ومحمد باقري "جمع وتصنيف"، نقد الفكر الديني عند الشيخ مرتضى مطهري، مقدمه دكتور محمد عمارة، (الولايات المتحدة الأمريكية- فرجينيا، المعهد العالمي للفكر الإسلامي، 2011م)، ص 207.

- (44) ر.ک: هجوم مطهري على الأشاعرة، همان، ص 132.
- (45) نقد الفكر الديني عند الشيخ مرتضى مطهري، ص 207.
- (46) حدود الديمقراطية الدينية، ص 137. همچنين: توزيع السلطة في الفكر السياسي الشيعي، ص 295.
- (47) سروش، نقد القراءة الرسمية للدين، ص 46.
- (48) صادق حقيقت، توزيع السلطة في الفكر السياسي الشيعي، ترجمه حسين صافي، چاپ اول / مركز الحضارة بيروت 2014م، ص 294.
- (49) علي شريعتي سيرة سياسية، ص 603.
- (50) علي شريعتي، العودة إلى الذات والعودة إلى أية ذات، ترجمه حيدر نجف، (بيروت: مؤسسة الانتشار العربي، 2020م)، ص 336.
- (51) شريعتي، تاريخ ومعرفة الأديان، (بيروت، دار الأمير، د.ت)، 2 / 156.
- (52) ر.ک: زابينه شميتكه "تحرير"، المرجع في تاريخ علم الكلام، ترجمه الدكتور أسامة شفيع السيد، مقدمه العلامة حسن الشافعي، (بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات، 2018م)، جلد 2 / 1228.
- (53) عبد الكريم سروش، أرحب من الأيديولوجيا، (بيروت: مؤسسة الانتشار العربي، 2014م)، ص 94.
- (54) همان، ص 87.
- (55) سروش، التراث والعلمانية، (بيروت: مؤسسة الانتشار العربي، 2009م)، ص 309.
- (56) همان، ص 145.

اتیوپی محصور در خشکی و پیامدهای راهبردی تلاش برای دسترسی به آبهای آزاد

دکتر محمد الامین بن عوده

استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه گردایه، الجزایر

چکیده

در راستای تلاشها برای بهره برداری از تحولات کنونی، اتیوپی در یکم ژانویه ۲۰۲۴ یادداشت تفاهمی با مقامات حکومت اقلیم سومالی لند امضا کرد که به موجب آن، اتیوپی می تواند به بندر بربره در ساحل جنوبی خلیج عدن در ساحل دریای سرخ دسترسی داشته باشد که این امر می تواند امتیازات نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیک برای آدیس آبابا به ارمغان آورد. در مقابل، یک بخش از سهام شرکت خطوط هوایی اتیوپی به شورای حاکم در سومالی لند واگذار می شود. و مهمتر از آن اینکه اتیوپی متعهد شده است که استقلال سومالی لند را به رسمیت شناخته و مانند یک کشور مستقل با آن تعامل کند. این تفاهمنامه که جنجال های زیادی را به راه انداخت، سؤالهای چندی را نیز برانگیخته است مبنی بر اینکه امضای این یادداشت تفاهم چه تأثیرات و پیامدهای راهبردی بر منطقه شاخ آفریقا و بر جایگاه منطقه ای اتیوپی و نیز بر منافع قدرتهای رقیب در این منطقه به دنبال خواهد داشت. پژوهش حاضر در صدد است با بررسی موضوعات، به این سؤالات پاسخ دهد.

واژگان کلیدی

اتیوپی، کشور محصور در خشکی، سومالی لند، سومالی، دریای سرخ، شاخ آفریقا، بندر بربره

مقدمه

علل و انگیزه‌های زیادی سبب شده است که مقالات و پژوهش‌های سیاسی راهبردی به موضوع تحولات جاری در منطقه شاخ آفریقا و دریای سرخ، توجه نشان دهند. این منطقه با شرایط و ویژگی‌های پیچیده‌ای که دارد، از دیر باز شاهد جنگ‌های خونین داخلی و یا جنگ درون قاره‌ای بوده است. علاوه بر آن، قاره آفریقا و مخصوصاً شاخ آفریقا به فضای رقابت تنگاتنگ منافع کشورهای مختلف و قدرتهای بزرگ بدل شده است که در سایه تحولات مربوط به تغییر نظام بین الملل، هر کدام برای گسترش مناطق نفوذ و بسط سلطه خود در این منطقه دست به تکاپو می‌زنند. محصور بودن در خشکی یک پدیده جغرافیایی است. این پدیده که در بسیاری از کشورهای آفریقایی دیده می‌شود، چالشها و الزاماتی را به وجود آورده است. از این رو، در بسیاری از موارد، یک عامل نگرانی نیز به شمار می‌رود. اتیوپی نیز از این وضعیت شبه بحرانی مستثنا نیست. از این رو، تلاش‌های زیادی به خرج داده است تا با خروج از این وضعیت، یک واقعیت ژئوپلیتیک تازه‌ای که متناسب با "جایگاه" رو به رشد جمعیتی و اقتصاد اجتماعی آن باشد را رقم بزند. و امضای یادداشت تفاهم میان دولت اتیوپی و مقامات سومالی‌لند که به موجب آن اتیوپی می‌تواند بر بخشی از ساحل جنوبی خلیج عدن در ساحل دریای سرخ حضور داشته باشد، در همین راستا صورت می‌گیرد. این تفاهمنامه که در اوایل سال جاری میان طرفین به امضا رسید، علاوه بر جنجال‌های زیادی که به راه انداخته است، سؤالات تازه و مسائل گذشته را بار دیگر برانگیخته است. از این رو، پژوهش حاضر با این پرسش اصلی آغاز می‌شود که موقعیت محصور بودن در خشکی تا چه اندازه‌ای در رهیافتها و راهبردهای متفاوت برای دسترسی به دریای سرخ نقش داشته است؟ و امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی‌لند چه پیامدهای راهبردی به دنبال دارد؟ از این پرسش اصلی، سؤالات فرعی مهم دیگری مطرح می‌شود که عبارتند از: مقصود از مفهوم

کشور محصور در خشکی چیست؟ ماهیت شرایط سیاسی تصمیم اتیوپی چیست؟ چه عواملی سبب شده است که دولت اتیوپی به دنبال دسترسی به معبر آبی در ورودی دریای سرخ برآید؟ این اقدام اتیوپی چگونه می تواند بر ایجاد ائتلافهای جدید در منطقه شاخ آفریقا تأثیرگذار باشد؟ این تصمیم اتیوپی، چه موضعیها و پیامدهای احتمالی بر امنیت و ثبات منطقه شاخ آفریقا می تواند داشته باشد؟

پژوهش حاضر با این فرضیه آغاز می شود که میان آنچه نظام سیاسی اتیوپی از آن دم می زند و بر رهیافت به صفر رساندن مشکلات با کشورهای همجوار تأکید می کند که البته که واقعیت جغرافیای محصور در خشکی همین ضرورت را ایجاب می کند، و میان سیاست آدیس آبابا در مدیریت پرونده های منطقه ای و در رأس آنها پرونده دسترسی به دریای سرخ و تقسیم آب نیل که آدیس آبابا دنبال می کند یک تضاد وجود دارد. پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه واقع گرایی در روابط بین الملل که بر پایه های منفعت و منطق قدرت در تعاملات جهانی استوار است، به این مسأله می پردازد. و در ارتباط با نمونه موردی، رفتار و تلاشهای اتیوپی یعنی سیاستها و رهیافتهای دولتهای پیاپی اتیوپی در راستای دسترسی به دریای سرخ را مورد مطالعه قرار می دهد. در این پژوهش ابتدا توضیح مختصری درباره مفهوم کشور محصور در خشکی ارائه می شود و سپس به تلاشهای گذشته آدیس آبابا برای دسترسی به آبهای آزاد پرداخته می شود و آنگاه، محتوای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی لند و شرایطی که به امضای این یادداشت تفاهم منجر شده است، زیر ذره بین می رود و در نهایت، مهمترین پیامدهای این اقدام مورد بررسی قرار می گیرد

نخست: مفهوم کشور محصور در خشکی و تلاشهای اتیوپی برای دسترسی به آبهای آزاد

از گذشته های دور، سرزمین به علاوه دو عنصر دیگر یعنی ملت و نظام سیاسی به عنوان اساس ایجاد یک کشور مطرح بوده است. و با

توجه به اهمیت حیاتی سرزمین، در طول تاریخ بر سر تصاحب قلمرو سرزمینی، میان نظامهای سیاسی گوناگون جنگهای زیادی روی داده است. زیرا یک منطقه سرزمینی می تواند از لحاظ ژئوپلیتیک، اقتصادی، راهبردی و نظامی برای یک کشور منبع قدرت باشد. در این میان، پدیده (کشورهای محصور در خشکی: Landlocked Countries) به عنوان یک مسأله و مفهوم چند وجهی، پژوهشها و مباحث آکادمیک زیادی را به خود اختصاص داده است. با نگاهی به مقالات و کتابهایی که به این موضوع اختصاص دارد، آشکارا دیده می شود که چارچوبهای شناخت علمی که به این مفهوم پرداخته اند، تا چه میزان در هم تنیده و پیچیده هستند. بر اساس تعریف دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای کشورهای توسعه نیافته و کشورهای در حال توسعه محصور در خشکی و کشورهای در حال توسعه جزیره ای کوچک^(۱) که اختصاراً (UN-OHRLLS) نامیده می شود، کشور محصور در خشکی به کشوری گفته می شود که هیچگونه دسترسی به آبهای آزاد نداشته باشد. این وضعیت دو چالش عمده برای آن کشور به همراه دارد. مشکل اول همان محدودیت در دسترسی به بازارهای جهانی است. و مشکل دوم خود را در قالب انبوه مشکلات توسعه ای نشان می دهد. مجموع مساحت این کشورها به ۱۵ میلیون کیلومتر مربع می رسد که حدود ۵۳۳ میلیون نفر را در خود جای داده است و رشد جمعیت آنها حدود ۲،۳ درصد است. بر اساس برآورد دفتر (UN-OHRLLS) فاصله میان مرزهای خشکی این کشورها با نزدیکترین ساحل دریایی، حدود ۱۳۷۰ کیلومتر است^(۲).

پژوهشگری بنام (Daosadeth Soysouvanh) در مقدمه رساله دکتری خود به این مطلب اشاره می کند که کشور خشکی بست، درگیر مخصمه ای است که بُعد اقتصادی در آن جایگاه محوری دارد و یکی از مهمترین موانع پیشرفت اقتصادی کشورها و جوامع است^(۳). اما به باور سمیع الله مهدی این پدیده به تنهایی مانع پیشرفت نیست بلکه تأثیر کشورهای همسایه در عدم پیشرفت اقتصادی بیشتر است. به باور او، از مجموع ۴۲ کشور

محصور در خشکی، تعداد زیادی از آنها در شمار کشورهای ثروتمند و پیشرفته جای دارند^(۴) که این امر ناشی از ثبات، توسعه و کیفیت بالای زیر ساخت‌هایی است که فضای پیرامون کشور محصور در خشکی فراهم می‌کند. در همین زمینه، دو پژوهشگر دیگر بنام‌های فیروز مسجدی و بیدیشا لاهیری با تأیید این دیدگاه تأکید می‌کنند که مسأله کشور محصور در خشکی بُعد اقتصادی دارد و تبعات اقتصادی آن بسیار پررنگ است. ۲۰ درصد کل کشورهای جهان، کشورهای خشکی بست هستند. ۴۰ درصد این کشورهای خشکی بست در شمار کشورهای با درآمد پایین جای دارند و ۱۰ درصد آنها در شمار کشورهای با درآمد اقتصادی بالا قرار می‌گیرند. اما علی‌رغم این نابرابری و اختلاف در سطح درآمد این کشورها، فاکتور "ماهیت کشورهای همسایه" در جهت‌گیری و راهبردهای داخلی و خارجی کشور محصور در خشکی نقش تعیین‌کننده دارد. البته ماهیت نظام اقتصاد اجتماعی و همچنین التزام به نوعی دیپلماسی در سیاست‌های منطقه‌ای را نیز نباید از نظر دور داشت^(۵)

از سویی دیگر، نگاه منفی و بدبینانه به کشور خشکی بست، در مقایسه با سایر واحدهای سیاسی بر اکثر مطالعات و نوشته‌های دانشگاهی سایه افکنده است. از نگاه پژوهشگری بنام Ingo Borchert و دیگران، که مفهوم کشور خشکی بست، کشور محصور در خشکی را به منزله قربانی جغرافیا می‌داند که این موقعیت جغرافیایی باعث انزوا و محرومیت از امتیازات و فوایدی است که جریان تبادلات تجاری، گردشگری و فرهنگی و علمی بخشی از آنها است. به باور آنها، این کشورها می‌توانند با انتخاب رهیافتهای سیاسی، اقتصادی و راهبردی پویایی ارتباط و تعامل سازنده با سایر کشورهای جهان را بهبود بخشند^(۶).

در همین زمینه می‌توان گفت که تاریخ منطقه شاخ آفریقا در مسائل مرزی میان کشورها و همچنین در توازنات قدرت و نفوذ، تغییرات و تحولات بزرگی را به خود دیده است که وضعیت نهایی نقشه این منطقه را رقم زده است. موضوع حضور و تسلط بر گذرگاه‌های آبی در ساحل

دریای سرخ همواره برای دولت ملی اتیوپی کنونی یک مسأله کاملاً حیاتی و محوری بوده است. همچنین از زمان تأسیس پادشاهی آکسوم Axum Kingdom در سال ۳۲۵ قبل از میلاد به دست خاندان منتسب به سلیمان نبی علیه السلام^(۷)، و بنای شهر بندری مهم آدولیس Adulis، رهبری سیاسی حاکم بر سرزمین حبشه آن زمان، بر این مهم واقف بود که ساحل دریای سرخ می تواند دستاوردها و درآمدهای اقتصادی و تجاری مهمی داشته باشد. از این رو، او بعدها توانست از یک سو حبشی ها را بر فعالیتهای تجاری مشترک میان اقیانوس هند و دریای سرخ مسلط سازد. و از سویی دیگر، نفوذ و سلطه سیاسی و نظامی آنها را چنان بگستراند که برای مدتهای طولانی پایدار بماند. تا اینکه در آغاز قرن هفدهم و با آمدن عثمانی ها به منطقه، این سلطه سیاسی و نظامی حبشی ها رو به افول نهاد و عثمانی ها توانستند بر اکثر منافذ و گذرگاههای آبی در طول ساحل از جمله بندر راهبردی مصوع Massawa مسلط شوند. از همان زمان بود که سلسله تلاشهای اتیوپی برای دسترسی مجدد به آبهای آزاد آغاز شد^(۸)

دهه ۲۰ قرن گذشته تا سال ۱۹۳۲ زمانی بود که مقامات اتیوپی برای برون رفت از وضعیت ناشی از موقعیت کشور خشکی بست، دست به تلاشهای جدی زدند تا برای تأمین منافع تجاری و اقتصادی خود به یک منطقه ساحلی دسترسی داشته باشند و برای دستیابی به این هدف راهبردی رهیافتهای ژئوپلیتیک متعددی را روی دست گرفتند. در آن زمان، اکثر کشورهای شاخ آفریقا زیر سلطه قدرتهای استعماری اروپایی گوناگون با سیاستهای متفاوت قرار داشت؛ این مسأله فرصت گفتگو و چانه زنی برای دستاوردهای بیشتر روی زمین را فراهم ساخت. در این راستا، گفتگوهای دوجانبه ایتالیایی - اتیوپی^(۹) با هدف قرارداد تبادل مناطقی بین اریتره اشغالی و سرزمین حبشه شکل گرفت. طرح پیشنهادی ایتالیا این بود که بندر عصب Assab را در اختیار اتیوپی قرار دهد و در مقابل، امتیاز احداث، بهره برداری و مالکیت پروژه راه آهنی به ایتالیا

واگذار شود که بندر عصب را به آدیس آبابا پایتخت اتیوپی متصل می کرد. اما پذیرش این پیشنهاد از سوی اتیوپی امکان پذیر نبود. در همین زمینه، تفاهم های اتیوپی بریتانیایی که در سالهای ۱۹۴۶ و ۱۹۵۲ با هدف تبادل منطقه ای از سرزمین میان اتیوپی و سومالی لند بریتانیایی صورت گرفت، دومین گام و تلاش آدیس آبابا برای دسترسی به دریا بود^(۱۰). در محافل آکادمیک بحث درباره The Heud-Zeila Exchange Quest، بالا گرفت. بر اساس این تبادل، اتیوپی بندر زیلع Zeila واقع در بخش بریتانیایی سرزمین اشغالی سومالی لند در اختیار می گرفت و در مقابل، بریتانیا از زمینهای حاصلخیز Haud واقع در اقلیم اوگادین استفاده می کرد. و در طرحهای حیاتی دریاچه تانا و گردنه Baro Salient امتیازاتی به آن واگذار می شد. اما فرانسه که در آن زمان قسمت دوم سومالی لند را تحت الحمایه خود داشت، با این طرح مخالفت کرد؛ زیرا پاریس نسبت به کاهش فعالیت تجاری خود که از بنادر جیبوتی صورت می گرفت، نگران بود^(۱۱).

مقامات اتیوپی همچنان در صدد یافتن راهی برای دسترسی به سواحل دریای سرخ بودند. از این رو، آنها راهبردها و رهیافتهای ژئوپلیتیک و اقتصادی متنوعی را به کار بستند تا جریان رو به رشد تجارت در منطقه شاخ آفریقا را تضمین کنند و برای کالاها و تولیدات داخلی رو به رشد خود نیز بازاریابی نمایند. و علاوه بر اینها، از دستاوردهای سیاسی راهبردی که حضور فیزیکی آنها در سواحل خلیج عدن و تنگه باب المندب به همراه دارد، بهره مند گردند. در این راستا، پروژه های زیرساختی مختلفی چون احداث جاده و راه آهن از مهمترین گزینه ها و سازوکارهای بدیل بود که در اینجا به مهمترین آنها می پردازیم یک. طرح راه آهن برقی که بندر جیبوتی را به آدیس آبابا پایتخت اتیوپی پیوند می دهد

این طرح که در قالب ابتکار چینی راه ابریشم صورت گرفته است، پروژه ای است که در قاره آفریقا نظیر ندارد. این خط آهن که با هزینه

۳,۴ میلیارد دلار آمریکا احداث شده است، در سال ۲۰۱۶ افتتاح شد که در ابتدا صرفاً مسافران را جابجا می کرد اما دو سال بعد یعنی در ۰۱ ژانویه ۲۰۱۸ برای اهداف تجاری نیز استفاده شد. این خط آهن که بیش از ۷۵۳ کیلومتر طول دارد، شریان اصلی تجارت بین المللی اتیوپی است که حدود ۹۰ درصد جریان تجارت را ممکن می سازد^(۱۲). این خط آهن ظرفیت حمل ۲۴,۹ میلیون تن را دارد که انتظار می رود تا سال ۲۰۳۰ ظرفیت آن به ۳,۱ میلیون تن برسد و زمان طی این مسافت از ۵۰ ساعت به ۱۰ ساعت کاهش یابد^(۱۳).

نقشه (۱) راه آهن برقی، بندر جیبوتی را به آدیس آبابا پایتخت اتیوپی متصل می کند



Source: <https://yh.ae/BQFA>

دو. جاده شیخ صباح الاحمد بندر تاجورا جیبوتی را به مناطق شمالی اتیوپی متصل می کند این جاده با طول ۱۱۲ کیلومتر^(۱۴)، با هزینه ۷۸ میلیون دلار آمریکایی و با وام تخصیصی صندوق توسعه کویت احداث شده است، در سال ۲۰۱۹

افتتاح شد. از نگاه مقامات آدیس آبابا، این راه مواصلاتی یکی از گزینه های بدیل و مهم در چارچوب رهیافت ایجاد منافذ گوناگون تجاری و دسترسی به دریا است که علاوه بر راه ریلی به بندر جیبوتی، آدیس آبابا گزینه مواصلاتی دیگری نیز داشته باشد. نخبگان اتیوپی بر اساس راهبرد ایجاد راههای متنوع برای دسترسی به دریا، همواره در اندیشه سرمایه گذاری در بنادر دیگری در منطقه و در رأس آنها بندر بربره در سومالی لند بودند.

مطالعه گذشته تلاشهای مداوم اتیوپی برای دسترسی به دریای سرخ نشان می دهد که تصمیم سازان آدیس آبابا برای رسیدن به این هدف، دیدگاهها و راهبردهای متنوعی را روی دست گرفته اند. اما با توجه به تأثیرات متقابل میان موقعیت جغرافیایی خشکی بست، و شرایط زیرساخت اجتماعی اقتصادی کشورهای ساحلی (کشورهای همجوار) این واقعیت مشخص می شود که انتخاب رهبری سیاسی حاکم در اتیوپی برای دسترسی به دریا همواره میان دو گزینه (همکاری و تحمیل عمل انجام شده) در نوسان بوده است. صرف نظر از تلاشهای ملی برای ایجاد شبکه تفاهمات منطقه ای در راستای منافع اقتصادی و تجاری، اما طرف اتیوپی در بسیاری از موارد تعهدات دو جانبه را زیر پا می گذارد. تازه ترین مورد، مربوط به سال ۲۰۲۲ است که اتیوپی به توافق ۲۰۱۶ با مقامات حکومت سومالی لند در مورد سهم گیری در هزینه مالی توسعه بندر بربره عمل نکرد و بدین سان سهم خود از گذرگاه بربره را از دست داد. در نتیجه، این عقب نشینی اتیوپی را بر آن داشت تا بار دیگر سیاست تحمیل عمل انجام شده را روی دست گیرد^(۱۵).

دوم: امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی لند؛ انگیزه ها و واکنش.

بررسی سیاستهای اتیوپی در دهه اخیر و مخصوصا از زمانیکه آبی احمد در سال ۲۰۱۸ به نخست وزیری رسید، نشان می دهد که اتیوپی به شکل گسترده و پرشتاب به تعامل با کشورهای گوناگون منطقه شرق آفریقا و

مخصوصاً کشورهای شاخ آفریقا واقع در ساحل دریای سرخ روی آورده است. در این زمینه برخی از پژوهشگران و کارشناسان امور اتیوپی به پویایی های رفتار خارجی آدیس آبابا اشاره می کنند که جنجالها و تناقضات بسیاری را به همراه داشته و پیش بینی روندها و پویایی آنها را بسیار پیچیده ساخته است. علت این پیچیدگی را می توان در دو عامل عمده جستجو کرد که در اینجا به آنها می پردازیم

عامل نخست: سیاست خارجی اتیوپی در اوایل دوره نخست وزیری آبی احمد رهیافت « به صفر رساندن مشکلات» با کشورهای همجوار را در پیش گرفت. و سفرهای رفت و برگشت وی و دیدارها با رهبران و سران کشورهای منطقه ای در همان چهارچوب صورت گرفت. مصالحه و عادی سازی روابط با اریتره یکی از مهمترین ویژگیها و رویکردهای جدید سیاست آدیس آبابا در قبال پایتخت های کشورهای منطقه بود. در اینجا ذکر این نکته نیز لازم است که اتیوپی به عنوان یک کشور محصور در خشکی، برای بهره مندی از مزایای بیشتر مبادلات تجاری از طریق بنادر دریایی کشورهای چون اریتره، سومالی و جیبوتی، نیاز مبرم داشت که با کشورهای همجوار به تفاهماتی دست یابد و مخصوصاً روابط خود را با این سه کشور بهبود بخشد. علاوه بر آن، آبی احمد برای ترمیم اعتماد متقابل با رهبران این کشورها تلاشهای زیادی به خرج داد و کوشید با روش سیاسی تازه ای نقش رهبری منطقه ای و رهبری منطقه شاخ آفریقا را بر عهده گیرد. اما این، با رویکردهای کنونی که از هیچ تلاشی برای دسترسی به گذرگاه آبی در دریای سرخ دریغ نمی کند و پیامدها و بازتابهای منفی آن در سطح منطقه، تناقض دارد.

عامل دوم: در سیاستهای کلان رهبران و نخبگان سیاسی حاکم در آدیس آبابا تمایل و تأکید زیادی به نمادها دیده می شد. بررسی پویایی سیاسی اتیوپی مخصوصاً بعد از اینکه آبی احمد بر کرسی نخست وزیری تکیه زد، نشان می دهد که در این دوره افزایش کاربرد ابزارهای مختلف گفتمان نمادین و عوام پسند که در ذهن شهروند اتیوپی تأثیر بیشتری داشته

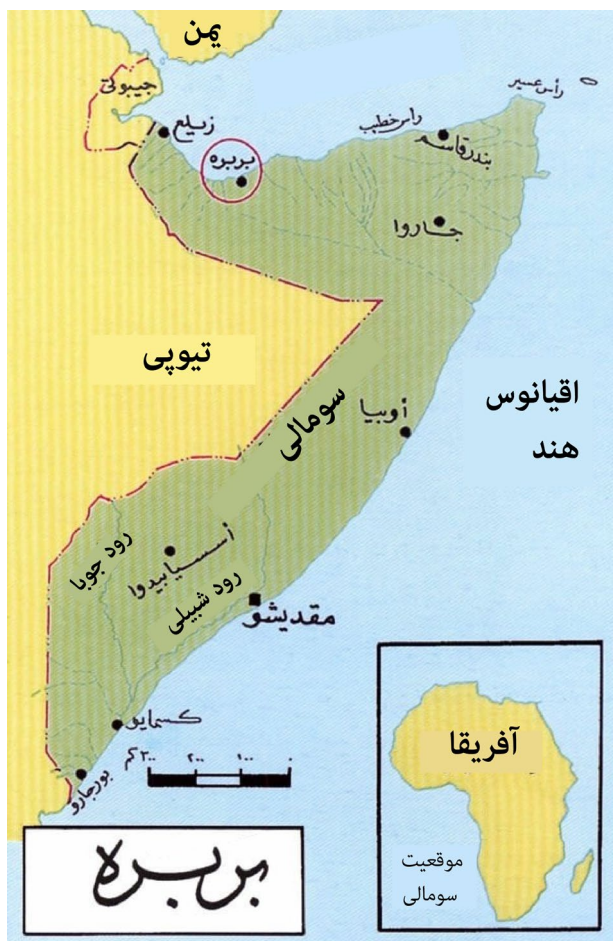
باشد، بسیار پر رنگ به چشم می خورد. از این رو، فراوانی واژگانی که بیانگر و یاد آور سلطه امپراطوری تاریخی اتیوپی بر منطقه شاخ آفریقا است، در سخنرانیهای رسمی نخست وزیر کنونی بسیار خودنمایی می کند. آبی احمد آن واژگان نمادین را به گونه ای هدفمند برای برانگیختن و مدیریت مسائل گوناگون ملی و منطقه ای به کار می برد. در رأس این مسائل، مسأله آب نیل و دفاع سرسختانه از حق اتیوپی در احداث سد نهضت است که بدون توجه به راه حلها و رهیافتهای ارائه شده از سوی کشورهای پایین دستی مانند مصر و سودان صورت گرفته است. و اکنون اتیوپی با همین روش و روایت تلاش دارد با استفاده از تمام ابزارهای ممکن به آبهای آزاد دسترسی پیدا کند. آخرین اقدام در این مورد، امضای یادداشت تفاهم با مقامات اقلیم سومالی لند برای استفاده از بندر بربره است که علاوه بر نادیده گرفتن حق حاکمیت کشور سومالی، بازتابها و واکنشهای ضد و نقیض دولتها و کشورهای منطقه را به دنبال داشته است

می توان گفت که نقطه آغاز رخدادهای کنونی در منطقه دریای سرخ، از لحظه ای شروع شد که آدیس آبابا از امضای یادداشت تفاهم با مقامات حاکم در سومالی لند خبر داد که به موجب آن، اتیوپی در بازه زمانی مشخصی می تواند از خدمات بندر بربره استفاده کند. آبی احمد در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳ در سخنرانی خود در پارلمان اتیوپی سخنان جنجال برانگیزی ایراد کرد او گفت که دسترسی دوباره اتیوپی به سواحل دریای سرخ یک "ضرورت وجودی" است^(۱۶) و نباید صرفاً به کریدورهای تجاری خشکی اکتفا کرد. بلکه به احداث بنادر کاملاً مستقل در اریتره یا سومال و یا جیبوتی روی آورد. او در سخنان خود به یک مقوله مشهور علولا انگیدا معروف به ابا نیگا فرمانده مشهور نظامی اتیوپی در قرن نوزدهم اشاره کرد که گفته بود "دریای سرخ، مرزهای طبیعی اتیوپی است". هرچند که آبی احمد از زمانی که بر کرسی نخست وزیری تکیه زد، از اینگونه مقوله

های نمادین عوام پسند در سخنرانیهای خود بسیار استفاده می کند، اما رهبران منطقه این سخن وی را یک نقطه عطف خطرناکی دانستند که از تمایل وی در به کارگیری ابزارهای غیر مسالمت آمیز در دسترسی به گذرگاه دریایی حکایت دارد. و ناظران، این سخنان را یک گام مقدماتی برای اعلام امضای یادداشت تفاهم با سومالی لند دانستند.

در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۲۴ امضای یادداشت تفاهم دوجانبه میان آدیس آبابا و حکومت سومالی لند رسماً اعلام شد. نخست وزیر اتیوپی این گام را مرحله بازپس گیری حضور فیزیکی مستقل بر کرانه خلیج عدن در دریای سرخ بعد از یک غیبت طولانی دانست که از سال ۱۹۹۳ و با استقلال ارتیره از اتیوپی، آدیس آبابا بر ساحل دریای سرخ حضور نداشت^(۱۷). گفتنی است که دو کشور ارتیره و اتیوپی در سال ۱۹۹۸ نیز با یکدیگر درگیر شدند که این درگیری در سال ۲۰۰۰ و با امضای توافقنامه الجزایر پایان یافت. بر اساس یادداشت تفاهمی که میان حکومت سومالی لند و اتیوپی به امضا رسیده است، امتیاز بهره برداری از کریدور راهبردی ۲۰ کیلومتری در اطراف بندر بربره به مدت ۵۰ سال به اتیوپی واگذار شده است که به آدیس آبابا امکان می دهد منافع تجاری و اقتصادی خود را مدیریت کند^(۱۸). همچنین بر اساس این یادداشت تفاهم، نیروی دریایی اتیوپی می تواند بخشی از ساحل سومالی لند را برای اهداف نظامی اجاره کند^(۱۹). در مقابل، یک بخش از سهام شرکت خطوط هوایی اتیوپی به شورای حاکم سومالی لند واگذار می شود. و مهمتر از آن اینکه، اتیوپی متعهد شده است که استقلال اقلیم سومالی لند از کشور سومالی را به رسمیت شناخته و همچون یک کشور مستقل با آن تعامل کند. این در حالیست که از سه دهه قبل، که اقلیم سومالی لند به صورت یک جانبه در سال ۱۹۹۱ از حکومت مرکزی در مگادیشو اعلام جدایی کرده است، تا کنون هیچ کشور و دولتی در سطح جهان آن را به رسمیت نشناخته است

نقشه (۲) موقعیت بندر بربره را در ساحل دریای سرخ نشان می دهد.



در اینجا به مهمترین عواملی که به امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی لند انجامید می پردازیم
 یک. تنش و هرج و مرج حاکم بر اوضاع سیاسی و امنیتی منطقه دریای سرخ
 از زمان حمله اسرائیل به غزه، تنشها و خشونت و درگیری در منطقه دریای سرخ نیز رو به افزایش نهاد. شبه نظامیان حوثی های یمن به عنوان یک طرف وارد این درگیری شدند و کشتیرانی در دریای سرخ

و مخصوصاً کشتیهایی که به مقصد بنادر اسرائیل در حرکت هستند را هدف قرار می دهند. و به دنبال آن، ائتلاف غربی به رهبری ایالات متحده و بریتانیا برای تضعیف حوثی ها به مراکز و پایگاههای آنها در یمن حمله کردند. این تحولات، فضای مناسبی را برای امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و اقلیم سومالی لند فراهم ساخت. این اقدام اتیوپی سیاست یک جانبه در اعمال واقعیت انجام شده است که می تواند اطلس نفوذ بین المللی و منطقه ای در منطقه دریای سرخ را تغییر دهد.

دو. نزدیکی فزاینده میان دولت اتیوپی و مقامات حکومت محلی اقلیم سومالی لند

در سه سال اخیر، روابط میان دولت اتیوپی و مقامات حکومت محلی اقلیم سومالی لند پیشرفت چشمگیری داشته است؛ امری که ناخرسندی رهبری سیاسی موگادیشو را به دنبال داشته است. این نزدیکی در راستای تاکتیک اتیوپی برای موازنه تحولات کنونی منطقه ای در چارچوب “جنگ بنادر” در منطقه دریای سرخ صورت می گیرد. به عنوان مثال، بعد از اینکه جیبوتی شرکت بنادر دبی را در سال ۲۰۱۹ از مدیریت بندر جیبوتی که بیشترین یعنی بیش از ۹۰ درصد مبادلات تجاری از طریق آن صورت می گیرد، کنار گذاشت، شرکت اماراتی در یک پاسخ به این اقدام، در سال ۲۰۲۲ توافقنامه ای با اتیوپی به عنوان شریک راهبردی در بندر بربره در سومالی لند به میزان ۱۹ درصد به امضا رساند^(۲۰) تا اتیوپی را از دولت جیبوتی دور نگهدارد. و احتمالاً این امر آدیس آبابا را تشویق کند که از رهگذر یادداشت تفاهم با مقامات سومالی لند دستاوردهای بیشتری کسب کند. بدون شک، حکومت سومالی لند به امضای اینگونه تفاهمنامه های بین المللی در سطح بالا نیاز دارد تا بلکه در روند شناسایی بین المللی و تعامل با آن به عنوان یک کشور مستقل از دولت مرکزی در موگادیشو پایتخت سومالی، تسریع صورت گیرد. و صد البته که اتیوپی در امضای این قرارداد، از این نیاز حکومت سومالی لند نیز استفاده کرده است

سه. نیاز دولتهای اتیوپی و سومالی لند به تقویت مشروعیت داخلی نبرد ارتش ملی اتیوپی علیه جنگجویان مسلح اقلیم تیگرای پیامدهای منفی بر اوضاع داخلی برجای گذاشت و زیرساختهای اقتصاد ملی را ویران کرد. این امر، جایگاه سیاسی و محبوبیت آبی احمد نخست وزیر اتیوپی را به شدت تضعیف کرد. از سویی دیگر، موسی بیحی رئیس جمهور سومالی لند نیز مشروعیت مردمی خود را تا حد زیادی مخصوصا در میان قبیله اسحاق در سومالی لند از دست داده است. تا چندی پیش بسیاری از مردم سومالی لند از حکومت وی حمایت می کردند. در پی پیوستن رهبران قبیله ای به دولت فدرالی سومالی، موسی بیحی به شهر لاس عانود پایتخت اداری استان سول واقع در شمال شرق سومال لشکر کشی کرد. این جنگ علاوه بر تلفات انسانی زیادی که برجای گذاشت، اقتصاد سومالی لند را نیز با بحرانهای زیادی درگیر کرد. و آن روی تاریک "سومالی لند" را آشکار کرد که تا آن زمان از دید ناظران پوشیده بود. بسیاری از ناظران خارجی سومالی لند را به عنوان یک کشور صلح طلب و دموکراتیک می دیدند. و در عین حال به اعتبار رئیس جمهور سومالی لند را نیز صدمه زد^(۲۱)

چهار. درگیر بودن کشورهای عرب آفریقایی به مسائلی که دستگاههای امورخارجی کشورهای منطقه را به ستوه آورده است

از یک سو، جهان عرب که سومال نیز عضوی از آن است، بر پیامدهای جنگ اسرائیل در غزه و بازتابهای امنیتی و انسانی آن و همچنین بر حوادث جاری در سودان تمرکز کرده اند که فصل مشترک جهان عرب و آفریقا به شمار می رود. مجموعه این رخدادها زمینه را برای مقامات اتیوپی فراهم ساخت تا امضای این توافق را به سرانجام رسانده و با این تعامل با شورای حاکم در سومالی لند که هم در منطقه و هم در صحنه بین الملل در انزوا قرار دارد، گوی سبقت را بریابد. و با این اقدام، حاکمیت کشور سومالی که عضو جامعه کشورهای عرب و اتحادیه آفریقا است را نیز نقض کرد.

این اقدام اتیوپی با واکنشهای گسترده ای روبرو شد. از همان زمانی که امضای یادداشت تفاهم دوجانبه اعلام شد، سومالی این گام اتیوپی برای دسترسی به دریای سرخ از طریق سومالی لند را محکوم کرد. موگادیشو برای لغو و ختشی کردن این اقدام اتیوپی به تمامی راهها متوسل شد. مجلس شورای ملی سومالی این قرارداد را بی ارزش و نقض آشکار حاکمیت ملی سومالی دانست و این اقدام آدیس آبابا را نوعی حمله به خاک و سرزمین تحت حاکمیت سومالی خواند و با تصویب یک ماده قانونی رأی به ابطال توافق مزبور داد. در این راستا، موگادیشو تلاش کرد تمام نیروها و بازیگران منطقه ای و بین المللی را با خود همراه کند. دفتر نخست وزیری سومالی در بیانیه ای^(۲۲) از سازمانهایی چون سازمان ملل متحد، جامعه کشورهای عربی، سازمان همکاری اسلامی، سازمان ایگاد و همچنین اتحادیه اروپا خواست تا برای بررسی اقدامات تجاوزکارانه اتیوپی که می تواند پیامدهای خطرناکی برای تمام منطقه به دنبال داشته باشد، نشستهای اضطراری تشکیل دهد. در سطح منظومه منطقه ای آفریقا، بحران کنونی سومالی - اتیوپی از شکنندگی و ضعف کشورهای آفریقایی در سطوح مختلف سازمانی آن، پرده برداشت. با نگاهی به مواضع رسمی اتحادیه آفریقا و سازمان ایگاد می بینیم که آنها در مواضع رسمی خود اقدام جمهوری فدرال اتیوپی در نقض حاکمیت سومالی را صراحتاً محکوم نکردند. دو برداشت متفاوت می توان از این امر داشت. برداشت اول اینکه، این دو سازمان روش تنش زدایی را در پیش گرفته اند تا بتوانند روند امور را بهتر مدیریت کرده و تا حد امکان از دامن زدن به تنش دوری کنند. این یک برداشت خوش بینانه ای است که می توان از رفتار سیاسی دیپلماتیک این دو سازمان داشت. اما برداشت دوم، برخلاف برداشت اولی، بر این باور است که دستگاہها و ارگانهای تصمیم ساز در ایگاد و اتحادیه آفریقا تحت نفوذ و سلطه سیاسی آدیس آبابا قرار دارند که عدم محکومیت آشکار اتیوپی از سوی این دو سازمان، این دیدگاه و برداشت را تقویت می کند. اتحادیه آفریقا

نیز در بیانیه خود صرفاً به دعوت از طرفین به "حفظ آرامش و احترام متقابل برای کاهش سطح تنشها" اکتفا کرد^(۳۳). در عین حال، سازمان ایگاد^(۳۴) در بیانیه خود به ذکر این نکته اکتفا کرد که این سازمان "وضعیت را از نزدیک دنبال می کند و نسبت به پیامدهای احتمالی آن بر ثبات منطقه ای کاملاً آگاه است." این بیانیه همچنین از رهبران ایگاد و دو کشور برادر می خواهد که برای رسیدن به یک راه حل مسالمت آمیز و دوستانه برای حل وضعیت موجود، و تقویت ارزشهای مشترک این سازمان، همکاری کنند

اما در این میان، اتحادیه کشورهای عرب موضع متفاوتی در قبال بحران منطقه شاخ آفریقا اتخاذ کرد. این اتحادیه یادداشت امضا شده میان اتیوپی و سومالی لند را محکوم کرد و از موضع رهبری سیاسی حاکم در سومالی حمایت کرد. اتحادیه عرب^(۳۵) در ۳ ژانویه ۲۰۲۴ با صدور بیانیه ای بر موضع این سازمان در مورد تمامیت ارضی سومالی تأکید و هرگونه اقدام تجاوزکارانه اتیوپی به سومالی را محکوم کرد. نکته قابل توجه در موضع اتحادیه عرب این است که این اتحادیه بر این باور است که اقدام اخیر اتیوپی تلاشها برای برقراری صلح و ابتکارها برای ایجاد وحدت داخلی سومالی میان دولت مرکزی و اقلیم های فدرالی را به مخاطره می اندازد. و به رویکردهای جدایی طلبانه و برهم زننده امنیت و ثبات ملی و منطقه ای رونق می بخشد.

از سویی دیگر، مصر نه تنها موضعی همسو با اتحادیه عرب اتخاذ کرد بلکه قاهره موضع جدی تری مبنی بر وحدت و سلامت ارضی سومالی در پیش گرفت و آمادگی خود را برای مقابله با هر عاملی که حاکمیت موگادیشو را تهدید کند، اعلام کرد. در واقع قاهره تلاش می کند نسبت به کشورگشایی اتیوپی در منطقه و ورود منطقه به مرحله تازه ای از صف آراییی ائتلافهای منطقه ای هشدار دهد؛ به ویژه اینکه آنطور که وزیر خارجه مصر می گوید^(۳۶)، سیاستهای اتیوپی باعث ایجاد ناآرامی در فضای منطقه ای می شود. گفتنی است که تعداد زیادی از کشورهای

منطقه شاخ آفریقا مخصوصاً سودان، جیبوتی، ارتیره و سومالی در این موضع با مصر اتفاق نظر دارند.

و در پایان، عربستان سعودی نیز در مورد این توافق موضع قاطعی اتخاذ کرد. در پایان سفر حسن شیخ محمود رئیس جمهور سومالی به عربستان سعودی در آوریل ۲۰۲۴، دو کشور طی بیانیه مشترکی بر وحدت جمهوری فدرال سومالی و تمامیت ارضی آن تأکید کردند. همچنین طرفین بر ضرورت پایبندی به اصول حسن همجواری تأکید کردند که به طور ضمنی به معنای مخالفت با قرارداد اتیوپی با سومالی لند است. این موضع عربستان سعودی، با موضع اتحادیه عرب همخوانی دارد و در راستای موضع حمایتی عربستان سعودی از کشورهای عربی در سطح سیاسی و اقتصادی است^(۲۷)

سوم: پیامدهای امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی لند
اقدام اتیوپی در امضای یادداشت تفاهم با مقامات سومالی لند با هدف دسترسی به بندری در ساحل دریای سرخ، به خاطر شرایط حساسی که از چند سال بدینسو منطقه را درگیر خود نموده است، از جنبه های مختلف مورد ارزیابی قرار گرفت و قرائت های متفاوت و متناقضی نیز از آن ارائه شد و در نتیجه، با واکنشهای متفاوت و متناقضی نیز روبرو شد. این وضعیت با شدت گرفتن درگیری میان نیروهای غربی و حوثی ها به خاطر پیامدهای جنگ کنونی در غزه، وخیم تر و پیچیده تر شد. علاوه بر آن، ویژگی سومالی که هم در شمار کشورهای عرب قرار می گیرد و هم در شمار کشورهای آفریقایی، سبب شد که هر دو سازمان مواضع متفاوتی در این مورد داشته باشند. به طور خلاصه می توان پیامدهای امضای یادداشت تفاهم مزبور را به شرح زیر بیان کرد

یک. تقویت جایگاه اتیوپی و تهدید حاکمیت و استقلال سومالی
همانطور که قبلاً بیان شد، فضای منطقه ای و بین المللی آکنده از تحولات پرشتاب، فرصت بسیار طلایی برای آدیس آبابا فراهم ساخت تا بتواند در سطح ملی و منطقه ای این دستاورد بزرگ برای خود رقم

بزند. این امر می‌تواند علاوه بر تقویت جایگاه نخست وزیر اتیوپی در رقابتهای سیاسی داخلی، با تقویت نفوذ اتیوپی در سطح منطقه، به نوعی موازنه قدرت را در منطقه شاخ آفریقا و منطقه دریای سرخ تغییر دهد. از لحاظ اقتصادی، تنگه باب المندب به سوی جنوب و کانال سوئز به سمت شمال حدود ۱۲ درصد کل تجارت نفت و حدود ۸ درصد محموله های گاز طبیعی مایع در سطح جهان را از خود عبور می‌دهند^(۲۸). لذا، یکی از اهداف اتیوپی برای دسترسی به بندر دریایی در ساحل دریای سرخ، این است که به مرکز صنعتی و لجستیک منطقه ای تبدیل شود و با رشد اقتصادی، نفوذ و جایگاه خود را در شاخ آفریقا تقویت کند. این امر سبب پیوند اقتصادهای کشورهای منطقه با اقتصاد اتیوپی می‌شود و در نتیجه، نفوذ و سلطه منطقه ای آدیس آبابا تقویت می‌گردد و می‌تواند سرمایه‌گذاریهای خارجی را بیشتر جلب کند.

در مقابل، این اقدام اتیوپی به منزله نقض حاکمیت ملی سومالی و تهدید تمامیت ارضی این کشور قلمداد شد؛ به ویژه اینکه به موجب این یادداشت تفاهم، اتیوپی متعهد شده است که در آینده استقلال اقلیم سومالی‌لند را به رسمیت بشناسد. در واقع، می‌توان گفت نگرانیهای فزاینده موگادیشو به جا است. با نگاهی به گذشته سومالی از زمان تأسیس جمهور سومالی در سال ۱۹۶۰ و روابط آن با سایر کشورهای شاخ آفریقا و مخصوصاً با اتیوپی، این واقعیت برایمان روشن می‌شود که موگادیشو همواره تحولات فضای جغرافیایی خود را با حساسیت و نگرانی دنبال کرده است. در مورد اتیوپی، مسأله اقلیم ”اوگادین“ و ”یا“ سومالی غربی ”که استعمار انگلیس در پایان جنگ جهانی آن را به اتیوپی ضمیمه کرد، همچنان به عنوان یک مسأله لاینحل باقی مانده است و ادامه روابط میان دو کشور را تهدید می‌کند. و با تدوین قانون اساسی این نگرانی تشدید شد؛ زیرا قانون اساسی بر بازپس‌گیری حاکمیت و وحدت سرزمین سومالی و بازپس‌گیری اقلیمهایی چون منطقه سومالی غربی ”اوگادین“، سومالی فرانسوی ”جیبوتی“، و اقلیم شمال شرقی کنیا

صراحت دارد^(۲۹).

نقشه (۳) موقعیت سومالی لند را نشان می دهد



دو. تأثیر بر توازنات راهبردی در منطقه شاخ آفریقا

در سطح راهبردی و ژئوپلیتیک، دسترسی اتیوپی به دریای سرخ می تواند نقش آفرینی این کشور در معادله امنیت دریای سرخ را تضمین کند و این کشور می تواند به بهانه تأمین امنیت تجارت و حمایت از جریان تجارت و کشتیرانی بین المللی یک پایگاه نظامی در نزدیکی تنگه باب المندب داشته باشد. همچنین، دسترسی آدیس آبابا به دریای سرخ سبب می شود که اتیوپی با جلب همکاری قدرتهای بین المللی بازیگر در منطقه، بار دیگر اعتماد غرب را نیز به دست آورد. گفتنی است پیامدهای جنگ اخیر اتیوپی در اقلیم تیگرای در شمال کشور، بر روابط این کشور با غرب سایه افکنده است. گذشته از همه اینها، اتیوپی دیگر تنها به بندر جیبوتی تکیه نمی کند و دسترسی به دریای سرخ از طریق سومالی لند، گزینه های راهبردی آدیس آبابا را تنوع می بخشد^(۳۰)

اصلاح، بازسازی و نوسازی از جمله اصطلاحاتی است که بعد از امضای یادداشت تفاهم میان آدیس آبابا و سومالی لند، در تحلیل های ناظران امور منطقه شاخ آفریقا به صورت گسترده ای به کار رفت. این تحلیلهای با موضوع سناریوهای احتمالی ائتلافهای کشورهای همسایه اتیوپی در منطقه شاخ آفریقا، اغلب بر جمهوری عربی مصر، سودان، سومالی، اریتره و جیبوتی تمرکز داشت. در وهله اول، وجه مشترک همه این کشورها عرب بودن است. البته اگر اریتره را که با جمعیت مسلمان با تنوع فرهنگی خود بخش اعظم ترکیب جمعیتی آن را تشکیل می دهند، از میان آنها استثنا کنیم. از منظر واقع گرایی سیاسی، همه این کشورها به نوعی از این اقدام یک جانبه اتیوپی متضرر می گردند. پیش بینی ها در مورد نزدیکی بیشتر میان این پنج کشور، علاوه بر بازتاب گسترده آن، توجیه عقلانی دارد و بسیار مهم است. جمهوری عربی مصر و سودان دریای سرخ را منطقه نفوذ حیاتی منافع تجاری و اقتصادی خود می دانند که رفتارهای آدیس آبابا مخصوصا بعد از به قدرت رسیدن آبی احمد در سال ۲۰۱۸ و سیاستهای یک جانبه آن در قبال آب نیل و احداث سد النهضة با ایجاد "نگرانی" دائمی می تواند منافع آنها را تحت تأثیر قرار دهد. از نگاه ارتیره، این اقدام اتیوپی نقض آشکار حق حاکمیت یک کشور دوست و برادر است و اگر برای مقابله با آن یک اقدام صورت دسته جمعی و قاطعانه ای روی دست گرفته نشود، احتمال اینکه اتیوپی این رفتار را در مورد اریتره نیز تکرار کند، همواره وجود دارد؛ زیرا ارتیره با توافق پروتوریا که در سال ۲۰۲۲ برای توقف جنگ میان اتیوپی و جبهه تیگرای به امضا رسید، مخالفت ورزید. علاوه بر آن، حرف و حدیثهایی نیز مطرح است که اسمره از جبهه فانو امهره در جنگ علیه نظام اتیوپی حمایت می کند. همه این عوامل سبب شده است تا ارتیره موضع خود را بار دیگر با قاهره مخصوصا درباره مسائل مهم منطقه ای نزدیک سازد. اما از نگاه جیبوتی، این اقدام یک جانبه اتیوپی تلاشهای دیپلماتیک برای نزدیک ساختن گروههای سومالی را به

بن بست می کشاند؛ به ویژه اینکه اقدام اخیر اتیوپی تنها دو روز بعد از آن صورت گرفت که حکومت مرکزی در موگادیشو و مقامات سومالی لند برای از سرگیری گفتگوها توافقنامه ای امضا کردند^(۳۱). وانگهی، بیش از ۹۰ درصد تجارت اتیوپی از طریق بندری در جیبوتی صورت می گیرد که این امر برای جیبوتی منافع اقتصادی زیادی دارد. و دسترسی آدیس آبابا به دریای سرخ از طریق سومالی لند، این منافع اقتصادی جیبوتی را به مخاطره می اندازد. همه این نشانه ها، از احتمال بالای تشکیل جبهه منطقه ای برای مقابله با رویکردها و سیاستهای یک جانبه آدیس آبابا در منطقه حکایت دارد.

از سویی دیگر، با توجه به ماهیت و اهمیت مسائل منطقه شاخ آفریقا و دریای سرخ، این اقدام اخیر اتیوپی پیامدها و ابعاد گوناگونی در خصوص منافع کشورهای بازیگر و بازیگرانی که به دنبال نقش آفرینی در سطح سیاسی و اقتصادی هستند، به دنبال دارد. علاوه بر پیامدهایی در خصوص تغییر موازنه قدرت و بازسازی ائتلافهای کشورهای شاخ آفریقا که در این مقاله به آن پرداخته شد، این اقدام اخیر اتیوپی پیامدهایی بر سیاستهای قدرتهای منطقه ای و بین المللی دیگری چون امارات متحده عربی، ترکیه و ایران نیز دارد.

سه. تأثیرگذاری بر رویکردهای قدرتهای منطقه ای و بین المللی در منطقه دریای سرخ و شاخ آفریقا

در بحث پیامدهای احتمالی منطقه ای، نقش امارات در منطقه دریای سرخ در مقایسه با سایر کشورهای عربی غیر آفریقایی منطقه، بسیار پویاتر و پرننگ تر است. کشور امارات از مدتها قبل برای تسهیل در زنجیره های تأمین تجاری که به اقتصاد داخلی و جهانی گره خورده است، احداث بنادری در طول ساحل دریای سرخ را در رویکرد اقتصادی و سیاسی خود گنجانده است. به استثنای جیبوتی و اریتره، منافع امارات از طریق دو شرکت یعنی "شرکت بین المللی بنادر دبی" و "گروه بنادر ابوظبی" در تمامی بنادر منطقه حضور دارد. امارات در صدد است

نسخه ای از طرح چینی راه ابریشم را پیاده سازی کند. ابوظبی تلاش دارد یک خط تجاری در شرق آفریقا احداث کند که از مصر آغاز شده و تا موزامبیک امتداد می یابد. در همین راستا، گفتگوهای فشرده ای با دولت کنیا برای امضای قراردادی در جریان است که به موجب آن کار توسعه منطقه صنعتی ”دونگو کندو“ در نزدیکی بندر مومباسا با هزینه ۳۰۰ میلیون دلار آغاز گردد^(۳۲). ذکر این نکته نیز لازم است که امارات با امضای تفاهمنامه اتیوپی با سومالی لندن نه تنها اعتراضی ندارد بلکه ”گروه بنادر دبی“ در سال ۲۰۲۲ به میزان ۱۹ درصد در سهام بندر بربره در سومالی لندن که در اختیار آدیس آبابا قرار دارد، شریک گشته است^(۳۳). این اقدام امارات در پی آن صورت گرفت که جیبوتی در سال ۲۰۱۹ قرار داد با امارات در مورد بهره برداری از بندر اصلی خود را فسخ کرد. این اقدامها می تواند به تقویت مراکز نفوذ همپیمان اتیوپی در ساحل دریای سرخ منجر شود.

از سویی دیگر و با توجه به اطلس منافع درهم تنیده در منطقه شاخ آفریقا و دریای سرخ، به هیچ وجه نمی توان نقش رو به رشد ترکیه در این منطقه را نادیده گرفت. نهادهای تصمیم ساز در آنکارا که حضور امپراطوری عثمانی در سواحل آبهای گرم دریای سرخ را در حافظه تاریخی خود دارند، در تعیین سیاست خارجی ترکیه در قبال این حوزه جغرافیایی که در سطح منطقه، قاره و بین الملل روز به روز بر اهمیت آن افزوده می شود، نقش بسیار پررنگی دارند. از این رو، ترکیه همواره کوشیده است تا از طریق تقویت نقش خود در کشورها و نهادهای سیاسی بازیگر در منطقه، حوزه های نفوذ خود را در قاره آفریقا گسترش دهد.

در همین راستا، اندکی بعد از امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی لندن در اوایل سال جاری، ترکیه و سومالی نیز در یک توافقنامه ده ساله در حوزه همکاری نظامی با یکدیگر امضا کردند که به موجب آن ترکیه از سواحل دریایی سومالی محافظت می کند و آنکارا از حق بهره برداری از ۲۰ درصد منابع ساحلی که طولانی ترین ساحل در

قاره آفریقا است، برخوردار می‌گردد. این توافقنامه حوزه‌هایی چون همکاری دفاعی، اقتصادی، مبارزه با جرائم دزدی دریایی، مقابله با دخالتهای خارجی، صید غیر مجاز و همچنین آموزش و ایجاد نیروهای دریایی سومالی و تجهیز آنها را شامل می‌شود.^(۲۴) گفتنی است که ترکیه بر اساس توافق دوجانبه سال ۲۰۱۶، مدیریت بندر موگادیشو را به مدت ۲۰ سال در اختیار گرفته است که شرکت ترکیه ای بنام "بیرق" در ازای مدیریت بندر موگادیشو، ۴۵ درصد درآمدهای آن را دریافت می‌کند که حضور اتیوپی در سواحل سومالی لند می‌تواند این درآمد ترکیه را تحت تأثیر قرار دهد. سیاستمداران آنکارا توجه ویژه‌ای به کشور سومالی دارند و اقدام ترکیه در احداث پایگاه نظامی در سومالی در سال ۲۰۱۱، حکایت از همین امر دارد. علاوه بر آن، ترکیه برنامه‌ها و طرحهای توسعه‌ای مانند احداث مدارس و بیمارستانها و نیز احداث راههای زمینی در سومالی را در کارنامه خود دارد. سیاستمداران ترکیه پیش از این نیز در مورد حضور نظامی ترکیه در این منطقه توجه داشته‌اند و نیروهای دریایی ترکیه در ۲۵ فوریه ۲۰۰۹ در مأموریتهای بین‌المللی گروه ضربت مشترک^(۲۵) «CTF-۱۵۱» که مأموریت آن مبارزه با دزدی دریایی در خلیج عدن و دریای سرخ بود، ایفای نقش کرد. همچنین، ترکیه در سال ۲۰۱۶ یک پایگاه نظامی دیگری نیز در کشور جیبوتی ایجاد کرد

اما در مورد پیامدهای احتمالی امضای یادداشت تفاهم میان اتیوپی و سومالی لند بر مسائل خارجی ایران، تحلیلهای و تفسیرهای متفاوت و حتی در برخی موارد کاملاً متضادی ارائه شده است. بدون شک، اهمیت رو به رشد منطقه شاخ آفریقا و دریای سرخ، قطب‌نمای سیاست خارجی تهران را از همان ابتدای پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ به سوی خود جلب کرد. اما در سایه تلاشهای آدیس‌آبابا برای دسترسی به دریای سرخ، تفسیر و تحلیل رابطه و رویکرد ایران به اتیوپی اندکی پیچیده‌تر می‌نماید. تهران به این امید که در اتیوپی که یکی از کشورهای بزرگ منطقه است، جای پای خود را محکم کند در زمینه همکاری نظامی با

آدیس آبابا بسیار سخاوتمندانه وارد شد و در جریان جنگ داخلی که دولت مرکزی علیه جنگجویان اقلیم تیگرای به راه انداخت، تهران پهپادهای شناسایی و تهاجمی مهاجر^(۳۶) را در اختیار آدیس آبابا قرار داد. اما با سناریوی احتمالی اتیوپی برای حضور در سواحل دریای سرخ از طریق سومالی لند با هدف استفاده از جریان تجارت جهانی و نزدیکی بیشتر با قدرتهای غربی، خوابی که تهران دیده است تعبیر نخواهد شد؛ مخصوصا که اکنون جریان تجارت جهانی به خاطر سیاستهای حوئی ها (بازوی نیابتی ایران) به دلیل پیامدهای تجاوز اسرائیل به نوار غزه، دچار بحران شده است. از این رو، نزدیکی اتیوپی به قدرتهای غربی و سهم گرفتن در جریان تجارت جهانی در دریای سرخ، می تواند در دراز مدت برای منافع سیاسی راهبردی ایران در دریای سرخ پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد

موضع مخالف عربستان سعودی در قبال توافق اتیوپی و سومالی لند، نشان دهنده این واقعیت است که ریاض از چندین سال بدینسو مخصوصا از زمانیکه شاخ آفریقا به عرصه رقابتهای ژئوپلیتیک بدل شد و توجهات منطقه ای و بین المللی را به خود جلب کرد، به این منطقه به دیده اهمیت می نگرد. شایان ذکر است که روابط عربستان سعودی و سومالی در سالهای اخیر و مخصوصا در زمینه اقتصادی شاهد پیشرفتهایی بوده است. میزان مبادلات تجاری میان دو کشور، در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۲۱ حدود ۱۰۵ درصد رشد داشته است. و عربستان سعودی در صدد است سرمایه گذاریهای بیشتری در سومالی انجام دهد و با این کار با سایر نقش آفرینی های منطقه ای و بین المللی رقابت می کند. اما رویکرد عربستان سعودی بر همکاری، تقویت ثبات، حمایت از توسعه و روابط اقتصادی متقابل تمرکز دارد^(۳۷). جا دارد که در اینجا به توافقنامه امنیتی اشاره کنیم که در نوامبر ۲۰۰۳ میان عربستان سعودی و جمهوری فدرالی سومالی در خصوص تقویت همکاری امنیتی، مبارزه با تروریسم، همکاری در بخش اطلاعاتی و افزایش توانمندی ها میان طرفین به امضا رسید.

این توافقنامه نمود دیگری است از اینکه پادشاهی عربستان سعودی در راستای بلندپروازیه‌ها و طرحهایی که در منطقه شاخ آفریقا در دریای سرخ در نظر دارد، در صدد افزایش نقش آفرینی‌های تأثیرگذار خود در این منطقه است.

چهار. دامن زدن به آنارشیسم منطقه‌ای و خنثی کردن تلاشهای مشترک برای مقابله با گروههای افراطی

این احتمال وجود دارد که گروههای افراطی در منطقه شاخ آفریقا از تنش‌های که در پی اقدام اخیر اتیوپی به وجود آمده است استفاده کرده و فعالیتهای خود را توسعه دهند. در این زمینه، حسن شیخ محمود رئیس جمهور سومالی در اظهاراتی که در خصوص مضامین یادداشت تفاهم بیان کرد، اظهار نگرانی کرد احتمالاً پیامدهای منفی این امر در آینده‌ای نزدیک بر تمام منطقه سایه اندازد. او نیز به امکان شکست تلاشهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای مبارزه با گروههای مسلح افراطی را اشاره کرد و در این زمینه از گروه "الشباب المجاهدین" که در تمام مناطق و کشورهای شاخ آفریقا حضور و فعالیت دارند، نام برد. و این امکان وجود دارد که این سیاست خصمانه اتیوپی به یک بی‌ثباتی امنیتی و هرج و مرجی منجر شود که زمینه مناسبی برای فعالیتهای گروه الشباب مهیا می‌سازد.^(۳۸) ناظران بر این باورند که اختلاف میان اتیوپی و سومالی می‌تواند بر هماهنگیهای دوجانبه در مورد مبارزه با گروه الشباب سایه اندازد؛ گفتنی است این گروه که در سومالی پایگاههای عملیاتی دارد، فعالیتهای خود را از آنجا به کشورهای مجاور گسترش می‌دهد. اتیوپی از جمله کشورهایی است که نیروهای نظامی‌اش در کنار کشورهایی چون برون‌دی، جیبوتی، کنیا و اوگاندا در "هیات انتقال اتحادیه آفریقا در سومالی (ATMIS)" حضور دارد که از آوریل ۲۰۲۲ بنا به تصمیم شورای صلح و امنیت اتحادیه آفریقا و موافقت شورای امنیت سازمان ملل به انجام مأموریت می‌پردازند.^(۳۹)

برآیند

در دهه اخیر، منطقه شاخ آفریقا و دریای سرخ تحولات و رخداد‌های زیادی را به خود دید که در نهایت به پیدایش فضای تازه ای از ائتلافها و تعاملات عمیق ژئوپلیتیک انجامید و گمانه زنی های زیادی را در مورد سناریوهای احتمالی آینده مطرح ساخت. بحران اخیر ناشی از پیامدهای امضای یادداشت تفاهم میان آدیس آبابا و سومالی لند، تنها یکی از این زنجیره ادامه دار تحولات است که می تواند بر امنیت و ثبات منطقه سایه افکند. و همانطور که در این پژوهش به آن پرداخته شد، تحولات منطقه ای و رخدادها و درگیریهای جاری در دریای سرخ یکی از عواملی بود که به اتیوپی امکان داد تا برای دسترسی به دریای سرخ قراردادی را امضا کند. بر این اساس، تصویری که از موازنه قدرت در آینده نزدیک می توان داشت این است که علی رغم اظهارات اتیوپی که همواره بر ”به صفر رساندن مشکلات“ با کشورهای منطقه تأکید دارد، اما آدیس آبابا از سال ۲۰۱۸ عملاً رهیافت تحمیل “واقعیت انجام شده” را روی دست گرفته است و همچنان این سیاست را ادامه می دهد و تحولات اخیر در پرونده آب نیل و موضعی که اتیوپی در برابر مصر و سودان اتخاذ کرد، همگی شاهی بر این مدعا است. از سویی دیگر، سومالی لند نیز از سیاست ”تحمیل واقعیت انجام شده“ به عنوان یک کارت راهبردی مهم استفاده خواهد کرد تا از سوی واحدهای سیاسی بین الملل و بازیگران تازه به رسمیت شناخته شود. در کل می توان گفت که برنده اصلی از این تحولات، سومالی لند است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که این بحران می تواند به نزدیکی بیشتر قاهره، موگادیشو و اسمره منجر شود. زیرا از نگاه این سه کشور، تلاشهای پیگیر و مصرانه اتیوپی برای دسترسی به دریا، علاوه بر اینکه منافع حیاتی اقتصادی و تجاری آنها را به مخاطره می اندازد، برای ثبات و امنیت ملی منطقه نیز یک تهدید جدی تلقی می شود. از این رو، می توان گفت به نظر می رسد وضعیت در دریای سرخ و شاخ آفریقا آبهستن

سناریوها و احتمالات پیچیده ای است که تنها گذشت زمان می تواند از آنها پرده بردارد.

پی نوشت ها

- (1) UN-OHRLLS, "Landlocked Developing Countries: things to know, things to do". New York 2024. P01.
- (2) UN-OHRLLS, "Landlocked Developing Countries Fact Sheet 2022". New York in 2020. p 01.
- (3) Daosadeth Soysouvanh, "Freight transport in least developed landlocked countries: a case study of Laos PDR". (The University of Leeds: Submitted in accordance with the requirement for the degree of Doctor of Philosophy, Institute for Transport Studies, 11 th June, 2018), p01.
- (4) Mahdi, Samiullah, "Security and Foreign Policy of Landlocked States", (University of Massachusetts Boston. Graduate Masters Theses. 2016), p05.
- (5) Lahiri, Bidisha & Masjidi, Feroz K., 2012. "Landlocked Countries: A Way to Integrate with Coastal Economies," Journal of Economic Integration, (Sejong University: Center for Economic Integration, vol. 27, 2012), p506.
- (6) Ingo Borchert (et al), "Landlocked or Policy Locked? How Services Trade Protection Deepens Economic Isolation", Paper prepared for the workshop: "Aid for Trade: What Have we Learnt? Which way Ahead?", (Geneva International Conference Centre, 6 December 2012), p02.
- (7) طارق قابيل، "أكسوم المنسية.. العثور على مدينة تاريخية مفقودة لمملكة النجاشي"، الجزيرة نت، (29 دسامبر 2019)، تاريخ بازديد: 29 فوریه 2024. <https://bitly.ws/3eCMF>.
- (8) Gulaid Yusuf Idaan, "Undying Ambition Ethiopia's Enduring Quest for Access to the Sea - Historical Foundations, Geopolitical Strategies, and Regional Implications", (24 Dec 2023), accessed: 29 February 2024, <https://bitly.ws/3eCNG>.
- (9) Samuel Negash, Ethiopia's Elusive Quest for an Outlet to the Sea: The Case of the Haud-Zeila Exchange from the 1920s to the 1950s In: Movements in Ethiopia, Ethiopia in Movement. Volume 1: Proceedings of the 18th International Conference of Ethiopian Studies [online]. (Addis Ababa, Los Angeles: Centre français des Études Éthiopiennes, generated 25 février 2024). P14.
- (10) Ahmed cadde, "Ethiopia's dreams of capturing Zeila", twitter, (January 01, 2024), accessed: March 01, 2024, <https://bitly.ws/3eHLA>
- (11) Somalialandsun, "Ethiopia offers Britain land in exchange for Zeila port of Somaliland – 1946", (December 10, 2013), accessed: March 01, 2024: <https://bitly.ws/3eHMR>
- (12) Global Infrastructure Hub, "Addis Ababa–Djibouti Railway (Ethiopia – Djibouti)", Ramboll, accessed: March 01, 2024, p 02, <https://2u.pw/OkmYzCd2>

- (13) Ibid, p75.
- (14) الجزيرة نت، "رئيس جيبوتي ي دشن طريقا رابطا بين ميناء تاجورا وشمالى إثيوبيا"، (07 نوامبر 2019)، تاريخ بازديد: 06 مارس 2024، <https://bitly.ws/3faqV>.
- (15) ماركوس فيرجيل هوهن، "التجارة والصراع والتفتت: أزمة السيادة في القرن الأفريقي"، (22 مارس 2024)، تاريخ بازديد: 23 مارس 2024، <https://bitly.ws/3gBmx>.
- (16) مصطفى أحمد، "لأجل المياه الدافئة.. هل يُشعل أبي أحمد حربا في البحر الأحمر؟"، الجزيرة نت، (23 دسامبر 2023)، تاريخ بازديد: 10 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fsSv>.
- (17) الشرق الأوسط، "رئيس وزراء إثيوبيا: لن نغزو أي بلد للوصول إلى البحر الأحمر"، (14 نوامبر 2023)، تاريخ بازديد: 10 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fsWn>.
- (18) عبد الرحمن عبد الله باديو، "الآثار السلبية لمذكرة التفاهم بين إثيوبيا وأرض الصومال على القرن الأفريقي!"، (13 فوريه 2024)، تاريخ بازديد: 10 مارس 2024، <https://bitly.ws/3ft5R>.
- (19) بي بي سي عربي، "ماذا نعرف عن أرض الصومال ومذكرة التفاهم بينها وبين إثيوبيا؟"، (09 ژانويه 2024)، تاريخ بازديد: 10 مارس 2024، <https://bitly.ws/3ft4d>.
- (20) أحمد عسكر، "التنافس الدولي على الموانئ البحرية في منطقة أفريقيا جنوب الصحراء"، سلسلة كراسات استراتيجية، (القاهرة: مركز الأهرام للدراسات السياسية والاستراتيجية، شماركان 342، جلد 31، نوامبر 2022)، ص 10.
- (21) ماركوس فيرجيل هوهن، "التجارة والصراع والتفتت: أزمة السيادة في القرن الأفريقي"، همان.
- (22) روسيا اليوم، "الرئيس الصومالي يوقع على قانون إلغاء الاتفاقية المبرمة بين إثيوبيا وإقليم أرض الصومال"، (06 ژانويه 2024)، تاريخ بازديد: 15 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fTMU>.
- (23) صحيفة العرب، "الاتحاد الأفريقي يمسك العصا من المنتصف في الخلاف الناشئ بين الصومال وإثيوبيا"، (05 ژانويه 2024)، تاريخ بازديد: 15 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fxuu>.
- (24) إبراهيم صالح، "من الجفاف إلى الصراعات.. كيف تواجه "إيغاد" أزمات شرق أفريقيا؟"، الجزيرة نت، (13 ژانويه 2024)، تاريخ بازديد: 15 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fxTb>.
- (25) القدس العربي، "الجامعة العربية ترفض وتدين مذكرة تفاهم إثيوبية لانتهاكها سيادة الصومال وسلامة أراضيها"، (03 ژانويه 2024)، تاريخ بازديد: 15 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fXBD>.
- (26) الجزيرة نت، "إدانة عربية لإثيوبيا ومصر تعتبرها مصدرا لبث الاضطراب بالمنطقة"، (17 ژانويه 2024)، تاريخ بازديد: 15/03/2024، <https://bitly.ws/3fZok>.
- (27) الشرق الأوسط، في بيان مشترك... السعودية تؤكد سيادة الصومال على كامل أراضيه، (7 أويل 2024)، تاريخ بازديد: 30 أويل 2024، <https://2h.ae/YMLC>.
- (28) همان.
- (29) محمود زكريا، "منفذ بحري: كيف تصاعدت التوترات بين إثيوبيا والصومال؟"، انترجونا للتحليلات الاستراتيجية، (26 اكتوبر 2023)، تاريخ بازديد: 15 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fTNI>.
- (30) مصطفى أحمد، "لأجل المياه الدافئة.. هل يُشعل أبي أحمد حربا في البحر الأحمر؟"، همان.
- (31) بدر حسن شافعي، "مصر وإمكانية تطويق إثيوبيا في القرن الأفريقي"، الجزيرة نت، (31

- ژانویه 2024)، تاریخ بازدید: 31 مارس 2024، <https://bitly.ws/3h7UC>، (32) نذیر العربی، ”ما أهداف الإمارات من ”غزو“ الموانئ شرق أفريقيا؟“، موقع عربي 21، (14) أبريل 2023)، تاریخ بازدید: 31 مارس 2024، <https://bitly.ws/3h7Mx>، (33) أحمد عسکر، ”التنافس الدولي على الموانئ البحرية في منطقة أفريقيا جنوب الصحراء“، همان، ص 10
- (34) أروى حنيش، الاتفاق الدفاعي بين تركيا والصومال هل يمنح تركيا أن تكون لاعبا في توازنات القرن الأفريقي؟، وبسایت عرب جورنال، 12 مارس 2024، تاریخ بازدید: 15 آوریل 2024، <https://arab-j.net/21355>
- (35) ترك برس، ”تنامي نفوذ تركيا في البحر الأحمر بقوات ناعمة وخشنة...لماذا الآن؟“، 9 فبراير 2024، تاریخ بازدید: 31 مارس 2024، <https://bitly.ws/3h7J3>، (36) محمد محسن أبو النور، ”دلالات الدعم الإيراني العسكري المكشوف لإثيوبيا وأبعاده“، (29) أكتوبر 2021) تاریخ بازدید: 31 مارس 2024، <https://bitly.ws/3h7QF>، (37) الشرق الأوسط، في بيان مشترك... السعودية تؤكد سيادة الصومال على كامل أراضيه، همان.
- (38) العربية نت، ”الرئيس الصومالي للعربية: مذكرة التفاهم بين إثيوبيا وأرض الصومال أداة لتجنيد المتطرفين“، 21 ژانویه 2024، تاریخ بازدید: 15 مارس 2024، <https://bitly.ws/3fTRv>، (39) محمود زكريا، ”منفذ بحري: كيف تصاعدت التوترات بين إثيوبيا والصومال؟“، همان.



+966112166696

info@rasanahiis.com

www.rasanah-iiis.org



Rasanah_iiis